

اتاق بازرگانی،
صنایع، معادن و
کشاورزی تهران

اقتصاد غیررسمی در ایران

گزارش نهایی

ویراست ۳۰-۷-۱۳۹۵

شرکت آینده‌پژوهان اقتصاد

توسعه



شناسنامه گزارش

عنوان پروژه	اقتصاد غیررسمی در ایران
کارفرما	اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
مجری	دکتر علی عرب‌مازار یزدی - استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی
همکار	طاهره حاجی حسینی - دانشجوی دکترای اقتصاد و مدرس دانشگاه پیام نور
همکار	مریم نوروزی نژاد - دانشجوی دکترای اقتصاد و مدرس دانشگاه پیام نور
شناسه گزارش	گزارش نهایی - ویراست ۳۰-۷-۱۳۹۵

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۵
۱. بیان مسأله	۵
۲. اهداف پژوهش	۸
۳. پرسشهای محوری پژوهش	۹
۴. روش تحقیق	۱۰
فصل دوم: تعریف اقتصاد غیررسمی و مفاهیم مرتبط با آن	۲۱
۱. مقدمه	۲۱
۲. اقتصاد غیررسمی و اجزاء آن	۲۲
۳. اقتصاد غیررسمی در نظام حساب‌های ملی	۲۶
۳-۱. تعریف بخش غیررسمی در نظام حساب‌های ملی	۲۷
۳-۲. نظام حساب‌های ملی و تولید غیرقانونی	۲۸
۳-۳. تولید پنهان یا اقتصاد زیرزمینی در نظام حساب‌های ملی	۲۹
۴. اقتصاد غیررسمی و فعالیتهای مجرمانه	۳۰
فصل سوم: چرا اقتصاد غیررسمی؟	۳۲
۱. مقدمه	۳۲

۳۳.....	۲. چارچوب نظری: عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی
۴۰.....	۳. عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی در ایران
۴۴.....	۴. بررسی تطبیقی یافته‌های تجربی مطالعات
۶۸.....	فصل چهارم: آثار اقتصاد غیررسمی
۶۸.....	۱. مقدمه
۶۹.....	۲. آثار اقتصاد غیررسمی در نظریه‌های اقتصادی
۶۹.....	۲-۱. گسترش رفاه؟!.....
۷۰.....	۲-۲. رشد اقتصاد رسمی؛ کاهش یا افزایش؟.....
۷۱.....	۲-۳. اشتغال‌زایی و اشتغال‌زدایی.....
۷۲.....	۲-۴. کاهش درآمد مالیاتی.....
۷۳.....	۲-۵. افزایش تقاضای پول.....
۷۳.....	۲-۶. افزایش مصرف.....
۷۴.....	۲-۷. تغییر مابه‌التفاوت نرخ ارز.....
۷۵.....	۲-۸. تقلیل اثربخشی سیاست‌های اقتصادی.....
۷۶.....	۲-۹. کاهش بهره‌وری.....
۷۷.....	۲-۱۰. تداوم توسعه‌نیافته‌گی.....
۷۸.....	۳. آثار اقتصاد غیررسمی در ایران
۸۲.....	۴. آثار اقتصاد غیررسمی؛ مقایسه‌ی یافته‌های تجربی مطالعات
۹۷.....	فصل پنجم: اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران و جهان

۱. مقدمه	۹۷
۲. روش‌های اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی	۹۹
۲-۱. روش‌های اندازه‌گیری مبتنی بر علل	۹۹
۲-۲. روش‌های اندازه‌گیری مبتنی بر آثار	۱۰۲
۲-۳. روش‌های اندازه‌گیری مبتنی بر علل و آثار	۱۰۶
۳. اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در جهان	۱۱۰
۴. اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران	۱۱۴
۴-۱. بررسی تطبیقی مطالعات اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی در ایران	۱۱۵
۴-۲. برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران در سال‌های ۹۱-۱۳۴۲	۱۱۸
۴-۳. پیش‌بینی اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران در افق برنامه‌ی ششم	۱۲۱
فصل ششم: اثر تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی	۱۳۶
۱. مقدمه	۱۳۶
۲. تحریم‌های اقتصادی؛ تعریف، اهداف و تاریخچه	۱۳۸
۲-۱. تعریف تحریم اقتصادی	۱۳۸
۲-۲. اهداف تحریم اقتصادی	۱۴۰
۲-۳. تاریخچه تحریم‌های اقتصادی	۱۴۳
۳. تحریم‌های اقتصادی علیه ایران	۱۴۴
۴. مسیرهای اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد غیررسمی	۱۴۹
۵. آثار تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی در ایران	۱۵۴

۱۵۴.....	۵-۱. آثار موردانتظار؛ بررسی تطبیقی مطالعات تجربی
۱۵۷.....	۵-۲. آثار تحقق یافته؛ شواهد تجربی
۱۶۰.....	فصل هفتم: اثر گسترش اقتصاد غیررسمی بر محیط کسب و کار
۱۶۰.....	۱. مقدمه
۱۶۱.....	۲. اقتصاد غیررسمی و محیط کسب و کار
۱۶۶.....	۳. اثر گسترش اقتصاد غیررسمی بر محیط کسب و کار در ایران
	فصل هشتم: چگونگی مواجهه با اقتصاد غیررسمی؛ توصیه‌های سیاستی و
۱۸۵.....	مسیرهای آتی پژوهش
۱۸۵.....	۱. مقدمه
۱۸۷.....	۲. توصیه‌های سیاستی برای مواجهه با اقتصاد غیررسمی
۱۸۷.....	۲-۱. بررسی تطبیقی توصیه‌های سیاستی مطالعات انجام شده
۱۸۹.....	۲-۲. طبقه‌بندی و جمع‌بندی توصیه‌های سیاستی
۱۹۲.....	۳. مسیرهای آتی پژوهش
۱۹۲.....	۳-۱. بررسی تطبیقی مسیرهای پیشنهادی پژوهش در مطالعات انجام شده
۱۹۳.....	۳-۲. مسیرهای آتی پژوهش بر مبنای یافته‌های اجرای روش فراتحلیل
۲۱۲.....	فهرست مآخذ

فصل اول: کلیات

۱. بیان مسأله

برآوردهای اولیه حاکی از آن است که طی دو دهه‌ی اخیر اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران به صورت قابل توجهی گسترش یافته است. گرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد افزایش واردات و صادرات غیرقانونی (قاچاق)، رشد فعالیت‌های اقتصادی توأم با فرار از مالیات و سایر عوارض، ایجاد فرصت‌های شغلی بدون انجام تعهدات مرتبط با نظام تأمین اجتماعی و ... توانسته است به گسترش کسب و کار و اشتغال، افزایش درآمدها، بهبود فضای رقابتی و نیز ارتقاء رفاه جامعه یاری رساند اما با نگاهی متفاوت می‌توان آثار به شدت مخرب رشد اقتصاد غیررسمی را بر اوضاع اقتصادی - اجتماعی ایران درک نمود. مواردی از این قبیل:

- پنهانی بودن این قبیل فعالیت‌ها موجب شده است نظام کارشناسی و سیاستگذاری کشور قادر به نظارت بر بخش روبه‌تزايدی از فعالیت‌های اقتصادی نباشد و در نتیجه تحلیل و سیاستگذاری اقتصادی بر پایه‌ی اطلاعات ناقص شکل بگیرد. کاهش توان نظارت و برنامه‌ریزی، به محدود شدن جدی دامنه‌ی نفوذ و اجرای سیاست‌ها منجر خواهد شد. نقص آمار و اطلاعات، همچنین، به توان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کارآفرینان بخش خصوصی آسیب می‌زند.

- قانون‌گریزی در بخش قابل‌ملاحظه‌ای از این قبیل فعالیت‌ها منجر به اختلال جدی و فزاینده در نظم قانونی کشور شده و حاکمیت قانون، به عنوان شرط لازم برای ورود به مسیر گذار به توسعه‌یافتگی را به صورت روزافزونی از دسترس دورتر می‌سازد. در چنین فضایی کاهش امنیت اقتصادی، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری میان‌مدت و بلندمدت در حوزه‌های مختلف کسب و کار را از فعالان اقتصادی بخش خصوصی مختل می‌نماید.

- گسترش ابعاد اقتصاد زیرزمینی این ظن را تقویت نموده است که دست‌اندرکاران این فعالیت‌ها به صورتی سازمان‌یافته عمل می‌کنند. این سازمان‌یافتگی، احتمال ارتباط با بخشی از نظام سیاسی و اداری را نیز تقویت نموده و زمینه‌ساز فساد اداری – مالی شده است. در چنین زمینه‌ی اجتماعی، سودآوری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیت‌های رسمی و قانونی اقتصادی، به طور نسبی و در قیاس با فعالیت‌های غیررسمی، به شدت کاهش می‌یابد.

- با گسترش قاچاق، سیاست‌های حمایتی برای رشد تولید و صادرات به طور جدی آسیب می‌بیند و با مخدوش نمودن دورنمای سودآوری فعالیت‌های اقتصادی رسمی، و بسط نااطمینانی برای کارآفرینان، چشم‌انداز رشد سرمایه‌گذاری مخدوش می‌شود.

صرفنظر از گستردگی و تعدد مفاهیمی که برای توصیف و طبقه‌بندی اقتصاد غیررسمی و اجزاء آن به کار می‌رود، که در فصل دوم به آن خواهیم پرداخت، آنچه مهم است پاسخ‌گویی به سؤالات مختلفی است که پیرامون چرایی و چگونگی شکل‌گیری و گسترش این فعالیت‌ها وجود دارد. همچنین ارائه‌ی ارزیابی دقیق‌تری از آثار این پدیده برای ایجاد چشم‌انداز مشترکی در جامعه، اعم از سیاست‌گذاران و کارآفرینان خصوصی و نیز عموم مردم، در خصوص نحوه‌ی مواجهه با آن ضرورت دارد. همچنین جا دارد به سؤالاتی از این قبیل رسیدگی شود که اقتصاد غیررسمی چه سهمی از اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده و آیا این ادعا که اندازه‌ی آن در حال گسترش است صحت دارد؟ آیا دیگر کشورهای دنیا نیز با چنین پدیده‌ای در چنین حجم و اندازه‌ای مواجهند؟

از اینها گذشته و در تناسب با شرایط جاری کشور، ابهاماتی جدی در مورد آثار تحریم‌ها و نیز نوسانات نرخ ارز بر فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی و به‌ویژه قاچاق وجود دارد. به این ابهامات چگونه می‌توان پاسخ داد؟

انجام مطالعات تجربی در مورد برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی و اجزاء آن در ایران و نیز تلاش برای پاسخ‌گویی به برخی از سؤالات فوق بیش از سه دهه پیشینه دارد. واقعیت آن است که پس از انتشار اثر ارزشمند خلعت‌بری^۱ در سال ۱۳۶۹ که اولین اثر علمی در این حوزه محسوب می‌شود، طیف گسترده‌ای از پژوهش‌ها در این زمینه در کشورمان صورت گرفته است. به ویژه در دهه‌ی ۱۳۸۰ و سال‌های نخستین دهه‌ی ۱۳۹۰، شاهد انتشار ده‌ها اثر علمی در باره‌ی موضوعات مرتبط با اقتصاد غیررسمی بوده‌ایم.

البته، چنانچه طبقه‌بندی توماس و همکارانش^۲ را مد نظر داشته باشیم که اقتصاد غیررسمی را به چهار بخش خانوار، غیررسمی، نامنظم و غیرقانونی طبقه‌بندی می‌کنند، تعداد اندکی از این آثار تمامی بخش‌های چهارگانه‌ی تحت شمول اقتصاد غیررسمی را پوشش داده‌اند و با توجه به اهمیت و ضرورت بیشتر، عمده‌ی مطالعات در مورد بخش غیررسمی و عناوینی بوده است که ترکیبی از دو بخش نامنظم و غیرقانونی را شامل شده است.

با این وجود، دسترسی به چنین مجموعه‌ی غنی‌ای از دانش، این نوید را می‌دهد که با مرور و بررسی تطبیقی آن‌ها با رویکردی مناسب و نیز روزآمدسازی برآوردهای صورت گرفته از اندازه‌ی این فعالیت‌ها، بتوان به بخش عمده‌ای از پرسش‌های مذکور پاسخ داد و مابقی آنها را نیز با اتکاء به مبانی نظری و تجربی موجود توضیح داد. این هدف کلی‌ای است که در قالب این پژوهش تعقیب شده است.

^۱ خلعت‌بری، فیروزه (۱۳۶۹). اقتصاد زیرزمینی. مجله رونق. سال اول. شماره‌ی ۱. ۵-۱۱.

^۲ توماس، جی. جی. و دیگران (۱۳۷۶). اقتصاد غیر رسمی. ترجمه و تلخیص: منوچهر نوربخش و کامران سپهری. تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

بنابراین، در مرتبه‌ی نخست، آنچه که این مطالعه را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌سازد، انجام اولین کوشش برای گردآوری و طبقه‌بندی یافته‌های دانش تجربی انباشته‌شده، به‌ویژه طی دهه‌ی ۱۳۸۰ با استفاده از روش فراتحلیل^۱ است^۲. علاوه‌براین، می‌توان ویژگی‌های اصلی این تحقیق را چنین برشمرد:

- پوشش گستره‌ی کامل اقتصاد غیررسمی در انجام مطالعه
 - به روزرسانی اندازه و برآورد روند آتی اقتصاد غیررسمی با توجه به برآیند برآوردهای انجام شده در مطالعات مذکور
 - تمرکز بیشتر بر اقتصاد غیررسمی از زاویه‌ی نگاه کارآفرینان خصوصی و فرصت‌ها و تهدیدهایی که برایشان ایجاد می‌کند
 - بررسی اثر تداوم و گسترش تحریم‌های اقتصادی ایران بر اقتصاد غیررسمی
- این مطالعه، علاوه بر آنکه به پاسخ‌گویی به پرسش‌های مهمی که در این حوزه فراوری فعالان اقتصادی قرار دارد، پرداخته با شناسایی کاستی‌های دانش تجربی موجود در ایران، مسیر پژوهشی آتی از این منظر را روشن می‌سازد.

۲. اهداف پژوهش

این پژوهش در نظر دارد با بررسی تطبیقی مطالعات تجربی موجود و روزآمدسازی برآوردهای آنها:

- علل و آثار گسترش اقتصاد غیررسمی در ایران را روشن نماید.

^۱ Meta Analysis Method

^۲ همچنین بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد کاربرد روش فراتحلیل در مطالعات اقتصادی در ایران پیش از این پژوهش تنها در یک مورد صورت گرفته است.

- برآوردی از اندازه‌ی این پدیده در کشور ارائه دهد و روند آتی آن را پیش‌بینی کند.
- با توجه به آثار اقتصاد غیررسمی بر محیط کسب و کار، واکنش مناسب فعالان اقتصادی را نسبت به گسترش این پدیده در کشور روشن سازد.
- در تناسب با شرایط کنونی اقتصاد ایران، آثار تداوم و گسترش تحریم‌ها را بر اقتصاد غیررسمی تشریح کند.
- مسیر آتی پژوهش در این حوزه را تعیین نماید.

۳. پرسش‌های محوری پژوهش

- اقتصاد غیررسمی چیست و ارتباط آن با مفاهیمی از قبیل اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد سیاه، اقتصاد پنهان، بخش غیررسمی، قاچاق، فساد اداری و مالی چیست؟
- اقتصاد غیررسمی چرا و چگونه شکل می‌گیرد؟
- تحریم‌های اقتصادی چه اثری بر اقتصاد غیررسمی در ایران داشته است؟
- گسترش اقتصاد غیررسمی چه آثاری بر اقتصاد کشور و به ویژه بر محیط کسب و کار دارد؟
- چگونه می‌توان اقتصاد غیررسمی را اندازه‌گیری کرد؟ چه سهمی از اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده و آیا این ادعا که اندازه‌ی آن در حال گسترش است صحت دارد؟
- آیا دیگر کشورهای دنیا نیز با چنین پدیده‌ای در این اندازه مواجهند؟
- با توجه به آثار آن، آیا دولت و نیز فعالان اقتصادی باید به گسترش آن کمک کنند یا سعی در کاهش حجم آن داشته باشند؟ چگونه؟
- اصلی‌ترین محورهای پژوهشی که در مطالعات انجام شده نادیده گرفته شده کدامند؟

۴. روش تحقیق

این تحقیق به ترکیبی از روش‌های توصیفی - تحلیلی و فراتحلیل اتکا دارد و از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و تکنیک‌های مناسب آمار ریاضی استفاده خواهد کرد که در هر بخش از تحقیق متناسباً به خصوصیات آنها اشاره خواهد شد. اما از آنجا که اصلی‌ترین تمایز این تحقیق با مطالعات انجام شده در این زمینه، تلاش علمی برای استفاده از یافته‌های مطالعات تجربی پیشین در این حوزه با استفاده از روش فراتحلیل است در این قسمت به ارائه‌ی توضیحات بیشتری در باره‌ی آن می‌پردازیم^۱.

فراتحلیل، یک روش پژوهشی برای پاسخ‌گویی به سؤالاتی در باره‌ی نتایج مطالعات انجام شده‌ی قبلی است. به عبارت دیگر، این روش نوعی پژوهش در باره‌ی پژوهش‌های دیگر است و آن را می‌توان مطالعه و بررسی نظام‌مند پژوهش‌های گذشته در مورد یک موضوع خاص دانست. فراتحلیل، به مقایسه و ترکیب اطلاعات مطالعات قبلی می‌پردازد و نتایج جدیدی را از میان مطالعات قبلی کشف می‌کند. همچنین فراتحلیل می‌تواند زمینه‌های جدید پژوهش یا سؤالات پژوهشی جدیدی را معرفی نماید.

امروزه این روش، که فراتر از مرور ادبیات موضوع است، به‌وسعت در علوم مختلف، از جمله علوم اجتماعی، به کار برده می‌شود. صاحب‌نظران در تشریح ضرورت و چرایی نیاز به استفاده از چنین روشی، معمولاً، به این موارد اشاره می‌کنند:

- حجم زیاد و فزاینده‌ی پژوهش‌ها در آن موضوع و نیاز به تلخیص و ترکیب نتایج آنها
- وجود ناسازگاری، تعارض و تناقضاتی بین نتایج پژوهش‌های انجام شده و ضرورت رسیدگی به آنها

^۱ برای تشریح روش فراتحلیل، عمدتاً از مآخذ زیر استفاده شده است:

- ایزانلو، بلال و حبیبی، مجتبی (۱۳۹۰). کاربرد فراتحلیل در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری: مروری بر مزایا، تنگناها و روش‌شناسی. تحقیقات علوم رفتاری، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱، صص. ۷۰-۸۲.
- زاهدی، شمس‌السادات و محمدی، ابوالفضل (۱۳۸۴). فراتحلیل راهی به سوی شناسایی ارزشیابی ترکیب و تلخیص پژوهش‌های گذشته. فصلنامه‌ی مطالعات مدیریت، شماره‌ی ۴۷، صص. ۵۱-۷۹.

- تعیین میزان اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته بر اساس پژوهش‌های موجود در آن مورد
 - تشخیص متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای که رابطه‌ی بین متغیر مستقل و وابسته را تحت تأثیر قرار داده‌اند
 - شناسایی حوزه‌های پژوهشی مسأله‌دار
 - تعیین حوزه‌های پژوهشی خاصی که پژوهش‌گران به آنها نپرداخته‌اند
- ملاحظه می‌شود، بین ضرورت‌های فوق و ماهیت مسأله و اهداف این پژوهش هم‌پوشانی زیادی وجود دارد البته مشروط بر آنکه اقتصاد غیررسمی در ایران جزء حوزه‌های مطالعاتی‌ای باشد که پژوهش‌های متعددی در باره‌ی آن صورت گرفته است. همان‌طور که قبلاً و در ادامه‌ی این فصل نشان خواهیم داد چنین شرطی در مورد موضوع این پژوهش برقرار است.
- توسعه‌ی ابعاد کمی روش فراتحلیل این نگرانی را بوجود آورد که در مباحث علمی کیفی نتوان از چنین روشی استفاده نمود. در واکنش به این دغدغه که جنبه‌هایی از موضوع این تحقیق را هم شامل می‌شود، روش دیگری به نام فراقوم‌نگاری^۱ گسترش یافت. این روش برای ارائه‌ی تلفیق یا ترکیبی تفسیرگونه از پژوهش‌های کیفی و منابع ثانویه به کار می‌رود. بدین ترتیب، در روش فراقوم‌نگاری، پژوهش‌گر ادبیات موضوع را تجزیه و تحلیل و آنها را با یکدیگر تلفیق می‌کند تا از این طریق الگوها و روابطی که یک موضع خاص را تعریف می‌کند، تعیین نماید. به عبارت دیگر می‌توان گفت که این روش جدید شکل تکامل‌یافته‌ی فراتحلیل است که خود را منحصر به جنبه‌ها و یافته‌های کمی مطالعات پیشین نمی‌کند. با توجه به این ملاحظات، در پژوهش حاضر کوشش می‌شود علاوه بر ابعاد کمی، ابعاد کیفی پژوهش‌های قبلی نیز مورد بررسی، مقایسه و تحلیل (تفسیر) قرار گیرند.
- روش فراتحلیل در چهار مرحله انجام می‌گیرد: نخست: تعیین پژوهش‌ها؛ دوم: انتخاب پژوهش‌ها؛ سوم: چکیده‌نمودن آنها و چهارم: تحلیل.

^۱ Meta Ethnography

اجرای این روش در پژوهش حاضر نیز بر مبنای همین روش چهار مرحله‌ای صورت گرفته است. لذا در اجرای مرحله‌ی نخست، تلاش شد تا در حد امکان تحقیقات انجام شده در مورد حوزه‌های مختلف اقتصاد غیررسمی در ایران شناسایی شود. سپس، با توجه به محدودیت‌های دسترسی، کوشش شد تا در حد امکان، به ترتیب اولویت، متن کامل، خلاصه یا چکیده‌ی آنها گردآوری شود. در مرحله‌ی دوم از بین پژوهش‌های شناسایی‌شده در مرحله‌ی قبلی، پژوهش‌های علمی (گزارش‌های پژوهشی و مقالات منتشره در نشریات علمی) منتشره در سال‌های ۹۴-۱۳۸۰ و بهار ۱۳۹۵ و دردسترس به عنوان مبنا برای اجرای مراحل بعدی این بخش از مطالعه (اجرای روش فراتحلیل) انتخاب شد. جدول ۱-۱ در ضمیمه‌ی فصل، فهرست کامل این پژوهش‌ها را ارائه می‌کند.

همان‌طور که از مرور فهرست مذکور ملاحظه می‌شود مجموعاً ۵۹ مطالعه‌ی واجد چنین خصوصیتی، شناسایی، گردآوری و مبنای مراحل بعدی اجرای روش فراتحلیل قرار گرفته‌اند. در واقع، به‌نظر می‌رسد در پی نخستین اثر علمی در این حوزه (خلعت‌بری - ۱۳۶۹) به تدریج گرایشی در محافل آموزشی و پژوهشی ایران برای واکاوی عالمانه‌ی این پدیده آغاز شده که منجر به انجام پژوهش‌هایی در مورد جنبه‌های مختلف اقتصاد غیررسمی در دهه‌ی ۱۳۷۰ شده است اما موج اصلی انجام مطالعات و انتشار یافته‌های علمی در این مورد به دهه‌ی ۱۳۸۰ و پس از آن، باز می‌گردد.^۱

انتشار آثار متعدد علمی در دهه‌ی مذکور حاکی از توجه نسبتاً جدی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی به اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی و زیربخش‌های آن، شناسایی عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش این پدیده، چگونگی اثرگذاری آن بر دیگر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و تجویز سیاست‌های مناسب برای مواجهه با آن است. علاوه

^۱ برای مرور مطالعات انجام شده در مورد اقتصاد غیررسمی در ایران تا پیش از دهه‌ی ۱۳۸۰ می‌توانید به نگاه کنید به: عرب‌مازار یزدی، علی (۱۳۸۶). اقتصاد سیاه در ایران. مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی. چاپ دوم.

بر اینها، ده‌ها اثر مکتوب، در قالب کتاب، مقاله و مصاحبه منتشره در سایر نشریات، محصول توجه صاحب‌نظران، کارشناسان و سیاست‌گذاران به این موضوع در دوره‌ی مذکور بوده است.

ضمیمہ فصل اول

جدول ۱-۱: فهرست مقالات و پژوهش‌های بررسی شده

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	ناشر یا محل نشر
مقالات علمی			
۱	محمود جمعه‌پور (۱۳۸۰)	مشاغل غیررسمی به عنوان یک مسئله‌ی شهری و ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن (بررسی موردی در پل سیدخندان)	فصلنامه علوم اجتماعی، شماره‌ی ۱۵ و ۱۶
۲	علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۰)	اقتصادسیاه در ایران اندازه، علل و آثار آن در سه دهه‌ی اخیر	مجله‌ی برنامه و بودجه، شماره‌ی ۶۲ و ۶۳
۳	حسین صادقی و علیرضا شکیبایی (۱۳۸۰)	فرار مالیاتی و اندازه‌ی اقتصاد زیرزمینی ایران با روش منطق فازی	نامه‌ی مفید، شماره‌ی ۲۷
۴	علی‌اصغر اسفندیاری و آرش جمال‌منش (۱۳۸۱)	اقتصاد زیرزمینی و تأثیر آن بر اقتصاد ملی	فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۶
۵	علیرضا شکیبایی و حسین صادقی (۱۳۸۲)	مدل‌سازی اقتصاد زیرزمینی با روش فازی	مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، شماره‌ی ۶۲
۶	یدالله کریمی‌پور و حمیدرضا محمدی (۱۳۸۳)	سد نفوذ قاچاق کالا: از واقعیت تا رؤیا (پژوهش میدانی در محدوده‌ی استان هرمزگان)	فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره‌ی ۷۳
۷	غلامرضا حیدری و میرعبدالله حسینی (۱۳۸۵)	برآورد واردات غیررسمی چای به ایران	اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۴
۸	جمشید پژویان و مجید مداح (۱۳۸۵)	بررسی اقتصادی قاچاق در ایران	فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۲۰
۹	محمدرضا سیدنورانی و فاطمه عزیزخانی (۱۳۸۵)	بررسی تأثیر متقابل اقتصاد زیرزمینی و مالیات بر ارزش‌افزوده	مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره‌ی ۵۱

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	ناشر یا محل نشر
۱۰	محسن رنانی و ساغر باباحیدری (۱۳۸۵)	اشتغال غیررسمی در ایران: مروری بر مطالعات	فصلنامه‌ی اقتصاد و جامعه. شماره‌ی ۹
۱۱	علی اصغر اسفندیاری و فاطمه مهربانی (۱۳۸۵)	بررسی اقتصاد زیرزمینی از دو روش شکاف درآمد - هزینه‌ی خانوار و نسبت نقد	فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۲۳.
۱۲	علیرضا شکیبایی و علی رئیس پور (۱۳۸۶)	بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران: رویکرد DYMIMIC	فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره‌ی ۳
۱۳	محمدطاهر احمدی شادمهری (۱۳۸۶)	بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیررسمی	مجله‌ی دانش و توسعه، شماره‌ی ۲۱
۱۴	علی عرب مازار یزدی و لیلا خودکاری (۱۳۸۶)	برآورد حجم پول‌های کثیف در ایران	فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، سال هفتم، شماره‌ی چهارم
۱۵	حمید ابریشمی، محسن مهرآرا و نازلی هبیتی (۱۳۸۶)	بررسی واکنش متقارن اقتصاد زیرزمینی به تغییرات مالیات	مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، شماره‌ی ۷۹
۱۶	الیاس نادران و حسن صدیقی (۱۳۸۷)	بررسی اثر مالیات‌ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران	مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، شماره‌ی ۸۵
۱۷	مجید مداح (۱۳۸۷)	علل و پی‌آمدهای اقتصادی قاچاق کالا در ایران و راه‌های رویارویی با آن	مجله‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۲۵۴-۲۵۳
۱۸	صمد عزیزنژاد و سعید توتونچی ملکی (۱۳۸۷)	پول‌شویی و آثار آن بر اقتصاد ملی	مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۸
۱۹	حسین راغفر (۱۳۸۷)	اقتصاد سیاسی فساد	مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۸
۲۰	محمدرضا فرهادی‌پور (۱۳۸۷)	رویکردهای مختلف اقتصاددانان به مسئله‌ی فساد	مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۸
۲۱	حمید بهره‌مند بگ‌نظر (۱۳۸۷)	نقش جریان آزاد اطلاعات در پیشگیری اجتماعی از فساد	مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۸
۲۲	فتح‌الله تاری و سعید غلامی باغی (۱۳۸۷)	اصلاح شاخص فضای کسب و کار، عاملی موثر بر کاهش اقتصاد پنهان و گسترش بخش رسمی	مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۸

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	ناشر یا محل نشر
۲۳	مهری رحیمی فر و بابک دائی (۱۳۸۷)	تحلیلی پیرامون جایگاه بازار غیررسمی سرمایه و پول در ایران	بررسی‌های اقتصادی، شماره‌ی ۷۷ و ۷۸
۲۴	علیرضا وطن‌پور (۱۳۸۷)	قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور	بررسی‌های بازرگانی، شماره‌ی ۲۸
۲۵	مجید صامتی، مرتضی سامتی و علی دلائی میلان (۱۳۸۸)	MIMIC برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران به روش	مجله‌ی مطالعات اقتصاد بین الملل، سال بیستم، شماره‌ی ۳۵
۲۶	حسین صادقی، عباس عساری و وحید شقاقی شهری (۱۳۸۸)	اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی	پژوهشنامه‌ی اقتصادی، سال دهم، شماره‌ی ۱۷۴
۲۷	مصطفی سلیمی فر و محمد کیوان‌فر (۱۳۸۹)	اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم	مجله‌ی دانش و توسعه سال ۱۷ شماره‌ی ۳۳
۲۸	حسین مهرابی بشرآبادی، سمیه کوچک‌زاده و حمید تابلی (۱۳۸۹)	آیا اقتصاد سایه‌ای رشد اقتصادی را تهدید می‌کند؟	فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۵، شماره‌ی ۴۵
۲۹	محمد اخباری، مهدیه اخباری و رضا آقابابایی (۱۳۸۹)	کاربرد رویکرد منطق فازی در مدل‌سازی تجارت غیرقانونی (قاچاق) در ایران	فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۴
۳۰	میثم موسایی و مریم احمدزاده (۱۳۸۹)	بررسی رابطه‌ی بین آموزش اجتماعی و ارتکاب به قاچاق کالا (استان هرمزگان)	بررسی بازرگانی، شماره‌ی ۴۰
۳۱	علی محمد احمدی و رضا وفایی یگانه (۱۳۸۹)	پیشنهاد شاخص بومی اندازه‌گیری فساد در ایران با استفاده از روش دلفی	مجلس و پژوهش، سال هفدهم، شماره‌ی ۶۳
۳۲	ملیحه خواجوی، ابراهیم رضایی و حسن خداویسی (۱۳۸۹)	برآورد پول‌های کثیف و بررسی پیامدهای آن در اقتصاد ایران: رهیافت آزمون کرانه‌ها	فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۴
۳۳	سمانه طالعی اردکانی، رسول بخشی دستجردی و آزاده سعادت‌خواه (۱۳۹۰)	مدل‌یابی اقتصاد زیرزمینی ایران با استفاده از منطق فازی	فصلنامه‌ی تحقیقات اقتصادی راه اندیشه

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	ناشر یا محل نشر
۳۴	محمد اخباری و مهدیه اخباری (۱۳۹۰)	کاربرد رویکرد منطق فازی در مدل سازی اقتصاد غیررسمی در ایران	فصلنامه‌ی روند اقتصادی، سال نوزدهم، شماره‌ی ۵۹
۳۵	محسن رنایی، شیرین اربابیان و محمد میرزایی (۱۳۹۰)	شناخت ساختار اشتغال زنان در بخش غیررسمی کشور	فصلنامه‌ی تحقیقات اقتصادی راه اندیشه
۳۶	صادق بختیاری و خجسته خوبخواهی (۱۳۹۰)	اشتغال در بازار کار غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن در ایران (۱۳۵۱ - ۱۳۸۵)	جستارهای اقتصادی، سال ۸، شماره‌ی ۱۵
۳۷	مجید مداح و فروغ السادات نوع ایران (۱۳۹۱)	تخمین ارزش اقتصاد غیررسمی در ایران بر مبنای متغیرهای زیستمحیطی، رهیافت فیلترکالمن	فصلنامه‌ی تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره‌ی ۱۰
۳۸	زهرا نصراللهی و سمانه طالعی اردکانی (۱۳۹۱)	تخمین اقتصاد سایه‌ای و بررسی اثرات آن روی آلودگی هوا؛ مطالعه‌ی موردی: اقتصاد ایران	فصلنامه‌ی پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه‌ی پایدار)، سال ۱۲، شماره‌ی ۴
۳۹	زهرا نصراللهی، محمدرضا فرزانگان و سمانه طالعی اردکانی (۱۳۹۱)	بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران (مقایسه‌ی نرم افزارهای مدل سازی آموس گرافیک و لیزرل)	فصلنامه‌ی پژوهشهای اقتصادی، سال ۱۲، شماره‌ی ۲
۴۰	مهنوش عبدالله میلانی و نرگس اکبرپور روشن (۱۳۹۱)	فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی در ایران	پژوهشنامه‌ی مالیات، شماره‌ی ۱۳
۴۱	محسن رناتی، محمد میرزایی و شیرین اربابیان (۱۳۹۱)	بخش غیررسمی و ظرفیت های مالیاتی از دست رفته (مطالعه‌ی موردی: استان کهگیلویه و بویر احمد)	پژوهشنامه‌ی اقتصادی، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۴
۴۲	هانیه علیزاده و فرهاد غفاری (۱۳۹۲)	برآورد اندازه‌ی اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل مؤثر بر آن	فصلنامه‌ی علوم اقتصادی، سال ۷، شماره‌ی ۲۵
۴۳	وحید تقی نژادعمران و معصومه نیک پور (۱۳۹۲)	اقتصاد زیرزمینی و علت های آن: مطالعه‌ی موردی ایران	مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال ۲، شماره‌ی ۸
۴۴	محمدحسن فطرس و علی دلایی میلان (۱۳۹۲)	عوامل مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در ایران ۱۳۴۲-۱۳۹۱	فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۴

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	ناشر یا محل نشر
۴۵	منصور زراءنژاد، صلاح ابراهیمی، پویان کیانی (۱۳۹۲)	برآورد حجم قاچاق کالا در ایران به روش MIMIC	سیاست‌گذاری اقتصادی، سال ۵، شماره‌ی ۹
۴۶	علی‌اصغر اسفندیاری، مهدی پدram و صادق مجدم (۱۳۹۲)	اقتصاد غیررسمی، خانه‌داری زنان و عوامل موثر بر آن (مطالعه‌ی موردی زنان متأهل شهر اهواز)	مطالعات زنان، سال ۱۱، شماره‌ی ۴
۴۷	علیرضا شکیبایی و قاسم شادمانی (۱۳۹۳)	برآورد اقتصاد سایه‌ای ایران (۱۳۸۶-۱۳۴۹) با استفاده از مدل‌سازی فازی چندمرحله‌ای	فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه‌ی پایدار)، سال ۱۴، شماره‌ی ۱
۴۸	ابراهیم رضائی و ملیحه خواجوی (۱۳۹۳)	بررسی رابطه‌ی غیرخطی بین اقتصاد پنهان و سطح بار مالیاتی در ایران: کاربردی از مدل‌های مارکف سوئیچینگ و رویکرد شبیه‌سازی	پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان، سال ۹، شماره‌ی ۱۷
۴۹	اسمعیل ابونوری و عبدالحامد نیک پور (۱۳۹۳)	اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران	پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی سال ۵، شماره‌ی ۱۷
۵۰	خسرو پیرایی و حسینعلی رجایی (۱۳۹۴)	اندازه‌گیری اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی علل و آثار آن	فصلنامه‌ی سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۳، شماره‌ی ۹
۵۱	احمد اسدزاده و زهرا جلیلی (۱۳۹۴)	اقتصاد سایه و نابرابری درآمدی در ایران	فصلنامه‌ی مدل‌سازی اقتصادی، سال ۹، شماره‌ی ۳۰
۵۲	مسعود خداپناه (۱۳۹۴)	برآورد شاخص فساد اقتصادی در ایران به روش فازی و بررسی رابطه‌ی آن با اقتصاد زیرزمینی با استفاده از آزمون علیت هیشائو	فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۳
۵۳	سید مرتضی افقه و سید امین منصوری (۱۳۹۴)	بررسی ارتباط و تأثیر جرائم اخلاقی و اقتصادی بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران با روش MIMIC	فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۲
۵۴	رضا امیدی‌پور، جمشید پژویان، تیمور محمدی و عباس معمارنژاد (۱۳۹۴)	برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی: تحلیل تجربی در ایران	پژوهشنامه‌ی مالیات، شماره‌ی ۲۸

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	ناشر یا محل نشر
۵۵	محمد ویسیان، میرنجف موسوی، طاها ربانی و واحد احمدتوزه (۱۳۹۴)	تحلیلی بر وضعیت شاغلان بخش اقتصاد غیررسمی (مطالعه‌ی موردی: شهر قروه)	جغرافیا و توسعه‌ی فضای شهری، سال ۲، شماره‌ی ۱
۵۶	محمود کاظمیان و حمیده جوادی نسب (۱۳۹۵)	ارزش‌گذاری اقتضایی و ارزیابی تأثیر سیاست‌های گسترش بیمه‌های اجتماعی درمان بر تمایل به پرداخت خانوارهای کم‌درآمد در بخش غیررسمی اشتغال	فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه‌ی پایدار)، سال ۱۶، شماره‌ی ۱
گزارش‌های پژوهشی			
۱	محسن رنانی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰)	ساختار اشتغال در بخش غیررسمی و نقش آن در جذب نیروی انسانی متخصص	مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
۲	فریده باقری، علی عرب‌مازار یزدی و علی‌اصغر بانوئی (۱۳۸۱)	روش اندازه‌گیری بخش غیررسمی در ایران	مرکز آمار ایران، گروه پژوهشی آمار اقتصادی
۳	علیرضا شکیبایی (۱۳۸۲)	برآورد اقتصاد زیرزمینی و تحلیل علل شکل‌گیری آن در ایران با استفاده از الگوی منطق فازی	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی

فصل دوم: تعریف اقتصاد غیررسمی و مفاهیم مرتبط با آن

۱. مقدمه

گرچه ظرف دو دهه‌ی گذشته هم در سطح سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، هم در سطح نخبگان و تصمیم‌سازان و هم در سطح عموم مردم کشور حساسیت بیشتری در مورد اهمیت اقتصاد غیررسمی نسبت به گذشته به چشم می‌خورد و این را می‌توان از گسترش تدوین قوانین، مقررات و سیاست‌ها، سازمان‌دهی، پژوهش‌ها، مقالات علمی و گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و تحلیل‌های رسانه‌های عمومی در این زمینه استنباط نمود لیکن هنوز توافقی نسبی حول این مفهوم، تعریف و دامنه‌ی شمول آن شکل نگرفته است.

این وضعیت تا حد زیادی ناشی از گستردگی، پیچیدگی و ابهامات مرتبط با مفاهیمی است که در این حوزه به کار می‌رود. مرور آثار منتشر شده در این زمینه، چه در داخل و چه در خارج از ایران نشان می‌دهد از واژگان متفاوت و متعددی در این زمینه استفاده شده است. زیرزمینی^۱، پنهان^۲، مخفی^۳، غیرقانونی^۴، سایه‌ای^۵، نامرئی^۶،

^۱ Underground

^۲ Hidden

^۳ Clandestine

^۴ Illegal (Non - Official)

^۵ Shadow

^۶ Invisible

غیررسمی^۱، غیرقابل مشاهده^۲، مشاهده نشده^۳، ثبت نشده^۴، گزارش نشده^۵، ثانوی^۶، موازی^۷، نامنظم^۸ و سیاه^۹، بخشی از واژه‌های اصلی است که در این حوزه به کار رفته است.

اما منظور از اقتصاد غیررسمی چیست؟ آیا صرفاً شامل فعالیت‌هایی نظیر تجارت غیرقانونی با سایر کشورها (قاچاق)، تولید و خرید و فروش کالای غیرقانونی نظیر مواد مخدر، مشروبات الکلی و ... می‌شود یا فعالیت‌های تولیدی قانونی که به خاطر فرار از پرداخت مالیات یا دیگر حقوق و عوارض قانونی از دید مأموران دولتی پنهان نگه داشته می‌شوند را نیز شامل می‌شود؟ آیا سرقت، اخذ رشوه، اختلاس و نظایر آن نیز جزئی از اقتصاد غیررسمی است؟ ارتباط آن با مفاهیمی نظیر پول شویی و فساد اقتصادی چیست؟ شامل این موارد هم می‌شود؟ در این فصل کوشش خواهد شد تا با ارائه‌ی چارچوب مفهومی روشن‌تری از این موضوع به این سؤالات و پرسش‌هایی از این قبیل پاسخ داده شود.

۲. اقتصاد غیررسمی و اجزاء آن

این پژوهش از میان مفاهیم متعدد این حوزه، اقتصاد غیررسمی را به عنوان مبنای مطالعه و حیطه‌ی بررسی برگزیده است. برای معرفی این مفهوم و دامنه‌ی شمول و اجزاء آن، نخست، از تعریف توماس^{۱۰} در معرفی این

^۱ Informal

^۲ Unobservable

^۳ Unobserved

^۴ Unrecorded

^۵ Unreported

^۶ Second

^۷ Parallel

^۸ Irregular

^۹ Black

^{۱۰} Thomas, J. J.

مفهوم استفاده می‌کنیم. مزیت این تعریف آن است که اغلب آثار پژوهشی و مطالعات تجربی منتشر شده در ایران نیز به آن استناد کرده و یا مبنای کار خود قرار داده‌اند.^۱

وی اقتصاد غیررسمی را این‌گونه تعریف می‌کند: "در مفهوم وسیع، منظور کلیه فعالیت‌هایی است که به عللی ..، در حساب‌های ملی نمی‌آید"^۲. توماس اجزاء این فعالیت‌ها را به چهار گروه: بخش خانوار، بخش غیررسمی، بخش نامنظم و بخش غیرقانونی، طبقه‌بندی می‌نماید. او در تعریف نخستین گروه چنین عنوان می‌کند:

"بخش خانوار: این بخش، کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که در همین بخش مصرف می‌شود. ویژگی بخش خانوار این است که محصولات آن کمتر به بازار عرضه می‌گردد و فقدان قیمت برای کالاهای تولیدی در آن باعث می‌شود که ارزیابی ارزش کالاها دشوار باشد و در نتیجه در حساب‌های ملی نادیده گرفته شود. در تمام کشورها فعالیت‌های بدون‌مزدی که در خانه انجام می‌شود، نظیر خدمات خانم خانه، تماماً یا عمدتاً در حساب‌های ملی نادیده گرفته می‌شود."^۳

مصادیق فعالیت‌های این بخش فراوانند و ما در زندگی خانوادگی خود در موارد متعددی شاهد آن هستیم. تمام فعالیت‌های طبخ غذا، شست‌وشوی و اتوکشی لباس‌ها، شست‌وشوی ظروف و نظافت منزل و ... تا جایی که توسط افراد خانوار و بدون دریافت دستمزد صورت پذیرد و تنها به اعضای خانوار ارائه شود، از آنجا که به دلیل غیربازاری بودن در حساب‌های ملی منظور نمی‌شود، جزئی از اقتصاد غیررسمی محسوب می‌گردد. البته آن بخش از این‌گونه کالا و خدمات که از بازار تهیه می‌شود و به مصرف خانوار می‌رسد و نیز آن قسمت از تولیدات خانوار

۱) با توجه به دردسترس بودن آثار متعدد منتشره در این حوزه که معمولاً به تعریف اقتصاد غیررسمی و دیگر واژگان مرتبط با آن از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف پرداخته‌اند، به‌منظور رعایت اختصار، از مرور این دیدگاه‌های مختلف خودداری می‌کنیم. برای آشنایی با طیف تعاریف متداول می‌توانید رجوع کنید به: عرب‌مازار یزدی، علی (۱۳۸۶). همان. فصل دوم.

۲) توماس، جی. جی. و دیگران (۱۳۷۶). اقتصاد غیر رسمی. ترجمه و تلخیص: منوچهر نوربخش و کامران سپهری. مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی. ص. ۳.

۳) همان مأخذ. ص. ۷-۵.

که به بازار عرضه می‌شود در حساب‌های ملی در نظر گرفته می‌شود و از این‌رو جزئی از اقتصاد غیررسمی نخواهد بود.

نکته‌ی مهم و قابل‌توجه در اینجا آن است که سهم نسبتاً بالای این بخش در کشورهای در حال توسعه در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته یکی از عواملی است که مقایسه‌پذیری آمار تولید کشورها را در معرض انتقاد قرار می‌دهد.

توماس، جزء بعدی اقتصاد غیررسمی، یعنی بخش غیررسمی را چنین تعریف می‌نماید:

"بخش غیررسمی: ... معمولاً شامل تولیدکنندگان جزء و کارکنان آنها و همچنین کسبه و پیشه‌وران بدون کارگر و کارکنان خدمات تجاری، حمل و نقل و دیگر خدمات غیررسمی است. با آن که فعالیت کسبه‌ی دوره‌گرد از بارزترین نوع این فعالیت‌هاست، ولی کارگاه‌های کوچک بدون کارگر که اغلب در خانه‌ها قرار دارد (کارگاه‌های خانگی)، از نظر تعداد، اهمیت بیشتری دارند."^۱

وی تصریح می‌کند دشوار و پرهزینه‌بودن جمع‌آوری اطلاعات آماری در این بخش علت اصلی کنارگذاشتن آن از حساب‌های ملی بوده است. توماس در توصیف دو گروه بعدی از فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، یعنی بخش‌های نامنظم و غیرقانونی، چنین عنوان می‌نماید:

"بخش نامنظم: تمام فعالیت‌های طبقه‌بندی‌شده در این بخش کم و بیش نوعی از ماهیت غیرقانونی‌بودن مثل فرار از مالیات، فرار از مقررات (نظیر مقررات کار و رعایت تدابیر ایمنی در کارگاه) و تقلب در بیمه‌های اجتماعی و امثال آن را دارند در انگلستان و برخی دیگر از کشورهای اروپایی به "اقتصاد سیاه" و در آمریکا به "اقتصاد زیر زمینی" شهرت یافته است ... ویژگی عمده‌ی فعالیت‌های این بخش این است که با وجود قانونی و مجاز بودن اصل تولید کالا و خدمت، در نحوه‌ی تولید و یا توزیع آن کاری خلاف و غیرقانونی صورت گرفته است محاسبه‌ی ارزش تولید بخش نامنظم نیز با مشکل اندازه‌گیری مواجه است زیرا کسانی که مرتکب کاری خلاف

^۱ همان مأخذ.

قانون می‌شوند (نظیر فرار از مالیات یا بیمه‌های اجتماعی)، به‌ندرت راضی می‌شوند که اطلاعاتی در مورد نوع و حجم فعالیت خود را در اختیار آمارشناسان درآمد ملی بگذارند ...

بخش غیرقانونی: تولیدات بخش غیرقانونی شامل فعالیت‌ها و تولید کالا و خدمات خلاف قانون، نظیر: مال دزدی، اخاذی، تولید و خرید و فروش مواد افیونی، فحشاء (در برخی کشورها) و غیره می‌باشد. با توجه به اینکه خلاف‌کاران و جنایت‌کاران عمل خلاف خود را گزارش نمی‌کنند، بدیهی است که از پرداخت مالیات هم فرار می‌نمایند ...^۱

تعریف توماس، جدای از اشکالاتی که به برخی از مصادیقی که در مورد این فعالیت‌ها ذکر می‌کند که در ادامه‌ی این فصل به آن اشاره خواهد شد، از نظر طبقه‌بندی جامعی که از فعالیت‌های غیررسمی می‌نماید بسیار روشن‌گر است. شاید به همین جهت است که همان‌طور که پیش‌تر آمد، به‌وسعت مورد استفاده‌ی مطالعات منتشره‌ی ایرانی در این زمینه شده است. از این‌رو، در فصول بعدی این گزارش، از این تعریف به عنوان معیار طبقه‌بندی حوزه‌ی پوشش مطالعات انجام شده در مورد اقتصاد غیررسمی در ایران استفاده خواهد شد.

علی‌رغم این ویژگی‌ها و صرف‌نظر از اشکالات وارده بر برخی از مصادیق ذکر شده، از آنجا که تعریف توماس از اقتصاد غیررسمی، نخست، مبتنی بر ملاک "ثبت‌شدن" (لحاظ‌شدن) در حساب‌های ملی است و در ادامه، صرفاً برای طبقه‌بندی اجزاء از ملاک‌های "مبتنی‌بودن بر مبادله‌ی بازاری" و "قانونی‌بودن" سود می‌برد با محدودیت جدی‌تری نیز به دلیل اتکاء به ملاک ثبت شدن مواجه است.

عرب‌مازار یزدی با بررسی تفصیلی ادبیات مربوط به این ملاک و نیز بررسی‌های به‌عمل آمده در مورد رویه‌های متداول در گردآوری و تنظیم آمار حساب‌های ملی، نشان داده است این تلقی که فعالیت‌های مربوط به بخش‌های غیررسمی، نامنظم و غیرقانونی در حساب‌های ملی ثبت نمی‌شوند تلقی دقیقی نیست و بسته به ساختار اقتصاد کشورها و روش‌های گردآوری، برآورد و تنظیم آمار حساب‌های ملی در مراکز آماری آنها، سهمی از اقتصاد

^۱ همان مأخذ.

غیررسمی در محاسبه‌ی تولید ملی به حساب می‌آید و تنها فعالیت‌های اقتصادی بخش خانوار است که به دلیل غیربازاری بودن مبادلات، به کلی ثبت نمی‌شوند.^۱

علاوه‌براین، تدوین و انتشار نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ و گرایش تدریجی کشورها به استفاده از استانداردهای آن به جای نظام قبلی حساب‌های ملی - ۱۹۶۸- در تنظیم حساب‌های ملی موجب شده است تا با توجه به الزامی نمودن تلاش برای برآورد ارزش این گونه فعالیت‌ها و درج آنها در حساب‌های ملی کشورها، سهم روبه‌گسترشی از اقتصاد غیررسمی ثبت شود.

مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سازمان‌های متولی گردآوری و تنظیم حساب‌های ملی در ایران نیز به تدریج در حال انطباق رویه‌های خود با استانداردهای مذکور هستند. بنابراین انتظار می‌رود که با گذر زمان، بخش گسترده‌تری از ارزش‌افزوده‌ی ناشی از این فعالیت‌ها با روش‌های غیرمستقیم، برآورد و در اطلاعات مربوط به حساب‌های ملی کشور لحاظ و منتشر شود.

۳. اقتصاد غیررسمی در نظام حساب‌های ملی

با توجه به اهمیت ملاک ثبت‌شدن در مفهوم اقتصاد غیررسمی و توضیحاتی که در قسمت قبلی پیرامون رویکرد نظام جدید حساب‌های ملی^۲ در این زمینه ارائه شد ضرورت دارد به تعاریفی که نظام مذکور از این پدیده و اجزاء آن دارد نیز بپردازیم. جدای از این ضرورت، آشنایی با این تعاریف این مزیت را نیز دارد که چارچوب مفهومی دقیق‌تری از این پدیده و مفاهیم مرتبط در دسترس قرار می‌گیرد. این چارچوب بر سه مفهوم بخش غیررسمی، تولید غیرقانونی و تولید پنهان یا اقتصاد زیرزمینی است، که در ادامه، به همین ترتیب، تشریح خواهد شد. بخش

^۱ عرب‌مازار یزدی، علی (۱۳۸۶). همان. فصل سوم.

^۲ البته نسخه‌ی جدیدتر نظام حساب‌های ملی (نظام حساب‌های ملی ۲۰۰۸) نیز تدوین و منتشر شده اما از آنجا که کاربرد آن، به‌ویژه در ایران، هنوز فراگیر نشده است در اینجا منظور از نظام جدید همان نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ است.

خانوار نیز، همان‌طور که پیش‌تر آمد، به‌دلیل غیربازاری بودن مبادلات، خارج از محدوده‌ی حساب‌های ملی قرار می‌گیرد.

۳-۱. تعریف بخش غیررسمی در نظام حساب‌های ملی

در ضمیمه‌ی نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ قسمت‌هایی از مصوبه‌ی پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی کارشناسان آمار کار (ژانویه ۱۹۹۳) را در ارتباط با آمار اشتغال در بخش غیر رسمی، به این شرح آمده است:

"بخش غیررسمی ممکن است، به‌طور گسترده‌ای، به‌عنوان ترکیبی از واحدهای شاغل در تولید کالا یا خدمات با هدف اولیه‌ی ایجاد اشتغال و درآمد برای اشخاص مرتبط با آن، مشخص شده باشد. این واحدها نوعاً در سطح پایینی از سازمان‌دهی با تقسیم کار محدود بین کار و سرمایه به عنوان عوامل تولید یا بدون آن و در مقیاس کوچک، عمل می‌کنند. روابط کار، در جایی که وجود داشته باشد، غالباً مبتنی بر اشتغال موقتی، خویشاوندی یا شخصی و روابط اجتماعی است به جای اینکه ترتیبات قراردادی با ضمانت‌های رسمی باشد.

واحدهای تولیدی بخش غیررسمی جنبه‌های مشخصی از مؤسسات خانوار را دارند. دارایی‌های ثابت و سایر دارایی‌های استفاده‌شده به واحدهای تولیدی تعلق ندارند بلکه به صاحبانشان تعلق دارند. چنین واحدهایی نمی‌توانند از طرف خودشان^۱ در مبادلات حضور یابند یا با سایر واحدها طرف‌قرارداد شوند یا ایجاد بدهی نمایند. مالکان با ریسک خودشان در موارد ضروری تأمین مالی می‌نمایند و، بدون محدودیتی، شخصاً بابت هر بدهی یا الزامات فرایند تولید بدهکار می‌شوند. مخارج تولید اغلب قابل تمایز از مخارج خانوار نیست. به‌طور مشابه، کالاهای سرمایه‌ای نظیر ساختمان‌ها یا اتومبیل‌ها ممکن است به صورت غیرقابل تمایز برای مقاصد کاری یا خانوار استفاده شوند.

فعالیت‌های اجرا شده توسط واحدهای تولیدی بخش غیررسمی ضرورتاً با نیت عمدی فرار از پرداخت مالیات ها یا هزینه‌های تأمین اجتماعی، یا تخلف کردن از مقررات کار یا سایر مقررات یا قوانین اداری انجام نمی‌شود.

^۱ منظور به‌عنوان شخصیت حقوقی‌شان است.

اساساً مفهوم فعالیت‌های بخش غیررسمی بایستی از مفهوم فعالیت‌های اقتصاد پنهان یا زیرزمینی متمایز شود"^۱. علی‌رغم چنین تمایز آشکاری، درعمل، بسته به شرایط کشورها، هم‌پوشانی کم یا گسترده‌ای بین این دو گروه از فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی وجود دارد و تشخیص چنین تمایزی به‌سادگی امکان‌پذیر نیست.

۳-۲. نظام حساب‌های ملی و تولید غیرقانونی

نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳، منظور خود از تولید غیرقانونی را این‌گونه تشریح می‌کند: "دو نوع تولید غیرقانونی وجود دارد:

(الف) تولید کالا و خدماتی که فروش، توزیع یا تصرف آنها قانوناً منع شده است،

(ب) فعالیت‌های تولیدی که معمولاً قانونی هستند اما وقتی که توسط تولیدکنندگان غیرمجاز انجام

شوند (نظیر شاغلین به حرفه پزشکی بدون اخذ گواهینامه‌ی لازم)، غیرقانونی می‌شوند.

مثال‌هایی از فعالیت‌هایی که ممکن است غیرقانونی باشند اما از منظر اقتصادی مولد باشند، شامل تولید و

توزیع مواد مخدر، حمل‌ونقل غیرقانونی به‌شکل قاچاق و ... است"^۲.

تعریف نظام مذکور از تولید غیرقانونی را می‌توان سازگار با بخش غیرقانونی در طبقه‌بندی توماس دانست با

این تفاوت که وی در ذکر مصادیق، دزدی (سرقت) را جزئی از بخش غیرقانونی تلقی می‌کند درحالی‌که نظام

مذکور به صراحت سرقت اموال را خارج از حیطه‌ی تولید غیرقانونی می‌داند^۳. در ادامه‌ی این فصل توضیح بیشتری

در این مورد و موارد مشابه ارائه خواهد شد.

^۱ یو.ان. (۱۹۹۳). ص. ۱۱۱.

^۲ یو.ان. (۱۹۹۳). ص. ۱۲۶.

^۳ همان مأخذ.

۳-۳. تولید پنهان یا اقتصاد زیرزمینی در نظام حساب‌های ملی

متناظر با بخش نامنظم در طبقه‌بندی توماس، در نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ نیز به مفاهیم تولید پنهان و اقتصاد زیرزمینی اشاره شده است. نظام مذکور این مفاهیم را این‌گونه تعریف کرده است: "تولید پنهان و اقتصاد زیرزمینی: فعالیت‌های معینی که ممکن است هم از منظر اقتصادی مولد باشند و هم کاملاً قانونی باشند (در صورتی که استانداردها و مقررات معینی را رعایت کرده باشند) اما به انواع دلایل زیر تعمداً از مقامات عمومی پنهان نگه داشته شوند:

(الف) اجتناب از پرداخت مالیات‌های درآمد، ارزش افزوده یا سایر مالیات‌ها

(ب) خودداری از پرداخت هزینه‌های تأمین اجتماعی

(ج) اجتناب از رعایت استانداردهای قانونی معین نظیر حداقل دستمزد، حداکثر ساعت

کار، استانداردهای حفاظتی یا بهداشتی و غیره

(د) اجتناب از رعایت روش‌های اداری معین نظیر تکمیل پرسشنامه‌های آماری یا سایر

فرم‌های اداری"^۱.

در ادامه‌ی این پژوهش، تعریف نظام حساب‌های ملی از حیثه‌ی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی مبنا قرار می‌گیرد لذا همانند وضعیت حاکم بر مطالعات تجربی در این حوزه، بخش خانوار از محدوده‌ی مطالعه خارج و در تعیین مصادیق اقتصاد غیررسمی ملاک‌های لحاظ‌شده در تعریف مذکور از جمله خلق ارزش افزوده مورد توجه قرار خواهد گرفت.

^۱ همان مأخذ.

۴. اقتصاد غیررسمی و فعالیت‌های مجرمانه

معمولاً در اینکه برخی از فعالیت‌های مجرمانه نظیر صادرات و واردات غیرقانونی کالا (قاچاق)، تولید، توزیع و فروش مواد مخدر و ... جزئی از اقتصاد غیررسمی به‌شمار می‌روند تردیدی وجود ندارد، اما به‌طور وسیعی در مورد گروه دیگری از این فعالیت‌ها نظیر سرقت، اخاذی، اختلاس، ارتشاء و پول‌شویی این‌گونه نیست.

در بخشی از ادبیات موجود پیرامون اقتصاد غیررسمی، فعالیت‌هایی نظیر سرقت، اخاذی، فساد مالی (اختلاس و ارتشاء) و پول‌شویی به عنوان مصادیقی از فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی برشمرده شده است. از جمله، همان‌طور که پیش‌تر دیدیم، توماس دزدی و اخاذی را در زمره‌ی فعالیت‌های بخش غیرقانونی ذکر می‌کند. آیا چنین فعالیت‌هایی را می‌توان در محدوده‌ی اقتصاد غیررسمی، یا بنابه‌تعریف نظام حساب‌های ملی جزئی از تولید غیرقانونی، تولید پنهان (اقتصاد زیرزمینی) یا بخش غیررسمی، دانست؟

پاسخ‌گویی به این پرسش بستگی به ملاک‌هایی دارد که برای تعریف محدوده‌ی اقتصاد غیررسمی به‌کار می‌رود. مرور مطالعات نشان می‌دهد ملاک اصلی که مرز بین فعالیت‌های اقتصادی رسمی و غیررسمی را روشن می‌کند، ثبت‌شدن در حساب‌های ملی است. از سوی دیگر، از نظر نظام حساب‌های ملی، خلق ارزش افزوده و مبادله‌ی بازاری محصولات، معیارهای قرار گرفتن در محدوده‌ی حساب‌های ملی است. حال باید دید فعالیت‌های موردنظر در چنین محدوده‌ای قرار می‌گیرند؟

واقعیت آن است که علی‌رغم اشاره به مواردی از فعالیت‌های مجرمانه از قبیل سرقت، اخاذی، اختلاس، ارتشاء و پول‌شویی به عنوان مصادیق فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در برخی از مقالات و مطالعات این حوزه، از آنجا که این‌گونه فعالیت‌ها معمولاً به صورت جابجایی اموال یا انتقال وجوه ظاهر می‌شوند و متضمن ایجاد ارزش افزوده نیستند، نمی‌توان آنها را در محدوده‌ی اقتصاد غیررسمی دانست.

بنابراین، گرچه مثلاً سرقت فعالیت مجرمانه، غیرقانونی و پنهانی در حوزه‌ی اقتصاد است اما همان‌طور که در نظام حساب‌های ملی بر این مورد با ذکر مصداق تأکید شده و برخلاف آنچه که توماس مدعی است، این فعالیت در محدوده‌ی تولید یا بخش غیرقانونی قرار نمی‌گیرد چون در حین این فعالیت، تولیدی صورت نمی‌گیرد بلکه

آنچه رخ می‌دهد، همانند اخاذی، جابجایی در تصاحب یا مالکیت اموال است. همین‌طور در مورد فساد اقتصادی، که بنابه تعریف سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع خصوصی است و می‌تواند عناوینی نظیر اختلاس و ارتشاء را در بر بگیرد نیز آنچه انجام می‌شود به تولید کالا یا خدمت و به تعبیر دیگر خلق ارزش افزوده منجر نمی‌شود بلکه صرفاً انتقال وجوه است که محصول متناظری ندارد لذا آن را نمی‌توان در چنین محدوده‌ای تعریف نمود.

پول‌شویی نیز، باوجود ارتباط وسیع آن با اقتصاد غیررسمی، به‌ویژه، فعالیت‌های مشمول بخش غیرقانونی، تا آنجا که توسط فعالان بخش غیرقانونی به‌منظور تطهیر پول‌های کثیف به‌دست آمده از طریق این فعالیت‌ها صورت می‌گیرد، به ایجاد ارزش افزوده منجر نمی‌شود و لذا جزئی از اقتصاد غیررسمی به شمار نمی‌رود اما چنانچه اشخاصی (حقیقی یا حقوقی) چنین زمینه‌ای را برای فعالیت انتخاب نمایند و به متقاضیان در قبال دریافت حق‌الزحمه، خدمات پول‌شویی ارائه نمایند، ارزش‌افزوده‌ی حاصل از این فرایند در محدوده‌ی حساب‌های ملی می‌گنجد و از این‌رو، جزئی از اقتصاد غیررسمی محسوب می‌شود.

فصل سوم: چرا اقتصاد غیررسمی؟

۱. مقدمه

اینکه در تمامی جوامع سهمی از فعالیت‌های اقتصادی، کم یا زیاد، به اقتصاد غیررسمی اختصاص دارد واقعیتی غیرقابل انکار است. سؤالی که در اینجا پیش می‌آید آن است که چرا برخی از افراد و بنگاه‌ها (فعالان اقتصادی) تمام یا بخشی از زمان و دارایی‌های خود را صرف این گروه از فعالیت‌های اقتصادی می‌نمایند؟ چه عامل یا عواملی موجب می‌شود آنها حوزه‌ی غیررسمی را بر رسمی ترجیح دهند؟

پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها هنگامی بیشتر اهمیت می‌یابد که شواهد و برآوردهای موجود از اینکه حجم نسبی اقتصاد غیررسمی در کشورهای در حال توسعه به مراتب بزرگ‌تر از کشورهای توسعه‌یافته است^۱ نیز در نظر گرفته شود. کدام وجه یا وجوه تمایز بین این دو گروه از کشورها موجب پیدایش چنین تفاوتی شده است؟ در این فصل پس از ارائه‌ی چارچوب کلی نظری برای توضیح چرایی پیدایش و گسترش اقتصاد غیررسمی، به بررسی تطبیقی چگونگی پاسخ‌گویی مطالعات تجربی انجام شده در کشور و یافته‌ای آنها در مورد اقتصاد ایران می‌پردازیم.

^۱ نگاه کنید به: بخش سوم از فصل پنجم این گزارش.

۲. چارچوب نظری: عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی

مروری بر ادبیات اقتصاد غیررسمی منجر به دستیابی به فهرستی طولانی از عواملی می‌شود که ادعا می‌گردد بر پیدایش و گسترش این پدیده تأثیر دارند. از یک منظر می‌توان این عوامل را در سه سطح خرد، کلان و توسعه‌ای طبقه‌بندی نمود. بر چنین مبنایی، رویکردهای اقتصاد خرد به این پدیده، در توجیه گرایش افراد و بنگاه‌ها به فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، به برتری منافع خالص مورد انتظار مشارکت در این حوزه در قیاس با اقتصاد رسمی اشاره می‌کنند. مثلاً در آنجا که منافع خالص مورد انتظار (با احتساب ریسک کشف) حاصل از واردات قانونی کالایی کمتر از منافع خالص حاصل از واردات غیرقانونی (قاچاق) آن است، مبادرت به قاچاق گزینه‌ای منطبق با انتخاب عقلایی است.

اما رویکرد کلان‌اقتصادی، بر اثر محیط اقتصادی و متغیرهای اصلی آن بر گزینش فعالیت در اقتصاد غیررسمی تمرکز دارد. برای نمونه، در مورد مثال قبلی، بخشی از عواملی که تعیین‌کننده‌ی منافع خالص مورد انتظار ناشی از فعالیت در هر یک از دو حیطه‌ی رسمی یا غیررسمی است مربوط به قیمت‌های آن کالا در داخل و خارج، هزینه‌های حمل و نقل و عواملی از این قبیل نیست بلکه در محدوده‌ی متغیرهای کلان‌اقتصادی، نظیر نرخ ارز، نوسانات اقتصادی (رکود و رونق) و وضعیت درآمد و اشتغال ناشی از آن است.

تحلیل‌های سطح توسعه نیز می‌تواند به درک بهتر علل شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی یاری رساند. در چنین رویکردی و در چارچوب مثال قبلی، به‌عنوان نمونه، ویژگی‌های گذار به توسعه‌یافته‌گی موجب می‌شود تا از یک سو الگوی مصرف جامعه تغییر نماید و متقاضی مصرف کالایی شود که تولید آنها یا در توان جامعه نیست و یا تولیدات داخلی آنها قادر به رقابت در قیمت و یا کیفیت با محصولات مشابه خارجی نمی‌باشد و از دیگر سو دوگانه‌گی‌های منطقه‌ای، قاچاق را به‌صورت فرصت شغلی مناسبی برای جوانان جویای کار درآورده است و اینها همه، در ترکیب با بروکراسی ناکارآمدی قرار گرفته که قادر به تدوین مقررات مناسب و یا اجرا و تضمین اجرای مقررات نیست.

در میان مکاتب گوناگون در رشته‌ی اقتصاد، به‌نظر می‌رسد مکتب نهادگرایی نوین، که امروزه با استقبال گسترده‌ای از سوی محافل علمی و سیاست‌گذاری مواجه شده است، این قابلیت را دارد تا با رویکردی فرارشته‌ای ترکیبی مناسب از سه سطح تحلیل مذکور را برای تبیین چرایی گسترش اقتصاد غیررسمی فراهم آورد. ادعای اصلی اقتصاددانان نهادگرا آن است که تحولات نهادی علت اصلی تغییرات در عملکرد بلندمدت اقتصادی کشورهاست و تفاوت‌های نهادی توضیح‌دهنده‌ی اصلی تفاوت در عملکرد بلندمدت اقتصادی بین کشورهای مختلف است. در واقع، نهادگرایان نوین از آمیزه‌ای از تغییرات قیمت‌های نسبی، فناوری، نهادها و سازمان‌ها برای تبیین تحولات اقتصادی استفاده می‌کنند که در این میان وزن و سهم بیشتری را برای تغییرات نهادی - سازمانی قائلند. اما منظور این گروه از اقتصاددانان از نهاد چیست؟ نهادها محصول نوآوری و ابداع انسان‌ها برای تنظیم روابط اجتماعی فی‌مابین به‌منظور دستیابی به رفاه بیشتر هستند همان‌طور که فناوری نیز گروه دیگری از نوآوری‌ها و ابداعات انسانی را شامل می‌شود که روابط انسان‌ها با محیط طبیعی را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که رفاه بیشتری را در پی داشته باشد. در چنین چارچوبی، نورث، اقتصاددان نهادگرا و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل در رشته‌ی اقتصاد، در تعریف نهاد می‌گوید: "نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند، یا به عبارتی سنجیده‌تر قیودی هستند وضع‌شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها را شکل می‌دهند"^۱.

در این دیدگاه، نهادها می‌توانند به‌صورت رسمی (همچون قوانین و مقررات) و به‌صورت غیررسمی (مانند آداب و رسوم) باشند و محدودیت‌های نهادی، هم شامل مواردی می‌شوند که افراد از انجام آنها منع شده‌اند و هم در مواردی شرایطی را دربر می‌گیرند که تحت آن شرایط بعضی افراد مجاز به انجام فعالیت‌های خاصی هستند. به این ترتیب، تعیین موارد نقض این محدودیت‌ها و کیفر آن، از اجزاء ضروری کارکرد نهادهاست که هزینه‌بر است^۲.

^۱ نورث (۱۳۷۷). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی. ترجمه‌ی: محمدرضا معینی. سازمان برنامه و بودجه. مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات. ص. ۱۹.

^۲ همان مأخذ، ص. ۲۱-۲۰.

پیچیده‌تر شدن جوامع و مبادلات افراد در طول زمان، هم در بوجود آمدن نهادها و هم در ترکیب نهادها نقش داشته است. اساساً نهادها برای کاهش دادن عدم‌یقین [نااطمینانی] موجود در کنش‌های متقابل افراد بوجود آمده‌اند، که پیچیدگی مسائل در آن مؤثر بوده است.^۱ درمورد ترکیب نهادها نیز، حرکت از محدودیت‌های غیررسمی به محدودیت‌های رسمی، در درازمدت، در نتیجه‌ی پیچیده‌تر شدن جوامع بوده است که این، به نوبه‌ی خود، با تخصیص شدن و تقسیم کار روزافزون، ارتباط تنگاتنگی دارد. از این منظر، محدودیت‌های رسمی راه‌حل مبادلات پیچیده‌تر هستند.^۲

یکی از مفاهیم بنیادین در نظریه‌ی نهادگرایی، مفهوم "هزینه‌ی مبادله" یا "هزینه‌ی معاملاتی" است. درواقع، "سنگینی هزینه‌ی کسب اطلاعات کلید فهم هزینه‌های مبادله است زیرا هزینه‌های مبادله شامل هزینه‌های سنجش ویژگی‌های با ارزش اقلام مورد مبادله به اضافه هزینه‌های حمایت‌کننده از حقوق مالکیت و هدایت و اجرای قراردادها است و خود این هزینه‌های سنجش و اجرا منشأ نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی‌اند".^۳

با کمک مفهوم هزینه‌ی مبادله می‌توان تفاوت اصلی اقتصاد نهادگرایی را با اقتصاد نئوکلاسیکی نیز توضیح داد. تحلیل‌های نئوکلاسیکی متکی بر پیش‌فرض‌هایی است که بر مبنای آنها ساختار نهادی به صورتی است که هزینه‌ی مبادله وجود ندارد یا برابر صفر است و نقطه‌ی عزیمت نظریه‌ی نهادگرایی نوین نیز دقیقاً از همین‌جا، یعنی نقد پیش‌فرض‌های نئوکلاسیکی است. آنها چنین فروزی را غالباً انتزاعی و در نتیجه تحلیل‌های مبتنی بر آن را غیرواقع‌گرایانه می‌دانند.

به‌منظور ارائه‌ی تصویر روشن‌تری از نقش نهادهای رسمی و غیررسمی، مسئله‌ی چگونگی سنجش و اجرا و نیز هزینه‌ی مبادله در تحلیل اقتصادی و درک جایگاه تحلیل نئوکلاسیکی در این میان، نقطه‌نظرات ویلیامسون،

^۱ همان مأخذ. ص. ۵۳.

^۲ همان مأخذ. ص. ۸۴-۸۳.

^۳ همان مأخذ. ص. ۵۵.

اقتصاددان نهادگرا و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل در رشته‌ی اقتصاد می‌تواند راه‌گشا باشد. وی در مقاله‌ای با عنوان "اقتصاد هزینه‌ی معاملاتی"^۱ سطوح مختلف پژوهش‌های نهادگرایی نوین را این‌گونه طبقه‌بندی می‌کند:

سطح اول: بدنه‌ی اجتماعی (نهادهای غیررسمی، آداب و رسوم، سنت‌ها، هنجارها و دین)؛ در این سطح، تأثیرپذیری متغیرهای اقتصادی از نهادهای غیررسمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در جایی که اطلاعات و توانایی محاسباتی محدود باشد، نهادهای غیررسمی می‌تواند هزینه‌های کنش انسانی را در مقایسه با جهانی فاقد نهادها، کاهش دهند. نورث معتقد است، مشکلی که در این سطح از تحلیل وجود دارد آن است که در اغلب موارد تصریح دقیق ویژگی‌های نهادهای غیررسمی امکان‌پذیر نیست و انجام آزمون‌های معنی‌دار و بدون ابهام برای بررسی نقش اقتصادی این نهادها بسیار دشوار است.^۲ اگرچه این سطح از تحلیل توسط تاریخ‌دانان اقتصادی و اندیشمندان اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته اما ویژگی اصلی این نهادها عنصر زمان است. شاید برای تغییر در این حوزه به ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ سال زمان نیاز باشد. بنابراین، در اغلب تحلیل‌های اقتصادی علی‌رغم اهمیتی که برای نهادهای غیررسمی قائلند، آنها را مفروض (معین) در نظر می‌گیرند.

سطح دوم: فضای نهادی (قواعد رسمی بازی شامل عوامل تأثیرگذار بر مالکیت در سطوح مختلف حاکمیت)؛ در این سطح از تحلیل، قواعد رسمی بازی یا به‌بیان دیگر نهادهای رسمی به عنوان متغیر مستقل وارد الگوی تحلیلی می‌شود. از آنجا که این گروه از قواعد بازی را دولت (حکومت) تدوین می‌نماید، در چنین سطحی از تحلیل، نظام سیاسی، ماهیت و کارکرد آن در کانون توجه قرار می‌گیرد. ویلیامسون اعتقاد دارد تغییرات اساسی در این حوزه ممکن است یک یا چنددهه به‌طول بیانجامد. از آنجا که اصلی‌ترین و مهم‌ترین نهاد رسمی در جوامع امروزی

^۱ Williamson, Oliver (۱۹۹۸). Transaction Cost Economics: How It Works, Where It Is Headed; De Economist ۱۴۶, No.۱.

^۲ نورث (۱۳۷۷). ص. ۶۹.

حقوق مالکیت است، غالب پژوهش‌های صورت‌گرفته در این سطح را ذیل عنوان "اقتصاد حقوق مالکیت" طبقه‌بندی می‌کنند.

سطح سوم: حکمرانی (انجام بازی شامل اجرای قراردادهای - تطبیق ساختارها با مبادلات)؛ در این سطح از تحلیل تمرکز اصلی بر چگونگی اجرای قواعد است. نورث در بیان اهمیت نحوه‌ی اجرای قواعد می‌گوید: "قوانین و عملکرد اقتصادی رابطه‌ی چندان منحصربه‌فردی ندارند. یعنی آمیزه‌ای از هنجارهای رسمی (و غیررسمی)، قوانین و ویژگی‌های اجرایی است که مجموعه‌ی انتخاب‌ها را مشخص می‌کند و نتایج را به‌بار می‌آورد. اگر فقط قوانین رسمی را مدنظر داشته باشیم، برداشت ما از رابطه‌ی محدودیت‌های رسمی و عملکرد اقتصادی، ناقص و غالباً گمراه‌کننده خواهد بود"^۱. در اینجا حکومت می‌تواند در قالب طرف سوم قرارداد یا خود به‌عنوان ذی‌نفع، به ترتیب ضمانت اجرایی قراردادهای را فراهم کند یا منجر به نقض قراردادهای و بازتعریف حقوق مالکیت شود اما هریک از انتخاب‌های یادشده از سوی حکومت، هزینه‌های معاملاتی متفاوتی را به اقتصاد تحمیل می‌کند. محوریت یافتن هزینه‌های معاملاتی در این سطح از پژوهش موجب شده است تا مطالعات در این حوزه ذیل عنوان "اقتصاد هزینه‌های معاملاتی" طبقه‌بندی شوند.

سطح چهارم: تخصیص منابع و اشتغال (شامل قیمت‌ها و مقادیر: تنظیم انگیزه‌ها)؛ در این سطح، تحلیل از بررسی تغییرات ساختاری گسسته، که موضوع سطوح تحلیلی پیشین بود، به ارزیابی تغییرات حاشیه‌ای پیوسته انتقال می‌یابد. اقتصاد نئوکلاسیکی با تمرکز بر این سطح از تحلیل به تغییرات به‌هم‌پیوسته‌ی قیمت و محصول که شرایط بازار را مشخص می‌کند، می‌پردازد.

از نظر ویلیامسون، وضعیت در سطوح چهارگانه‌ی مذکور با هم مرتبطند. به‌این ترتیب که نهادهای غیررسمی بر فضای نهادی اثر می‌گذارد و از آن اثر می‌پذیرد. همین‌طور، فضای نهادی خود بر چگونگی اجرا اثر می‌گذارد و از آن اثر می‌پذیرد و در نهایت این چگونگی اجرا و مفهوم کلیدی آن یعنی هزینه‌های مبادله (معاملاتی) است که

^۱نورث (۱۳۷۷). ص. ۹۳.

بر تخصیص منابع و اشتغال اثر می‌گذارد و از آن اثر می‌پذیرد. بر مبنای چنین نگرشی است که نورث می‌گوید: "نهادهای از طریق تأثیرگذاران بر هزینه‌های مبادله و تولید، عملکرد اقتصادها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نهادهای دانش فنی به کار گرفته شده، توأمأً هزینه‌های معاملاتی و هزینه‌های تبدیل (تولید)، یعنی هزینه‌های کل را تعیین می‌کنند"^۱.

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که رویکرد نهادگرایی این قابلیت را دارد که سطح وسیعی از عوامل مؤثر مذکور بر شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی را پوشش دهد. از عوامل فرهنگی، نظیر آداب و رسوم اجتماعی گرفته تا قوانین و مقررات و چگونگی اجرای آنها و در نهایت شرایط بازار. از این منظر، با افزایش پیچیدگی مسائل اجتماعی، که ناشی از پیشرفت جوامع و سطح روابط اجتماعی در آن است، از یک سو نیاز به نهادهای جهت کاهش عدم اطمینان در مبادلات، افزایش می‌یابد و از سوی دیگر جریان تبدیل نهادهای غیررسمی به نهادهای رسمی حاکم بر مبادلات، شدت می‌گیرد. این نهادهای رسمی در پی آنند تا انواع خاصی از مبادله را تشویق و انواع دیگری را نهی کنند. ناکارآمدی در جریان ایجاد این نهادها (تدوین قوانین و مقررات) و یا اجرا و یا تضمین اجرای آنها، موجب شکل‌گیری و گسترش عدم رعایت قوانین و مقررات می‌شود.

نورث به گونه‌ای دقیق‌تر با اتکاء به مفاهیم کلیدی رویکرد نهادگرایی نوین تمایز بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته را از نظر گستردگی گرایش به فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی توضیح می‌دهد. وی در ابتدا با تمرکز به سه سطح نخست تحلیل نهادگرایی، و تفاوت در هزینه‌های مبادله به عنوان نتیجه‌ی آن می‌گوید: "زمانی که هزینه‌ی مبادله را در یک کشور جهان‌سومی با مشابه آن در یک اقتصاد صنعتی پیشرفته مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که هزینه‌های سرانه‌ی مبادله در کشورهای جهان سوم بیشتر است و گاهی اوقات به‌علت آنکه این هزینه‌ها بسیار زیادند هیچ مبادله‌ای صورت نمی‌گیرد. ساختار نهادی، در جهان سوم فاقد ساختار رسمی (و اجرا) است که زیربنای بازار کارآمد است. البته اغلب در کشورهای جهان سوم بخش‌های غیررسمی‌ای (و در عمل

^۱ همان مأخذ. ص. ۲۳.

اقتصادهای زیرزمینی‌ای) وجود دارند که در جهت فراهم‌آوردن ساختاری برای مبادله تلاش می‌کنند. به‌هرحال، این نوع ساختار با هزینه‌های بالا به‌دست می‌آید، زیرا عدم‌حفاظت از حقوق مالکیت، فعالیت‌های اقتصادی را به نظام‌های مبادله‌ی شخصی‌ای منحصر می‌کند که بتواند انواع قراردادهای خوداجرا را در اختیار گذارد. اما مسئله فقط این نیست که هزینه‌های معاملاتی در کشورهای جهان سوم بالاتر است. علاوه‌براین، چارچوب نهادی، که ساختار اصلی تولید را تعیین می‌کند، تداوم توسعه‌نیافتگی را موجب می‌شود^۱.

نورث، سپس، به سطح چهارم تحلیل رفته و اثر چنین شرایطی را بر انتخاب و تخصیص منابع بنگاه‌ها چنین ارزیابی می‌کند: "بنگاه‌ها به‌وجود می‌آیند تا از فرصت‌های سودآوری‌ای بهره‌برداری کنند که مجموعه‌ی محدودیت‌های موجود تعریف می‌کنند. بی‌ثباتی حقوق مالکیت، اجرای ضعیف قوانین، وجود موانع ورود به صنعت و محدودیت‌های انحصارطلبانه، بنگاه‌هایی را که در پی حداکثرکردن سودند را به سمت داشتن سرمایه‌ی اندک، افق‌های کوتاه‌مدت و مقیاس‌های کوچک سوق می‌دهد. احتمالاً سودمندترین کسب و کار اقتصادی تجارت، فعالیت در جهت توزیع مجدد یا حضور در بازار سیاه خواهد بود. بنگاه‌های بزرگی که سرمایه‌های آنها قابل‌ملاحظه است فقط زیر چتر حمایت‌های دولت و دریافت یارانه، حمایت‌های تعرفه‌ای و پرداخت‌های جبرانی به سازمان سیاسی - یعنی ترکیبی که به‌ندرت کارایی مولد ایجاد می‌کند - به حیات خود ادامه می‌دهند"^۲.

ملاحظه می‌شود، از این منظر، اندازه‌های بزرگ اقتصاد غیررسمی جزئی از مسئله‌ی توسعه‌نیافتگی است. ناتوانی در شکل‌دهی به ساختارهای کارآمد رسمی نهادی و اجرا، همراهش در هزینه‌های بالای معاملاتی ظاهر می‌شود و روی‌آوردن به ساختارهای غیررسمی. نورث تأکید می‌کند که تجربیات موفق در پیشرفت اقتصادی و توسعه‌یافته‌گی مدیون نوآوری‌های نهادی بوده‌اند که از هزینه‌های معاملاتی کاسته و تصاحب سودهای بیشتر حاصل از تجارت را امکان‌پذیر ساخته‌اند و به گسترش بازارها منجر شده‌اند^۳.

^۱ همان مأخذ. ص. ۱۱۴-۱۱۳.

^۲ همان مأخذ. ص. ۱۱۴.

^۳ همان مأخذ. ص. ۱۷۱.

۳. عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی در ایران

در قسمت قبلی چارچوب کلی نظری برای تبیین علل گرایش به فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی و سهم نسبتاً بالاتر این قبیل فعالیت‌ها در کشورهای در حال توسعه ارائه شد. اکنون، با در نظر داشتن چنین الگویی می‌توان به بررسی تطبیقی کوشش‌های پژوهشی انجام شده در کشور پرداخت تا عوامل مؤثر بر انتخاب حوزه‌ی غیررسمی توسط افراد و بنگاه‌های ایرانی را از منظر این مطالعات شناسایی کنیم.

حاصل این بررسی تطبیقی نظام‌مند مبتنی بر روش فراتحلیل در جداول ضمیمه‌ی این فصل خلاصه شده است. جدول ۱-۳ ضمیمه نتیجه‌ی مقایسه‌ی محتوای ۳۶ مقاله‌ی (گزارش) علمی منتشره پیرامون اقتصاد غیررسمی در ایران و یا اجزای آن را در حدها و سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که به بررسی عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. در این جدول در مورد هر مطالعه، علاوه بر مشخصات پدیدآورنده (گان) آن اثر پژوهشی و سال انتشار آن، مفهوم مورد مطالعه و دوره‌ی مطالعه نیز مشخص شده است. همچنین، در صورتی که در آن تحقیق، در مرور مبانی نظری عوامل مؤثر بر پدیده‌ی مورد بررسی، به جمع‌بندی یا طبقه‌بندی خاصی از عوامل اشاره شده، در ستون پنجم جدول ذکر شده است. دو ستون انتهایی جدول نیز، به ترتیب، به عوامل مؤثر در چارچوب الگوی نظری مطالعه و الگوی تجربی آن اختصاص دارد.

همان‌طور که از مندرجات پنجمین ستون جدول مذکور ملاحظه می‌شود، تعداد محدودی از این مطالعات جدای از مرور مبانی نظری، به ارائه‌ی جمع‌بندی یا طبقه‌بندی خاصی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اقتصاد غیررسمی یا اجزای آن پرداخته‌اند. در این مطالعات، از عناوین کلی‌تری نظیر:

- ویژگی‌های نهادها یا محدودیت‌های رسمی،
- ویژگی‌های محیط اقتصادی و سایر محیط‌ها،
- فضای کسب و کار

تا موارد خاص‌تری نظیر:

- بار مالیاتی و تأمین اجتماعی،
 - شدت مقررات و قوانین اقتصادی،
 - دخالت‌های دولت و اختلال‌های قانونی،
 - مهاجرت غیرقانونی،
 - فساد و رانت‌جویی،
 - نابرابری،
 - تورم،
 - بیکاری،
 - درآمد سرانه (معمولاً به عنوان شاخصی از نوسانات اقتصادی یا سطح توسعه‌یافته‌گی)
- به‌عنوان عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی، که منظور از آن عمدتاً بخش‌های نامنظم و غیرقانونی بر مبنای تعریف توماس بوده، اشاره شده است.
- همچنین، در این مطالعات، در مرور مبانی نظری، به
- گسترش شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر،
 - نرخ بالای رشد جمعیت،
 - گسترش فقر و نابرابری،
 - توان محدود بخش رسمی در اشتغال‌زایی،
 - افزایش نیروی کار و مشارکت زنان در بازار کار،
 - حداقل دستمزد،
 - حجم بالای نیروی انسانی فاقد تخصص، تحصیلات و سرمایه
- به‌عنوان عوامل مؤثر بر گسترش اشتغال در بخش غیررسمی اشاره شده است.

همین بخش از جدول نشان می‌دهد که پژوهش‌هایی که صرفاً بر مفهوم قاچاق تمرکز داشته‌اند، در مرور

مبانی نظری،

- ریسک کشف قاچاق،
- تفاوت نرخ ارز رسمی و بازار سیاه،
- نرخ تعرفه (مالیات بر واردات)،
- مقررات زائد و مفرهای قانونی،
- انحصار در واردات کالا،
- محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های تجاری

را به‌عنوان عوامل مؤثر بر گسترش این پدیده برشمرده‌اند.

ستون بعدی جدول، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی را در چارچوب الگوی

نظری آن پژوهش برای بررسی این پدیده در ایران برمی‌شمرد. پس از ترکیب مفاهیم مشابه و یا نزدیک به‌هم،

می‌توان گفت این مطالعات، شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی در ایران را تحت‌تأثیر عوامل زیر می‌دانند:

اول: عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی به‌طور کلی یا با تمرکز بر بخش‌های نامنظم و غیرقانونی

بار مالیاتی	شاخص غیرقانونی بودن	دریافت تسهیلات مالی
محدودیت‌های تجاری	شاخص کارایی سیستم انتظامی	حمایت از سرمایه‌گذاران
تورم	بار ارزی	پرداخت مالیات
درآمد سرانه / سطح تولید	مابه‌التفاوت نرخ ارز	تجارت خارجی
بیکاری	شاخص مواد مخدر	ضمانت اجرای قراردادها
درآمدهای حاصل از منابع طبیعی	شرایط شروع کسب و کار	ثبت رسمی دارایی‌ها
حجم دولت / مصارف دولتی	شرایط دریافت مجوز	دستمزد

شاخص قوانین و مقررات مقررات استخدام و اخراج نیروی کار
 سهم خوداشتغالی از کل اشتغال تعطیلی کسب و کار (ورشکستگی)

دوم: عوامل مؤثر بر اشتغال در بخش غیررسمی

هزینه‌ی مبادله گسترش مهاجرت راهبردهای اقتصادی نامناسب
 نایک‌پارچگی بازارهای مالی افزایش چندپیشه‌گی رشد بالای جمعیت
 ناکارآمدی بروکراسی تعدد قوانین و مقررات اقتصادی رشد شهرنشینی
 بیکاری تعدد و میزان قدرت ارگان‌های دخالت‌کننده در اقتصاد مکانیزاسیون کشاورزی
 حداقل دستمزد

سوم: عوامل مؤثر بر قاچاق

ریسک کشف قاچاق نرخ تعرفه / معادل تعرفه‌ای واردات یادگیری
 نرخ ارز رسمی فاصله‌ی نزدیک با قطب‌های اصلی واردات کالا وجود مناطق آزاد تجاری
 نرخ ارز در بازار سیاه وجود فرهنگ بازرگانی و تجارت کالا در استان وجود امنیت

بررسی تطبیقی عوامل مذکور در الگوهای نظری مطالعات انجام‌شده در مورد اقتصاد غیررسمی در ایران با سطوح چهارگانه‌ی برنامه‌ی پژوهشی اقتصاد نهادگرایی تشریح‌شده در قسمت قبلی نشان می‌دهد که:

اولاً، به جز دو مورد در تشریح عوامل مؤثر بر قاچاق کالا (وجود فرهنگ بازرگانی و تجارت کالا در استان و یادگیری) مابقی عوامل ذیل سطوح دوم (فضای نهادی)، سوم (حکمرانی) و چهارم (تخصیص منابع و اشتغال) قابل طبقه‌بندی هستند. یک مورد هم، باز در تشریح عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در استان هرمزگان، به فاصله‌ی نزدیک با قطب‌های اصلی واردات کالا اشاره دارد که در چارچوب مذکور نمی‌گنجد. توجه کمتر به نقش نهادهای غیررسمی

(فرهنگ، آداب و رسوم)، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، می‌تواند ناشی از دشواری مشاهده و اندازه‌گیری این عوامل باشد.

ثانیاً، در میان عوامل ذکرشده، غلبه با آنهایی است که در سطوح دوم و سوم تحلیلی جای می‌گیرند، یعنی آنچه که ناشی از حضور دولت در صحنه‌ی اقتصاد و چگونگی ایفای نقش آن در عرصه‌ی تدوین قوانین و مقررات و چگونگی اجرا و تضمین اجرای آن است. گرچه برخی از این عوامل به کمیت این مداخله می‌پردازند (حجم دولت / مصارف دولتی، تعدد قوانین و مقررات و تعدد ارگان‌های دخالت‌کننده در اقتصاد) اما عمده‌ی آنها تحت‌تأثیر کیفیت این حضور و مداخله است. چنین رویکردی کاملاً با نظریه‌های نوین توسعه در خصوص نقش دولت در اقتصاد مطابقت دارد.

ثالثاً، باوجود تأکید زیاد نظریه‌ی نهادگرایی بر اهمیت هزینه‌ی مبادله و نقش تعیین‌کننده‌ی آن در انتخاب حیطه‌ی غیررسمی برای فعالیت اقتصادی توسط افراد و بنگاه‌ها، تنها یک مطالعه به‌طور مستقیم به این عامل اشاره دارد، اما باید اذعان داشت که تعداد زیادی از عوامل به سطح سوم تحلیل (حکمرانی) باز می‌گردد که تحت عنوان کلی اقتصاد هزینه‌ی معاملاتی طبقه‌بندی می‌شود. به عبارت دیگر، عوامل متعددی به‌طور غیرمستقیم نشان‌گر وضعیت این متغیر مهم اقتصادی هستند.

۴. بررسی تطبیقی یافته‌های تجربی مطالعات

در این مرحله، بعد کمی روش فراتحلیل گسترش داده می‌شود. به این معنی که آن گروه از مطالعات که از الگوی نظری برای تحلیل اقتصاد غیررسمی در ایران فراتر رفته و به آزمون تجربی الگوی ارائه‌شده با مدل‌سازی و به‌کارگیری روش‌های آماری ریاضی کاربردی (اقتصادسنجی، تحلیل عاملی، تحلیل ساختار واریانسی و ...) پرداخته و نتایج مشخصی را در مورد برآورد پارامترهای مربوط به متغیرهای مدل و معنی‌داری آنها ارائه کرده‌اند به‌صورت مقایسه‌ای بررسی می‌شود.

از مجموعه‌ی مطالعاتی که در قسمت قبلی گزارش مورد بررسی قرار گرفتند ۳۲ پژوهش حاوی الگوی تجربی هستند. ستون انتهایی جدول ۱-۳ عوامل مؤثر ذکر شده در الگوی تجربی این مطالعات را گزارش می‌کند. مقایسه‌ی این ستون با ستون قبلی، میزان اثرگذاری محدودیت‌های تجربی در آزمون الگوهای نظری را نشان می‌دهد آنجا که پژوهش‌گران با توجه به شدت چنین محدودیت‌هایی (اعم از نبود دسترسی به اطلاعات مورد نیاز یا کاهش قدرت توضیحی مدل در شرایط حفظ چنین متغیرهایی) ناگزیر از حذف آنها از الگوی نهایی تجربی خود شده‌اند. اما، در بین ۳۲ مطالعه‌ی مذکور، ۱۲ تحقیق به‌دلیل ماهیت روش تجربی آنها از حیطه‌ی بررسی خارج شدند. اینها پژوهش‌هایی بودند که یا به‌دلیل کاربرد روش منطق فازی در مدل‌سازی برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی یا اجزاء آن، قادر به ارائه‌ی برآورد کمی ضریب متغیرها و سطح معنی‌داری آنها نبودند و یا به‌دلیل کاربرد روش میدانی، اساساً فاقد مدل‌سازی و ارائه‌ی برآوردهای این‌چنینی از ضرایب بودند.

جدول ۲-۳ ضمیمه نتایج بررسی تطبیقی ۲۰ پژوهش باقی‌مانده را نشان می‌دهد. ویژگی این جدول در مقایسه با جدول قبلی، علاوه بر تمرکز بر این مطالعات، ارائه‌ی یافته‌های آزمون تجربی مدل‌ها، شامل برآورد ضرایب و آماره‌های مربوط به سطح معنی‌داری برآوردها، در قالب دو ستون انتهایی جدول است. درعوض، ستون‌های مربوط به مرور مبانی نظری و عوامل مؤثر در الگوی نظری مطالعه حذف شده است. اصلی‌ترین یافته‌های این بخش از بررسی تطبیقی مطالعات را می‌توان این‌گونه خلاصه نمود:

اولاً، علی‌رغم رشد قابل‌ملاحظه‌ی پژوهش‌ها پیرامون اقتصاد غیررسمی در ایران و اجزاء آن، تعداد مطالعاتی که عوامل مؤثر بر این پدیده را مدل‌سازی و آزمون کرده‌اند، هنوز محدود است. مسئله آنجاست که بخش عمده‌ای از مطالعات، تلاش خود را مصروف اندازه‌گیری حجم این پدیده نموده‌اند تا به خلأهای مربوط به نبود دسترسی به اطلاعات و آمار در مورد این گروه از فعالیت‌های اقتصادی واکنش درخور نشان دهند. اما این بخش از پژوهش‌ها غالباً یا متکی بر روش‌هایی از اندازه‌گیری بوده‌اند که اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی را بر مبنای آثاری که بر متغیرهای دیگر برجای می‌گذارد تخمین زده‌اند لذا عوامل مؤثر بر این پدیده جایی در الگوی اندازه‌گیری نداشته است یا مبتنی بر روش فازی بوده‌اند که گرچه عوامل را در مدل لحاظ می‌کند اما اندازه‌ی ضریب و معنی‌داری آن مشخص

نمی‌شود. تنها تعداد محدودی از مطالعات مبتنی بر روشهایی بوده‌اند که برای اندازه‌گیری به اطلاعات مربوط به متغیرهای مؤثر بر روند اقتصاد غیررسمی توسل جسته‌اند یا بعد از برآورد اندازه‌ی این پدیده با الگوسازی جداگانه اثرات عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرده‌اند.

ثانیاً، و بسیار مهم آنکه، ویژگی غالب یافته‌های تجربی در این مورد، ناسازگاری آنهاست به نحوی که تقریباً روی هیچ نتیجه‌ای به عنوان یافته‌ی مورد توافق این مطالعات نمی‌توان تأکید و تمرکز نمود. این ناسازگاری شامل جهت اثرگذاری (علائم ضرایب)، میزان اثرگذاری (مقدار ضرایب) و درجه‌ی معنی‌داری برآوردها (مقدار آماره‌های سنجش معنی‌داری) می‌شود.

مثلاً، نگاه کنید به شاخص بازبودن اقتصاد که در یک مطالعه ضریب آن مثبت است و در مطالعه‌ی دیگر منفی؛ یا مثبت بودن ضریب درآمد سرانه در یک تحقیق و منفی بودن ضریب رشد اقتصادی در دیگری. همین‌طور مثبت بودن ضریب بار مالیاتی و برخی از اجزاء آن در گروهی از مطالعات و منفی بودن برخی از اجزاء آن در دیگری و به همین ترتیب می‌توان به ضریب مثبت تورم در گروهی از مطالعات و ضریب منفی برخی از اجزاء آن در یک پژوهش دیگر اشاره کرد.

یا در مورد میزان اثرگذاری، می‌توان به اندازه‌ی بسیار متفاوت ضرایب در مورد بار مالیاتی، بیکاری و تورم اشاره نمود. مثلاً در یک مطالعه میزان اثرگذاری نرخ بیکاری بر اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی محدود و تنها در حدود ۰,۰۸ است (یعنی با ثبات سایر متغیرها، هر یک درصد افزایش نرخ بیکاری، حجم نسبی این پدیده را ۰,۰۸ درصد افزایش می‌دهد) و در دیگری نیز در همین حدود، یعنی ۰,۱۸، اما پژوهشی دیگر میزان اثرگذاری آن را بسیار بیشتر و در حدود ۱,۶۷، تخمین زده است.

در مورد درجه‌ی معنی‌داری برآوردها نیز می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره کرد. مثلاً در همین مورد اخیر، یعنی نرخ بیکاری، در حالی که مطالعاتی اثرگذاری این متغیر را معنی‌دار برآورد نموده‌اند و حتی همان‌طور که دیده شد برخی با میزان اثرگذاری بالا، پژوهش‌هایی دیگر به علت معنی‌دار نبودن آن را از الگوی نهایی تحقیق حذف کرده‌اند. همین‌طور است در مورد متغیر مهم دیگر در این حوزه، یعنی بار مالیاتی که در مورد آن هم یافته‌های

تجربی در مورد معنی دار بودن ضرایب برآورد شده بسیار متفاوت است و از معنی دار نبودن تا معنی داری در سطح اطمینان بسیار بالا را گزارش می کنند.

ثالثاً، دقت بیشتر بر نتایج گزارش شده در جدول مذکور و ریشه یابی این ناسازگاری ها و پراکندگی ها نشان می دهد این ویژگی می تواند تاحدی طبیعی و مورد انتظار باشد. بخشی از این ناسازگاری ها ناشی از تفاوت در دوره ی مطالعه است. با آنکه تمرکز این بررسی مقایسه ای بر مطالعات منتشر شده در طول دوره ی ۹۴-۱۳۸۰ بوده اما، همان طور که ستون چهارم جدول نشان می دهد، این مانع از متفاوت بودن نسبی دوره ی بررسی نشده است. البته باید توجه داشت که این توجیه چندان قوی نیست چراکه انتظار می رود برآوردها از چنان استحکامی برخوردار باشند که با تغییرات محدود در دوره ی بررسی نتایج تغییرات زیادی نداشته باشد.

تفاوت در مفهوم مورد بررسی، می تواند منشأ دیگری برای این ناسازگاری در یافته ها باشد. همان طور که ستون سوم جدول نشان می دهد این پژوهش ها گرچه در حوزه ی مشترکی انجام شده اند اما موضوع اصلی پژوهش ها با یکدیگر هم پوشانی ها و نیز تفاوت های آشکاری دارند. این عامل می تواند بخشی از این ناسازگاری ها را موجه جلوه گر سازد اما هنوز این اشکال در مورد برخی یافته های ناسازگار در بررسی موضوعات مشترک پابرجاست. بخشی از تفاوت ها و ناسازگاری یافته ها نیز می تواند ناشی از تفاوت در نوع تعریف عملیاتی متغیرها یا روش های اندازه گیری باشد. مثلاً تعریف متفاوت از شاخص بازبودن اقتصاد یا بار مالیاتی می تواند چنین یافته های گوناگونی باشد. گرچه در مواردی این ناسازگاری ها در مورد روش ها و تعاریف مشابه هم به چشم می خورد.

در مجموع می توان گفت که از این مرحله از بررسی تطبیقی نمی توان به یافته ی مورد وفاق و قابل اتکایی در مورد عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی در ایران رسید و احتمالاً دستیابی به چنین نتایجی از این مسیر منوط به دسترسی به مطالعات در دوره های مشابه بر روی مفاهیم مشترک و با اتکاء به تعاریف واحد از متغیرهاست.

ضمیمہ فصل سوم

جدول ۳-۱: بررسی تطبیقی مبانی نظری و الگوهای مطالعات عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبانی نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
۱	محمود جمعه‌پور (۱۳۸۰)	اشتغال غیررسمی (بخش غیررسمی)		گسترش شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر	گسترش مهاجرت	گسترش مهاجرت
				نرخ بالای رشد جمعیت	افزایش چندپیشه‌گی	افزایش چندپیشه‌گی
				گسترش فقر و نابرابری		
				توان محدود بخش رسمی در اشتغال‌زایی		
				افزایش نیروی کار و مشارکت زنان		بیکاری
				حجم بالای نیروی انسانی فاقد تخصص، تحصیلات و سرمایه		حجم بالای نیروی انسانی فاقد تخصص، تحصیلات و سرمایه
۲	علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۰)	اقتصاد سیاه (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۷۷-۱۳۴۷	ویژگی‌های نهادها یا محدودیت‌های رسمی	بار مالیاتی	رشد بار مالیات مستقیم
						رشد بار مالیات بر واردات
					محدودیت‌های تجاری	شاخص بازبودن اقتصاد
				ویژگی‌های محیط اقتصادی	تورم	رشد قیمت کالای مصرفی
					درآمد سرانه	درآمد سرانه
					بیکاری	
				ویژگی‌های سایر محیط‌ها		
۳			۷۷-۱۳۵۱		هزینه‌ی مبادله	رشد شکاف سرمایه‌گذاری

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبانی نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
	محسن رنانی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰)	اشتغال در بخش غیررسمی (بخش غیررسمی)			نایکپارچگی بازارهای مالی	شکاف نرخ بهره
					ناکارآمدی بروکراسی	رشد هزینه‌های جاری دولت
					بیکاری	نرخ بیکاری
۴	حسین صادقی و علیرضا شکیبایی (۱۳۸۰)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۴۳-۷۸		نرخ مؤثر مالیات	نرخ مؤثر مالیات
					شاخص مقررات	شاخص مقررات
۵	علی‌اصغر اسفندیاری و آرش جمال‌منش (۱۳۸۱)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۵-۷۹		بار مالیاتی	نسبت مالیات - منهای مالیات بر واردات - به تولید
					بار ارزی	کل ارز خریداری شده صادراتی به کل صادرات غیرنفتی
					تعرفه	نسبت مالیات بر واردات به واردات
					مابه‌التفاوت نرخ ارز	مابه‌التفاوت نرخ ارز
					شاخص مواد مخدر	شاخص کشفیات مواد مخدر
۶	علیرضا شکیبایی و حسین صادقی (۱۳۸۲)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۴۳-۷۸		نرخ مؤثر مالیات	نرخ مؤثر مالیات
					شاخص مقررات	شاخص مقررات
۷	علیرضا شکیبایی (۱۳۸۲)	اقتصاد زیرزمینی	۱۳۴۳-۷۹		نرخ مؤثر مالیات	نرخ مؤثر مالیات

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبانی نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
		(بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)			درجه‌ی مقررات اقتصادی	درجه‌ی مقررات اقتصادی
۸	یدالله کریمی‌پور و حمیدرضا محمدی (۱۳۸۳)	قاچاق	۸۰-۱۳۷۹		فاصله‌ی نزدیک با قطب‌های اصلی واردات کالا ^۲	
					وجود فرهنگ بازرگانی و تجارت کالا در استان	
					وجود مناطق آزاد تجاری	
					وجود امنیت	
۹	غلامرضا حیدری و میرعبداالله حسینی (۱۳۸۵)	قاچاق	۸۱-۱۳۷۶	محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های تجاری	معادل تعرفه‌ای واردات	معادل تعرفه‌ای واردات
۱۰	جمشید پژویان و مجید مداح (۱۳۸۵)	قاچاق	۸۱-۱۳۴۹	ریسک کشف قاچاق	ریسک کشف قاچاق	معکوس شاخص جرمه
				نرخ ارز رسمی	نرخ ارز رسمی	نسبت نرخ ارز رسمی به نرخ ارز بازار سیاه
				نرخ ارز در بازار سیاه	نرخ ارز در بازار سیاه	
				نرخ تعرفه	نرخ تعرفه	نرخ تعرفه
۱۱	علیرضا شکیبایی و علی رئیس‌پور (۱۳۸۶)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)	۸۰-۱۳۵۱		بار مالیاتی	بار مالیاتی
					مصارف دولتی	مصرف حقیقی دولت
					بیکاری	نرخ بیکاری
					سهم خوداشتغالی از کل اشتغال	نسبت خود اشتغالی به کل نیروی کار
					شاخص غیرقانونی‌بودن	جرایم

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبانی نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
					شاخص کارایی سیستم انتظامی	
۱۲	محمدطاهر احمدی شادمهری (۱۳۸۶)	شاغلان بخش غیررسمی (بخش غیررسمی)	۱۳۸۱		تعدد قوانین و مقررات اقتصادی	
					تعدد و میزان قدرت ارگان‌های دخالت‌کننده در اقتصاد	
					راهبردهای اقتصادی نامناسب	
					رشد بالای جمعیت	
					رشد شهرنشینی	
					مکانیزاسیون کشاورزی	
					مهاجرت از روستا به شهر	
۱۳	حمید ابریشمی، محسن مهرآرا و ⁱⁱⁱ نازلی هییتی (۱۳۸۶)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	ذکر نشده		بار مالیاتی مستقیم	بار مالیاتی مستقیم
					بار مالیاتی غیرمستقیم	بار مالیاتی غیرمستقیم
۱۴	الیاس نادران و حسن صدیقی ^۳ (۱۳۸۷)	اقتصاد زیرزمینی (بخش نامنظم)	۸۲- ۱۳۵۱		بار مالیاتی	مالیات بر درآمد
						مالیات بر شرکت‌ها
						مالیات بر ثروت
					بار قانونی و مقرراتی	بار قانونی و مقرراتی

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبنای نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
					تولید	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی
۱۵	مجید مداح (۱۳۸۷)	قاچاق	۸۴ - ۱۳۴۹	ریسک قاچاق	ریسک کشف قاچاق	معکوس شاخص جرمیه
				مفر قانونی	نرخ ارز رسمی	نسبت نرخ ارز رسمی به نرخ ارز بازار سیاه
				بالا بودن هزینه‌ی نسبی واردات رسمی به قاچاق	نرخ ارز در بازار سیاه	
				مالیات بر واردات	نرخ تعرفه	نرخ تعرفه
				مقررات زاید		
				انحصار در واردات کالا		
۱۶	فتح‌الله تار و سعید غلامی باغی (۱۳۸۷) ^۴	اقتصاد پنهان (بخش‌های غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)		فضای کسب و کار	شرایط شروع کسب و کار	
					شرایط دریافت مجوز	
					مقررات استخدام و اخراج نیروی کار	
					ثبت رسمی دارایی‌ها	
					دریافت تسهیلات مالی	
					حمایت از سرمایه‌گذاران	
					پرداخت مالیات	
					تجارت خارجی	
					ضمانت اجرای قراردادها	
					تعطیلی کسب و کار (ورشکستگی)	

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبانی نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
۱۷	مجید صامتی، مرتضی سامتی و علی دلائی میلان (۱۳۸۸) ^۵	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۴-۱۳۴۴		بار مالیاتی	بار مالیاتی کل
					درآمدهای حاصل از منابع طبیعی	
					بیکاری	بیکاری
					حجم دولت	مصرف واقعی دولت
					تورم	
					محدودیت‌های تجاری	شاخص بازبودن اقتصاد
۱۸	مصطفی سلیمی‌فر و محمد کیوان‌فر (۱۳۸۹) ^۶	اقتصاد غیررسمی (بخش نامنظم)	۸۷-۱۳۶۱	بار مالیاتی	تورم	رشد قیمت (تورم) گروه کالایی
				شدت مقررات و قوانین اقتصادی		رشد قیمت (تورم) گروه خدمات
				دخالت‌های دولت و اختلال‌های قانونی		رشد قیمت (تورم) گروه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها
				مهاجرت غیرقانونی		
				فساد و رانت‌جویی		
				تورم		
				بیکاری		
				درآمد سرانه		
۱۹	حسین مهرابی بشرآبادی، سمیه کوچک‌زاده و حمید تابلی (۱۳۸۹)	اقتصاد سایه‌ای	۸۶-۱۳۵۱	بار مالیاتی و تأمین اجتماعی	نرخ مؤثر مالیاتی	نرخ مؤثر مالیاتی
				شدت مقررات	شاخص قوانین و مقررات	شاخص قوانین و مقررات

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبانی نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
		(بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)		دخالت دولت و اختلال‌های قانونی		
				بیکاری		
۲۰	محمد اخباری، مهدیه اخباری و رضا آقابابایی (۱۳۸۹)	قاچاق	۸۵- ۱۳۵۰		بار مالیاتی وارداتی	بار مالیاتی وارداتی
					بیکاری	نرخ بیکاری
					شکاف نرخ ارز	مابه‌التفاوت نرخ ارز رسمی و غیررسمی
۲۱	میثم موسایی و مریم احمدزاده (۱۳۸۹) ^۲	قاچاق	۱۳۸۷		یادگیری	آموزش درون خانواده
۲۲	سمانه طالعی اردکانی، رسول بخشی دستجردی و آزاده سعادت‌خواه (۱۳۹۰)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۶- ۱۳۵۵		درآمد سرانه	درآمد سرانه
					بار مالیاتی مستقیم	بار مالیاتی مستقیم
۲۳	محمد اخباری و مهدیه اخباری (۱۳۹۰)	اقتصاد غیررسمی (بخش‌های غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)	۸۹- ۱۳۵۰		بار مالیاتی	نرخ مؤثر مالیات
					بیکاری	نرخ بیکاری
					دستمزد	حداقل دستمزد واقعی
۲۴	صادق بختیاری و خجسته خوب‌خواهی (۱۳۹۰)	اشتغال در بخش غیررسمی (بخش غیررسمی)	۸۵- ۱۳۵۱	بار مالیاتی	بار مالیاتی	نرخ مالیات
				تورم	تورم	تورم
				افزایش حداقل دستمزد	افزایش حداقل دستمزد	حداقل دستمزد
				بیکاری	بیکاری	بیکاری

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبنای نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
				فساد		
۲۵	زهرا نصراللهی و سمانه طالعی اردکانی (۱۳۹۱)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۴-۸۶		نرخ بیکاری	نرخ بیکاری
					بار مالیات مستقیم	بار مالیات مستقیم
					رشد بار مالیات مستقیم	رشد بار مالیات مستقیم
					تورم	تورم
					رشد تولید ناخالص داخلی سرانه	رشد تولید ناخالص داخلی سرانه
					نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت	نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت
					شاخص سیاسی	شاخص سیاسی
۲۶	هانیه علیزاده و فرهاد غفاری (۱۳۹۲)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۲-۸۷		بار مالیاتی مستقیم	رشد بار مالیاتی مستقیم
					بار مالیاتی غیرمستقیم	رشد بار مالیاتی غیرمستقیم
					تولید ناخالص داخلی	رشد تولید ناخالص داخلی
					عرضه پول	رشد پول به نقدینگی
					تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
					نرخ فعالیت	رشد نرخ مشارکت اقتصادی
۲۷	وحید تقی‌نژادعمران و معصومه نیک‌پور (۱۳۹۲)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۰-۸۹	بار مالیاتی	بار مالیاتی	بار مالیاتی
				دولت	اندازه دولت	اندازه دولت
				نابرابری	نابرابری	ضریب جینی
				اختلاف نرخ ارز رسمی و غیررسمی	اختلاف نرخ ارز رسمی و غیررسمی	شکاف نرخ ارز

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبنای نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
				تورم	تورم	نرخ تورم
				کیفیت مخارج عمومی		متغیر مجازی انقلاب (۵۷)
				ممنوعیت‌ها		
				فساد		
				بیکاری		
				نرخ بهره		
				فعالیت‌های خوداشتغالی و خویش‌فرمایی		
				جنگ		
۲۸	محمدحسن فطرس و علی دلایی میلان (۱۳۹۲)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۴۲-۹۱	بار مالیاتی	بار مالیاتی	بار مالیاتی کل
				بیکاری	بیکاری	نرخ بیکاری
				اندازه بخش عمومی	حجم دولت	مصرف واقعی دولت
				تورم	تورم	نرخ تورم
				محدودیت‌های تجاری	محدودیت‌های تجاری	شاخص بازبودن اقتصاد
					درآمد حاصل از منابع طبیعی	شاخص درآمدهای حاصل از منابع طبیعی
						بار مالیات مستقیم
						بار مالیات بر واردات
						رشد بار مالیات مستقیم
						رشد بار مالیات بر واردات
					تورم	نرخ تورم
۲۹	منصور زراءنژاد، صلاح ابراهیمی، پویان کیانی (۱۳۹۲)	قاچاق	۱۳۵۳-۸۸		آموزش	نرخ بی‌سودای

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبانی نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
					حجم دولت	مصرف واقعی دولت
					شاخص بازبودن اقتصادی	نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی
					بیکاری	
					درآمد سرانه	
					بار مالیاتی	
					نرخ ارز رسمی	
					نرخ ارز غیررسمی	
۳۰	علی اصغر اسفندیاری، مهدی پدram و صادق مجدم (۱۳۹۲)	اقتصاد غیررسمی (بخش خانوار)	۱۳۹۰		سن زن	سن زن
					بعد خانوار	بعد خانوار
					مدت ازدواج	مدت ازدواج
۳۱	علیرضا شکیبایی و قاسم شادمانی (۱۳۹۳)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های خانوار، غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)	۸۶-۱۳۴۹		درجه روستانشینی	نرخ زندگی غیرشهری
					سطح توسعه انسانی	شاخص توسعه انسانی
					بیکاری	نرخ بیکاری
					اندازه پیشه‌وری غیرصنعتی	نرخ پیشه‌وران غیرصنعتی
					بار مالیاتی	بار مالیاتی
					درجه مقررات	درجه مقررات
					جرایم اقتصادی	نرخ جرایم اقتصادی
					قاچاق	حجم برآوردی قاچاق
۳۲	ابراهیم رضائی و ملیحه خواجوی (۱۳۹۳)	اقتصاد زیرزمینی	۸۶-۱۳۵۰	بار مالیاتی	بار مالیاتی	بار مالیاتی
					رشد تولید ناخالص داخلی	رشد تولید ناخالص داخلی

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبنای نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
		(بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)				
۳۳	اسمعیل ابونوری و عبدالحامد نیک پور (۱۳۹۳)	اقتصاد پنهان (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۹۰-۱۳۴۵	بار مالیاتی	بار مالیات بر واردات	نسبت مالیات بر واردات به واردات کالا و خدمات
					بار مالیات کل	بار مالیات مستقیم + بار مالیات بر واردات
				بیکاری	نرخ بیکاری	نرخ بیکاری
				محدودیت‌های تجاری	شاخص بازبودن اقتصاد -۱	نسبت واردات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی
					شاخص بازبودن اقتصاد -۲	نسبت حاصلجمع واردات و صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی
				درآمد سرانه	رشد درآمد سرانه	رشد درآمد سرانه
				تورم	نرخ تورم	نرخ تورم
				حجم دولت	مصرف واقعی دولت	نسبت هزینه‌های مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی
				درآمدهای حاصل از منابع طبیعی (نفتی)		
۳۴	خسرو پیرایی و حسینعلی رجایی (۱۳۹۴)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های)	۹۲-۱۳۵۳		محدودیت‌های تجاری	شاخص باز بودن اقتصادی
					بیکاری	نرخ بیکاری

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبانی نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
		نامنظم و غیرقانونی)			بار مالیاتی مستقیم	بار مالیاتی مستقیم
					رشد بار مالیاتی مستقیم	رشد بار مالیاتی مستقیم
					تورم	تورم
					درآمد سرانه	درآمد سرانه
					نسبت هزینه مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی	حجم دولت
۳۵	سید مرتضی افقه و سید امین منصوری (۱۳۹۴)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۶۳-۹۰		جرائم اخلاقی پنهان	جرائم اخلاقی پنهان
					چک بلامحل	چک بلامحل
					امنیت	ارزش افزوده بخش انتظامی و دفاعی به تولید ناخالص داخلی
					آموزش	نرخ بی‌سوادی
					حجم دولت	هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی
					درآمد سرانه	درآمد سرانه
					شاخص بازبودن اقتصاد	نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی
					شاخص فلاکت	
					شکاف ارز	
					فساد اداری	
					بار مالیاتی	
					مهاجرت روستا - شهری	
۳۶		بخش غیررسمی	ذکر نشده			

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر (مرور مبانی نظری)	عوامل مؤثر (الگوی نظری پژوهش)	عوامل مؤثر (الگوی تجربی پژوهش)
	محمد ویسیان، میرنجف موسوی، طاها ربانی و واحد احمدتوزه (۱۳۹۴)				بیکاری	
					نارضایتی شغلی	

در این ستون انتخاب مفهوم مورد مطالعه بر اساس عنوان (موضوع) پژوهش صورت گرفته و به‌جز مواردی که موضوع به‌طور مشخص به قاچاق محدود بوده، با توجه به استنباط به‌عمل‌آمده از محتوای پژوهش و الگوی تجربی آن، ذیل هر عنوان محدوده‌ی پوشش مطالعه با توجه به طبقه‌بندی توماس مشخص شده است.

^۱ این پژوهش بر قاچاق کالا در استان هرمزگان تمرکز دارد و در عوامل مؤثر به مزیت نسبی استان در قیاس با استان‌های بوشهر و خوزستان در عوامل ذکرشده توجه دارد.

^۲ این پژوهش در بخش مبانی نظری متناسب با موضوع مطالعه، صرفاً به اثر مالیات بر اقتصاد زیرزمینی پرداخته است.

^۳ این پژوهش در بخش مبانی نظری متناسب با موضوع مطالعه، صرفاً به اثر فضای کسب و کار بر اقتصاد پنهان پرداخته است.

^۴ این پژوهش در بخش مبانی نظری صرفاً به مرور آراء دیگران پرداخته و جمع‌بندی خاصی از این مطالعات ارائه نمی‌کند.

^۵ این پژوهش در بخش تجربی خود صرفاً بر اثر تورم بر روی اقتصاد غیررسمی تمرکز دارد.

^۶ این پژوهش در بخش تجربی خود بر اثر یادگیری بر قاچاق تمرکز دارد.

جدول ۳-۲: بررسی تطبیقی یافته‌های تجربی مطالعات عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر	ضریب برآوردشده	معنی‌داری ضریب برآورد شده ^۱
۱	علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۰)	اقتصاد سیاه (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۷۷-۱۳۴۷	رشد بار مالیات مستقیم	۰,۰۸۶	(۰,۹۹)
				رشد بار مالیات بر واردات	۰,۰۹۳	(۱,۰۳)
				رشد قیمت کالا مصرفی	۰,۰۳۸	(۰,۴۳)
				شاخص بازبودن اقتصاد	۰,۲۸	(۲,۴)
				درآمد سرانه	۰,۳۳	(۲,۶۸)
۲	محسن رنانی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰)	اشتغال در بخش غیررسمی (بخش غیررسمی)	۷۷-۱۳۵۱	رشد شکاف سرمایه‌گذاری	۰,۳۳	(۴,۸۱)
				شکاف نرخ بهره	۰,۸۹	(۱۱,۴)
				رشد هزینه‌های جاری دولت	۰,۱۵	(۲,۱)
				نرخ بیکاری	۰,۱۸	(۲,۳)
۳	علی‌اصغر اسفندیاری و آرش جمال‌منش (۱۳۸۱)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۷۹-۱۳۵۵	بار مالیاتی (نسبت مالیات - منهای مالیات بر واردات - به تولید)	۰,۱۹۵	(۲,۲۴)
				بار ارزی (کل ارز خریداری شده صادراتی به کل صادرات غیرنفتی)	۰,۱۱۷	(۳,۰۸)
				تعرفه (نسبت مالیات بر واردات به واردات)	۰,۱۹۸	(۳,۹۲)
				مابه‌التفاوت نرخ ارز	۰,۰۳	(۲,۵۷)
				شاخص کشفیات مواد مخدر	۰,۲۵۹	(۱۲,۳۲)
۴	جمشید پژویان و مجید مداح (۱۳۸۵)	قاچاق	۸۱-۱۳۴۹	ریسک (معکوس شاخص جرمیه)	۰,۸۴	(۵,۵۷)

ردیف	پدیده‌آورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر	ضریب برآوردشده	معنی‌داری ضریب برآورد شده ^۱
				نسبت نرخ ارز رسمی به نرخ ارز بازار سیاه	۰,۴۱	(۲,۹۶)
				نرخ تعرفه	۰,۶۵	(۴,۸۴)
۵	علیرضا شکیبایی و علی رئیس پور (۱۳۸۶)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)	۸۰-۱۳۵۱	بار مالیاتی	۰,۷	(۲,۲۱)
				مصرف حقیقی دولت	۱,۴۵	(۳,۴۳)
				نرخ بیکاری	۱,۶۷	(۲,۰۱)
				نسبت خود اشتغالی به کل نیروی کار	۰,۸۶	(۲,۵۱)
				جرایم	۱,۲۳	(۲,۴۳)
				بار مالیاتی مستقیم	۰,۱۴	-
۶	حمید ابریشمی، محسن مهرآرا و نازلی هیبتی (۱۳۸۶)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	ذکر نشده	بار مالیاتی غیرمستقیم	۰,۰۲	-
				ریسک (معکوس شاخص جریمه)	۰,۸۱	(۵,۵۴)
۷	مجید مداح (۱۳۸۷)	قاچاق	۸۴-۱۳۴۹	نسبت نرخ ارز رسمی به نرخ ارز بازار سیاه	۰,۱۸	(۱,۳)
				نرخ تعرفه	۰,۶۶	(۵,۵۲)
				مالیات بر فروش	۲,۶۴	(۱,۹۳)
۸	الیاس نادران و حسن صدیقی (۱۳۸۷)	اقتصاد زیرزمینی (بخش نامنظم)	۸۲-۱۳۵۱	مالیات بر واردات	۰,۹۷	(۰,۹۹)
				مالیات بر درآمد	-۳,۷۲	(-۱,۳)
				مالیات بر شرکت‌ها	-۰,۸۳	(-۱,۱۲)
				مالیات بر ثروت	-۱۴,۹	(-۱,۵۳)
				بار قانونی و مقرراتی	۲,۴۱	(۴,۲۱)

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر	ضریب برآوردشده	معنی‌داری ضریب برآورد شده ^۱
				نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	-۰,۴۴	(-۴,۰۴)
۹	مجید صامتی، مرتضی سامتی و علی دلانی میلان (۱۳۸۸)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۴-۱۳۴۴	مصرف واقعی دولت	۱,۷۹	(۱,۶)
				بیکاری	۰,۱۵	(۷,۱)
				شاخص بازبودن اقتصاد	-۰,۰۲۹	(-۴,۸)
				بار مالیاتی کل	۱,۱۶	(۲,۳۷)
۱۰	مصطفی سلیمی‌فر و محمد کیوان‌فر (۱۳۸۹)	اقتصاد غیررسمی (بخش نامنظم)	۸۷-۱۳۶۱	رشد قیمت (تورم) گروه کالایی	۲,۸۵	[۰,۵۴]
				رشد قیمت (تورم) گروه خدمات	-۰,۶۸	[۰,۶۴]
				رشد قیمت (تورم) گروه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها	-۰,۹۷	[۰,۷۵]
۱۱	صادق بختیاری و خجسته خوب‌خواهی (۱۳۹۰)	اشتغال در بخش غیررسمی (بخش غیررسمی)	۸۵-۱۳۵۱	نرخ مالیات	۰,۸۹۵	(۱۲,۸۱)
				تورم	۰,۱۸۹	(۳,۵۴)
				حداقل دستمزد	۰,۵۸۸	(۲,۵۵)
				بیکاری	۰,۰۴۱	(۱,۴۱)
۱۲	زهره نصراللهی و سمانه طالعی اردکانی (۱۳۹۱)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۶-۱۳۵۴	نرخ بیکاری	۰,۰۸	(۱,۳۷)
				بار مالیات مستقیم	۰,۵۲	(۴,۲۳)
				رشد بار مالیات مستقیم	۰,۲۸	(۳,۴)
				تورم	۰,۱۹	(۲,۸۷)
				رشد تولید ناخالص داخلی سرانه	۰,۲۴	(۳,۴)
				نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت	۰,۲۳	(۲,۰۸)

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر	ضریب برآورد شده	معنی‌داری ضریب برآورد شده ^۱
				شاخص سیاسی	۰,۴۹	(۵,۵۶)
۱۳	وحید تقی‌نژاد، عمران و معصومه نیک‌پور (۱۳۹۲)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۰-۸۹	بار مالیاتی	۲۳,۳۵	(۲,۳۶)
				اندازه دولت	۱۷,۵۸	(۴,۵۷)
				ضریب جینی	۰,۰۲۸	(۲,۲۵)
				شکاف نرخ ارز	-۰,۰۰۰۰۱۹	(-۰,۰۱۷)
				نرخ تورم	۰,۰۴۴	(۳,۷۹)
				متغیر مجازی انقلاب (۵۷)	۱۷,۲۳	(۱۴,۵۹)
				بار مالیات مستقیم	۱۹,۵۳	(۵,۷۱)
۱۴	محمدحسن فطرس و علی دلانی میلان (۱۳۹۲)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۴۲-۹۱	بار مالیات بر واردات	۰,۷	(۱,۰۶)
				نرخ بیکاری	۰,۱۲	(۵,۹۸)
				شاخص بازبودن اقتصاد	-۰,۰۲۵	(-۵,۶۶)
				نرخ تورم	۰,۴۹	(۱,۸۹)
۱۵	منصور زراءنژاد، صلاح ابراهیمی، پویان کیانی (۱۳۹۲)	قاچاق	۱۳۵۳-۸۸	نرخ بی‌سودای	۰,۰۵۱	(۲,۱۴)
				مصرف واقعی دولت	۰,۵۷	(۲,۴۶)
				نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی	۵,۰۲	(۱,۵۹)
				سن زن	-۰,۰۶	(-۳,۵۷)
۱۶	علی‌اصغر اسفندیاری، مهدی پدرام و صادق مجدم (۱۳۹۲)	اقتصاد غیررسمی (بخش خانوار)	۱۳۹۰	بعد خانوار	۰,۲۱	(۴,۹۹)
				مدت ازدواج	-۰,۰۴	(-۳,۹۱)
				بار مالیاتی	۱,۸۷	(۶,۸۵)
۱۷	ابراهیم رضائی و ملیحه خواجوی (۱۳۹۳)	اقتصاد زیرزمینی	۱۳۵۰-۸۶	بار مالیاتی		

ردیف	پدیده‌آورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه	دوره‌ی مطالعه	عوامل مؤثر	ضریب برآوردشده	معنی‌داری ضریب برآورد شده ^۱
		(بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)		رشد تولید ناخالص داخلی	۰,۴۲	(۱,۸۳)
۱۸	اسمعیل ابونوری و عبدالحامد نیک پور (۱۳۹۳)	اقتصاد پنهان (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۹۰-۱۳۴۵	نسبت مالیات بر واردات به واردات کالا و خدمات	۰,۶۸	(۴,۹۲)
				بار مالیات مستقیم + بار مالیات بر واردات	-۰,۴۸	(-۳,۲۱)
				نرخ بیکاری	۰,۰۵۳	(۲,۲)
				نسبت واردات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی	-۰,۱۷	(-۲,۰۸)
				نسبت حاصلجمع واردات و صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی	۰,۰۸	(۱,۲۴)
				رشد درآمد سرانه	۰,۰۰۳	(۰,۹۶)
				نرخ تورم	۰,۰۳۱	(۲,۰۲)
				نسبت هزینه‌های مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی	۰,۱۴	(۲,۹۲)
				شاخص باز بودن اقتصادی	۰,۱۱	(۲,۰۲)
۱۹	خسرو پیرایی و حسینعلی رجایی (۱۳۹۴)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۹۲-۱۳۵۳	نرخ بیکاری	۰,۱۲	(۲,۲۱)
				بار مالیاتی مستقیم	۰,۱	(۲,۱۴)
				رشد بار مالیاتی مستقیم	۰,۰۱	(۰,۳۵)
				تورم	۰,۱۴	(۲,۳۷)

معنی داری ضریب برآورد شده ^۱	ضریب برآورد شده	عوامل مؤثر	دوره‌ی مطالعه	مفهوم مورد مطالعه	پدیده‌آورنده (گان) و سال انتشار	ردیف
(-۱,۱۱)	-۰,۰۶	درآمد سرانه				
(۱,۵۲)	۰,۵	نسبت هزینه مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی				
	۰,۱۴	جرائم اخلاقی پنهان	۱۳۶۳-۹۰	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	سید مرتضی افقه و سید امین منصوری (۱۳۹۴)	۲۰
	-۱,۲	چک بلامحل				
	-۳,۳	ارزش افزوده بخش انتظامی و دفاعی به تولید ناخالص داخلی				
	۵,۵	نرخ بی‌سوادی				
	۲,۶	هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی				
	۳,۶	درآمد سرانه				
	۰,۹۶	نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی				

اعداد داخل پرانتز مقدار آماره‌ی t و اعداد داخل کروشه مقدار انحراف معیار گزارش شده است.

فصل چهارم: آثار اقتصاد غیررسمی

۱. مقدمه

معمولاً این تلقی در جامعه وجود دارد که باید به فعالیتهای اقتصادی غیررسمی به عنوان پدیده‌ای ناهنجار و مذموم نگریست. علی‌القاعده این نگرش بایستی بر مبنای تصویری که از آثار منفی آن بر سپهر زیستی جامعه وجود دارد، شکل گرفته باشد. نادیده‌گرفته‌شدن قوانین و مقررات، رقابت ناسالم با فعالیتهای رسمی و در نتیجه بر جای گذاشتن اثر نامطلوب بر آنها، شاید، عمده‌ترین آنها باشد. البته باید به اینها یک عامل مهم دیگر را افزود و آن نادیده‌انگاشتن زمینه‌های عرفی و دینی غیرقانونی اعلام‌شدن تولید و توزیع برخی از کالا و خدمات است.

علی‌رغم این، حتی در پاره‌ای از جوامع محدود و خرده‌فرهنگ‌های امروزی، برخی از این قبیل فعالیتهای نه‌تنها برخلاف ارزش‌های مورد پذیرش آن جامعه تلقی نمی‌شوند بلکه جزء ضروری برای تشخیص‌یابی، به‌ویژه برای مردان، به‌حساب می‌آیند. از این مهم‌تر، تا آنجا که آراء آن گروه از اقتصاددانان را بپذیریم که هرنوع مداخله‌ی دولت در بازار به اختلال در آن و انحراف از تخصیص بهینه‌ی منابع منجر می‌شود، می‌توان ادعا نمود که فعالیتهای اقتصادی غیررسمی به‌دلیل آنکه قوانین و مقررات

مداخله‌جویانه‌ی دولت در عرصه‌ی اقتصادی را نادیده گرفته و اصطلاحاً آنها را دور می‌زنند، به افزایش رفاه جامعه منجر می‌شوند.

به‌راستی، کدام‌یک از این دیدگاه‌های متقابلاً ناسازگار را باید پذیرفت؟ اقتصاد غیررسمی چه آثاری از خود برجای می‌گذارد؟ این آثار برای جامعه مفیدند یا به کاهش سطح توسعه‌یافتگی و رفاه می‌انجامند؟ روشن است که برحسب پاسخی که به این پرسش‌ها داده می‌شود، ارزیابی در مورد نحوه‌ی مواجهه با این پدیده نیز شکل می‌گیرد.

در این فصل، تلاش می‌شود تا به این سؤالات پاسخ داده شود. همانند فصل گذشته، و بر مبنای روش این تحقیق، ابتدا از نظریه‌های مرتبط برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها سود می‌بریم، سپس به بررسی تطبیقی مطالعات تجربی صورت‌گرفته در مورد اقتصاد غیررسمی در ایران پرداخته و یافته‌های آنها را در مورد پرسش‌های مذکور به‌طور نظام‌مند مرور و جمع‌بندی می‌کنیم.

۲. آثار اقتصاد غیررسمی در نظریه‌های اقتصادی

انتخاب حوزه‌های غیررسمی برای فعالیت اقتصادی آثار متنوعی را بر حیات اقتصادی – اجتماعی یک جامعه برجای می‌گذارد. بخشی از نظریه‌های اقتصادی معطوف به شناسایی چنین آثاری است. در این قسمت یافته‌های اصلی حاصل از مرور ادبیاتی که در این زمینه وجود دارد ذیل طبقه‌بندی انجام‌شده از گستره‌ی این آثار ارائه می‌شود.

۱-۲. گسترش رفاه؟

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، اگر بپذیریم که مداخله‌ی دولت در اقتصاد، موجب اختلال در تخصیص کارای منابع و کاهش رفاه خواهد شد، می‌توان ادعا نمود فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، آنجا که قوانینی را که مانع از فعالیت آزادانه‌ی فعالان اقتصادی می‌شود نادیده می‌گیرد یا اصطلاحاً دور می‌زند یا در

جایی که با فرار از پرداخت مالیات، آثار منفی رفاهی این گونه مداخله‌های دولتی در اقتصاد را کاهش می‌دهد یا با قاچاق، موانع تجاری مختل‌کننده‌ی تجارت آزاد را پشت سر می‌گذارد و به گسترش منافع در کشورهای طرفین مبادله یاری می‌رساند، درواقع، به بهبود رفاه جامعه کمک می‌کند.

اما در ادبیات اقتصادی، هم به‌لحاظ نظری و هم با ارائه‌ی شواهد تجربی در مورد صحت چنین ادعاهای مهمی مباحثاتی جدی صورت گرفته است.^۱ نتیجه آنکه، تنها تحت شرایط خاصی ممکن است چنین احکامی صادق باشند.

۲-۲. رشد اقتصاد رسمی؛ کاهش یا افزایش؟

در نگاه اول، به‌نظر می‌رسد گسترش اقتصاد غیررسمی از آنجا که عوامل تولید، به‌ویژه، نیروی کار و سرمایه را به سمت خود جذب می‌کند منجر به افول اقتصاد رسمی می‌شود و متقابلاً محدودشدن فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، شکوفایی اقتصاد رسمی را به‌دنبال خواهد داشت. چنین دیدگاهی با این استدلال تقویت می‌شود که به‌دنبال درآمد‌های قانونی و مشمول مالیات، درآمد مالیاتی دولت افزایش می‌یابد که می‌تواند به بهبود کمی و کیفی ارائه‌ی خدمات عمومی و زمینه‌سازی برای رشد اقتصادی بیشتر منجر شود.

بررسی دقیق‌تر موضوع، اما، توجه به جنبه‌های دیگری را الزامی می‌سازد. از جمله اینکه چون نوسانات رشد اقتصادی بیان‌گر رونق و رکود کسب‌وکار به‌طور عمومی است، می‌توان انتظار داشت چرخه‌های اقتصاد رسمی و غیررسمی هم‌حرکتی داشته باشند. به‌بیان دیگر، هنگامی که کساد و رکود بر فضای کسب و کار کشور حاکم باشد چه فعالیت‌های اقتصادی قانونی و رسمی و چه غیرقانونی و غیررسمی آن را کد خواهد بود و متقابلاً وقتی که بهبود و رونق کسب و کار مشخصه‌ی اصلی اقتصاد باشد،

^۱ برای نمونه می‌توانید مراجعه کنید به ادبیاتی که در مآخذ زیر مرور شده است:

- جمشید پژویان و مجید مداح (۱۳۸۵). بررسی اقتصادی قاچاق در ایران. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۲۰.

- علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۶). همان. فصل چهارم.

هردوی این گروه فعالیت‌ها وضعیت هم‌سانی خواهند داشت. به‌ویژه، انتظار می‌رود در اقتصادهایی که عامل برون‌زایی همانند قیمت نفت در این فراز و نشیب‌ها نقش مؤثری را ایفا می‌کنند چنین هم‌حرکتی‌هایی مشهودتر باشد.

مطالعات تجربی انجام‌شده در مورد چگونگی ارتباط اقتصاد رسمی و غیررسمی نیز قطعیتی ندارند و دوگانگی مذکور را تأیید می‌کنند به این معنی که شواهد تجربی برای گروهی از کشورها مؤید رابطه‌ی مثبت و هم‌حرکتی بین روند این دو است اما برای برخی دیگر از کشورها رابطه‌ی معکوس وجود دارد و با گسترش اقتصاد غیررسمی شاهد افول فعالیت‌های رسمی اقتصادی هستیم^۱. همچنین در پاره‌ای از مطالعات، رابطه‌ی علی بین این دو پدیده از سمت اقتصاد رسمی به اقتصاد غیررسمی بررسی شده است.

۳-۲. اشتغال‌زایی و اشتغال‌زدایی

گسترش اقتصاد غیررسمی فرصت شغلی جدید ایجاد می‌کند. کارآفرینانی که در چارچوب محدودیت‌های رسمی و قوانین و مقررات رایج نتوانسته‌اند کسب و کاری را راه‌اندازی نمایند با ورود به این حیطه از فعالیت‌های اقتصادی برای خود و دیگران گریزگاهی برای خروج از مجموعه‌ی بیکاران و کسب درآمد می‌یابند.

^۱ برای آشنایی با جزئیات بیشتری از استدلال‌های متفاوت و نیز مطالعات تجربی صورت‌گرفته می‌توانید به مرور آنها در مآخذ زیر مراجعه نمایید:

- محسن رنانی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰). ساختار اشتغال در بخش غیررسمی و نقش آن در جذب نیروی انسانی متخصص. مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. فصل‌های دوم و چهارم.
- علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۶). همان.
- مجید صامتی، مرتضی سامتی و علی دلانی میلان (۱۳۸۸). برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران به روش MIMIC. مجله‌ی مطالعات اقتصاد بین الملل، سال بیستم، شماره‌ی ۳۵.
- حسین مهرابی بشرآبادی، سمیه کوچک‌زاده و حمید تابلی (۱۳۸۹). آیا اقتصاد سایه‌ای رشد اقتصادی را تهدید می‌کند؟ فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۵، شماره‌ی ۴۵.

اما این صرفاً بخشی از ماجراست. فعالیت‌هایی همانند قاچاق با آنکه به‌طور محدود، برای قاچاقچیان اشتغال‌زایی می‌کند، با کاهش آثار سیاست‌های حمایتی از تولیدکنندگان داخلی، بخشی از فرصت‌های شغلی بالقوه و بالفعل را از بین می‌برد.

مطالعات تجربی انجام شده در سطح بین‌المللی نیز بسته به شدت قوت و ضعف هر یک از این جنبه‌ها و نیز حوزه‌ی مطالعه و داده‌های مورد استفاده ارزیابی متفاوتی از آثار عملی اقتصاد غیررسمی بر اشتغال داشته‌اند.^۱

۴-۲. کاهش درآمد مالیاتی

همان‌طور که در فصل قبلی تشریح شد، فرار از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی یکی از انگیزه‌های اصلی گرایش فعالان اقتصادی به اقتصاد غیررسمی است. بنابراین با گسترش اقتصاد غیررسمی انتظار می‌رود شاهد کاهش درآمدهای دولت از این محل باشیم.

علاوه بر این، برخی از صاحب‌نظران معتقدند فرار مالیاتی از آنجا که موجب تبعیض مالیاتی می‌شود خود تبدیل به محرکی برای گسترش بیشتر فرار مالیاتی می‌شود.^۲

^۱ برای آشنایی با جزئیات بیشتری از مباحث نظری و نیز مطالعات تجربی صورت گرفته، به مآخذ زیر مراجعه نمایید:

- محسن رنایی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰). همان.
- علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۶). همان.
- علیرضا وطن‌پور (۱۳۸۷). قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور. بررسی‌های بازرگانی، شماره‌ی ۲۸.

^۲ برای مروری بر ادبیات موضوع در این زمینه مراجعه کنید به:

- علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۶). همان.
- همچنین برای آشنایی با ملاحظات نظری و تجربی اثر گسترش قاچاق بر کاهش درآمدهای دولت نگاه کنید به:
- جمشید پژویان و مجید مداح (۱۳۸۵). همان.

۵-۲. افزایش تقاضای پول

یکی از نقش‌هایی که پول در اقتصاد ایفا می‌کند تسهیل مبادله است. پول چنین کارکردی را فارغ از نوع مبادله و به‌طور مشخص رسمی یا غیررسمی بودن آن دارد. بنابراین انتظار می‌رود با گسترش، یا به‌عکس محدودشدن، حجم اقتصاد غیررسمی، واکنشی هم‌جهت را از جانب تقاضای پول شاهد باشیم. به عبارت روشن‌تر، بخشی از نوسانات تقاضای پول در هر اقتصاد در واکنش به تغییرات ارزش مبادلات غیررسمی صورت می‌گیرد.^۱

علاوه‌براین، در جوامعی که به‌منظور کنترل فعالیت‌های غیرقانونی و مبارزه با پول‌شویی، مبادلات بانکی پولی تحت نظارت شدید دولتی قرار دارند چون کارگزاران این‌گونه فعالیت‌ها ناچارند از پول نقد برای معاملات غیرقانونی خود استفاده نمایند، انتظار می‌رود با گسترش حجم اقتصاد غیررسمی، به‌طور مشخص تقاضا برای اسکناس و مسکوک در جریان افزایش یابد و سهم این جزء در کل نقدینگی بالا رود. همین انتظار نظری، مبنای ابداع نخستین روش‌های برآورد حجم اقتصاد غیررسمی بوده است که در فصل بعدی با آن بیشتر آشنا خواهیم شد.

۶-۲. افزایش مصرف

مخارج خانوار تابعی از درآمد قابل‌تصرف (درآمد پس از کسر مالیات) اعضای آن است. به عبارت دیگر، افراد متناسب با درآمدشان مصرف می‌کنند و این رفتار فارغ از منشأ و ماهیت درآمد صورت می‌گیرد یعنی مصرف بر اساس مجموع درآمدهای مکتسبه‌ی رسمی و غیررسمی صورت خواهد گرفت. بنابراین

^۱ بر مبنای چنین رابطه‌ای، می‌توان حجم پول‌های کثیف (بخشی از پول که برای انجام فعالیت‌های غیررسمی تقاضا می‌شود) در اقتصاد را برآورد نمود. برای نمونه به مآخذ زیر مراجعه کنید:

- علی عرب‌مازار یزدی و لیلا خودکاری (۱۳۸۶). برآورد حجم پول‌های کثیف در ایران. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، سال هفتم، شماره‌ی چهارم.
- ملیحه خواجوی، ابراهیم رضایی و حسن خداویسی (۱۳۸۹). برآورد پول‌های کثیف و بررسی پیامدهای آن در اقتصاد ایران: رهیافت آزمون کرانه‌ها. فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۴.

انتظار می‌رود با افزایش حجم فعالیت‌های غیررسمی و درآمدهای ناشی از آن شاهد افزایش مخارج خانوار و به تبع آن مصرف کل و مصرف سرانه باشیم.

علاوه بر این، با تلقی متفاوتی از مصرف، می‌توان بر مصرف نهاده‌های تولید توسط بنگاه‌ها نیز متمرکز شد. به طور خاص، مطالعات مرتبط بر اثر فعالیت‌های غیررسمی بنگاه‌ها بر مصرف انرژی تمرکز دارند با این ادعا که گسترش اقتصاد غیررسمی به افزایش مصرف انرژی به عنوان نهاده‌ای مشترک در تولیدات رسمی و غیررسمی منجر می‌شود.^۱ در فصل بعدی ملاحظه خواهید نمود که همانند اثر اقتصاد غیررسمی بر روی تقاضای پول، این اثر نیز دست‌مایه‌ی ابداع روشی برای اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی شده است.

۷-۲. تغییر مابه‌التفاوت نرخ ارز

نظریه‌های اقتصادی آنجا به رابطه‌ی بازار ارز و قاچاق، به عنوان بخشی از اقتصاد غیررسمی، توجه می‌کنند که بازار موازی (سیاه) ارز و در نتیجه مابه‌التفاوت معنی‌داری بین نرخ ارز رسمی و آزاد (موازی) شکل گرفته باشد. در این میان، آنچه که اهمیت می‌یابد تبیین نوسانات مابه‌التفاوت نرخ ارز و چگونگی تعامل آن با ارزش واردات و صادرات قاچاق است.

پیش از این، در فصل سوم، به اثر مابه‌التفاوت نرخ ارز بر تعیین سود حاصل از قاچاق و از آنجا بر ارزش قاچاق پرداختیم. اما در نقطه‌ی مقابل، بخشی از ادبیات اقتصادی بازار ارز به اثر واردات و صادرات قاچاق بر مابه‌التفاوت نرخ ارز تمرکز دارند. در چارچوب الگوهای موصوف در این نظریه‌ها، واردات غیرقانونی و قاچاق عامل اصلی تعیین‌کننده‌ی تقاضای ارز در بازار موازی ارز بوده و متقابلاً صادرات غیرقانونی و قاچاق تعیین‌کننده‌ی اصلی طرف عرضه در چنین بازاری است. بنابراین، انتظار می‌رود

^۱ برای آشنایی بیشتر با مطالعات انجام شده در مورد اثر گسترش اقتصاد غیررسمی بر مخارج خانوار و مصرف انرژی مراجعه کنید به:

- محسن رنانی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰). همان. فصل چهارم.
- علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۶). همان. فصل‌های چهارم و هفتم.
- مجید صامتی، مرتضی سامتی و علی دلانی میلان (۱۳۸۸). همان.

نوسانات قاچاق کالا بسته به مورد بر مابه‌التفاوت نرخ ارز مؤثر باشد. به این معنی که با افزایش واردات قاچاق، نرخ ارز در بازار موازی و در نتیجه مابه‌التفاوت نرخ ارز افزایش می‌یابد و با افزایش صادرات قاچاق، نرخ ارز در بازار موازی و در اثر آن مابه‌التفاوت نرخ ارز کاهش می‌یابد.

معمولاً اصلی‌ترین انتقادی که در مورد چنین الگوهایی مطرح می‌شود، لحاظ نکردن نقش ارز به عنوان نوعی دارایی در سبد دارایی (پرتفوی) افراد است. توجه به چنین نقشی موجب می‌شود در تبیین نوسانات مابه‌التفاوت نرخ ارز، در کنار قاچاق کالا به عوامل پولی و مالی مؤثر بر این متغیر نیز توجه شود.^۱

۸-۲. تقلیل اثربخشی سیاست‌های اقتصادی

اقتصاد غیررسمی بر فرایند سیاست‌گذاری اقتصادی آثار نامطلوبی دارد. پنهان ماندن بخشی از فعالیت‌های اقتصادی موجب می‌شود نظام اطلاعات اقتصادی کشور نتواند داده‌های واقعی پیرامون عملکرد اقتصادی را گردآوری نماید. چنین اطلاعات نادرستی از یک سو نظام برنامه‌ریزی را دچار اختلال می‌نماید و منجر به طراحی راهبردها و سیاست‌های غلط می‌شود و از سوی دیگر ارزیابی صحیحی از عملکرد برنامه‌ها ارائه نمی‌کند و در نتیجه فرایند بازخورد را دچار اشکال نموده به نظام مدیریت راهبردی کشور لطمه می‌زند. برای نمونه فقط کافی است به آثاری که واردات قاچاق در ایران بر سیاست‌گذاری تجاری و ارزیابی عملکرد سیاست‌ها در این حوزه می‌گذارد توجه شود.

علاوه بر این، اقتضای فعالیت در اقتصاد غیررسمی، رعایت نکردن قوانین و مقررات است لذا انتظار می‌رود این بخش از فعالیت‌های اقتصادی تأثیرپذیری کمتری از جهت‌گیری‌های سیاستی دولت داشته باشند. مطالعات نظری و تجربی نشان‌گر آن است که گسترش اقتصاد غیررسمی اثربخشی سیاست‌های

^۱ برای توضیح بیشتر مراجعه کنید به: یآوری، کاظم (۱۳۷۹). تئوری و تخمین قاچاق و گران‌نمایی واردات با استفاده از اختلافات آماری، مورد ایران (۷۶-۱۳۵۶). مجموعه مقالات سومین همایش ملی بررسی پدیده‌ی قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری آن، آذر ۱۳۷۸. دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد.

مرسوم پولی و مالی کلان اقتصادی را کاهش می‌دهد. همچنین افزایش گرایش فعالان اقتصادی به حضور در این قبیل فعالیت‌ها به ناسازگاری در سیاست‌های تجویز شده برای دستیابی هم‌زمان به اهداف رشد اقتصادی و کاهش حجم اقتصاد غیررسمی منجر می‌شود.^۱

۹-۲. کاهش بهره‌وری

تلاش برای پنهان نگه‌داشتن فعالیت‌ها در اقتصاد غیررسمی معمولاً منجر به آن می‌شود که بنگاه‌های فعال در این حیطه ترجیح دهند در مقیاس‌های کوچک فعالیت نمایند و از صرفه‌های مقیاس محروم بمانند. سطح پایین سرمایه‌گذاری و تخصص و مهارت اندک شاغلان این بنگاه‌ها غالباً موجب می‌شود امکان بهره‌برداری از فن‌آوری‌های نوین به عنوان یکی از عوامل اصلی مؤثر بر ارتقای بهره‌وری وجود نداشته باشد.

همچنین، گرچه فعالیت به صورت غیررسمی موجب کاهش هزینه‌ها به دلیل پرداخت نکردن حقوق دولتی می‌شود اما فعالیت بدون اخذ مجوزهای لازم نوعاً این بنگاه‌ها را از برخورداری از حمایت‌های قانونی و تسهیلات اعتباری محروم می‌سازد که خود فضای کسب‌وکار برای این بنگاه‌ها را نامساعدتر ساخته و سطح بهره‌وری در آنها را نسبت به بنگاه‌های رقیب رسمی تنزل می‌دهد.^۲

^۱ برای مروری بر ادبیات موضوع در این زمینه مراجعه کنید به:

- محسن رنانی و ساغر باباحیدری (۱۳۸۵). اشتغال غیررسمی در ایران: مروری بر مطالعات. فصلنامه‌ی اقتصاد و جامعه. شماره ۹.
- علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۶). همان. فصل چهارم.
- علیرضا وطن‌پور (۱۳۸۷). همان.

^۲ برای آشنایی بیشتر با مباحث نظری مطرح شده در این حوزه نگاه کنید به:

- محسن رنانی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰). همان.
- فتح‌الله تاری و سعید غلامی باغی (۱۳۸۷). اصلاح شاخص فضای کسب و کار، عاملی مؤثر بر کاهش اقتصاد پنهان و گسترش بخش رسمی. مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره ۵۸.

۱۰-۲. تداوم توسعه نیافته گی

در فصل پیشین با تشریح چرایی شکل گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی از نگاه مکتب نهادگرایی نوین، نشان دادیم که حجم بالای فعالیت های غیررسمی اقتصادی یکی از ویژگی های کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است. ناتوانی این گونه کشورها در طراحی ساختارهای نهادی کارآمد رسمی و اجرا، منجر به هزینه های بالاتر معاملاتی در این کشورها در مقایسه با کشورهای توسعه یافته شده است که این به نوبه ی خود موجب روی آوردن فعالان اقتصادی به نادیده گرفتن قوانین و مقررات و چارچوب های نهادی رسمی و گرایش به ساختارهای نهادی غیررسمی می شود.

نبود حاکمیت قانون که از جمله ثمره اش در عدم حفاظت از حقوق مالکیت ظاهر می شود، به جای آنکه همانند کشورهای توسعه یافته، فعالیت های اقتصادی در چارچوب مبادلات غیرشخصی را گسترش دهد، فعالان اقتصادی را به سمت مبادلات شخصی که مشخصه ی کشورهای توسعه نیافته است سوق می دهد و توسعه نیافته گی را استمرار می بخشد. درواقع همان طور که نورث و همکارانش تصریح می کنند حاکمیت قانون، به ویژه برای فرادستان، نخستین شرط اصلی گذار به توسعه یافته گی است که در نبود آن تحقق شرایط دیگر نیز ناممکن می شود.^۱

این جنبه از آثار اقتصاد غیررسمی موجب شده است تا علی رغم وجود ادعاهایی در مورد آثار مثبت رفاهی فعالیت های اقتصادی غیررسمی در شرایط خاص و یا تردیدهایی در مورد احتمال وجود اثر مثبت این قبیل فعالیت ها بر رشد اقتصادی و یا اشتغال زایی، گسترش اقتصاد غیررسمی به عنوان یک تهدید جدی برای حیات اجتماعی به حساب آید. به تعبیر چاگ و اوپال در بررسی اقتصاد سیاه در هند، "وجود اقتصاد سیاه در یک کشور همانند وجود غده ی سرطانی در بدن انسان است که به آهستگی، اما یقیناً،

^۱ برای آشنایی با جزئیات بیشتر رجوع کنید به: داگلاس نورث، جان والیس و باری وینگاست (۱۳۸۵). چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری. ترجمه ی جعفر خیرخواهان. فصلنامه ی اقتصاد سیاسی تحول همه جانبه، سال اول، شماره ی سوم.

گسترش سراسری می‌یابد تا به زوال نهایی جامعه منجر شود. اقتصاد سیاه تمامی سطوح یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد: اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی^۱.

فایگ، در همین زمینه می‌گوید: "رشد عدم رعایت قوانین در یک حوزه از زندگی اقتصادی احتمالاً آثار سرریزی روی حوزه‌های دیگر خواهد داشت. عدم پرداخت مالیات، بار را از افراد غیردرست‌کار به افراد درست‌کار منتقل کرده و هزینه‌های تبعیت از هر نظامی از قواعد و مقررات را افزایش می‌دهد. یک نتیجه‌ی اغلب نادیده‌گرفته‌شده‌ی رشد غیررسمی‌بودن، از هم‌پاشیدگی بافت سیاسی و اجتماعی است"^۲.

۳. آثار اقتصاد غیررسمی در ایران

در قسمت قبلی، آثار گوناگون گسترش فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی از نگاه نظریه‌های اقتصادی بررسی و مرور و بر تداوم توسعه‌نیافته‌گی به‌عنوان مهم‌ترین اثر آن تأکید شد. در این قسمت، با چنین چارچوبی، همانند فصل پیشین و بر مبنای روش منتخب این پژوهش، به ارزیابی آثار اقتصاد غیررسمی در ایران براساس بررسی تطبیقی مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه، می‌پردازیم.

یافته‌های بررسی تطبیقی نظام‌مند پژوهش‌های ایرانی در این حوزه، مبتنی بر روش فراتحلیل در جدول ۴-۱ ضمیمه‌ی این فصل خلاصه شده است. جدول مذکور نتیجه‌ی مقایسه‌ی محتوای ۲۳ اثر از مجموع ۵۹ مقاله و (گزارش) علمی منتشره بررسی شده در این مطالعه پیرامون اقتصاد غیررسمی در ایران و یا اجزای آن را در حدها فصل سال‌های ۱۳۸۰ تا بهار سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که به ارزیابی آثار اقتصاد غیررسمی پرداخته‌اند.

^۱ به نقل از: علی عرب مازار یزدی (۱۳۸۶). همان. برای آشنایی بیشتر با چنین دیدگاهی نیز می‌توانید به همین مأخذ مراجعه نمایید.

^۲ به نقل از: همان.

در این جدول در مورد هر مطالعه، علاوه بر مشخصات پدیدآورنده (گان) آن اثر پژوهشی و سال انتشار آن، مفهوم مورد مطالعه و دوره‌ی مطالعه نیز مشخص شده است. همچنین، در صورتی که در آن تحقیق، در مرور مبانی نظری مربوط به آثار اقتصاد غیررسمی، به جمع‌بندی یا طبقه‌بندی خاصی از عوامل اشاره شده، در ستون پنجم جدول ذکر شده است. دو ستون انتهایی جدول نیز، به ترتیب، به آثار اقتصاد غیررسمی در ایران در چارچوب الگوی نظری مطالعه و الگوی تجربی آن اختصاص دارد.

مندرجات پنجمین ستون از جدول مذکور که به انعکاس مبانی نظری این مطالعات در زمینه‌ی آثار اقتصاد غیررسمی اختصاص دارد نشان می‌دهد که در معدود مطالعاتی که به ارائه‌ی جمع‌بندی خاصی از این آثار از دیدگاه نظریه‌های اقتصادی پرداخته‌اند آثار گسترش فعالیت‌ها در بخش‌های غیررسمی و یا نامنظم و یا غیرقانونی در حوزه‌های زیر بررسی شده است:

- بهره‌وری
- فضای رقابتی
- رشد اقتصادی
- مالیات دریافتی
- توزیع درآمد
- برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی
- رفاه اجتماعی
- تقاضای پول
- اندازه‌ی دولت
- آلودگی زیست محیطی

همچنین در برخی از این مطالعات، به‌طور خاص، آثار قاچاق در حوزه‌های زیر بررسی شده است:

- رفاه
- سیاست‌های اقتصادی
- فقر
- انحصار و رانت‌خواری
- نقدینگی
- آمار اقتصادی
- تجارت رسمی
- تولید داخلی
- توسعه‌ی مناطق مرزی
- درآمد دولت
- اشتغال
- امنیت سرمایه‌گذاری

در ستون ششم جدول مذکور، آثار اقتصاد غیررسمی در ایران را آن‌طور که الگوی نظری طراحی شده در تعدادی از این مطالعات تصریح کرده‌اند، نشان می‌دهد. بر این مبنا، می‌توان گفت که آن‌گروه از پژوهش‌های انجام‌شده که بر اقتصاد غیررسمی به‌طور کلی و یا بر بخش‌های نامنظم و غیرقانونی تمرکز داشته‌اند آثار اقتصاد غیررسمی در ایران را با استفاده از متغیرهای زیرالگوسازی نموده‌اند:

- تولید ناخالص داخلی حقیقی یا نرخ رشد آن
- تقاضا برای پول یا تقاضا برای پول در گردش
- مخارج خانوار
- مصرف انرژی

- مابه‌التفاوت نرخ ارز

- فساد مالی

- آلودگی هوا

- نرخ مشارکت مردان

- نابرابری درآمدی

همچنین، دو مطالعه‌ای که بر بخش غیررسمی تمرکز داشته، آثار فعالیت‌های این بخش در ایران را

با استفاده از متغیرهای زیر الگوسازی کرده است:

- رشد اقتصادی

- بهره‌وری

- اشتغال کل

- تورم

- نرخ بهره‌ی بازار

- مصرف

- سرمایه‌گذاری

- توزیع درآمد

در نهایت، مطالعاتی که روی موضوع قاچاق از میان اجزای اقتصاد غیررسمی تمرکز داشته‌اند، آثار

این فعالیت‌ها را با کمک متغیرهای زیر الگوسازی نموده‌اند:

- شاخص قیمت‌ها

- درآمد دولت

- تقاضای پول

- مصرف نهایی انرژی

چنانچه آثار ده‌گانه‌ی اقتصاد غیررسمی برشمرده در قسمت دوم این فصل را تحت سه سطح: اول. خرد (رفاهی)، دوم: کلان (حوزه‌های: رشد اقتصادی، اشتغال، درآمد مالیاتی، مصرف، تقاضای پول، نرخ ارز، اثربخشی سیاست‌های اقتصادی و بهره‌وری) و سوم: توسعه‌ای طبقه‌بندی نماییم، بررسی تطبیقی الگوهای نظری مطالعات تجربی انجام شده در مورد آثار اقتصاد غیررسمی در ایران با سطوح سه‌گانه‌ی مذکور نشان می‌دهد که:

اولاً، علی‌رغم اهمیت بالای اثر اقتصاد غیررسمی بر تداوم توسعه‌یافته‌گی، هیچ‌یک از مطالعات تجربی مذکور آثار توسعه‌ای گسترش اقتصاد غیررسمی را در الگوهای نظری خود وارد نکرده‌اند. این می‌تواند ناشی از توجه به محدودیت‌های آزمون تجربی الگوهای نظری با عنایت به محدودیت‌های دسترسی به داده‌های قابل اتکاء برای شاخص‌سازی در این حوزه باشد.

ثانیاً، چنانچه شاخص قیمت‌ها و رشد آن (تورم) را نماینده‌ای برای سنجش آثار رفاهی در نظر بگیریم می‌توان چنین ارزیابی نمود که الگوهای نظری ارزیابی آثار اقتصاد غیررسمی در ایران، عموماً روی آثار کلان اقتصادی و یا ترکیب آن با آثار خرد تمرکز داشته‌اند.

ثالثاً، به استثناء مطالعات تجربی در مورد قاچاق، سایر مطالعات اثر گسترش اقتصاد غیررسمی بر درآمدهای دولت را در الگوهای خود لحاظ نکرده‌اند.

رابعاً، بررسی اثر اقتصاد غیررسمی بر اثربخشی سیاست‌های اقتصادی هنوز نتوانسته است توجه پژوهش‌گران ایرانی را برای بررسی تجربی این موضوع جلب کند.

۴. آثار اقتصاد غیررسمی؛ مقایسه‌ی یافته‌های تجربی مطالعات

مشابه فصل پیشین، در این قسمت کاربرد روش فراتحلیل در بررسی مطالعات منتشره پیرامون آثار اقتصاد غیررسمی در ایران به‌لحاظ کمی، گسترش داده می‌شود. بر این اساس، بر آن گروه از مطالعات که به آزمون تجربی الگوی ارائه‌شده با مدل‌سازی و به‌کارگیری روش‌های آمار ریاضی کاربردی (اقتصادسنجی،

تحلیل عاملی، تحلیل ساختار واریانسی و ...) پرداخته و نتایج مشخصی را در مورد برآورد پارامترهای مربوط به متغیرهای مدل و معنی‌داری آنها را ارائه کرده‌اند متمرکز می‌شویم.

به این ترتیب، این بررسی شامل آن گروه از مطالعاتی که با استفاده از آثار اقتصاد غیررسمی به برآورد اندازه‌ی آن پرداخته‌اند اما در روش خود از مدل‌های دارای ویژگی‌های فوق سود نبرده‌اند و در نتیجه تخمین مشخصی از ضرایب متغیر منعکس‌کننده‌ی آثار اقتصاد غیررسمی گزارش نمی‌کنند، نمی‌شود. البته چنین مطالعاتی در فصل بعدی که به موضوع روش‌های اندازه‌گیری و اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران می‌پردازد بررسی خواهند شد.

با توجه به ملاحظات فوق، از مجموعه‌ی ۲۳ مطالعه‌ای که در قسمت قبلی مورد بررسی قرار گرفتند تعداد ۱۷ پژوهش حاوی الگوی تجربی با مشخصات موردنظر هستند. ستون انتهایی جدول ۴-۱ متغیرهایی را فهرست نموده است که در الگوی تجربی نهایی این مطالعات، آثار اقتصاد غیررسمی را پوشش می‌دهند. در مقایسه با آنچه که در این پژوهش‌ها به عنوان الگوی نظری ارائه شده بود (ستون ششم جدول مذکور)، ملاحظه می‌شود که در مواردی تعدادی از متغیرها در الگوی تجربی نهایی حذف شده‌اند. این نشان می‌دهد، پژوهش‌گران با توجه به شدت محدودیت‌های تجربی (اعم از نبود دسترسی به اطلاعات مورد نیاز یا کاهش قدرت توضیحی مدل در شرایط حفظ چنین متغیرهایی) ناگزیر از حذف آنها از الگوی نهایی تجربی خود شده‌اند.

نتایج بررسی تطبیقی آزمون تجربی گزارش‌شده در مطالعات ۱۷ گانه‌ی مذکور در جدول ۴-۲ ضمیمه‌ی فصل آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این جدول علاوه بر مشخصات عمومی مطالعه و نیز الگوی تجربی آن، در دو ستون انتهایی ضرایب برآوردشده در هر پژوهش برای متغیرهای منعکس‌کننده‌ی آثار اقتصاد غیررسمی در ایران و شاخص محاسبه‌شده برای معنی‌داری آماری ضرایب، مرور و خلاصه شده است. اصلی‌ترین یافته‌های حاصل از بررسی تطبیقی مذکور را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

اولاً، به تبعیت از الگوهای نظری و همان‌طور که در قسمت قبلی در بررسی و نقد این الگوها آمد، در آزمون تجربی نیز آثار اقتصاد غیررسمی در سطح توسعه‌ای به‌خوبی پوشش داده نشده است. همان‌طور که پیش‌تر آمد این می‌تواند ناشی از محدودیت دسترسی به داده‌های قابل اتکاء در این حوزه باشد. ثانیاً، برخلاف بررسی تطبیقی مطالعات تجربی عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی در ایران، در اینجا هم‌پوشانی اندکی بین متغیرهای بررسی شده در الگوهای تجربی پژوهش‌های مختلف وجود دارد لذا دستاوردهای محدودی از این نقطه‌نظر (مطالعه‌ی تطبیقی یافته‌های تجربی) وجود دارد. ثالثاً، در بررسی محدود متغیرهایی که در دو مطالعه یا بیشتر به‌طور تجربی الگوسازی و ضرایب آن برآورد شده‌اند نکات زیر حائز اهمیت است:

- ضرایب شاخص‌هایی که به‌منظور نشان‌دادن اثر اقتصاد غیررسمی بر تقاضای پول به کار رفته‌اند، در دو مطالعه، برخلاف انتظار تئوریک، با علامت منفی و در دیگر پژوهش‌ها با علامت مثبت ظاهر شده‌اند. جالب آنکه در این موارد نیز مقدار ضرایب برآورد شده به شدت با هم متفاوت است.
- ضرایب برآورد شده برای اثر اقتصاد غیررسمی بر رشد تولید ناخالص داخلی واقعی، در سه مطالعه‌ای که این رابطه را الگوسازی کرده‌اند منفی و در یک مورد مثبت، به‌دست آمده است. علاوه‌براین، حتی در غالب برآوردها که اثرگذاری منفی است، اندازه‌ی ضرایب برآورد شده به شدت از یکدیگر متفاوت است و بر مبنای آنها نمی‌توان تقریب قابل اتکایی از میزان این اثرگذاری منفی به‌دست آورد.
- در هر دو مطالعه‌ای که اثر قاچاق بر درآمدهای دولت به‌طور تجربی برآورد شده، مطابق انتظارات نظری، گسترش قاچاق اثری منفی بر درآمدهای دولت داشته است گرچه در اینجا نیز تفاوت ضرایب برآورد شده قابل‌ملاحظه است.

رابعاً، با توجه به نکات فوق ملاحظه می‌شود که همانند بررسی تطبیقی مطالعات تجربی عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی در ایران، در اینجا نیز بررسی تطبیقی مطالعات تجربی در مورد آثار اقتصاد غیررسمی در ایران دستاوردهای مورد وفاق و ازاین‌رو قابل‌اتکایی در مورد اثر اقتصاد غیررسمی بر متغیرهای گوناگون ندارد و صرفاً می‌توان به یافته‌های تجربی هر مطالعه در چارچوب الگو و محدودیت‌های همان پژوهش استناد نمود.

ضمیمہ فصل پنجم

جدول ۴-۱: بررسی تطبیقی مبانی نظری و الگوهای مطالعات آثار شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی

ردیف	پدیدآورنده (گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	آثار اقتصاد غیررسمی (مرور مبانی نظری)	آثار اقتصاد غیررسمی (الگوی نظری پژوهش)	آثار اقتصاد غیررسمی (الگوی تجربی پژوهش)
۱	علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۰)	اقتصاد سیاه (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۷۷-۱۳۴۷		مخارج خانوار	مصرف سرانه
					مابه‌التفاوت نرخ ارز	مازاد نرخ برابری دلار با ریال در بازار آزاد نسبت به نرخ رسمی
					تقاضا برای پول	نسبت اسکناس و مسکوک در دست اشخاص به حجم نقدینگی
					مصرف انرژی	مصرف نهایی انرژی
۲	محسن رنانی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰)	اشتغال در بخش غیررسمی (بخش غیررسمی)	۷۷-۱۳۵۱		رشد اقتصادی	
					بهره‌وری	بهره‌وری در بخش صنعت
					اشتغال کل	
					تورم	
					نرخ بهره‌ی بازار	نرخ واقعی بهره‌ی بازار
					مصرف	
					سرمایه‌گذاری	هزینه‌ی سرمایه‌گذاری خصوصی
۳	علی‌اصغر اسفندیاری و آرش جمال‌منش (۱۳۸۱)	اقتصاد زیرزمینی	۷۹-۱۳۵۵		تقاضا برای پول	اسکناس و مسکوک رایج
						حجم پول

ردیف	پدیدآورنده (گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	آثار اقتصاد غیررسمی (مرور مبانی نظری)	آثار اقتصاد غیررسمی (الگوی نظری پژوهش)	آثار اقتصاد غیررسمی (الگوی تجربی پژوهش)
		(بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)				
۴	جمشید پژویان و مجید مداح (۱۳۸۵)	قاچاق	۸۱-۱۳۴۹	رفاه	شاخص قیمت‌ها	شاخص قیمت کالای وارداتی
					درآمد دولت	درآمد عمومی واقعی دولت
۵	علیرضا شکیبایی و علی رئیس پور (۱۳۸۶)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)	۸۰-۱۳۵۱		تولید ناخالص داخلی حقیقی	تولید ناخالص داخلی حقیقی
					نقدینگی خارج از بانک‌ها	نقدینگی خارج از بانک‌ها
۶	علی عرب مازار یزدی و لیلا خودکاری (۱۳۸۶)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی) ^۲	۸۰-۱۳۵۲		تقاضای حقیقی پول	حجم نقدینگی حقیقی
۷	علیرضا وطن‌پور (۱۳۸۷)	قاچاق		سیاست‌های اقتصادی		
				فقر		
				انحصار و رانت‌خواری		
				نقدینگی		
				آمار اقتصادی		
				تجارت رسمی		
				تولید داخلی		
				توسعه‌ی مناطق مرزی		
				درآمد دولت		

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره مطالعه	آثار اقتصاد غیررسمی (مرور مبانی نظری)	آثار اقتصاد غیررسمی (الگوی نظری پژوهش)	آثار اقتصاد غیررسمی (الگوی تجربی پژوهش)
				اشتغال		
				امنیت سرمایه گذاری		
۸	مجید مداح (۱۳۸۷)	قاچاق	۸۴-۱۳۴۹	رفاه	شاخص قیمت‌ها	شاخص قیمت کالای وارداتی
					درآمد دولت	درآمد واقعی دولت به جز نفت و گاز
۹	فتح‌الله تاروی و سعید غلامی باغی (۱۳۸۷)	اقتصاد پنهان (بخش‌های غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)		بهره‌وری		
				فضای رقابتی		
۱۰	مجید صامتی، مرتضی سامتی و علی دلانی میلان (۱۳۸۸)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۴-۱۳۴۴		نرخ رشد اقتصادی	رشد تولید ناخالص داخلی واقعی
					مصرف انرژی	مصرف نهایی انرژی
					تقاضا برای پول در گردش	
۱۱	حسین صادقی، عباس عساری و وحید شقاقی شهری (۱۳۸۸)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی) ^۳	۸۶-۱۳۴۵		فساد مالی	فساد مالی
۱۲	ملیحه خواجه‌ای، ابراهیم رضایی و حسن خداویسی (۱۳۸۹)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی) ^۲	۸۶-۱۳۵۲		تقاضای حقیقی پول	حجم نقدینگی حقیقی
۱۳	مصطفی سلیمی‌فر و محمد کیوان‌فر (۱۳۸۹)	اقتصاد غیررسمی (بخش نامنظم)	۸۷-۱۳۶۱	رشد اقتصادی		
				مالیات دریافتی		

ردیف	پدیده‌آورنده (گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	آثار اقتصاد غیررسمی (مرور مبانی نظری)	آثار اقتصاد غیررسمی (الگوی نظری پژوهش)	آثار اقتصاد غیررسمی (الگوی تجربی پژوهش)
				توزیع درآمد		
				برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری		
				رفاه اجتماعی		
۱۴	حسین مهرابی بشرآبادی، سمیه کوچک‌زاده و حمید تابلی (۱۳۸۹)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۶-۱۳۵۱	رشد اقتصادی	رشد اقتصادی	رشد تولید ناخالص داخلی واقعی
				درآمد مالیاتی		
				برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری		
۱۵	صادق بختیاری و خجسته خوب‌خواهی (۱۳۹۰)	اشتغال در بخش غیررسمی (بخش غیررسمی)	۸۵-۱۳۵۱	توزیع درآمد	توزیع درآمد	توزیع درآمد
				تولید	تولید ناخالص داخلی	رشد تولید ناخالص داخلی
				مصرف انرژی	مصرف انرژی	مصرف انرژی
				سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری
۱۶	زهرا نصراللهی و سمانه طالعی اردکانی (۱۳۹۱)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۶-۱۳۵۴	آلودگی زیست محیطی	آلودگی هوا	انتشار دی‌اکسید کربن سرانه
					مصرف انرژی	مصرف انرژی
					حجم سپرده‌های دیداری	حجم سپرده‌های دیداری
					نرخ مشارکت مردان	نرخ مشارکت مردان
۱۷	وحید تقی‌نژاد عمران و معصومه نیک‌پور (۱۳۹۲)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۹-۱۳۵۰		تقاضای پول نقد	

ردیف	پدیدآورنده (گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه ^۱	دوره‌ی مطالعه	آثار اقتصاد غیررسمی (مرور مبانی نظری)	آثار اقتصاد غیررسمی (الگوی نظری پژوهش)	آثار اقتصاد غیررسمی (الگوی تجربی پژوهش)
۱۸	محمدحسن فطرس و علی دلائی میلان (۱۳۹۲)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۴۲-۹۱		رشد تولید ناخالص داخلی واقعی	رشد تولید ناخالص داخلی واقعی
					مصرف انرژی	مصرف نهایی انرژی
۱۹	منصور زراءنژاد، صلاح ابراهیمی، پویان کیانی (۱۳۹۲)	قاچاق	۱۳۵۳-۸۸		تقاضای پول	رشد تقاضای پول
					مصرف نهایی انرژی	رشد مصرف نهایی انرژی
۲۰	اسمعیل ابونوری و عبدالحامد نیک پور (۱۳۹۳)	اقتصاد پنهان (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۴۵-۹۰	رشد تولید ناخالص داخلی واقعی	رشد تولید ناخالص داخلی	رشد تولید ناخالص داخلی
				تقاضای پول در گردش	رشد تقاضای پول	رشد حجم نقدینگی
۲۱	خسرو پیرایی و حسینعلی رجایی (۱۳۹۴)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۳-۹۲		تولید ناخالص داخلی واقعی	تولید ناخالص داخلی واقعی
					مصرف انرژی	مصرف نهایی انرژی
					تقاضا برای پول	حجم اسکناس و مسکوک در دست اشخاص
۲۲	احمد اسدزاده و زهرا جلیلی (۱۳۹۴)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۰-۸۹	نابرابری درآمدی	نابرابری درآمدی	ضریب جینی
				اندازه‌ی دولت		
				رشد اقتصادی		
۲۳	سید مرتضی افقه و سید امین منصوری (۱۳۹۴)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۶۳-۹۰		شرب خمر	شرب خمر
					نقدینگی	رشد تقاضای پول
					مصرف انرژی	مصرف فرآورده‌های نفتی
					سرقت	

در این ستون انتخاب مفهوم مورد مطالعه، به جز در مواردی که جداگانه توضیح داده شده، بر اساس عنوان (موضوع) پژوهش صورت گرفته و به جز مواردی که موضوع به طور مشخص به قیاس محدود بوده، با توجه به استنباط به عمل آمده از محتوای پژوهش و الگوی تجربی آن، ذیل هر عنوان محدوده‌ی پوشش مطالعه با توجه به طبقه‌بندی توماس مشخص شده است.

^۲ موضوع اصلی این پژوهش پول کثیف (تقاضای بالقوه‌ی پول شویی) است.

^۳ موضوع اصلی این پژوهش فساد مالی است.

جدول ۴-۲: بررسی تطبیقی یافته‌های تجربی مطالعات آثار شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه	دوره‌ی مطالعه	آثار اقتصاد غیررسمی	ضریب برآوردشده	معنی‌داری ضریب برآورد شده ^۱
۱	علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۰)	اقتصاد سیاه (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۷۷-۱۳۴۷	مصرف سرانه	۱,۳۷	(۲,۷۴)
				مازاد نرخ برابری دلار با ریال در بازار آزاد نسبت به نرخ رسمی	۰,۰۷	(۰,۱۹)
				نسبت اسکناس و مسکوک در دست اشخاص به حجم نقدینگی	-۰,۷۹	(-۱,۹۱)
				مصرف نهایی انرژی	۲۱	-
۲	محسن رنانی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰)	اشتغال در بخش غیررسمی (بخش غیررسمی)	۷۷-۱۳۵۱	بهره‌وری در بخش صنعت	۲۱	-
				نرخ واقعی بهره‌ی بازار	۰,۵۹	(۳,۵۷)
				هزینه‌ی سرمایه‌گذاری خصوصی	۰,۴	(۲,۲۴)
۳	جمشید پژویان و مجید مداح (۱۳۸۵)	قاچاق	۸۱-۱۳۴۹	شاخص قیمت کالای وارداتی	۱-۲	-
				درآمد عمومی واقعی دولت	-۰,۸۵	(-۵,۲۶)
				تولید ناخالص داخلی حقیقی	۱-۲	-
۴	علیرضا شکیبایی و علی رئیس‌پور (۱۳۸۶)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)	۸۰-۱۳۵۱	نقدینگی خارج از بانک‌ها	-۰,۰۳	(-۱,۸۲)
۵	علی عرب‌مازار یزدی و لیلا خودکاری (۱۳۸۶)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۰-۱۳۵۲	حجم نقدینگی حقیقی	۰,۳۸	(۱,۸۵)

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه	دوره‌ی مطالعه	آثار اقتصاد غیررسمی	ضریب برآوردشده	معنی‌داری ضریب برآورد شده ^۱
۶	مجید مداح (۱۳۸۷)	قاچاق	۸۴-۱۳۴۹	شاخص قیمت کالای وارداتی	۱-۲	-
				درآمد واقعی دولت به جز نفت و گاز	۱۹,۱-	(۶,۹۳-)
۷	مجید صامتی، مرتضی صامتی و علی دلایی میلان (۱۳۸۸)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۴-۱۳۴۴	رشد تولید ناخالص داخلی واقعی	۵,۴-	(۱,۸۸-)
				مصرف نهایی انرژی	۱,۲	-
۸	حسین مهرابی بشرآبادی، سمیه کوچک‌زاده و حمید تابلی (۱۳۸۹)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۶-۱۳۵۱	رشد تولید ناخالص داخلی واقعی	۳۲,۰-	(۵,۵۳-)
۹	ملیحه خواجه‌وی، ابراهیم رضایی و حسن خداویسی (۱۳۸۹)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۶-۱۳۵۲	حجم نقدینگی حقیقی	۳,۰۶	(۴,۸۲)
۱۰	صادق بختیاری و خجسته خوب‌خواهی (۱۳۹۰)	اشتغال در بخش غیررسمی (بخش غیررسمی)	۸۵-۱۳۵۱	توزیع درآمد	۳۲,۰-	(۱,۸۵-)
				رشد تولید ناخالص داخلی	۱۲,۰-	(۰,۸۶-)
				مصرف انرژی	۲۷,۰	(۱,۸۲)
				سرمایه‌گذاری	۹,۰۰	(۰,۷۸)
۱۱	زهرا نصراللهی و سمانه طالعی اردکانی (۱۳۹۱)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۶-۱۳۵۴	انتشار دی‌اکسید کربن سرانه	۱۷,۰	(۲,۹۶)
				مصرف انرژی	۷۷,۰	(۲۴,۸۹)
				حجم سپرده‌های دیداری	۸۴,۰	-
				نرخ مشارکت مردان	۰۶,۱-	(۹,۲۱-)

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم مورد مطالعه	دوره‌ی مطالعه	آثار اقتصاد غیررسمی	ضریب برآوردشده	معنی‌داری ضریب برآورد شده ^۱
۱۲	محمدحسن فطرس و علی دلائی میلان (۱۳۹۲)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۴۲-۹۱	رشد تولید ناخالص داخلی واقعی	-۳,۶۴	(-۱,۸۶)
				مصرف نهایی انرژی	۲۱	-
۱۳	منصور زراءنژاد، صلاح ابراهیمی، پویان کیانی (۱۳۹۲)	قاچاق	۱۳۵۳-۸۸	رشد تقاضای پول	۲۱	-
				رشد مصرف نهایی انرژی	۰,۰۵	۲,۲۲
۱۴	اسمعیل ابونوری و عبدالحامد نیک پور (۱۳۹۳)	اقتصاد پنهان (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۴۵-۹۰	رشد تولید ناخالص داخلی	۱۰,۷	(۱,۹۶)
				رشد حجم نقدینگی	۵,۶۹	(۲,۶۵)
۱۵	خسرو پیرایی و حسینعلی رجایی (۱۳۹۴)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۳-۹۲	تولید ناخالص داخلی واقعی	۲۱	-
				مصرف نهایی انرژی	۲,۰۷	(۵,۱۳)
				حجم اسکناس و مسکوک در دست اشخاص	۴,۱۲	(۷,۰۵)
۱۶	احمد اسدزاده و زهرا جلیلی (۱۳۹۴)	اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۰-۸۹	ضریب جینی	۰,۰۲۳	(۳,۵۹)
۱۷	سید مرتضی افقه و سید امین منصوری (۱۳۹۴)	اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۶۳-۹۰	شرب خمر	۰,۰۷	×
				رشد تقاضای پول	۰,۰۵	×
				مصرف فرآورده‌های نفتی	۰,۱	×

اعداد داخل پرانتز مقدار آماره‌ی t و اعداد داخل کروشه مقدار انحراف معیار گزارش شده است.

آبرای حل مشکل شناسایی این ضریب معادل ۱ یا ۱- فرض شده است.

× گزارش نشده

فصل پنجم: اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران و جهان

۱. مقدمه

هنگامی که بحث از اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی به میان می‌آید بلافاصله این سؤال در ذهن شکل می‌گیرد که این گروه از فعالیت‌ها را که یا به دلیل آنکه خود ماهیت غیرقانونی دارند یا به‌خاطر گریز از مالیات و سایر حقوق و عوارض دولتی، پنهان نگه داشته می‌شوند و قابل مشاهده نیستند چگونه می‌توان اندازه‌گیری کرد؟ واقعیت آن است که گستردگی روبه‌رشد این قبیل فعالیت‌ها و آثاری که دارند، ضرورت اندازه‌گیری آنها را بیش از پیش روشن ساخته است. امروزه این اصل مدیریتی که "آنچه که اندازه‌گیری نشود قابل مدیریت نیست" پذیرش عمومی یافته است. شاید با اتکاء بر همین مبانی باشد که همان‌طور که پیش از این نیز آمد در استانداردهای نوین حسابداری اقتصادی (نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳ و ۲۰۰۸) بر ضرورت اندازه‌گیری و به حساب آوردن فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در حساب‌های ملی کشورها تأکید شده است.

چنین ضرورت‌ها و تأکیدهایی موجب شده تا روش‌هایی برای اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی ابداع شود و رواج یابد. این روش‌ها را بر حسب نحوه‌ی گردآوری اطلاعات و انجام برآورد می‌توان به دو گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم طبقه‌بندی نمود.

روش‌های مستقیم اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی بر مبنای مراجعه‌ی مستقیم به فعالان در این عرصه به صورت همه‌پرسی (سرشماری) یا نمونه‌گیری، طراحی می‌شوند. امکان موفقیت این‌گونه روش‌ها در جمع‌آوری اطلاعات قابل‌اتکاء در این زمینه با توجه به ماهیت پنهانی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی محدود است ضمن آنکه اجرای چنین روش‌هایی معمولاً با هزینه‌های بالایی همراه است.

موانع و مشکلات اینچنینی موجب شده تا پژوهش‌گران به ابداع روش‌های غیرمستقیم برای اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی روی آورند. عموم روش‌های غیرمستقیم بر مبنای این ایده شکل گرفته‌اند که هرچند فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی پنهانی و غیرقابل مشاهده‌اند اما علل و آثاری دارند که می‌توانند مشاهده گردند. به بیان دیگر، در این روش‌ها تلاش می‌شود بر اساس اطلاعات موجود و در دسترس از علل و آثار اقتصاد غیررسمی، برآوردهایی از اندازه‌ی این قبیل فعالیت‌ها به‌دست آید.

در این فصل، ابتدا روش‌های غیرمستقیم برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی مرور خواهد شد. سپس، بر اساس برخی مطالعات خارجی انجام شده، برآوردهایی از گستردگی اقتصاد غیررسمی در جهان ارائه می‌شود. آخرین قسمت این فصل به بررسی تطبیقی یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته برای برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران اختصاص خواهد داشت.

۲. روش‌های اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی^۱

معمولاً در ادبیات مربوط به روش‌های اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، نخستین تلاش برای ابداع روش غیرمستقیم به‌منظور تخمین اندازه‌ی این پدیده را مطالعه‌ی کالدور در سال ۱۹۵۸ در زمینه‌ی اندازه‌گیری فرار مالیاتی در هند ذکر می‌کنند. پس از آن عمده‌ی کوشش‌های پژوهشی برای طراحی روش‌هایی جهت برآورد حجم اقتصاد غیررسمی به سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۹۷۰ بازمی‌گردد.

همان‌طور که در مقدمه آمد، ایده‌ی بنیادی طراحی این روش‌ها، استفاده از اطلاعات مربوط به علل یا آثار قابل‌مشاهده‌ی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی به‌منظور برآورد اندازه‌ی آن است. بر چنین مبنایی می‌توان روش‌های غیرمستقیم اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی را به سه گروه مبتنی بر علل، مبتنی بر آثار و مبتنی بر علل و آثار طبقه‌بندی نمود. ادامه‌ی مطالب این قسمت به معرفی و نقد این روش‌ها بر اساس طبقه‌بندی مذکور اختصاص دارد.

۲-۱. روش‌های اندازه‌گیری مبتنی بر علل

طراحی روش‌های اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی بر مبنای علل پیدایش و گسترش این پدیده براساس این ایده است که فعالیت‌های اقتصادی تعمداً پنهان نگه‌داشته شده، دارای علل بوجود آورنده‌ای هستند که لزوماً مخفی نیستند لذا می‌توان از مشاهدات مربوط به اندازه و روند تحولات علت یا علل شکل‌گیری این پدیده، به حجم و تغییرات آن در طول زمان پی برد.

^۱ مطالب این قسمت، به‌جز در مواردی که مشخص شده است، عمدتاً با اقتباس و یا استفاده از علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۶)، اقتصاد سیاه در ایران، فصول پنجم و هفتم تدوین شده است.

تمرکز بر روابط علی منجر به پیدایش فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، علاوه بر آنکه می‌تواند موجب بسط نظری این حیطه از دانش اقتصاد شود، روابط آن را با سطوح خرد و کلان مرتبط، روشن‌تر می‌سازد و استنتاج تجویزهای سیاستی، مبتنی بر مبانی نظری، برای برخورد با این پدیده را امکان‌پذیر می‌کند.

در میان ادبیات موجود در زمینه‌ی روش‌های اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی، تنها به دو روش: علت‌یابی (مدل سازی تقریبی) و فازی^۱، به‌عنوان روش‌های تخمین مبتنی بر علل، می‌توان اشاره نمود.

در روش علت‌یابی، اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی به‌صورت تابعی از علل مختلف مؤثر بر شکل‌گیری این فعالیت ها، در نظر گرفته می‌شود. در کاربرد چنین روشی با معرفی معادله‌ای نظیر:

$$X_D = g_1 X_1 + g_2 X_2 + \dots + g_n X_n$$

به‌عنوان رابطه‌ی مفروض بین متغیر وابسته (اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی) و متغیرهای توضیحی (علل پیدایش آن)، با تعیین مقدار پارامترها از طریق استنباط از ادبیات مربوطه و استفاده از اطلاعات جانبی یا نظرسنجی، و سپس استفاده از مقادیر معلوم متغیرهای توضیحی، مقدار متغیر وابسته (اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی) بدست می‌آید.

عمده‌ترین انتقادی که به کاربرد این روش وارد می‌شود مربوط به نحوه‌ی تعیین پارامترهاست که تا حد زیادی اختیاری و وابسته به استنتاج پژوهش‌گر است.

منطق فازی^۲ نظریه‌ای برای اقدام در شرایط عدم اطمینان است. این نظریه قادر است بسیاری از مفاهیم، متغیرها و سیستم‌هایی را که نادقیق و مبهم هستند، چنانچه در عالم واقعیت در بیشتر موارد چنین است، صورت بندی ریاضی نماید و زمینه را برای استدلال، استنتاج، کنترل و تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان، فراهم آورد^۳.

کاربرد منطق فازی در حوزه‌های مختلف دانش بشری، از جمله علوم اجتماعی، در حال گسترش است.

^۱ Fuzzy

^۲ Fuzzy Logic

^۳ به نقل از:

منطق فازی توصیفات زبان طبیعی سیاست‌های تصمیم‌گیری را به الگوریتمی که از یک مدل ریاضی استفاده می‌کند، ترجمه می‌نماید. این چنین مدلی شامل فازی‌سازی، استدلال و فازی‌زدایی است.^۱ برخلاف روش علت‌یابی که تاکنون در مطالعات تجربی برای اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی در ایران مورد استقبال قرار نگرفته است، طی دوره ۹۴-۱۳۸۰ چندین پژوهش با استفاده از این روش حجم این گروه از فعالیت‌های اقتصادی در ایران را تخمین زده‌اند.^۲

گرچه روش‌های برآورد مبتنی بر علل به افزایش قدرت تبیین علی پدیده‌ی اقتصاد غیررسمی می‌انجامد اما به خاطر استفاده‌نکردن از اطلاعات نهفته در متغیرهای منعکس‌کننده‌ی آثار این پدیده، بخشی از اطلاعاتی را که می‌تواند به برآورد قابل‌اعتمادتری منجر شود، نادیده می‌گیرد.

- علیرضا شکیبایی و حسین صادقی (۱۳۸۲). مدل‌سازی اقتصاد زیرزمینی با روش فازی. مجله‌ی تحقیقات اقتصادی. شماره ۶۲.

- محمد اخباری و مهدیه اخباری (۱۳۹۰). کاربرد رویکرد منطق فازی در مدل‌سازی اقتصاد غیررسمی در ایران. فصلنامه‌ی روند اقتصادی. سال نوزدهم، شماره‌ی ۵۹.

^۱ به نقل از: محمد اخباری و مهدیه اخباری (۱۳۹۰). همان.

^۲ علاوه بر مطالعات شکیبایی و صادقی (۱۳۸۲) و اخباری و اخباری (۱۳۹۰) که مشخصات تفصیلی آنها در زیرنویس‌های قبلی ذکر شد مطالعات زیر از این جمله‌اند:

- محمد اخباری، مهدیه اخباری و رضا آقابابایی (۱۳۸۹). کاربرد رویکرد منطق فازی در مدل‌سازی تجارت غیرقانونی (قاچاق) در ایران. فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری. دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۴.
- حسین مهرابی بشرآبادی، سمیه کوچک‌زاده و حمید تابلی (۱۳۸۹). آیا اقتصاد سایه‌ای رشد اقتصادی را تهدید می‌کند؟ فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران. سال ۱۵، شماره‌ی ۴۵.
- سمانه طالعی اردکانی، رسول بخشی دستجردی و آزاده سعادت‌خواه (۱۳۹۰). مدلیابی اقتصاد زیرزمینی ایران با استفاده از منطق فازی. فصلنامه‌ی تحقیقات اقتصادی راه اندیشه.
- علیرضا شکیبایی و قاسم شادمانی (۱۳۹۳). برآورد اقتصاد سایه‌ای ایران (۱۳۸۶-۱۳۴۹) با استفاده از مدل‌سازی فازی چندمرحله‌ای. فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه‌ی پایدار)، سال ۱۴، شماره‌ی ۱.

۲-۲. روش‌های اندازه‌گیری مبتنی بر آثار

این گروه از روش‌های تخمین اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی که پرشمارترین و نیز پرکاربردترین آنها نیز هستند، با اتکاء به این ایده طراحی شده‌اند که پیدایش و گسترش فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، گرچه خود اطلاعات قابل مشاهده‌ای ندارند، آثاری را بر جای می‌گذارند که می‌تواند مشاهده شود و از اینجا اطلاعاتی بدست می‌آید که برآورد روند تحولات این پدیده را ممکن می‌سازد.

با آنکه روش‌های اندازه‌گیری مبتنی بر آثار کمکی به تبیین علّی تغییرات اقتصاد غیررسمی نمی‌نمایند از آنجا که برای اندازه‌گیری حجم این پدیده و تحولات آن از اطلاعات مربوط به یک یا چند اثر آن کمک می‌گیرند به برآورد کمی آثار این گروه از فعالیت‌ها یاری رسانده و می‌توانند دلالت‌های مهمی را از این نظر که سیاست‌ها بایستی در راستای محدودساختن این فعالیت‌ها طراحی شوند یا گسترش آنها، در بر داشته باشند.

روش‌های پولی (شامل: نسبت نقد، مبادلات پولی، حجم اسکناس در گردش درشت)، اختلاف در حساب‌های ملی، اختلاف بین آمار مالیاتی و درآمد ملی، اختلاف در درآمد و هزینه خانوار، اختلاف در آمار تجارت خارجی، کشف کنترل شده، حسابرسی مالیاتی، نهاده‌های فیزیکی و آمار نیروی کار، را می‌توان در گروه روش‌های مبتنی بر آثار، طبقه‌بندی نمود.

روش‌های پولی مبتنی بر این ایده‌ی اساسی شکل گرفته‌اند که در یک اقتصاد پولی فعالیت‌های تولیدی غیرقانونی و پنهان همانند سایر فعالیت‌های اقتصادی به مبادلات پولی منجر می‌شوند و نهایتاً به نوعی بر تقاضا برای انواع پول، اثر می‌گذارند که از این طریق می‌توان حجم آنها را ردیابی نمود. به‌ویژه، در کشورهایی که قوانین مبارزه با پول‌شویی به اجرا در آمده‌اند و مبادلات پولی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی را نمی‌توان از طریق نظام بانکی پشتیبانی نمود انتظار می‌رود گسترش این قبیل فعالیت‌ها به افزایش مبادلات نقدی و تقاضا برای اسکناس

درشت منجر شود. کاربرد این گروه از روش‌های پولی در کشورهایی که نظارت مؤثر بر مبادلات بانکی انجام نمی‌شود و پول‌شویی مورد پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد می‌تواند به نتایج گمراه‌کننده‌ای بیانجامد^۱.

دسته‌ی دیگری از روش‌های مبتنی بر آثار، به نحوه‌ی اثرگذاری فعالیت‌های غیرقانونی و پنهان بر اقلامی از اطلاعات رسمی کشورها توجه دارند و تلاش می‌نمایند از اختلاف برآوردهای این اقلام با سایر عناوینی که در صورت عدم انجام فعالیت‌های غیرقانونی بایستی معادل یکدیگر تخمین زده شوند، پی به اندازه‌ی این‌گونه فعالیت‌ها ببرند.

روش اختلاف در حساب‌های ملی از جمله این روش‌هاست. در این روش با در نظر گرفتن اینکه، ارقام برآورده شده برای درآمد و هزینه در سطح کلان بایستی معادل یکدیگر باشند و با این پیش‌فرض که برآوردهای این اقلام با روش‌های مستقلی صورت می‌پذیرد، اختلاف در تخمین‌ها را به فعالیت‌های گزارش نشده یا پنهان نسبت داده می‌شود. کاربرد این روش در کشورهایی، همانند ایران، که حساب‌های ملی به روش درآمد برآورد نمی‌شوند، قابل کاربرد نیست.

در روشی دیگر (اختلاف بین آمار مالیاتی و درآمد ملی)، درآمدهای گزارش شده به مقامات مالیاتی را با انجام تعدیلات لازم با ارقام برآورد شده‌ی درآمد ملی مقایسه کرده و اختلاف آنها را ناشی از فرار مالیاتی می‌دانند.

^۱ از میان مطالعات تجربی انجام شده برای برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران که در طول دوره‌ی مورد بررسی، انجام و در این پژوهش بررسی شده‌اند آثار زیر را می‌توان در این گروه طبقه‌بندی نمود:

- علی‌اصغر اسفندیاری و فاطمه مهربانی (۱۳۸۵). بررسی اقتصاد زیرزمینی از دو روش شکاف درآمد - هزینه‌ی خانوار و نسبت نقد. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۲۳.
- مهنوش عبدالله میلانی و نرگس اکبرپور روشن (۱۳۹۱). فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی در ایران. پژوهشنامه‌ی مالیات، شماره‌ی ۱۳.
- وحید تقی‌نژادعمران و معصومه نیک‌پور (۱۳۹۲). اقتصاد زیرزمینی و علت‌های آن: مطالعه‌ی موردی ایران. مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال ۲، شماره‌ی ۸.

این روش‌ها در دهه‌ی ۱۳۷۰ از سوی پژوهش‌گران ایرانی با استقبال بیشتری مواجه بود. برای مرور این مطالعات نگاه کنید به: علی عرب‌مازازی (۱۳۸۶). همان. فصل ششم.

روش اختلاف درآمد و هزینه خانوار نیز یکی دیگر از این قبیل روش‌هاست. در این روش، از اطلاعات گردآوری شده‌ی بودجه‌ی خانوار به‌منظور برآورد فعالیت‌های پنهان استفاده می‌شود و اختلاف بین این ارقام ناشی از پنهان نگه‌داشتن بخشی از درآمدها فرض می‌شود. از آنجا که این اطلاعات درخصوص طبقات مختلف درآمدی به‌همراه برخی خصوصیات دیگر اقتصادی و اجتماعی آنها منتشر می‌شود، در صورت قابل قبول بودن نتایج این روش، می‌توان فرضیه‌های مختلفی را پیرامون ویژگی‌های فعالان در این حیطه آزمون نمود. البته متداول بودن کم‌گویی خانوارها در اعلام درآمدها (فارغ از قانونی بودن یا نبودن منشأ آن) به‌گونه‌ای است که انتساب این اختلاف را به فعالیت‌های پنهان با تردید جدی مواجه می‌سازد^۱.

در روشی برای برآورد حجم قاچاق کالا، اختلاف در آمار واردات و صادرات اعلام شده‌ی یک کشور با شرکای عمده‌ی تجاری آن با آمار صادرات و واردات طرف مقابل مقایسه می‌شود و اختلاف آنها با تعدیلاتی (برای احتساب حق بیمه و حمل و نقل)، به‌عنوان قاچاق کالا محسوب می‌شود. اما باید در نظر داشت که این اختلاف می‌تواند ناشی از تفاوت استانداردهای مربوط به طبقه‌بندی کالا، اشتباه در طبقه‌بندی کشورهای مبدأ و مقصد و اختلاف در ارزش‌گذاری پول خارجی، نیز باشد.

بخش دیگری از روش‌های مبتنی بر آثار، با این استدلال که تولیدات غیرقانونی و پنهان نیز نیازمند نهاده‌های تولیدی (نیروی کار، انرژی و دیگر عوامل تولید) هستند که اطلاعات مرتبط با آنها پنهان نگه داشته نمی‌شود، سعی می‌نمایند با استفاده از داده‌های موجود در این زمینه، به برآوردی از حجم این‌گونه فعالیت‌ها دست یابند.

^۱ از میان مطالعات تجربی انجام‌شده برای برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران که در طول دوره‌ی مورد بررسی انجام و در این پژوهش بررسی شده‌اند آثار زیر را می‌توان در این گروه طبقه‌بندی نمود:

- علی‌اصغر اسفندیاری و فاطمه مهربانی (۱۳۸۵). همان.
- مصطفی سلیمی‌فر و محمد کیوان‌فر (۱۳۸۹). اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم. مجله‌ی دانش و توسعه. سال ۱۷، شماره‌ی ۳۳.

از جمله، در روش نهاده‌های فیزیکی، با اتکاء به نسبت‌های بهره‌وری، شدت کاربرد یا ضریب فنی، به‌نوعی، تناسب بین نهاده و ستانده در یک سال پایه را مفروض گرفته و تغییرات آن، در واقع رشد نامتناسب نهاده نسبت به ستانده، را حاصل فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی که در اطلاعات مربوط به ستانده‌ها منعکس نشده‌اند، در نظر می‌گیرند. مطالعات تجربی در این زمینه بیشتر با استفاده از اطلاعات مربوط به مصرف انرژی (به ویژه برق)، صورت گرفته است.

همچنین، در روش آمار نیروی کار، تغییرات غیرمعمول در شاخص‌های بازار کار، به‌ویژه نرخ مشارکت، نرخ بیکاری و ساعات کار، به نوسانات در اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی نسبت داده می‌شود. استفاده از این اطلاعات برای چنین منظوری، چه به‌لحاظ نظری، چه به‌خاطر کیفیت و نحوه‌ی گردآوری آمار اشتغال و بیکاری و چه از نظر ابعاد سیاسی آمار منتشره در مورد اشتغال و بیکاری، بسیار بحث‌انگیز بوده است.

دسته‌ی دیگری از روش‌ها در پی آنند تا اطلاعات مربوط به حجم فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی را از آمار و ارقام دردسترس از تخلفات آشکار شده و تعمیم آنها به‌دست آورند. در چنین روش‌هایی این واقعیت که در نتیجه‌ی نظارت‌های دولتی بخشی از این پدیده کشف و آشکار می‌شود، با در نظر گرفتن ضریبی به عنوان احتمال کشف، ترکیب شده و از این طریق مقدار کل فعالیت‌های غیررسمی صورت گرفته برآورد می‌شود.

روش حسابرسی مالیاتی، به عنوان روشی خاص برای تعیین میزان فرار مالیاتی، از این جمله است. در این روش با استفاده از اطلاعات مربوط به تخلفات کشف شده از حسابرسی پرونده‌های مالیاتی (که غالباً به روش نمونه گیری انتخاب می‌شوند)، با در نظر گرفتن ضریب احتمال کشف، مقدار فرار مالیاتی برآورد می‌شود.

با اینکه روش‌های تخمین مبتنی بر آثار بیشترین کاربرد را در برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی و اجزاء آن در کشورهای مختلف داشته‌اند، سه نقطه‌ضعف عمده دارند: نخست، نادیده گرفتن اطلاعات مربوط به علل پیدایش این پدیده در ارائه‌ی برآورد از حجم آن است که ناتوانی در تبیین و ارائه‌ی تجویزهای سیاستی مبتنی بر آن را هم در پی دارد. دومین نقطه‌ی ضعف این دسته از روش‌های برآورد اقتصاد غیررسمی آن است که نوعاً در برآورد خود

به اطلاعات مربوط به یک اثر خاص محدود می‌شوند و در ارائه‌ی تخمین از اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی، داده‌های مربوط به سایر آثار را لحاظ نمی‌کنند. تعدد روش‌های مبتنی بر آثار نیز به این واقعیت اشاره دارد که آثار حضور فعالیت‌های غیررسمی، محدود به یک حوزه نمی‌شود و چنین نگرش تک‌بعدی موجب از دست دادن اطلاعاتی می‌شود که می‌توانند در ارزیابی واقع‌بینانه‌تری از روند تحولات اقتصاد غیررسمی مفید باشند. سومین و آخرین مشکل این روش‌ها به فروض حاکم بر آنها بازمی‌گردد که عمدتاً قوی و بسیار محدودکننده هستند.

۳-۲. روش‌های اندازه‌گیری مبتنی بر علل و آثار

نتایج حاصل از کاربرد روش‌های مبتنی بر علل و آثار از آنجا که توأمان اطلاعات مربوط به علل پیدایش اقتصاد غیررسمی و آثار آن را در تخمین اندازه‌ی این پدیده به کار می‌گیرد بیش از روش‌های مبتنی بر علل یا روش‌های مبتنی بر آثار قابل‌اتکاء است. علاوه بر این، مزیت‌های روش‌های دوگانه‌ی مذکور را یک‌جا در خود دارد یعنی امکان تبیین علی اقتصاد غیررسمی و سیاست‌گذاری بر مبنای آن و نیز ارزیابی آثار تحولات اقتصاد غیررسمی را فراهم می‌سازد.

رهیافت تقاضا برای پول یکی از روش‌های پولی برای اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی است که در این گروه از روش‌های اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی قابل‌طبقه‌بندی است. در این روش علت پیدایش و تحول اینگونه فعالیت‌ها، مثلاً اخذ مالیات، در مدل اندازه‌گیری لحاظ شده و از طریق اثر آن بر بخش پولی اقتصاد، حجم اقتصاد غیررسمی اندازه‌گیری می‌شود.

مزیت‌های روش تقاضای پول نسبت به سایر روش‌های پولی، توجه هم‌زمان به علل و آثار و سهولت نسبی کاربرد آن، موجب شده است تا پژوهش‌های متعددی برای تخمین اندازه و رشد اقتصاد غیررسمی در کشورهای

مختلف، استفاده نمایند^۱. نقطه ضعف اصلی این روش آن است که صرفاً بر اثر تحولات اقتصاد غیررسمی بر متغیرهای پولی تمرکز دارد و از لحاظ نمودن سایر آثار این پدیده در مدل اندازه‌گیری صرف‌نظر می‌کند.

روش "شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه" را می‌توان نقطه‌ی عطفی در کاربرد روش‌های کمی برای برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی تلقی نمود. در این روش که در ادبیات مربوطه با عنوان "رهیافت مدلی" یا روش "متغیرهای غیرقابل مشاهده" نیز از آن نام برده شده محقق می‌تواند متغیرهای متعددی را به‌عنوان علت و یا شاخص منعکس‌کننده‌ی آثار اقتصاد غیررسمی، در الگوی اندازه‌گیری وارد نماید.

این روش، در واقع، حالتی خاص از مدل‌سازی معادلات ساختاری^۲ (تحلیل ساختار کوواریانسی^۳) است که فصل مشترک رهیافت تحلیل عاملی^۴ و رگرسیون چندمتغیره و نوعی مدل‌سازی اقتصادسنجی با استفاده از متغیرهای غیرقابل مشاهده است. آنچه که این رویکردهای مختلف را با یکدیگر پیوند داده، تلاش مشترک برای فهم بهتر تغییرات پدیده‌هایی است که قابل مشاهده نیستند.

در مدل‌سازی معادلات ساختاری، محقق می‌تواند روابط بین متغیرهای پنهان (غیرقابل مشاهده) و آشکار را تصریح نماید. مدل روابط ساختاری به‌هم‌وابسته‌ی خطی (لیزرل)^۵ از جمله‌ی این الگوهاست. این مدل از دو بخش

^۱ از میان مطالعات تجربی انجام‌شده برای برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران که در طول دوره‌ی مورد بررسی انجام و در این پژوهش بررسی شده‌اند اثر زیر را می‌توان در این گروه طبقه‌بندی نمود:

- علی‌اصغر اسفندیاری و آرش جمال‌منش (۱۳۸۱). اقتصاد زیرزمینی و تأثیر آن بر اقتصاد ملی. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۶.

این روش در دهه‌ی ۱۳۷۰ از سوی پژوهش‌گران ایرانی با استقبال بیشتری مواجه بود. برای مرور این مطالعات نگاه کنید به: علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۶). همان. فصل ششم

^۲ Structural Equation Modeling

^۳ Covariance Structure Analysis

^۴ Factor Analysis

^۵ Linear Interdependent Structural Relationships - LISREL

تشکیل می‌شود: مدل اندازه‌گیری، که رابطه‌ی علی بین متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده‌شده را نشان می‌دهد و مدل معادله‌ی ساختاری که روابط علی بین متغیرهای پنهان را تصریح می‌کند.

روش "شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه" از حالت‌های خاص مدل کامل لیزرل است. در این حالت تنها یک متغیر غیرقابل مشاهده داریم و لذا مدل ساختاری به صورت رابطه رگرسیونی بین این متغیر و متغیرهای برونزای معرف علل پیدایش آن، درمی‌آید. فرمول‌بندی ریاضی الگوی مذکور به صورت زیر است:

$$y = \lambda\eta + \varepsilon$$

$$\eta = \gamma'x + \zeta$$

که در آن: η متغیر غیرقابل مشاهده (اسکالر)، γ بردار $(p \times 1)$ از شاخص‌های مشاهده‌شده از آثار متغیر مشاهده نشده، x بردار $(q \times 1)$ علل پیدایش متغیر مشاهده‌نشده، λ و γ بردارهای، به ترتیب، $(p \times 1)$ و $(q \times 1)$ از پارامترها و ε و ζ خطاهای تصادفی، به ترتیب، $(p \times 1)$ و اسکالر هستند. بنابه فرض این خطاها دارای توزیع نرمال بوده و همبستگی دوطرفه بین آنها برقرار نیست.

چنانچه معادله‌ی دوم را در معادله‌ی اول جایگزین نماییم، الگوی فوق به صورت یک سیستم معادلات رگرسیونی به صورت زیر درمی‌آید:

$$y = \Pi x + z$$

که در آن :

$$\Pi = \lambda\gamma'$$

$$z = \lambda\zeta + \varepsilon$$

است. این سیستم معادلات با مشکل شناسایی مواجه است و از همین جا مهم‌ترین محدودیت این الگو در تخمین پارامترها مطرح می‌شود. درواقع، این موضوع اساسی‌ترین محدودیت کاربرد این مدل به عنوان یک روش اندازه‌گیری است.

برای گریز از این مشکل می‌توان یکی از عناصر λ را به یک مقدار از پیش تعیین شده مقید کرد، در این صورت، به دست آوردن برآوردهای منحصر به فرد از پارامترهای آن امکان پذیر خواهد بود. تنها مسأله‌ای که در این حالت بوجود خواهد آمد آن است که مقادیر برآورد شده برای هر پارامتر به صورت مطلق قابل ارزیابی و تفسیر نیستند بلکه به صورت نسبی (نسبت به تخمین‌های سایر پارامترها) ارزیابی و تفسیر می‌شوند.

پس از برآورد پارامترهای الگوی فوق، با استفاده از تخمین‌های عناصر بردار γ ، در قالب معادله‌ی رگرسیونی‌ای که در آن روابط علل با متغیر غیرقابل مشاهده تصریح شده است، به سری زمانی متغیر مشاهده نشده، البته به صورت اعداد رتبه‌بندی شده (اردینال)، دست می‌یابیم.

به این ترتیب اگرچه با به کارگیری این روش روند تحولات متغیر غیرقابل مشاهده تخمین زده می‌شود (که در جای خود دستاورد مهمی است)، اما به خاطر محدودیت‌های ناشی از مشکل شناسایی، سری زمانی به صورت اعداد مطلق (کاردینال) نخواهد بود. محاسبه‌ی چنین برآوردهایی در صورتی امکان پذیر خواهد بود که به اطلاعات جانبی دیگری در مورد مقدار متغیر مشاهده نشده در یک یا چند نقطه از دوره‌ی مطالعه، دسترسی داشته باشیم. بدیهی است در این صورت ارقام محاسبه شده (و نه روند آنها) نسبت به اطلاعات مذکور کاملاً حساس خواهند بود و این محدودیتی جدی برای این روش است. غالب مطالعات تجربی انجام شده با پذیرش چنین محدودیتی از برآورد سری زمانی اعداد رتبه‌بندی شده فراتر رفته و سری زمانی به صورت اعداد مطلق را برآورد نموده‌اند.

روش "شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه"، به خاطر قابلیت در به کارگیری توأم اطلاعات مربوط به عوامل مختلف پیدایش و تحول متغیر مشاهده نشده و آثار ناشی از آن بر حوزه‌های مختلف، توانایی بالایی را در استفاده‌ی بهینه از اطلاعات موجود، کاربرد و بسط مبانی نظری اقتصاد غیررسمی و استخراج دلالت‌های سیاستی مناسب، دارد.

مزیت‌های انکارناپذیر این روش موجب کاربرد وسیع آن در مطالعات جدید تجربی جهانی در این حوزه شده و نیز موجب گردیده تا پس از نخستین کاربرد این روش در ایران توسط عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۰)، مطالعات تجربی متعددی به برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی یا اجزاء آن در ایران با استفاده از چنین روشی بپردازند.^۱

۳. اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در جهان

بیش از نیم قرن از نخستین تلاش‌های علمی برای برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی با استفاده از روش‌های غیرمستقیم می‌گذرد. طی سه‌دهه‌ی اخیر گسترش توجه به ضرورت دسترسی به اطلاعات بیشتر از این بخش از

^۱ آثار زیر از میان مطالعات تجربی انجام‌شده برای برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی و اجزاء آن در ایران که در طول دوره‌ی مورد بررسی انجام و در این پژوهش بررسی شده‌اند از این جمله‌اند:

۱. محسن رنانی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰). ساختار اشتغال در بخش غیررسمی و نقش آن در جذب نیروی انسانی متخصص. مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۲. جمشید پژویان و مجید مداح (۱۳۸۵). بررسی اقتصادی قاچاق در ایران. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۲۰.
۳. علیرضا شکیبایی و علی رئیس پور (۱۳۸۶). بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران: رویکرد DYMIMIC. فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره‌ی ۳.
۴. مجید مداح (۱۳۸۷). علل و پی‌آمدهای اقتصادی قاچاق کالا در ایران و راه‌های رویارویی با آن. مجله‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۲۵۳-۲۵۴.
۵. مجید صامتی، مرتضی سامتی و علی دلائی میلان (۱۳۸۸). برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران به روش MIMIC. مجله‌ی مطالعات اقتصاد بین الملل، سال بیستم، شماره‌ی ۳۵.
۶. زهرا نصراللهی و سمانه طالعی اردکانی (۱۳۹۱). تخمین اقتصاد سایه‌ای و بررسی اثرات آن روی آلودگی هوا؛ مطالعه‌ی موردی: اقتصاد ایران. فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه‌ی پایدار)، سال ۱۲، شماره‌ی ۴.
۷. محمدحسن فطرس و علی دلائی میلان (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در ایران ۱۳۹۱-۱۳۴۲. فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۴.
۸. منصور زراعت‌نژاد، صلاح ابراهیمی، پویان کیانی (۱۳۹۲). برآورد حجم قاچاق کالا در ایران به روش MIMIC. سیاست‌گذاری اقتصادی، سال ۵، شماره‌ی ۹.
۹. اسمعیل ابونوری و عبدالحامد نیک پور (۱۳۹۳). اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی سال ۵، شماره‌ی ۱۷.
۱۰. خسرو پیرایی و حسینعلی رجایی (۱۳۹۴). اندازه‌گیری اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی علل و آثار آن. فصلنامه‌ی سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۳، شماره‌ی ۹.

فعالیت‌های اقتصادی در تعامل با ابداع روش‌های نوین تخمین، موجب شده است تا پژوهش‌های بیشتری به اندازه‌گیری حجم اقتصاد غیررسمی در سطح کشوری یا گروهی از کشورها بپردازند. چشم‌گیرترین یافته‌ی این مطالعات که باید بر آن تأکید نمود آن است که اقتصاد غیررسمی پدیده‌ای فراگیر است و اختصاص به کشور یا کشورهای خاصی ندارد. آنچه که کشورها را از این نقطه‌نظر از هم متمایز می‌کند نه اصل وجود فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی بلکه میزان گستردگی آن است.

در بین این کوشش‌های علمی، مطالعات فردریک اشنایدر و همکارانش که یافته‌های آن در چندین نوبت از سال ۲۰۰۰ به این سو منتشر شده، به علت گستره‌ی بررسی مورد توجه و استناد بیشتری در محافل و پژوهش‌های علمی بوده است.

اشنایدر و انست در نخستین اثر در سال ۲۰۰۱^۱ نتیجه‌ی بررسی خود در مورد اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ۶۷ کشور جهان را که با استفاده از روش نهاده‌های فیزیکی صورت گرفته بود منتشر نمودند. یافته‌های اصلی مطالعه‌ی مذکور را می‌توان این‌گونه خلاصه نمود^۲:

- تفاوت معنی‌دار اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه: برآوردهای آنان نشان می‌داد که در سال ۱۹۸۹/۹۰ حجم فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در کشورهای در حال توسعه به مراتب بالاتر از کشورهای در حال گذار و توسعه‌یافته بوده است.
- گسترش اقتصاد غیررسمی در کشورهای مختلف در طول زمان
- تفاوت معنی‌دار برآوردهای مبتنی بر روش‌های مختلف برای کشورهای یکسان در دوره‌ی زمانی

مشابه

^۱ Schneider, Friedrich and Dominik Enste (۲۰۰۰): Shadow economies: Size, causes, and consequences, *The Journal of Economic Literature*, ۳۸/۱, pp. ۷۷-۱۱۴.

^۲ برای آشنایی با جزئیات بیشتر نگاه کنید به اصل مقاله یا: علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۶). همان. فصل ششم.

اشنایدر در ادامه‌ی این تلاش، در سال ۲۰۰۴ با استفاده از روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه، اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ۱۴۵ کشور جهان را برای سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ برآورد و منتشر نمود^۱. وی سپس در سال ۲۰۰۷ این برآورد را تا سال ۲۰۰۵ گسترش داد. جدول شماره‌ی ۵-۱ ضمیمه برآوردهای این مطالعه از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی (نسبت به تولید ناخالص داخلی رسمی) را در سطح جهانی و بر حسب گروه‌کشورها مرور می‌نماید و نیز برآورد انجام شده در آن مطالعه از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران را با داده‌های مذکور مقایسه می‌کند. اطلاعات مندرج در جدول مذکور نشان می‌دهد:

- میانگین اندازه‌ی نسبی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در دوره‌ی مذکور و بین ۱۴۵ کشور جهان حدود ۳۴,۵ درصد بوده که در سال‌های مختلف حول این عدد نوسان محدودی داشته است.
- کشورهای در حال توسعه و در حال گذار و نیز حوزه‌ی پاسیفیک، اقتصاد غیررسمی به مراتب بزرگتری از کشورهای کمونیست و توسعه‌یافته داشته‌اند. کمترین رقم مربوط به کشورهای توسعه‌یافته با میانگین نزدیک به ۱۶ درصد است. این ارقام نوعی رابطه‌ی معکوس را بین سطح توسعه‌یافته‌گی و غیررسمی بودن به ذهن متبادر می‌کند. همچنین تفاوت قابل ملاحظه‌ی اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در کشورهای کمونیستی و کشورهای در حال گذار (کمونیستی سابق) فرضیه‌ی اثر منفی فرایند گذار را بر گسترش فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی تقویت می‌نماید.
- به جز در مورد کشورهای بسیار توسعه‌یافته، در هیچیک از مناطق بهبود جدی از نظر محدودشدن اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در طول زمان به چشم نمی‌خورد.

^۱ Schneider, Friedrich (۲۰۰۴). The Size of the Shadow Economies of ۱۴۵ Countries all over the World: First Results over the Period ۱۹۹۹ to ۲۰۰۳. IZA: Discussion Paper Series. No. ۱۴۳۱.

- میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی برآوردشده برای ایران حدود ۱۹,۶ درصد بوده که طی دوره‌ی مذکور نوسان محدودی حول این رقم داشته است. این برآورد نشان می‌دهد حجم نسبی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در ایران بسیار پایین‌تر از میانگین جهانی آن است و از سطح کشورهای آسیایی نیز نازل‌تر و نزدیک به کشورهای کمونیستی مورد مطالعه در پژوهش مذکور است. مقایسه‌ی این ارقام با اطلاعات مربوط به سایر کشورهای نفتی حوزه‌ی خلیج فارس حاکی از نزدیکی زیاد سطح فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در این گروه از کشورهاست. در قسمت بعدی این فصل این یافته را با نتایج مطالعات ایرانی انجام‌شده برای برآورد اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران مقایسه خواهیم نمود.

در آخرین پژوهش‌های شناسایی و همکارانش در این زمینه، آنها اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی را با روش شاخص‌های چندگانه – علل چندگانه برای ۱۶۲ کشور طی دوره‌ی زمانی ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ برآورد و در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده‌اند.^۱ جداول شماره‌ی ۵-۲ و ۵-۳ ضمیمه یافته‌های این مطالعه را مرور و با اندازه‌ی تخمین زده‌شده توسط آنان از حجم نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران مقایسه می‌کند. اطلاعات دو جدول مذکور نشان می‌دهد که:

- میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی جهان در دوره‌ی مذکور حدود ۳۳ درصد بوده است. طی این دوره این شاخص با روند نزولی ملایمی از ۳۴ درصد به حدود ۳۱ درصد تنزل یافته است.
- اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در کشورهای با درآمد بالای عضو او. ای. سی. دی. با میانگین حدود ۱۷ درصد به مراتب پایین‌تر از سایر گروه‌های کشورهاست. سایر کشورهای با درآمد بالا با میانگین ۲۳ درصد و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با میانگین ۲۸ درصد از این نظر در مراتب بعدی قرار

^۱ Schneider, Friedrich, Buehn, Andreas and Montenegro, Claudio E. (۲۰۱۰). 'New Estimates for the Shadow Economies all over the World'. International Economic Journal, ۲۴: ۴, ۴۴۳ — ۴۶۱.

دارند. بدترین عملکرد نیز مربوط به کشورهای آمریکای لاتین و حوزه‌ی کارائیب است که میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در آنها حدود ۴۱ درصد است.

- بر اساس یافته‌های این مطالعه، میانگین حجم فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در ایران بسیار پایین‌تر از میانگین جهانی و در حدود ۱۸,۳ درصد بوده است. روند این فعالیت‌ها در ایران طی دوره‌ی مذکور مشابه روند جهانی آن از حدود ۱۹ درصد به حدود ۱۷ درصد کاهش یافته است. اطلاعات این پژوهش از وضعیت این شاخص در سایر کشورهای نفتی حوزه‌ی خلیج فارس حاکی از آن است که اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی آنها نیز وضعیت مشابهی را داشته است. همان‌طور که پیش از این نیز متذکر شدیم، در قسمت بعدی این فصل این یافته را با نتایج مطالعات ایرانی انجام‌شده برای برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران مقایسه خواهیم نمود.

۴. اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران

تلاش برای برآورد حجم فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی و اجزاء آن در ایران بیش از دو دهه سابقه دارد. نخستین کوشش علمی در این زمینه به مقاله‌ی فیروزه‌ی خلعت‌بری در سال ۱۳۶۹ بازمی‌گردد. پس از او، در طول دهه‌ی ۱۳۷۰ مطالعات علمی متعددی به اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی در ایران پرداختند. در آن دوره به‌جز یک اثر که از روش شکاف درآمد – هزینه‌ی خانوار بدین‌منظور سود برده بود مابقی آثار منتشره از روش‌های پولی (نسبت نقد و تقاضا برای پول) استفاده کرده بودند.^۱

در این قسمت، منطبق با روش این تحقیق و رویه‌ای که در دو فصل قبلی مبنا قرار گرفت، به بررسی تطبیقی یافته‌های مطالعات انجام‌شده در ایران طی دوره ۹۴-۱۳۸۰ که اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی یا اجزاء آن در کشور

^۱ برای آشنایی بیشتر با جزئیات این پژوهش‌ها و مرور یافته‌های آنها، نگاه کنید به: علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۶). همان. فصل ششم.

را هدف قرار داده بودند، می‌پردازیم. بدین‌منظور، ابتدا مشخصات اصلی این مطالعات مرور و مقایسه می‌شود. سپس، بر مبنای برآوردهای مطالعات مذکور از اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران، سری زمانی حجم نسبی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در ایران را برای سال‌های ۸۹-۱۳۴۳ استخراج می‌شود. در انتها، بر مبنای روند رشد این فعالیت‌ها در سال‌های ۹۱-۱۳۸۰، اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در سال‌های ۹۹-۱۳۹۲ برآورد و پیش‌بینی می‌گردد.

۴-۱. بررسی تطبیقی مطالعات اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی در ایران

از میان مجموعه پژوهش‌های گردآوری و بررسی‌شده در این مطالعه، ۲۵ اثر علمی منتشره در قالب مقاله علمی یا گزارش پژوهشی به اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی یا اجزاء آن با روش‌های مختلف پرداخته‌اند که ۳ مطالعه^۱، به‌دلیل آنکه تنها به ارائه‌ی شاخص عددی برآورد شده برای روند این پدیده اکتفا کرده و اندازه‌ی نسبی آن را گزارش نکرده بودند از مرحله‌ی بررسی تطبیقی کنار گذاشته شدند. جدول شماره‌ی ۵-۴ ضمیمه مشخصات اصلی ۲۲ پژوهش باقی‌مانده را ارائه می‌نماید.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این جدول، پس از ارائه‌ی مشخصات عمومی هر مطالعه (پدیدآورندگان، سال انتشار، مفهوم اندازه‌گیری‌شده و دوره‌ی زمانی مطالعه)، روش اندازه‌گیری و شاخص‌های آماری (میانگین، حداقل و حداکثر) برآوردهای انجام شده از اقتصاد غیررسمی در ایران گزارش شده است. اصلی‌ترین نکات حاصل از بررسی تطبیقی مذکور را به این صورت می‌توان خلاصه نمود:

^۱ شامل:

۱۱. جمشید پژوهان و مجید مداح (۱۳۸۵). بررسی اقتصادی قاچاق در ایران. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۲۰.
۱۲. مجید مداح (۱۳۸۷). علل و پی‌آمدهای اقتصادی قاچاق کالا در ایران و راه‌های رویارویی با آن. مجله‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۲۵۳-۲۵۴.
۱۳. محمد اخباری، مهدیه اخباری و رضا آقابابایی (۱۳۸۹). کاربرد رویکرد منطق فازی در مدل‌سازی تجارت غیرقانونی (قاچاق) در ایران. فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری. دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۴.

- بررسی ستون سوم جدول مذکور نشان می‌دهد تمرکز اصلی این مطالعات بر اندازه‌گیری بخش‌های نامنظم و غیرقانونی بوده به‌طوری‌که نیمی از مطالعات به‌طور صریح یا ضمنی عنوان کرده‌اند که پدیده‌ی مورد بررسی آنها این حیطه را شامل شده است. دو پژوهش بخش‌های غیررسمی، نامنظم و غیرقانونی و دو مطالعه تمامی حیطه‌ی اقتصاد غیررسمی (بخش‌های خانوار، غیررسمی، نامنظم و غیرقانونی) را پوشش داده‌اند. اندازه‌گیری سهم شاغلین بخش غیررسمی و برآورد اندازه‌ی نسبی بخش نامنظم نیز هرکدام، یک مطالعه را به‌خود اختصاص داده‌اند.
- هیچیک از مطالعات بررسی‌شده در این مطالعه، سال‌های ماقبل از ۱۳۴۲ را مورد بررسی قرار نداده‌اند و به‌طور طبیعی، با توجه به زمان تهیه‌ی این گزارش و دوره‌ی زمانی مطالعات گردآوری شده، هیچ‌کدام فراتر از سال ۱۳۹۲ نرفته‌اند. طولانی‌ترین سری زمانی برآوردشده از اقتصاد غیررسمی ۵۰ سال و مربوط به مطالعه‌ی محمدحسن فطرس و علی دلائی میلان است که اندازه‌ی نسبی اقتصاد زیرزمینی در ایران را برای دوره‌ی ۹۱-۱۳۴۲ با روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه برآورد نموده‌اند (ستون چهارم جدول).
- در میان این مطالعات، روش شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه با ۹ پژوهش و روش فازی با ۵ پژوهش، بیشترین سهم را به‌خود اختصاص داده‌اند. پس از اینها، روش شکاف درآمد - هزینه‌ی خانوار با ۲ مطالعه و تقاضا برای پول و نسبت نقد، هریک با یک مطالعه قرار دارند (ستون پنجم جدول). ملاحظه می‌شود که در مقایسه با کوشش‌های علمی دهه‌ی ۱۳۷۰، مشابه روند مطالعات جهانی، گرایش پژوهش‌گران ایرانی به روش‌های نوین برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی معطوف شده است. چنانچه مشخصات ۳ مطالعه‌ای را که صرفاً شاخص‌های عددی مربوط به روند اقتصاد غیررسمی را گزارش نموده‌اند به اطلاعات این جدول بیافزاییم این گرایش به‌صورت قوی‌تری قابل‌ملاحظه خواهد بود.

- ستون ششم جدول، میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران را در هریک از مطالعات نشان می‌دهد. صرف‌نظر از روش اندازه‌گیری، دوره‌ی مطالعه و دامنه‌ی تعریف از مفهوم اندازه‌گیری شده^۱، میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در بازه‌ای بین حداقل ۷,۲ درصد در مطالعه‌ی عبدالله‌میلانی و اکبرپور برای دوره‌ی ۸۹-۱۳۷۰ و حداکثر ۳۵,۶ درصد در مطالعه‌ی مداح و نوع‌ایران برای دوره‌ی ۸۸-۱۳۵۹ گزارش شده است. متوسط حسابی ارقام گزارش‌شده به‌عنوان میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در بازه‌ی زمانی هر یک از مطالعات، معادل ۱۹,۲ درصد است. جالب توجه آنکه این رقم نزدیک به رقم ۱۸,۳ درصدی مربوط به میانگین ارقام محاسبه‌شده توسط اشنایدر و همکارانش از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در دوره‌ی ۲۰۰۷-۱۹۹۹ است.
- تمرکز بیشتر بر ارقام این ستون دو نتیجه‌ی مهم دیگر را نیز گوشزد می‌کند: نخست آنکه، ارقام برآوردشده توسط روش‌های مختلف اندازه‌گیری فاصله‌ی بسیاری از یکدیگر دارند. حتی در یک مطالعه با مفهوم واحد و دوره‌ی یکسان، اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی برآوردشده با دو روش متفاوت، فاصله‌ی قابل‌ملاحظه‌ای دارند (ردیف‌های پنجم و ششم جدول را با هم مقایسه نمایید). دوم آنکه، ارقام برآوردشده با استفاده از روش یکسان نیز تفاوت‌های آشکاری بایکدیگر دارند. مقایسه‌ی یافته‌های خلاصه‌شده در جدول مذکور نشان می‌دهد که صرفاً بخشی از این تفاوت‌ها را می‌توان به کاربرد مفاهیم یا دوره‌ی زمانی مختلف نسبت داد. این دو یافته با نتایج حاصل از مرور مطالعات تجربی بین‌المللی در این حوزه نیز تطبیق دارد و نشان می‌دهد که برآوردهای به‌عمل‌آمده از اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران و جهان باید با احتیاط کامل اتکاء نمود.

^۱ و پس از حذف نتایج مربوط به مطالعه‌ی سمانه طالعی اردکانی و همکاران (۱۳۹۰) که اعدادی بسیار خارج از دامنه‌ی سایر مطالعات را گزارش کرده‌اند. بررسی اولیه نشان می‌دهد این ناسازگاری می‌تواند ناشی از انجام ندادن یکی از مراحل محاسباتی روش فازی در این تحقیق باشد.

- در ادامه‌ی بند قبلی، می‌توان متوسط حسابی از میانگین‌های اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در مطالعات مختلف را که معادل ۱۹,۲ درصد بود با متوسط حسابی از میانگین‌های شاخص مذکور در مطالعات با روش یکسان، صرف‌نظر از تفاوت‌های در مفاهیم و دوره‌ی زمانی، مقایسه نمود. این شاخص برای مطالعاتی که اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی را با روش فازی محاسبه نموده‌اند (به استثنای مطالعه اردکانی و همکارانش)، معادل ۱۶,۵ درصد، برای پژوهش‌هایی که از روش شاخص‌های چندگانه – علل چندگانه سود برده‌اند معادل ۱۷,۸ درصد و برای دو مطالعه‌ای که روش شکاف درآمد – هزینه‌ی خانوار را برای برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی برگزیده‌اند معادل ۲۸,۷ درصد است. ملاحظه می‌شود که بر مبنای این شاخص، کمترین میانگین برآوردها مربوط به روش فازی است و روش شاخص‌های چندگانه – علل چندگانه و شکاف درآمد – هزینه‌ی خانوار، به‌ترتیب، برآوردهای بالاتری را از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران ارائه می‌کنند.

- ستون‌های هفتم و هشتم جدول مذکور، حداقل و حداکثر ارقام اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران را در هریک از مطالعات بررسی‌شده گزارش می‌نماید. مجدداً صرف‌نظر از روش اندازه‌گیری، دوره‌ی مطالعه و دامنه‌ی تعریف از مفهوم اندازه‌گیری شده^۱، ملاحظه می‌شود حداقل رقم برآورد شده ۰,۳ درصد برای سال ۱۳۷۵ در مطالعه‌ی اسفندیاری و مهربانی و حداکثر رقم برآورد شده ۹۴,۸۷ درصد برای سال ۱۳۶۱ در پژوهش مداح و نوع‌ایران است.

۲-۴. برآورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران در سال‌های ۹۱-۱۳۴۲

در این قسمت تلاش می‌شود از مجموعه‌ی برآوردهای ارائه‌شده در مطالعات بررسی‌شده در مورد اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی در ایران، سری زمانی واحدی از روند این پدیده در کل بازه‌ی زمانی این بررسی‌ها یعنی دوره‌ی ۹۱-

^۱ به زیرنویس قبلی رجوع شود.

۱۳۴۲ ارائه شود. بدین منظور با تمرکز بر مطالعات اندازه‌گیری مبتنی بر دو روش نوین فازی و علل چندگانه – شاخص‌های چندگانه از میان مجموعه‌ی پژوهش‌های بررسی شده، شش مطالعه‌ی: عرب‌مازار یزدی، شکیبایی و رئیس‌پور، صامتی و همکاران، ابونوری و نیک‌پور، فطرس و دلایی‌میلان و پیرایی و رجایی، با روش علل چندگانه – شاخص‌های چندگانه و سه مطالعه‌ی: صادقی و شکیبایی، مهرابی بشرآبادی و همکاران، و اخباری و اخباری با روش فازی انتخاب شد.^۱

نمودار شماره‌ی ۵-۱ ضمیمه، روند اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران بر مبنای این مطالعات را به تصویر کشیده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، به‌جز در مورد پژوهش‌های مهرابی بشرآبادی و همکاران، و ابونوری و نیک‌پور، همه‌ی مطالعات از روند صعودی اندازه‌ی نسبی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در ایران حکایت می‌کنند. اما همان‌طور که در نمودار شماره‌ی ۵-۱ مشهود است، از میان برآوردهای گزارش‌شده، تخمین‌های مربوط به مطالعه‌ی مهرابی بشرآبادی و همکاران، ابونوری و نیک‌پور، و تاحدی پیرایی و رجایی، اندازه و روند کاملاً متفاوتی با ۶ مطالعه‌ی دیگر دارد. لذا یافته‌های پژوهش مذکور حذف و فرایند محاسباتی فوق‌الذکر مجدداً تکرار شد.

نمودار شماره‌ی ۵-۲ ضمیمه، سری زمانی تخمین‌زده‌شده در هر یک از مطالعات باقی‌مانده (۶ مطالعه) را مجدداً به تصویر کشیده است. علاوه‌براین، خط روند مربوط به هریک از آنها نیز برای کل دوره‌ی مورد بررسی، از جمله سال‌هایی که در مطالعه‌ی مذکور پوشش داده نشده، ترسیم شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود:

- کلیه مطالعات روندی صعودی از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران را ارائه می‌نمایند با این تفاوت که شیب روند سری‌های زمانی مبتنی بر روش علل چندگانه – شاخص‌های چندگانه تندتر از برآوردهای مبتنی بر روش فازی است. یادآوری مجدد این نکته خالی از فایده نیست که شیب

^۱ این شامل کلیه‌ی مطالعات بررسی‌شده است که با دو روش مذکور فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در ایران را اندازه‌گیری کرده‌اند به استثنای پژوهش طالعی اردکانی و همکاران که پیش از این در مورد علت صرف‌نظر کردن از آن توضیح داده شد.

مثبت به معنای نرخ رشد بالاتر اقتصاد غیررسمی در قیاس با اقتصاد رسمی در دوره‌ی مورد بررسی است.

- در بین تخمین‌های مبتنی بر روش علل چندگانه - شاخص‌های چندگانه، برآوردهای عرب‌مازار یزدی، و شکیبایی و رئیس‌پور، روندی بسیار نزدیک به هم و مشابه دارند و تنها شیب روند سری زمانی مبتنی بر مطالعه‌ی نخست اندکی تندتر از دومی است. سری‌های زمانی برآورده شده توسط صامتی و همکاران، و فطرس و دلائلی‌میلان نیز که با روش مشابهی بوده است، چنین وضعیتی دارند اما به لحاظ عرض از مبدأ تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای با دو مطالعه‌ی قبلی دارند. ارقام مندرج در جدول شماره‌ی ۴-۵ ضمیمه نیز حاکی از چنین تمایزی است.

- روند اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در دو مطالعه‌ی مبتنی بر روش فازی از نظر شیب کاملاً مشابه یکدیگر است و تنها تفاوت آنها در عرض از مبدأ است که در مطالعه‌ی اخباری و اخباری بالاتر از پژوهش صادقی و شکیبایی است به این معنی که برآوردهای اخباری و اخباری سطوح بالاتری از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران را گزارش می‌کنند.

چنانچه مشابه فرایند قبلی، برای هریک از سال‌های دوره‌ی مورد بررسی، متوسط حسابی برآوردهای ارائه‌شده توسط مطالعات پنج‌گانه‌ی مذکور را محاسبه و برآوردی از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در آن سال در نظر بگیریم به سری زمانی واحدی از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران دست می‌یابیم که حاصل یک برآورد جداگانه نیست بلکه مبتنی بر اطلاعات به‌دست آمده از مطالعات انجام‌شده است. نمودار شماره‌ی ۳-۵ این سری زمانی از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران را به‌تصویر کشیده است. بر مبنای این محاسبه، حجم نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در دوره‌ی ۹۱ - ۱۳۴۲ در مجموع روندی صعودی با میانگین نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۴,۸ درصد داشته و از ۵,۶ درصد در سال ۱۳۴۲ به ۲۷,۳ درصد در سال انتهایی دوره (۱۳۹۱) رسیده است.

میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در دوره‌ی مذکور بر مبنای این سری زمانی محاسباتی معادل ۱۵,۲ درصد بوده است.

۳-۴. پیش‌بینی اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران در افق برنامه‌ی ششم

با اتکاء به این سری زمانی محاسباتی و میانگین نرخ رشد سالانه‌ی ۴,۸ درصدی، می‌توان روند حجم نسبی فعالیت‌های غیررسمی در ایران را برای سال‌های ۹۴-۱۳۹۲ برآورد و در افق برنامه‌ی ششم توسعه (۹۹-۱۳۹۵) پیش‌بینی نمود. بدیهی است چنین پیش‌بینی‌ای مبتنی بر این فرض است که روند خطی برازش‌شده برای سری زمانی مذکور در سال‌های مذکور نیز تداوم داشته و خواهد داشت.

اما با توجه به طولانی‌بودن دوره‌ی مورد بررسی (۵۰ سال) مناسب‌تر آن است که پیش‌بینی بر مبنای روند سال‌های نزدیک‌تر صورت گیرد. به این منظور، بر سری زمانی محاسباتی در دهه‌ی ۱۳۸۰ تمرکز خواهیم نمود. در این دوره، میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران ۲۳ درصد، حداقل آن ۱۸,۱ درصد و حداکثر آن ۲۷,۶ درصد بوده و میانگین نرخ رشد سالانه‌ای در حدود ۳ درصد داشته است.

بر مبنای اطلاعات این سری زمانی و میانگین نرخ رشد سالانه‌ی آن، می‌توان با فرض تداوم روند خطی سری‌های زمانی، اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در سال‌های ۹۴-۱۳۹۲ را برآورد و برای افق برنامه‌ی ششم توسعه پیش‌بینی کرد. نمودار شماره‌ی ۴-۵، یافته‌های این محاسبات را در قالب روند حجم نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در دوره‌ی ۹۱-۱۳۸۰ بر مبنای محاسبات قبلی و برآورد و پیش‌بینی آن برای سال‌های ۹۹-۱۳۹۲، به تصویر کشیده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود با فروض مذکور برای این برآورد و پیش‌بینی، اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی ایران، از ۲۸,۱ درصد در سال ۱۳۹۲ به نزدیک به ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده و پیش‌بینی می‌شود در سال پایانی برنامه‌ی ششم توسعه، به سطح بی‌سابقه‌ی ۳۴,۵ درصد برسد.

جدول شماره‌ی ۵-۵ ضمیمه، اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران را بر مبنای همین اطلاعات برای سال‌های ۹۹ - ۱۳۹۲ گزارش می‌کند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بر مبنای این پیش‌بینی میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در افق مندرج در لایحه‌ی برنامه‌ی ششم توسعه (۹۹-۱۳۹۵)، در حدود ۳۲,۶ درصد خواهد بود. این پیش‌بینی، لزوم توجه جدی به روند رشد اقتصاد غیررسمی در ایران و ضرورت مهار آن را گوشزد می‌نماید.

تأکید بر این نکته ضرورت دارد که پیش‌بینی‌های مذکور صرفاً مبتنی بر ادامه‌ی روند سال‌های ۹۱ - ۱۳۸۰ در سال‌های افق برنامه‌ی ششم توسعه صورت گرفته است. روشن است که چنانچه نیروهای مؤثری در محیط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سال‌های مذکور پدید آیند که به تغییر جهت در روندهای مذکور منتهی شوند متناسباً این پیش‌بینی‌ها را دچار تحول خواهد نمود.

ضمیمہ فصل پنجم

جدول ۵-۱: میانگین اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی[×] در مناطق مختلف جهان

کشورها	سال	۱۹۹۹/۲۰۰۰	۲۰۰۱/۲۰۰۲	۲۰۰۲/۲۰۰۳	۲۰۰۳/۲۰۰۴	۲۰۰۴/۲۰۰۵
کشورهای غالباً در حال توسعه‌ی						
آفریقا	۴۱,۳	۴۲,۳	۴۳,۲	۴۳,۲	۴۳,۲	۴۲,۸
آمریکای مرکزی و جنوبی	۴۱,۱	۴۲,۱	۴۳,۴	۴۳,۴	۴۳,۴	۴۲,۲
آسیا	۲۸,۵	۲۹,۵	۳۰,۴	۳۰,۴	۳۰,۳	۲۹,۸
کشورهای در حال گذار ^{xx}	۳۸,۱	۳۹,۱	۴۰,۱	۴۰,۱	۳۹,۵	۳۸,۸
کشورهای بسیار توسعه یافته عضو او. ای. سی. دی	۱۶,۸	۱۶,۷	۱۶,۳	۱۶,۳	۱۵,۶	۱۴,۸
جزایر جنوب غربی پاسیفیک	۳۱,۷	۳۲,۶	۳۳,۴	۳۳,۴	۳۲,۸	۳۲,۱
کشورهای کمونیست ^{xxx}	۱۹,۸	۲۱,۱	۲۲,۳	۲۲,۳	۲۲,۳	۲۲
میانگین ناموزون ۱۴۵ کشور	۳۳,۶	۳۴,۵	۳۵,۲	۳۵,۲	۳۴,۹	۳۴,۳
ایران	۱۸,۹	۱۹,۴	۱۹,۹	۱۹,۹	۲۰,۲	۱۹,۷

× برحسب درصدی از تولید ناخالص داخلی رسمی

xx شامل ۲۵ کشور اروپای شرقی و مرکزی و کشورهای سابق اتحاد جماهیر شوروی

xxx شامل ۳ کشور چین، لائوس و ویتنام

Source: Schneider, Friedrich (۲۰۰۷). Shadow Economies and Corruption All Over the World: New Estimates for ۱۴۵ Countries. Economics: E-Journal. ۲۰۰۷-۹

جدول ۵-۲: میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی[×] در جهان (۱۶۲ کشور)

سال	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
جهان	۳۴	۳۳,۷	۳۳,۶	۳۳,۶	۳۳,۳	۳۲,۹	۳۲,۵	۳۲,۱	۳۱,۲
ایران	۱۹,۱	۱۸,۹	۱۹	۱۸,۷	۱۸,۲	۱۷,۹	۱۸,۱	۱۷,۷	۱۷,۳

× برحسب درصدی از تولید ناخالص داخلی رسمی

Source: Schneider, Friedrich, Buehn, Andreas and Montenegro, Claudio E. (۲۰۱۰) 'New Estimates for the Shadow Economies all over the World', International Economic Journal, ۲۴: ۴, ۴۴۳ — ۴۶۱

جدول ۵-۳: شاخص‌های آماری اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی[×] در مناطق مختلف جهان^{××}

منطقه	میانگین	میان	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
آسیای شرقی و پاسیفیک	۳۲,۳	۳۲,۴	۱۲,۷	۵۰,۶	۱۳,۳
اروپا و آسیای مرکزی	۳۸,۹	۳۹	۱۸,۱	۶۵,۸	۱۰,۹
آمریکای لاتین و کارائیب	۴۱,۱	۳۸,۸	۱۹,۳	۶۶,۱	۱۲,۳
خاورمیانه و شمال آفریقا	۲۸	۳۲,۵	۱۸,۳	۳۷,۲	۷,۸
کشورهای با درآمد بالای عضو او. ای. سی. دی.	۱۷,۱	۱۵,۸	۸,۵	۲۸	۶,۱
سایر کشورهای با درآمد بالا	۲۳	۲۵	۱۲,۴	۳۳,۴	۷
آسیای جنوبی	۳۳,۲	۳۵,۳	۲۲,۲	۴۳,۹	۷
کشورهای زیر صحرای آفریقا	۴۰,۲	۴۰,۶	۱۸,۴	۶۱,۸	۸,۳
جهان	۳۳	۳۳,۵	۸,۵	۶۶,۱	۱۲,۸

× برحسب درصدی از تولید ناخالص داخلی رسمی

×× بر مبنای منطقه‌بندی بانک جهانی

Source: Schneider, Friedrich , Buehn, Andreas and Montenegro, Claudio E.(۲۰۱۰). 'New Estimates for the Shadow Economies all over the World'. International Economic Journal, ۲۴: ۴, ۴۴۳ — ۴۶۱

جدول ۵-۴: یافته‌های بررسی تطبیقی اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی در ایران

ردیف	پدیدآورنده (گان) و سال انتشار	مفهوم اندازه‌گیری شده	دوره‌ی مطالعه	روش اندازه‌گیری	اندازه‌ی نسبی برآوردشده (درصد)		
					میانگین دوره	حداقل (سال)	حداکثر (سال)
۱	علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۰)	اندازه‌ی نسبی ^۱ اقتصاد سیاه (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۷۷-۱۳۴۷	شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه	۱۱,۰۲	۴,۴۸ (۱۳۶۶)	۲۴,۴۲ (۱۳۷۵)
۲	محسن رنایی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰)	سهم شاغلین بخش غیررسمی (بخش غیررسمی)	۷۷-۱۳۵۱	شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه	ذکر نشده	۵ (۱۳۵۷)	۵۰ (۱۳۷۲)
۳	حسین صادقی و علیرضا شکیبایی (۱۳۸۰)	اندازه‌ی نسبی اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۷۹-۱۳۴۳	فازی	۱۱	۰,۹۳ (۱۳۵۳)	۱۸,۰۳ (۱۳۷۶)
۴	علی‌اصغر اسفندیاری و آرش جمال‌منش (۱۳۸۱)	اندازه‌ی نسبی اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۷۹-۱۳۵۵	تقاضا برای پول	۱۲,۶۱	۹,۶ (۱۳۵۶)	۱۷,۲۲ (۱۳۷۸)
۵	علی‌اصغر اسفندیاری و فاطمه مهربانی (۱۳۸۵)	اندازه‌ی نسبی اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های خانوار، غیررسمی، نامنظم و غیرقانونی)	۸۲-۱۳۷۵	شکاف درآمد- هزینه خانوار	۳۱	۲۵ (۱۳۷۵)	۴۴ (۱۳۸۲)

ردیف	پدیدآورنده (گان) و سال انتشار	مفهوم اندازه گیری شده	دوره ی مطالعه	روش اندازه گیری	اندازه ی نسبی برآورد شده (درصد)		
					میانگین دوره	حداقل (سال)	حداکثر (سال)
۶	علی اصغر اسفندیاری و فاطمه مهربانی (۱۳۸۵)	اندازه ی نسبی اقتصاد زیرزمینی (بخش های خانوار، غیررسمی، نامنظم و غیرقانونی)	۸۲- ۱۳۷۵	نسبت نقد	۲۰	۰,۳ (۱۳۷۵)	۳۲ (۱۳۷۸)
۷	علیرضا شکیبایی و علی رئیس پور (۱۳۸۶)	اندازه ی نسبی اقتصاد سایه ای (بخش های غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)	۸۰- ۱۳۵۰	شاخص های چندگانه - علل چندگانه	۱۲,۳۶	۸ (۱۳۵۸)	۲۲ (۱۳۸۰)
۸	مجید صامتی، مرتضی سامتی و علی دلانی میلان (۱۳۸۸)	اندازه ی نسبی اقتصاد زیرزمینی (بخش های نامنظم و غیرقانونی)	۸۴- ۱۳۴۴	شاخص های چندگانه - علل چندگانه	۱۷,۵۴	۵,۵ (۱۳۴۶)	۲۷,۷۶ (۱۳۸۰)
۹	مصطفی سلیمی فر و محمد کیوان فر (۱۳۸۹) ^۲	اندازه ی نسبی اقتصاد غیررسمی (بخش نامنظم)	۸۷- ۱۳۶۱	شکاف درآمد- هزینه خانوار	۲۶,۴۸	۹,۲۷ (۱۳۷۲)	۶۷,۷۷ (۱۳۶۸)
۱۰	حسین مهرابی بشرآبادی، سمیه کوچک زاده و حمید تابلی (۱۳۸۹)	اندازه ی نسبی اقتصاد سایه ای (بخش های نامنظم و غیرقانونی)	۸۶- ۱۳۵۱	فازی	۲۸,۵	۱۲,۵ (۱۳۵۳)	۴۳ (۱۳۶۳)

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم اندازه‌گیری شده	دوره‌ی مطالعه	روش اندازه‌گیری	اندازه‌ی نسبی برآورد شده (درصد)		
					میانگین دوره	حداقل (سال)	حداکثر (سال)
۱۱	سمانه طالعی اردکانی، رسول بخشی دستجردی و آزاده سعادت‌خواه (۱۳۹۰)	اندازه‌ی نسبی اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۶-۱۳۵۵	فازی	۵۳	۲۹ (۱۳۵۹)	۷۲ (۱۳۸۴)
۱۲	محمد اخباری و مهدیه اخباری (۱۳۹۰)	اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی (بخش‌های غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)	۸۹-۱۳۵۰	فازی	۱۳,۵	۴,۲ (۱۳۷۵)	۲۱,۶ (۱۳۸۹)
۱۳	مهنوش عبدالله میلانی و نرگس اکبرپور روشن (۱۳۹۱)	اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی (بخش‌های غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)	۸۹-۱۳۷۰	تقاضای پول	۷,۲	۴,۶ (۱۳۸۶)	۱۴,۱ (۱۳۷۸)
۱۴	زهره نصراللهی و سمانه طالعی اردکانی (۱۳۹۱)	اندازه‌ی نسبی اقتصاد سایه‌ای (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۶-۱۳۵۴	شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه	۱۲,۲۵	ذکر نشده	ذکر نشده
۱۵	مجید مداح و فروغ‌السادات نوع ایران (۱۳۹۱)	اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۸۸-۱۳۵۹	فیلتر کالمن	۳۵,۶	۲,۸۷ (۱۳۸۸)	۹۴,۸۷ (۱۳۶۱)

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	مفهوم اندازه گیری شده	دوره ی مطالعه	روش اندازه گیری	اندازه ی نسبی برآورد شده (درصد)		
					میانگین دوره	حداقل (سال)	حداکثر (سال)
۱۶	محمدحسن فطرس و علی دلانی میلان (۱۳۹۲)	اندازه ی نسبی اقتصاد زیرزمینی (بخش های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۴۲-۹۱	شاخص های چندگانه - علل چندگانه	۱۸,۲	۳,۹ (۱۳۴۳)	۳۲,۱ (۱۳۸۸)
۱۷	منصور زرائعزاد، صلاح ابراهیمی، پویان کیانی (۱۳۹۲)	اندازه ی نسبی قاچاق	۱۳۵۳-۸۸	شاخص های چندگانه - علل چندگانه	۲۰,۸۸	۱۵,۶۱ (۱۳۶۱)	۳۶,۵۲ (۱۳۵۳)
۱۸	هانیه علیزاده و فرهاد غفاری (۱۳۹۲)	اندازه ی نسبی اندازه ی نسبی اقتصاد زیرزمینی (بخش های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۲-۸۷	تحلیل عاملی اکتشافی	۲۷	۲۴ (۱۳۷۴)	۳۱ (۱۳۵۵)
۱۹	وحید تقی نژادعمران و معصومه نیک پور (۱۳۹۲)	اندازه ی نسبی اقتصاد زیرزمینی (بخش های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۰-۸۹	نسبت نقد	۱۵,۷۱	۴,۷۳ (۱۳۸۵)	۲۶,۶۹ (۱۳۶۰)
۲۰	علیرضا شکیبایی و قاسم شادمانی (۱۳۹۳)	اندازه ی نسبی اقتصاد سایه ای (بخش های خانوار، غیررسمی، نامنظم غیرقانونی)	۱۳۴۹-۸۶	فازی	۱۳	ذکر نشده	ذکر نشده
۲۱	اسمعیل ابونوری و عبدالحامد نیک پور (۱۳۹۳)	اندازه ی نسبی اقتصاد پنهان	۱۳۴۵-۹۰	شاخص های چندگانه - علل چندگانه	۲۷,۸۶	۳,۱۴ (۱۳۴۷)	۵۵,۹۵ (۱۳۷۸)

ردیف	پدیده‌آورنده (گان) و سال انتشار	مفهوم اندازه‌گیری شده	دوره‌ی مطالعه	روش اندازه‌گیری	اندازه‌ی نسبی برآورد شده (درصد)		
					میانگین دوره	حداقل (سال)	حداکثر (سال)
		(بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)					
۲۲	خسرو پیرایی و حسینعلی رجایی (۱۳۹۴)	اندازه‌ی نسبی اقتصاد زیرزمینی (بخش‌های نامنظم و غیرقانونی)	۱۳۵۳-۹۲	شاخص‌های چندگانه - علل چندگانه	۲۲,۱۲	۰,۷ (۱۳۵۳)	۳۸,۵ (۱۳۹۲)

در این ستون در همه‌جا منظور از اندازه نسبی، اندازه‌ی متغیر موردنظر نسبت به تولید ناخالص داخلی رسمی است.

^۲ این پژوهش در بخش تجربی خود صرفاً بر اثر تورم بر روی اقتصاد غیررسمی تمرکز دارد.

جدول ۵-۵: برآورد و پیش‌بینی اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی^{*} در ایران در سال‌های ۹۹-۱۳۹۲

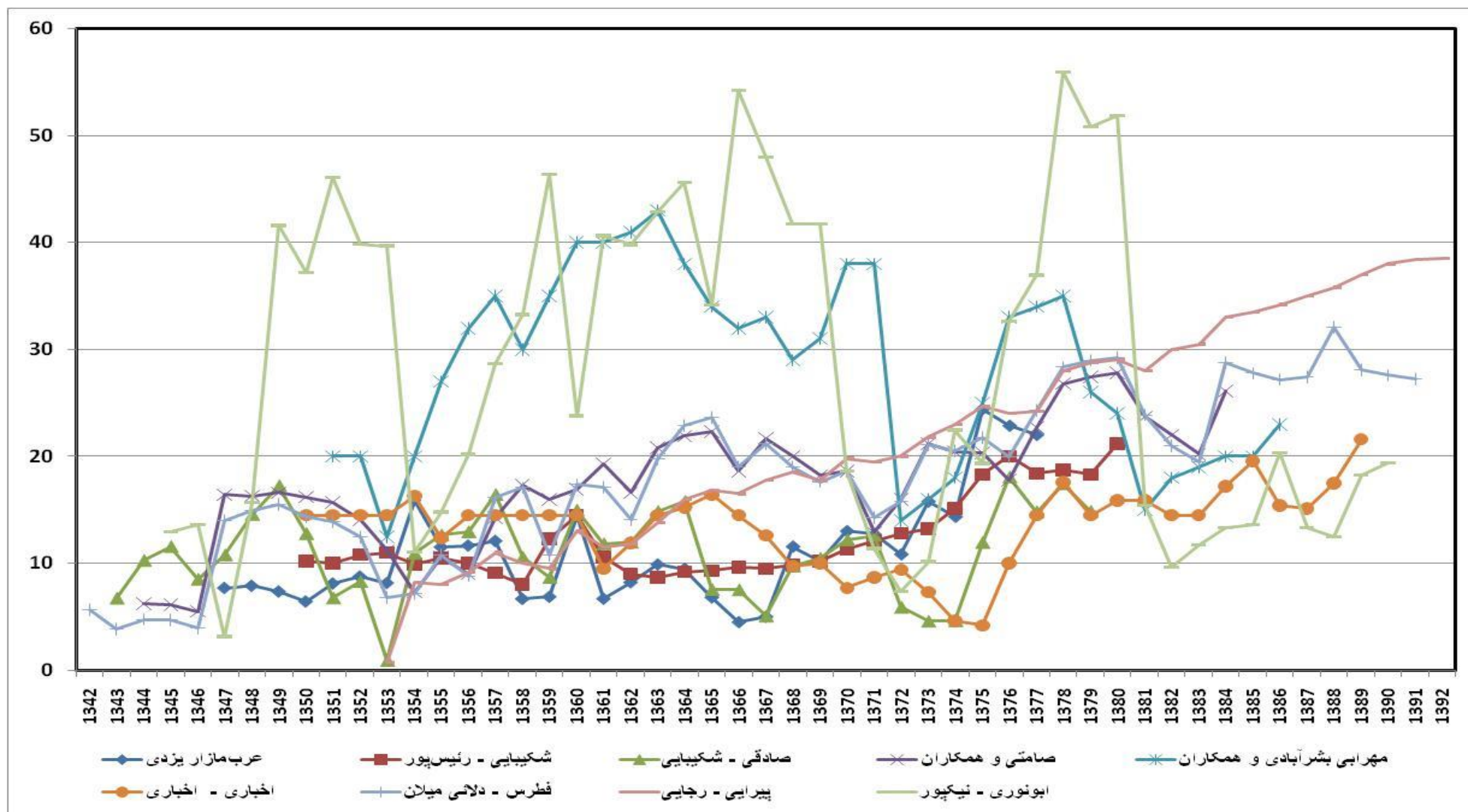
سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	میانگین دوره‌ی لایحه‌ی برنامه‌ی ششم (۹۹-۱۳۹۵)
برآورد و پیش‌بینی بر مبنای روند مطالعات ایرانی	۲۸,۰۸	۲۸,۹۲	۲۹,۷۸	۳۰,۶۷	۳۱,۵۹	۳۲,۵۳	۳۳,۵۱	۳۴,۵۱	۳۲,۵۶

^{*} برحسب درصدی از تولید ناخالص داخلی رسمی

منبع: محاسبات تحقیق

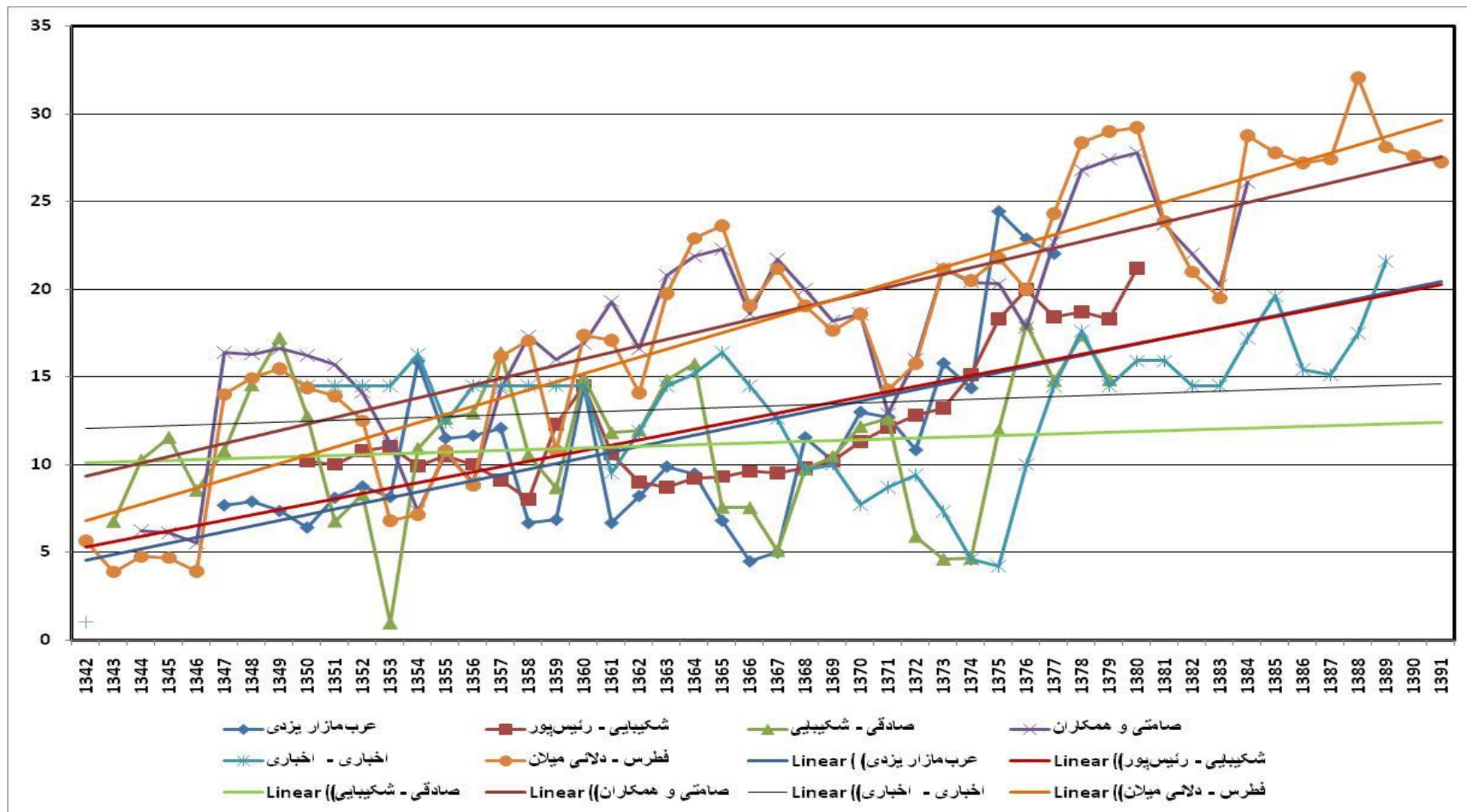
نمودار ۵-۱: اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در ۹ مطالعه‌ی ایرانی

درصدی از تولید ناخالص داخلی رسمی



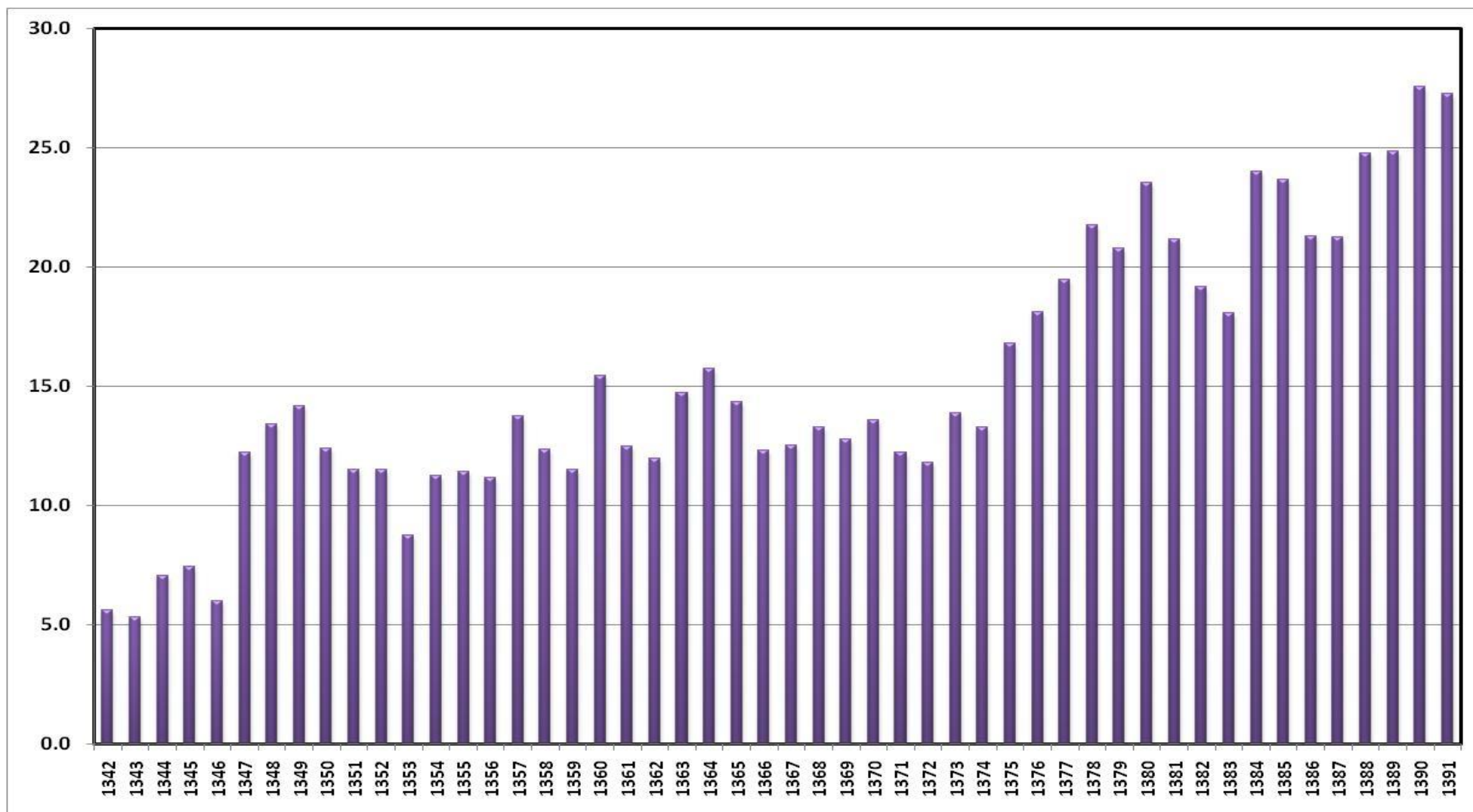
نمودار ۵-۲: اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران و روند آن در شش مطالعه‌ی ایرانی

درصدی از تولید ناخالص داخلی رسمی



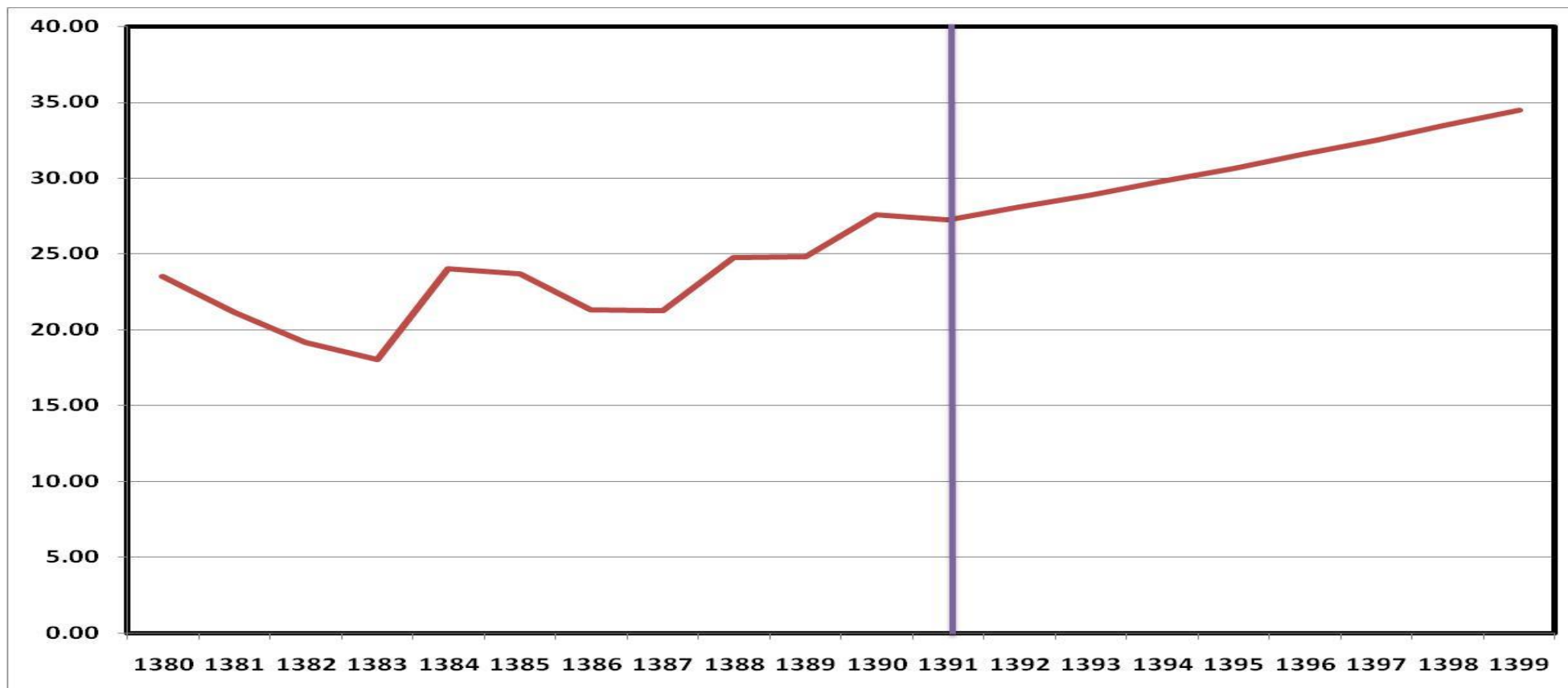
نمودار ۵-۳: سری زمانی محاسباتی اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در دوره‌ی ۹۱-۱۳۴۲

درصدی از تولید ناخالص داخلی رسمی



نمودار ۴-۵: اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در سال‌های ۱۳۸۰-۹۱ و پیش‌بینی روند آن تا پایان دهه‌ی ۱۳۹۰

درصدی از تولید ناخالص داخلی رسمی



فصل ششم: اثر تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی

۱. مقدمه

اِعمال تحریم‌های اقتصادی ظالمانه بر علیه مردم ایران، علاوه بر آنچه که پس از ملی‌شدن صنعت نفت روی داد، تقریباً سابقه‌ای به اندازه‌ی تمامی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی دارد. هر بار موضوع، مناسبت یا بهانه‌ای سبب شده است تا آمریکا به تنهایی یا با مشارکت هم‌پیمانانش با به‌کارگیری ابزار تحریم اقتصادی، تلاش نماید تا خواسته‌های خود را بر دولت و مردم ایران تحمیل نماید. آخرین و شدیدترین موج تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، در چند سال اخیر و برای مقابله با کوشش‌های ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای شکل گرفت.

اما، تحریم‌های اقتصادی چه اثری بر اقتصاد غیررسمی در ایران دارد؟ این یکی از مجموعه‌ی پرسش‌های محوری است که این پژوهش برای پاسخ‌گویی به آنها تعریف شده است. نحوه و میزان اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، به این بستگی دارد که تحریم‌ها از چه مسیر یا مسیرهایی و تا چه اندازه می‌توانند بر این‌گونه فعالیت‌ها اثر بگذارند. حدس اولیه که معمولاً در مباحث و نوشته‌های مرتبط نیز طرح می‌شود آن است که تحریم‌های اقتصادی به گسترش اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در کشور هدف

تحریم منجر می‌شود. در این فصل تلاش شده است تا درستی آن، در چارچوب روش این پژوهش ارزیابی شود.

تحریم‌های اقتصادی، اهداف و آثار آن، موضوع مطالعات مختلفی در سطح بین‌المللی و ایران بوده است، اما در بررسی‌های گسترده‌ای که انجام شد، مطالعه‌ای که به واکاوی اثر تحریم‌ها بر اقتصاد غیررسمی در ایران پرداخته و به‌عنوان اثر علمی (مقاله‌ی علمی یا گزارش پژوهشی علمی) در ایران منتشر شده باشد، یافت نشد.^۱ این وضعیت یک محدودیت جدی برای پژوهشی است که در اساس به روش فراتحلیل متکی است. برای مواجهه با این محدودیت، پس از استفاده از مبانی نظری مرتبط برای شناسایی مسیرهای اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی، کوشش نمودیم تا از ترکیب نتایج این بررسی نظری با یافته‌های اجرای روش فراتحلیل در بررسی تطبیقی مطالعات تجربی انجام‌شده برای شناخت عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی در ایران (فصل سوم گزارش) سود برده و به ارزیابی چگونگی اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی در ایران بپردازیم.

نتایج این تلاش پژوهشی در ادامه، گزارش شده است. پس از این مقدمه، ابتدا تعریف تحریم اقتصادی، اهداف و تاریخچه استفاده از این ابزار ارائه خواهد شد. سپس به سابقه و ویژگی‌های تحریم‌های اقتصادی اعمال‌شده بر علیه ایران خواهیم پرداخت. با توجه به انتشار آثار متعدد در این دو حوزه، در این فصل، به‌منظور حفظ تمرکز بر سؤال اصلی که بنای پاسخ‌گویی به آن را داریم، به صورت کاملاً مختصر و در حد نیاز این پژوهش به موارد مذکور می‌پردازیم.^۲ بررسی نظری مسیرهای اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد غیررسمی موضوع

^۱ در مطالعات منتشرشده در خارج، مقاله‌ی زیر تنها منبع علمی در دسترس است که به اثر تحریم‌ها بر اقتصاد غیررسمی در ایران، پرداخته است:

Mohammad Reza Farzanegan (۲۰۱۳). Effects of International Financial and Energy Sanctions on Iran's Informal Economy. SAIS Review of International Affairs, Vol. ۳۳, No. ۱, pp. ۱۳-۳۶.

^۲ در صورت تمایل به کسب اطلاعات بیشتر در این موارد به آثار متعددی که در این حوزه منتشر شده، از جمله کتاب زیر رجوع شود:

بخش بعدی این فصل خواهد بود. قسمت انتهایی این فصل به بررسی آثار تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی در ایران اختصاص دارد.

۲. تحریم‌های اقتصادی؛ تعریف، اهداف و تاریخچه

اِعمال تحریم‌های اقتصادی برای دستیابی به اهداف سیاسی سابقه‌ای طولانی در تاریخ دارد. منظور از تحریم اقتصادی چیست؟ تحریم‌های اقتصادی نوعاً چه هدف یا اهدافی را دنبال می‌کنند؟ سیر تحول تاریخی استفاده از ابزار تحریم توسط دولت‌ها چگونه بوده است؟ اینها سؤالاتی است که تلاش می‌کنیم در این قسمت به اختصار و در حد روشن‌نمودن چارچوب مفهومی بحث و فراهم نمودن زمینه‌ی لازم برای بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی، به آنها پاسخ دهیم.

۲-۱. تعریف تحریم اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی، در واقع، شکل تعدیل‌یافته جنگ هستند که در نهایت اهداف سیاسی را دنبال می‌کنند با این تفاوت که به جای توسل به ابزار زور و تجهیزات نظامی، متکی به ظرفیت‌های اقتصادی کشور تحریم‌کننده و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی کشور تحریم‌شونده است. از نظر گیلپین^۱ و بینن^۲، تحریم‌های اقتصادی یعنی "دست‌کاری در روابط اقتصادی به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی". در حقیقت، کشور

- عبدالرسول قاسمی (۱۳۹۳). مدیریت اقتصادی کشور در شرایط تحریم (چالش‌ها و راهبردها). اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.

^۱ Glipin

^۲ Bienin

تحریم‌کننده با استفاده از تحریم با هزینه‌ی کمتر و بدون استفاده از ابزار نظامی، کشور هدف را به تغییر سیاست یا دولت وادار می‌کند.^۱

برای تحریم اقتصادی علاوه بر موارد فوق، تعاریف دیگری نیز ارائه شده است.^۲ مثلاً، داوودی و دجانی^۳ تحریم‌های اقتصادی را اینگونه تعریف کرده‌اند: "اقدامات تنبیهی که توسط تعدادی از بازیگران بین‌المللی به ویژه یک سازمان جهانی همچون اتحادیه‌ای از کشورها یا سازمان ملل، در برابر یک یا تعداد بیشتری از دولت‌ها به خاطر نقض منشور عمومی مصوب، اعمال می‌گردد". همچنین، جان گالتانگ^۴ تحریم‌های اقتصادی را اینگونه تعریف می‌کند: "اقدامات اعمال‌شده توسط یک یا چند بازیگر بین‌المللی (فرستندگان) در برابر یک یا چند کشور دیگر (گیرندگان) به منظور تنبیه دریافت‌کنندگان به وسیله‌ی محروم ساختن آنها از برخی از ارزش‌ها یا منطبق کردن آن کشورها (گیرندگان) با آن چیزی که فرستندگان به آن اعتقاد دارند".

میروسلاو نینکیک^۵ و پیتر والنستین^۶ تحریم‌های اقتصادی را اینگونه تعریف کرده‌اند: "اعمال فشار اقتصادی به وسیله یک یا چندین کشور به منظور دستیابی به برخی اهداف سیاسی". جیمز لیندسی^۷ نیز تحریم‌های اقتصادی را به این صورت تعریف کرده است: "اقداماتی است که یک کشور (آغازگر) عموماً قسمت اعظمی از تجارتش را با کشور دیگر (هدف) به منظور دستیابی به اهداف سیاسی به حالت تعلیق درمی‌آورد".

^۱ به نقل، و با انجام اصلاحاتی، از: مسعود موسوی شفقانی و فرزانه نقدی (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی بین‌المللی ایران در دوران پساتحریم. فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال هفتم، شماره‌ی چهارم، ص. ۲۳.

^۲ به نقل، و با انجام اصلاحاتی، از: عبدالرسول قاسمی (۱۳۹۳). همان. صص. ۳۴-۳۶.

^۳ Daoudi and Dajani

^۴ Johan Galtung

^۵ Miroslav Nincic

^۶ Peter Wallensteen

^۷ James Lindsay

گری هافبائر^۱، جفری اسکات^۲ و کیمبرلی الیوت^۳ در پژوهشی با عنوان "بازبینی تحریم‌های اقتصادی"، این مفهوم را چنین تعریف نموده‌اند: "تهدید یک کشور (یا چند کشور و یا سازمان بین‌المللی) به خروج از تجارت مرسوم یا روابط مالی با کشوری که هدف تحریم قرار گرفته است". در اینجا، "مرسوم" به معنای قراردادی نیست، معنای ساده‌ی آن سطوحی از تجارت و فعالیت مالی است که احتمالاً در غیاب تحریم‌ها اتفاق می‌افتد. بر اساس مرور ادبیات صورت گرفته، دونا کاپلویتز، تحریم‌های اقتصادی را به این صورت تعریف می‌کند: "ممنوعیت اقتصادی یا مالی اعمال شده توسط یک یا چند کشور (فرستندگان) به منظور تنبیه کشور و یا کشورهای دیگر (هدف) یا تغییر اجباری در سیاست‌های کشورهای هدف و یا نشان دادن موضع کشور فرستنده در قبال سیاست‌های کشور هدف، به مخاطبان داخلی و بین‌المللی". به طور واضح، هر دو هدف می‌تواند به صورت هم‌زمان دنبال شود (تغییر در رفتار کشور هدف و ارسال پیام‌های ارزشی به مخاطبان داخلی و بین‌المللی).

به عنوان جمع‌بندی و برای ارائه تعریف جامعی از تحریم، می‌توان گفت: تحریم اقتصادی، تهدید یا اقدامی است که توسط یک دولت یا ائتلافی از دولت‌ها (به عنوان فرستنده) به منظور ایجاد اختلال در مبادلات اقتصادی کشور هدف با سایر کشورها، در راستای تنبیه کشور هدف، تغییر اجباری در سیاست‌های کشور هدف یا اعلام موضع کشور فرستنده در قبال سیاست‌های کشور هدف، صورت می‌گیرد.

۲-۲. اهداف تحریم اقتصادی

گرچه در نگاه اول می‌توان هدف از تحریم اقتصادی را صرفاً تحمیل خواست سیاسی تحریم‌کننده بر کشور تحریم‌شونده ارزیابی نمود، اما تعاریف ذکر شده از تحریم اقتصادی نیز به خوبی نشان می‌دهد که در کنار این

^۱Gary Hufbauer

^۲Jeffery Schott

^۳Kimberly Elliot

هدف، مقاصد دیگری نیز می‌تواند مطرح باشد. بر مبنای ادبیات موضوع، اهداف تحریم‌های اقتصادی را می‌توان در قالب دسته‌بندی پنج‌گانه‌ی زیر طبقه‌بندی نمود^۱:

- مجازات (بازدارندگی)
- اجابت (اضطرار)
- ایجاد بی‌ثباتی (براندازی)
- ارسال پیام
- نمادسازی (اثر تظاهری)

در ادامه شرح مختصری از هریک از این موارد، ارائه می‌شود:

مجازات (بازدارندگی)

هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ مفهومی، تحریم‌های اقتصادی برای تنبیه انجام اعمال نامطلوب از نظر تحریم‌کننده، مورد استفاده قرار می‌گیرند و هدف آنها بازگرداندن کشور موردنظر به مسیر مطلوب نیست. به بیان دیگر وضع تحریم‌ها، جریمه‌ای است برای خاطی و اینکه سایرین را از اقدامات مشابه بازدارد. وضع تحریم غله از سوی ایالات متحده علیه شوروی پس از حمله‌ی این کشور به افغانستان و همچنین تحریم کوبا در امریکای لاتین علاوه بر مقاصد تنبیهی، پیامی برای سایر کشورها نیز به‌شمار می‌آمد.

اجابت (اضطرار)

هدف از تحریم می‌تواند اعمال فشار بر کشور خاصی برای قرار گرفتن در مسیر مطلوب کشور تحریم‌کننده برای دستیابی به اهداف سیاسی مشخصی باشد. در هدف مجازات، تحریم‌کننده به دنبال جلوگیری از عملی است. در حالی که در مرحله اجابت، سعی بر آن است که کشور تحریم‌شده از مسیر نامطلوبی که رفته است بازگردد. دستیابی به مورد اخیر به مراتب دشوارتر است.

^۱ به نقل، و با انجام اصلاحاتی، از: عبدالرسول قاسمی (۱۳۹۳). همان. صص. ۳۷-۳۸.

ایجاد بی‌ثباتی (براندازی)

اِعمال تحریم‌ها می‌تواند با هدف ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و براندازی رژیم سیاسی کشوری باشد که مورد تحریم قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه وقتی ایالات متحده، کوبا را در سال ۱۹۶۰ تحریم کرد، امید داشت که یک رژیم غیرکمونیس‌ت را جایگزین رژیم کاسترو نماید.

ارسال پیام

اِعمال تحریم‌های اقتصادی، ارسال پیامی از سوی کشور تحریم‌کننده به کشور هدف و همچنین هم‌پیمانان خود است. به این معنا که سیاست‌های اعلام‌شده‌اش با عملش همخوانی داشته و پشتیبانی می‌شود. تحریم‌های اقتصادی گاهی می‌توانند به تهدیدهای جدی‌تری نظیر مواجهه نظامی بیانجامند. به بیان دیگر تحریم اقتصادی پیام واضحی از سوی کشور تحریم‌کننده است بدین مضمون که اگر خواسته‌هایش اجرایی نشود اقدام نظامی کاملاً محتمل خواهد بود. برای نمونه ایالات متحده و سازمان ملل، پیش از حمله نظامی به عراق در سال ۱۹۹۱، تحریم‌های فراگیری علیه این کشور وضع کردند.

نمادسازی (اثر نمادین)

هر چند در اغلب موارد، "اثر نمادین" تحریم‌های اقتصادی به عنوان هدف اصلی تصریح نمی‌شود، اما این اثر، به‌عنوان هدف اصلی و کارکرد معنی‌دار تحریم‌هاست. در سطح بین‌المللی اِعمال تحریم‌ها باعث می‌شود توجه سایر کشورها به موضوع جلب شده و افکار عمومی را متوجه تخطی کشور تحریم‌شده نماید. این امر در گام‌های بعد، اِعمال تحریم‌های بیشتر یا اقدامات سختگیرانه‌تر را تسهیل کرده و پذیرش بین‌المللی این اقدامات را در طول زمان افزایش می‌دهد. در مورد مخاطبان داخلی کشورهای تحریم‌کننده نیز، اِعمال تحریم‌ها زمینه را برای اقدامات بعدی مهیا نموده و افراد را قانع می‌کند که دولت رفتار عادلانه‌ای را پیش گرفته است.

۳-۲. تاریخچه تحریم‌های اقتصادی

استفاده از ابزار تحریم برای تحقق اهداف تحریم‌کننده، سابقه‌ای دیرینه در تاریخ بشر دارد. به‌ویژه، پس از جنگ جهانی دوم، کاربرد این شیوه از سوی قدرت‌های جهانی افزایش یافته است. تاریخ تحریم‌های اقتصادی گواهی می‌دهد که به‌تدریج و به‌طور خاص پس از پایان دوره‌ی جنگ سرد و شکل‌گیری نظم نوین جهانی، اولویت بیشتری به استفاده از این ابزار به جای تهاجم نظامی و یا به‌عنوان مقدمه‌ای برای ورود به مرحله حمله نظامی داده شده است. همچنین، نشان می‌دهد که آمریکا بیشترین استفاده را از این ابزار برای تحمیل خواسته‌هایش بر تحریم‌شوندگان، داشته است.

پس از پایان جنگ سرد، استفاده از تحریم‌های اقتصادی در راستای تعقیب سیاست‌های آمریکا به‌صورت فزاینده‌ای افزایش یافته و جایگزین گزینه نظامی در این کشور شده است. به‌دلیل افزایش اهمیت سازمان‌ها، نهادها و همکاری‌های بین‌المللی، قدرت این نهادها از قدرت وتوی یک کشور فراتر رفته و با گسترش عظیم مبادلات تجاری و بین‌المللی و افزایش اهمیت مراودات اقتصادی میان کشورها، وابستگی سیاسی کشورها به عوامل اقتصادی بیشتر شده است.^۱

مروار ادبیات موضوع در حوزه تاریخچه تحریم‌های اقتصادی حکایت از آن دارد که^۲، تا قبل از جنگ جهانی اول، حداقل ۱۳ مورد برجسته از تحریم‌های اقتصادی اتفاق افتاده است؛ ۱۶۵ مورد از تحریم‌های اقتصادی بین سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۹۸ اعمال شدند که در ۱۱۵ مورد از آن‌ها ایالات متحده حضور داشته و در ۶۸ مورد از ۱۱۵ مورد تحریم، ایالات متحده به تحریم یکجانبه مبادرت کرده است. به علاوه، فدراسیون

^۱ به نقل از: مسعود موسوی شفقانی و فرزانه نقدی (۱۳۹۴). همان. ص. ۲۸.

^۲ به نقل، و با انجام اصلاحاتی، از:

- علیرضا کازرونی، عادل قربانی و رضا ثقفی کلوانق (۱۳۹۴). بررسی کارایی تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه و چندجانبه بر تجارت خارجی محصولات غیرنفتی در ایران. فصلنامه‌ی نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال دوم، شماره‌ی ۱، صص. ۸۴-۸۵.

- عبدالرسول قاسمی (۱۳۹۳). همان. ص. ۳۲.

روسیه نیز در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷، ۳۵ مورد تحریم اقتصادی را علیه کشورهای تازه استقلال یافته با هدف کسب امتیازات سیاسی از آن کشورها، اعمال کرده است. شورای امنیت سازمان ملل نیز، در طی ۴۵ سال اول پس از تأسیس‌اش، تنها در دو مورد (در برابر رودزیا در سال ۱۹۶۶ و در برابر افریقای جنوبی در سال ۱۹۷۷) از این ابزار سود برده است. اگرچه، طی دهه ۱۹۹۰، شورای امنیت بیش از ۱۶ بار، تحریم‌هایی جامع و جزئی را به کار برده است.

از نظر اهداف اعلام شده برای اعمال تحریم‌های اقتصادی، می‌توان به: جلوگیری از نقض حقوق بشر، مبارزه با تروریسم بین‌المللی، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حمایت از حقوق کارگران، حفظ محیط زیست و جلوگیری از گسترش مناقشات و جنگ‌های داخلی اشاره کرد. در این میان، جلوگیری از نقض حقوق بشر و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بیشترین فراوانی را در اهدافی که برای تحریم‌ها اعلام شده‌اند، داشته‌اند.^۱

۳. تحریم‌های اقتصادی علیه ایران

سابقه‌ی اعمال تحریم اقتصادی علیه ایران به سال‌های نخستین دهه‌ی ۱۳۳۰ و در پی ملی شدن صنعت نفت در ایران بازمی‌گردد. تحریم‌هایی که در نهایت با کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت دکتر مصدق و روی کار آمدن دولت کودتا و انعقاد قراردادهای جدید نفتی، خاتمه یافت.

با پیروزی انقلاب اسلامی، ناخشنودی آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و ناسازگاری این سیاست‌ها با منافع سلطه‌طلبانه‌ی آنها موجب شده است که گونه‌های مختلفی از تحریم‌های اقتصادی با درجات مختلف از نظر شدت و کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی برقرارکننده، تقریباً

^۱ برای اطلاع بیشتر، نگاه کنید به: مهدی طغیانی و مرتضی درخشان (۱۳۹۳). تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن. فصلنامه‌ی راهبرد. سال ۲۳، شماره‌ی ۷۳

در تمامی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون علیه کشورمان تحمیل شود. به عبارت دیگر، در تمامی این سال‌ها، استفاده از ابزار تحریم، جزء ثابتی از سیاست‌های مقابله‌ی غرب با جمهوری اسلامی ایران بوده است.

انواع تحریم‌های اقتصادی که طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر ایران تحمیل شده است، به قرار زیر بوده است^۱:

توقیف اموال و دارایی‌های ایران (ایرانیان)

در ۱۴ نوامبر سال ۱۹۷۹ میلادی به دنبال اشغال و گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا در ایران، رئیس‌جمهور وقت آمریکا (جیمی کارتر) اموال بسیاری از ایرانیان در بانک‌های آمریکا را توقیف نمود که بسیاری از آنها همچنان بازگردانده نشده است. در ژانویه ۱۹۸۴ میلادی، به اتهام مشارکت در بمب‌گذاری در پایگاه نیروی دریایی آمریکا در لبنان و حمایت و همکاری با تروریسم، توقیف اموال علیه ایران افزایش یافت و همچنین کمک‌های بین‌المللی به یاران ممنوع اعلام شد که تا به امروز ادامه دارد. این نوع تحریم در ۲۳ اکتبر سال ۱۹۹۲ میلادی به بهانه‌ی مبارزه با تسلیحات کشتار جمعی مانند سلاح‌های شیمیایی، زیستی و هسته‌ای، وضع شد و اموال افرادی که با توسعه‌ی این سلاح‌ها در ایران، عراق، سوریه و کره شمالی مرتبط بودند، توقیف شد. بسیاری از این تحریم‌ها، همچنان باقی است.

تحریم‌های تجاری (صادرات و واردات) و سرمایه‌گذاری

در ۳۰ آوریل سال ۱۹۹۵ میلادی، رئیس‌جمهور وقت آمریکا (بیل کلینتون)، ممنوعیت وسیعی برای تجارت و سرمایه‌گذاری در ایرن را وضع کرد. در سال ۲۰۱۰ باراک اوباما همانند جرج بوش این تحریم را تمدید

^۱ به نقل، و با انجام اصلاحاتی، از: مهدی فدائی و مرتضی درخشان (۱۳۹۴). تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی. سال ۵، شماره‌ی ۱۸. صص. ۱۲۰-۱۲۲.

نمود. البته در بهار ۲۰۱۳، تعدادی از شرکت‌های پتروشیمی و تجاری ایران در صنعت خودرو نیز برای اولین بار به لیست سیاه این تحریم‌ها اضافه شدند.

تحریم‌های مربوط به انرژی هسته‌ای

در سال ۱۹۹۶ میلادی، کمیته‌ای با نام اعمال تحریم‌های ایران با هدف برقراری تحریم‌های تجاری بر شرکت‌ها و کشورهای همکار با برنامه‌ی هسته‌ای ایران، تشکیل شد تا مانع پیشبرد برنامه‌ی هسته‌ای ایران شود. در ماه می سال ۲۰۱۳ نیز تحریم‌های جدیدی، از جمله منع صدور ویزا برای ایرانیان تعیین شده، وضع کردند.

تحریم‌های مالی

خزانهداری آمریکا در سال ۲۰۰۶ تحریم‌های وسیع مالی را علیه ایران وضع کرد که بر اساس آن انتقال بیش از ۱۰۰ دلار به ایران ممنوع شد. این ممنوعیت در سال‌های اخیر نیز وسیع‌تر شد، در نوامبر ۲۰۱۱، آمریکا تمام نظام بانکی ایران را به‌عنوان حامی بالقوه‌ی تروریسم تلقی کرد و بانک مرکزی ایران را مورد تحریم قرار داد. رئیس‌جمهور آمریکا نیز در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۱ طی نامه‌ای به کنگره، درآمدهای نفتی ایران و مبادلات مالی مربوط به نفت ایران با بانک مرکزی را هدف قرار داد و پرداخت بیشتر کشورها بابت صادرات نفت ایران را مورد تحریم قرار داد. در مارس ۲۰۱۲ بعد از اینکه کنگره آمریکا تحریم‌های مالی ایران را به تصویب و تشدید کرد، رئیس‌جمهور آمریکا خواستار کاهش واردات نفت کشورها از ایران شد، البته برخی از کشورها مانند ژاپن، کره جنوبی و چین تا مدتی از این مصوبه مستثنی شدند. مصوبه بعدی کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۳، بانک‌های خارجی که با ریال تجارت نمایند یا آن را نگهداری کنند را مشمول جریمه‌های سنگینی نمود.

تحریم دارایی‌ها

به دنبال حمله‌ی تروریستی به نیویورک و واشنگتن در سال ۲۰۰۱، توقیف تمام دارایی‌های سازمان‌ها و نهادهایی که مربوط به کشورهای حامی تروریسم بودند به تصویب رسید. لیست مربوطه شامل ده‌ها نفر،

سازمان و نهاد مالی ایرانی نیز بود. در طول سال‌های بعد (۲۰۰۵، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱) نیز افراد و سازمان‌های دیگری مورد تحریم قرار گرفتند و دارایی‌های آنها نیز توقیف شد. در سال ۲۰۱۱ نیز مجدداً به بهانه‌ی حمایت از مخالفین در سوریه و برای حمایت از حقوق بشر، افراد و سازمان‌های جدیدی از ایران مورد تحریم قرار گرفته و دارایی‌های آنها بلوکه شد. در جولای ۲۰۱۰ میلادی، اوباما برای شرکت‌های داخلی و خارجی (از آمریکا) که فرآورده‌های نفتی به ایران صادر کنند، جریمه‌های سنگینی در نظر گرفت.

تحریم‌های بین‌المللی

اتحادیه‌ی اروپا نیز تحریم‌های سختی را بر ایران وضع نمود. در ژوئن ۲۰۱۰ اتحادیه‌ی اروپا، تحریم‌هایی مشابه به تحریم‌های تجاری و سرمایه‌گذاری کنگره‌ی آمریکا در بخش انرژی را بر ایران تحمیل کرد که سازمان‌ها و بنگاه‌های اروپایی را نیز از فعالیت‌های تجاری با ایران منع می‌کرد. همچنین لیستی از افراد، بانک‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌های ایرانی را مورد تحریم قرار داد. در اول جولای ۲۰۱۲ منع واردات نفت از ایران را به تصویب رساند. در نوامبر ۲۰۱۱، انگلستان و کانادا تحریم‌هایی مشابه آمریکا اعمال کردند و فعالیت‌های بانک مرکزی ایران را مورد تحریم قرار دادند. کانادا نیز در ماه می سال ۲۰۱۳، واردات و صادرات از ایران را ممنوع اعلام کرد و ۸۲ شرکت و سازمان جدید را به لیست خود اضافه کرد. البته ریشه‌ی این تحریم‌ها از سال ۲۰۰۶ بود که شورای امنیت سازمان ملل وضع تحریم‌ها علیه ایران به خاطر برنامه هسته‌ای را تصویب نمود. شورای امنیت در دسامبر سال ۲۰۰۶، صادرات تمام تکنولوژی‌ها و تجهیزات مرتبط با انرژی هسته‌ای به ایران را ممنوع کرد و مسافرت چندین فرد و مسئولین سازمان‌های ایرانی (شامل بانک سپه) به کشورهای خارجی را نیز ممنوع اعلام نمود. همچنین بر کشتی‌های باربری ایرانی بازرسی وضع کرد. در ماه ژوئن ۲۰۱۰ میلادی، شورای امنیت چهار مرحله برای تحریم‌های سنگین علیه ایران طراحی کرد: تحریم‌هایی برای فشار

وارد کردن به نیروهای امنیت تجاری ایران، صنعت کشتیرانی و بخش خدمات مالی و تجاری ایران. در ماه ژوئن سال ۲۰۰۸ دارایی‌های نزدیک به ۴۰ نهاد که با بانک ملی ایران همکاری می‌کردند بلوکه شد.^۱

به این ترتیب، می‌توان گفت که تقریباً در تمامی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت و مردم ایران مشمول تحریم‌های اقتصادی آمریکا و در بخشی از سال‌ها با مشارکت اتحادیه‌ی اروپا و یا طیف گسترده‌تری از کشورها در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل بوده‌اند.

روند شدت تحریم‌ها علیه ایران در این نزدیک به چهار دهه صعودی بوده است و به‌ویژه در چند سال اخیر و به بهانه‌ی دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای، جهش محسوسی داشته است. در دو مطالعه‌ی تجربی، به‌صورتی روشمند و بر حسب طبقه‌بندی تحریم‌ها و ارزیابی شدت آنها، این ادعا به تأیید رسیده است.

مطالعه‌ی اول^۲، با ارزیابی کمی شدت تحریم‌ها طی سال‌های ۱۹۷۹-۲۰۰۳ میلادی، نشان می‌دهد شدت تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان، در سال ۲۰۱۳ میلادی حدود ۵۹ برابر شدت آن در سال ۱۹۷۹ میلادی بوده است. این مطالعه سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۴ را دوره‌ی با تحریم ضعیف، سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ را دوره‌ی با تحریم متوسط و سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ را دوره‌ی با تحریم شدید، ارزیابی می‌کند.

^۱ برای اطلاع بیشتر و با طبقه‌بندی‌های متفاوت از تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، نگاه کنید به:

- عبدالرسول قاسمی (۱۳۹۳). همان. فصل سوم.
- مسعود موسوی شفقانی و فرزانه نقدی (۱۳۹۴). همان.
- علیرضا کازرونی، عادل قربانی و رضا ثقفی کلوانق (۱۳۹۴). همان.
- حسین مسعودنیا، علی ابراهیمی، اسدالله مرادی (۱۳۹۳). تحریم اقتصادی؛ فرصت‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در تأمین منافع ملی. راهبرد اقتصادی. سال ۳، شماره‌ی ۱۱
- مهدی طغیانی و مرتضی درخشان (۱۳۹۳). همان.
- صمد عزیزنژاد و سیدمحمدرضا سیدنورانی (۱۳۸۸). بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی. مجلس و پژوهش. سال ۱۶، شماره‌ی ۶۱.
- ^۲ مهدی فدائی و مرتضی درخشان (۱۳۹۴). همان.

مطالعه‌ی دوم^۱، اما، با ارزیابی کیفی شدت تحریم‌ها طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۱ میلادی، شدیدترین تحریم‌های آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا و سازمان ملل را مربوط به سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ می‌داند گرچه نشان می‌دهد تحریم‌های آمریکا از سال ۲۰۰۶ وارد مرحله‌ی شدید شده است.

مذاکرات ایران با آمریکا و دیگر قدرت‌های جهانی با هدف به رسمیت شناخته شدن دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای و متوقف کردن تحریم‌ها که از مدت‌ها پیش آغاز شده بود، با روی کار آمدن دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ وارد مرحله‌ی جدیدی شد و با فاصله‌ی کمی به توافقات کوتاه مدتی برای متوقف ساختن روند تشدید تحریم‌ها و گشایش‌هایی در این زمینه، منجر شد. در تیرماه سال ۱۳۹۴، طرفین مذاکره سرانجام توانستند بر روی سند برنامه اجرایی بلندمدت به توافق برسند و بر اساس آن، برنامه‌ی مذکور از دی‌ماه سال ۱۳۹۴ اجرایی شد. بدین ترتیب اعمال بخشی از تحریم‌های اقتصادی مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای ایران متوقف شد.^۲

۴. مسیرهای اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد غیررسمی

تحریم‌های اقتصادی از چه مسیر یا مسیرهایی بر اقتصاد غیررسمی اثر می‌گذارند؟ این پرسشی است که در این قسمت، بر مبنای ادبیات موضوع^۳، به آن پاسخ داده می‌شود.

-
- ^۱ علیرضا کازرونی، عادل قربانی و رضا ثقفی کلوانق (۱۳۹۴). همان.
- ^۲ برای جزئیات بیشتر، از جمله، نگاه کنید به: مسعود موسوی شفقانی و فرزانه نقدی (۱۳۹۴). همان.
- ^۳ برای جزئیات بیشتر، نگاه کنید به:
- مصطفی آذری (۱۳۸۸). بررسی تأثیر تحریم بر قاچاق. قسمت اول. دوماهنامه‌ی اقتصاد پنهان. شماره‌ی ۶ و ۷.
 - مصطفی آذری (۱۳۸۸). بررسی تأثیر تحریم بر قاچاق. قسمت دوم. دوماهنامه‌ی اقتصاد پنهان. شماره‌ی ۸.
 - مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۹). گزارش ویژه: بررسی تأثیر تحریم اقتصادی بر قاچاق کالا و ارز. منتشر شده در: ماهنامه‌ی کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی مجمع تشخیص مصلحت نظام با عنوان: مبارزه با قاچاق کالا و ارز، میراث فرهنگی، انسان و سلاح.
 - هادی صالحی اصفهانی (۱۳۹۲). نسبت تحریم‌ها و اقتصاد غیررسمی؛ آیا تحریم، اقتصاد زیرزمینی را بزرگ می‌کند؟. هفته‌نامه‌ی تجارت فردا، شماره‌ی ۷۱.

در سطح اقتصاد کلان، انتظار می‌رود تحریم‌های اقتصادی، به‌ویژه در دامنه‌ای که در سال‌های اخیر بر ایران تحمیل شد (تجاری، مالی، انرژی) و در یک ساختار اقتصادی متکی به نفت، در مرتبه‌ی نخست بر تراز پرداخت‌ها و بودجه و از مسیر این دو بر اقتصاد غیررسمی اثر گذارد.

محدودیت‌های اعمال‌شده در سه حوزه‌ی تجاری، مالی و انرژی، به کاهش جدی درآمدهای ارزی کشور و دسترسی به آنها منجر می‌شود و با توجه به تقاضای موجود برای ارز، دولت ناگزیر از سهمیه‌بندی ارز بر مبنای مصارف آن می‌گردد. این وضعیت به معنای شکل‌گیری نظام دو یا چندنرخ ارز و شکل‌گیری شکاف (مابه‌التفاوت) بین نرخ ارز رسمی و آزاد است. چندگانگی نرخ ارز، انگیزه را برای افزایش کم‌اظهاری صادرات و بیش‌اظهاری واردات و در نتیجه گسترش اقتصاد غیررسمی ایجاد می‌کند.^۱

علاوه بر آثار مستقیم تحریم‌ها بر تجارت خارجی کشور تحریم‌شده، کاهش تولید (درآمد) ملی^۲ و افزایش هزینه‌ی مبادلات تجاری نیز، به‌عنوان بخشی از پی‌آمدهای تحریم‌های اقتصادی، بر جریان مبادله‌ی کالا و خدمات با شرکای تجاری به‌طور عام و با کشورهای تحریم‌کننده به‌طور خاص، اثر می‌گذارد. بنابراین می‌توان

- هفته‌نامه‌ی تجارت فردا (۱۳۹۴). بدنهادهایی که تحریم شکل داد. گفتگو با مسعود خوانساری، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن استان تهران. شماره‌ی ۱۴۷.

- Mohammad Reza Farzanegan (۲۰۱۳). Op.cit.

- Ioana M. Petrescu (۲۰۱۱). Black Markets and Economic Sanctions. Working Paper. University of Maryland.

^۱ برای جزئیات بیشتر در مورد اثر افزایش شکاف نرخ ارز بر گسترش اقتصاد غیررسمی، نگاه کنید به:

- Mohammad Reza Farzanegan (۲۰۱۳). Op.cit.

^۲ برای جزئیات بیشتر در مورد اثر تحریم‌ها بر رشد اقتصادی، نگاه کنید به:

- مرتضی عزتی و یونس سلمانی (۱۳۹۳). بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش خارجی اقتصاد. فصلنامه‌ی آفاق امنیت، سال هفتم، شماره‌ی ۲۵.

- حسین مرزبان و علی حسین استاذزاد (۱۳۹۴). تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تولید و رفاه اجتماعی ایران: رهیافتی از الگوی رشد تعمیم‌یافته‌ی تصادفی. فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال بیستم، شماره‌ی ۶۳.

- مهدی فدائی و مرتضی درخشان (۱۳۹۴). همان.

انتظار داشت که تحریم‌های اقتصادی منجر به کاهش حجم تجارت خارجی و تغییر شرکای خارجی تجاری آن شود.^۱

کاهش حجم تجارت خارجی به کاهش شاخص بازبودن اقتصاد می‌انجامد. در فصل سوم این پژوهش دیدیم که در مطالعات تجربی اقتصاد غیررسمی، معمولاً از شاخص بازبودن اقتصاد به‌عنوان متغیر عملیاتی نشان‌گر محدودیت‌های تجاری استفاده می‌شود و انتظار می‌رود کاهش این شاخص به افزایش اقتصاد غیررسمی منجر شود. البته باید توجه داشت که در مورد تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های تجاری از خارج نشأت می‌گیرد و منشأ داخلی ندارد و در ارائه‌ی چنین تفسیری باید احتیاط نمود.

همچنین، نوعاً استدلال می‌شود افزایش فاصله‌ی قیمت کالا در داخل و خارج و یا افزایش افزایش مداخله‌های دولتی سخت‌گیرانه‌تر تجاری و ارزی در کشور تحریم‌شده، صرفه‌های اقتصادی قاچاق کالا را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، تغییر نگاه دولت و مردم به قاچاق به‌عنوان راهی برای دورزدن تحریم‌ها^۲ و

^۱ برای آشنایی با جنبه‌های نظری موضوع و نیز مطالعات تجربی انجام‌شده در مورد اثر تحریم‌های اقتصادی علیه ایران بر تجارت خارجی و شرکای اصلی تجاری ایران، نگاه کنید به:

- محمد نهاوندیان، محمد لطفی و فرهاد رهبر (۱۳۹۰). جابه‌جایی شرکای تجاری به‌عنوان ابزاری برای کاهش پیامدهای منفی تحریم‌های اقتصادی. پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴.
- محمدتقی ضیائی بیگدلی، الهام غلامی و فرهاد طهماسبی بلداجی (۱۳۹۲). بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت ایران: کاربردی از مدل جاذبه. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۴۸.
- سمیه نعمت‌اللهی و علیرضا گرشاسبی (۱۳۹۳). بررسی تغییرات تنوع‌پذیری صادرات غیرنفتی در شرایط تحریم‌های بین‌المللی با تأکید بر دوره‌ی زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۳. فصلنامه‌ی پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۴.
- کریم آذربایجانی، سید کمیل طیبی و حلیمه صفا درگیری (۱۳۹۴). اثر تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده و اتحادیه‌ی اروپا بر تجارت دوجانبه‌ی ایران و شرکای عمده‌ی تجاری آن: کاربرد مدل جاذبه. فصلنامه‌ی تحقیقات اقتصادی، دوره‌ی ۵۰، شماره‌ی ۳.
- علیرضا کازرونی، عادل قربانی و رضا ثقفی کلوانق (۱۳۹۴). همان.
- M. Taghavi, B. Shayegani, F. Gaffari, A. Monsef and Ali NiakanLahiji (۲۰۱۲). Does Gravity Model Work for the Selection Trade Partners Among SCO Members? (The Case Study of Iran). Journal of American Science, ۸(۱۰), ۷۴۷-۷۵۳.

^۲ برای جزئیات بیشتر در مورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر روی آوردن به بازار سیاه، نگاه کنید به:

جبران درآمدها و مشاغل از دست‌رفته^۱، به‌ویژه در مناطق مرزی، سخت‌گیری نسبت به ورود و خروج کالای قاچاق را کاهش و پذیرش اجتماعی آن را افزایش می‌دهد. به این فهرست دلایل، اولویت‌یافتن مسیرهایی غیر از مبادی رسمی گمرکی افزوده می‌شود و علت آن پرهیز از شفافیت برای گریز از جرایم و محدودیت‌های تحریم‌کنندگان ذکر می‌گردد^۲. گرچه، این دلایل از قوت یکسانی برخوردار نیست اما در مجموع، این انتظار را که تحریم‌های اقتصادی منجر به افزایش قاچاق شوند را تا حدی منطقی جلوه‌گر می‌سازد. در مقابل، کاهش تقاضا برای واردات رسمی و غیررسمی در پی کاهش درآمد ملی و نیز افزایش نرخ ارز، می‌تواند اثر معکوسی بر تجارت غیررسمی داشته باشد.

تحریم‌های اقتصادی، به‌ویژه در اقتصادی مانند ایران که بودجه کشور به‌شدت متکی به درآمدهای نفتی است، علاوه بر مسیر ترازپرداخت‌ها و اجزای آن، از طریق بودجه نیز بر اقتصاد غیررسمی اثر می‌گذارد. با اعمال تحریم‌های اقتصادی، دولت با مشکل کاهش درآمدهای حاصل از فروش نفت مواجه می‌شود و با توجه به انعطاف‌ناپذیری ساختار هزینه‌ای بودجه، مخصوصاً در هزینه‌های جاری، به‌دلیل سهم بالای حقوق کارکنان در آن، ناگزیر به تلاش برای افزایش درآمد مالیاتی می‌شود. این به‌معنای افزایش بار مالیاتی، به‌عنوان عاملی مؤثر بر گسترش اقتصاد غیررسمی است^۳.

- Ioana M. Petrescu (۲۰۱۱). Op. cit.

^۱ برای جزئیات بیشتر در مورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر اشتغال، نگاه کنید به: حمید آماده، امیر خادم‌علیزاده و محبوبه بقالیان (۱۳۹۳). تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر سطح اشتغال در ایران. راهبرد اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۱.

^۲ برای جزئیات بیشتر، نگاه کنید به:

- مصطفی آذری (۱۳۸۸). همان. قسمت‌های اول و دوم.

- مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۹). همان.

^۳ برای جزئیات بیشتر در مورد اثر بار مالیاتی بر اقتصاد غیررسمی به فصل سوم همین گزارش و برای جزئیات بیشتر در مورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر بار مالیاتی، نگاه کنید به

- Mohammad Reza Farzanegan (۲۰۱۳). Op.cit.

اما، با انتقال سطح تحلیل از کلان به توسعه، نیز می‌توان مسیرهای دیگری را بر اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی شناسایی کرد. نخستین آنها کاهش شفافیت است. تحریم‌های اقتصادی و اقدامات و نظارت‌هایی که از سوی تحریم‌کنندگان برای اجرایی‌شدن آن و تنبیه متخلفان صورت می‌گیرد، فعالان اقتصادی در کشور تحریم‌شده را به سمت تقلیل شفافیت در عملیات تجاری و مبادلات ارزی سوق می‌دهد چراکه در صورت شفافیت مبادلات، به سادگی از سوی تحریم‌کنندگان رصد شده و از انجام آن جلوگیری و مشارکت‌کنندگان در فهرست تحریم‌ها قرار می‌گیرند و یا مجازات می‌شوند. چنین فضایی، بستر مناسبی برای افزایش فساد، رانت‌جویی و گسترش اقتصاد غیررسمی است.

مسیر دوم در این سطح از تحلیل، افزایش میزان و بی‌ثباتی در مداخله‌ها و مقررات‌گذاری دولتی است. تحریم‌های اقتصادی، نوعاً ایجاب می‌کند دولت دخالت‌های گسترده‌تری را در اقتصاد (سه‌می‌بندی، قیمت‌گذاری و نظایر آن)، به‌منظور اطمینان‌یافتن از کاهش آثار آنها بر مردم، طراحی و عملی سازد. همچنین، چنین تکانه‌هایی، هم بنا به ماهیتی که دارند و هم به دلیل پویایی‌هایی‌شان، نوعاً چگونگی این دخالت‌ها را با بی‌ثباتی مواجه می‌کنند و از این طریق، فعالیت اقتصادی رسمی را نامطمئن‌تر و پرهزینه‌تر می‌سازند. این وضعیت، انگیزه فعالان اقتصادی برای مشارکت در اقتصاد غیررسمی افزایش می‌دهد.

در مجموع، گرچه در دوره‌ی تحریم، انتظار می‌رود میزان تجارت خارجی و تولید داخلی افت پیدا کند و چنین رکودی شامل عموم فعالیت‌های رسمی و غیررسمی شود، اما مبانی نظری فوق، حکایت از وجود مؤلفه‌های قوی برای گسترش اقتصاد غیررسمی و یا حداقل افزایش اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در شرایط اعمال تحریم‌های اقتصادی است.

۵. آثار تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی در ایران

همان‌گونه که در مقدمه‌ی این فصل اشاره شد، با توجه به نبودِ مطالعات علمی منتشره در کشور پیرامون آثار تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی در ایران، در این قسمت تاحدی متفاوت از روش بررسی در فصول قبل که عمدتاً بر روش فراتحلیل متکی بود، به بررسی این موضوع می‌پردازیم. به‌این‌ترتیب که، نخست با توجه به مبانی نظری تشریح‌شده در قسمت قبل، مسیرهای اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی را در میان عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی در ایران، با اتکاء به مطالعات تطبیقی انجام‌شده در فصل سوم، واکاوی می‌نماییم. سپس، به بررسی شواهد تجربی از نوسانات اقتصاد غیررسمی در ایران پس از اعمال تحریم‌های اقتصادی با تکیه بر یافته‌های فصل پنجم این تحقیق و برخی شواهد دیگر، می‌پردازیم.

۵-۱. آثار موردانتظار؛ بررسی تطبیقی مطالعات تجربی

نگاهی به قسمت سوم از فصل سوم این پژوهش، آنجا که به مرور مطالعات علمی منتشرشده در ایران پیرامون اقتصاد غیررسمی از نظر عوامل مؤثر بر این پدیده می‌پردازد، نشان می‌دهد تقریباً همه‌ی مسیرهای انتقال تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی در مجموعه عواملی که در بخش مبانی نظری این مطالعات شناسایی شده‌اند، به رسمیت شناخته شده است.

بار مالیاتی، محدودیت‌های تجاری، درآمد سرانه/ سطح تولید، شاخص قوانین و مقررات/ تعدد قوانین و مقررات اقتصادی، مابه‌التفاوت نرخ ارز، هزینه‌ی مبادله، بیکاری، تعدد و میزان قدرتِ ارگان‌های دخالت‌کننده در اقتصاد، بخشی از فهرست بلندِ عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی است که در قسمت مذکور از فصل سوم، بر اساس مبانی نظری مطالعات، ذکر شده و در اینجا، به‌عنوان مسیر اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی، شناسایی شد.

اما، از این میان، در الگوهای تجربی بررسی‌شده در ۲۰ مطالعه‌ی تجربی در باره‌ی عوامل مؤثر بر گسترش اقتصاد غیررسمی در ایران (در قسمت چهارم از فصل سوم)، به موارد مرتبط زیر می‌توان اشاره کرد:

- بار مالیاتی (یا به صورت: بار مالیات مستقیم، رشد بار مالیات مستقیم، بار مالیات بر واردات، رشد بار مالیات بر واردات، نرخ تعرفه، نسبت مالیات بر واردات به واردات کالا و خدمات)
 - شاخص بازبودن اقتصاد (یا به صورت: نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی، نسبت واردات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی)
 - نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (یا به صورت: رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، درآمد سرانه، رشد درآمد سرانه)
 - نرخ بیکاری
 - مابه‌التفاوت نرخ ارز (یا به صورت: نسبت نرخ ارز رسمی به نرخ ارز بازار سیاه)
 - بار قانونی و مقرراتی
 - اندازه‌ی دولت (یا به صورت: رشد هزینه‌های جاری دولت، مصرف حقیقی دولت، نسبت هزینه‌های مصرفی دولت به تولید ناخالص داخلی، نسبت هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی)
- که بخش غالب مسیرهای شناسایی شده برای اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی را شامل می‌شود. بنابراین، گرچه به مطالعه یا مطالعات علمی تجربی ایرانی برای چگونگی و میزان تأثیر تحریم‌ها بر این پدیده دسترسی وجود ندارد و نمی‌توان ارزیابی مستقیمی از آن داشت، اما، به‌طور غیرمستقیم می‌توان از بررسی تطبیقی یافته‌های تجربی این مطالعات، به نتایجی در مورد اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی در ایران دست یافت.
- چنین بررسی‌ای، بر مبنای نتایج گزارش شده در قسمت چهارم از فصل سوم این تحقیق، نشان می‌دهد:
- با یک استثناء، ضرایب برآورد شده برای انواع شاخص‌های معرفی شده برای اندازه‌گیری اثر بار مالیاتی بر اقتصاد غیررسمی، مثبت و در اکثر موارد، به لحاظ آماری، معنی‌دار هستند. لذا می‌توان گفت، چنانچه این انتظار نظری را شواهد تجربی هم تأیید نمایند که اعمال تحریم‌های اقتصادی و

محدودیت در درآمدهای نفتی دولت به افزایش بار مالیاتی منجر می‌شود، از چنین یافته‌هایی می‌توان نتیجه گرفت که از این مسیر، اقتصاد غیررسمی در ایران گسترش یافته است.

- در مورد انواع شاخص‌های بازبودن اقتصاد، اما، ناسازگای نتایج گسترده‌تر است. در این مورد، هم ضرایب مثبت معنی‌دار و هم ضرایب منفی معنی‌دار و هم ضرایب مثبت که به لحاظ آماری معنی‌دار نیستند، به چشم می‌خورند. لذا از یافته‌های تجربی در مورد اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی در ایران از این مسیر (افزایش محدودیت‌های تجاری)، نمی‌توان به نتیجه‌ی مشخصی رسید.

- جز در یک مورد، ضرایب برآوردشده برای شاخص‌های نشان‌دهنده‌ی وضعیت تولید/ درآمد، مثبت است، اما در معنی‌داری آماری ضرایب برآوردشده پراکندگی قابل‌ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود. بنابراین، هم‌حرکتی نوسانات اقتصاد رسمی و غیررسمی را، از این نظر، با احتیاط زیاد می‌توان پذیرفت و در نتیجه، درستی این نظر را که با رکود اقتصاد رسمی در ایران باید انتظار داشت اقتصاد غیررسمی نیز در شرایط مشابهی قرار گیرد، نمی‌توان با قوت تأیید نمود.

- در مورد نرخ بیکاری، اما، وضعیت متفاوت است. در تمام الگوهای تجربی، ضرایب برآورد شده برای این متغیر، مثبت و به جز یک مورد، در باقی موارد از نظر آماری، معنی‌دار است. یعنی، یافته‌های تجربی دلالت بر آن دارند که افزایش نرخ بیکاری به گسترش اقتصاد غیررسمی در ایران منجر شده است. لذا، چنانچه اعمال تحریم‌های اقتصادی به بالا رفتن نرخ بیکاری در ایران منجر شده باشد، می‌توان نتیجه گرفت که افزایش اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی کشور را نیز در پی داشته است.

- شکاف نرخ ارز و شاخص‌های مرتبط با آن نیز وضع نسبتاً مشابهی دارد. به جز یک مورد که ضریب برآوردشده برای آن منفی و البته از نظر آماری کاملاً بی‌معنی است، در مابقی موارد، ضرایب مثبت و در غالب آنها، معنی‌دار برآورد شده است. پس می‌توان نتیجه گرفت تا آنجا که وضع تحریم‌های

اقتصادی به افزایش مابه‌التفاوت نرخ ارز در ایران منجر شده باشد، می‌توان انتظار داشت به گسترش اقتصاد غیررسمی در ایران نیز انجامیده است.

- بار قانونی و مقرراتی، تنها در یک مطالعه‌ی تجربی، به‌عنوان عامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی در ایران، مورد استفاده قرار گرفته که البته ضریب برآوردشده، مثبت و معنی‌دار است. پس، اگر تحریم‌های اقتصادی به افزایش این بار منجر شده باشد، می‌توان انتظار داشت که در نتیجه‌ی آن بر اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران نیز افزوده شده است.

- ضرایب برآوردشده برای شاخص‌های نشان‌دهنده‌ی اندازه‌ی دولت در ایران در همه‌ی مطالعات تجربی مورد بررسی در باره‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران، مثبت و در غالب موارد معنی‌دار هستند. این یافته، دلالت بر آن دارد که چنانچه تحریم‌های اقتصادی منجر به افزایش اندازه‌ی دولت در ایران شده، باید انتظار داشت که از این مسیر به افزایش حجم اقتصاد غیررسمی کشور نیز کمک کرده باشد.

برآیند این یافته‌ها حکایت از آن دارد که چنانچه مبانی نظری در مورد مسیرهای اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی به تأیید تجربی نیز برسند، می‌توان انتظار داشت در اثر اعمال تحریم‌های اقتصادی، از غالب مسیرهای مذکور، اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران گسترش یافته باشد.

۲-۵. آثار تحقق‌یافته؛ شواهد تجربی

تا اینجا نشان داده شد که هم مبانی نظری، آن‌گونه که در مسیرهای اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد غیررسمی بحث شد، و هم انتظارات ناشی از بررسی مطالعات تجربی تطبیقی در مورد عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی، این ایده را تقویت می‌کند که اعمال تحریم‌های اقتصادی می‌بایست به گسترش اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران منجر شده باشد.

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، متأسفانه مطالعات علمی ایرانی منتشره، به بررسی این رابطه نپرداخته‌اند، لذا، ناگزیر از مراجعه به شواهد تجربی موجود برای ارزیابی درستی این ایده هستیم. نخستین

مشاهده‌ی تجربی در این حوزه، مقایسه‌ی برآوردهای به‌عمل‌آمده از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران طی سال‌های پیش از اِعمال تحریم‌ها با دوره‌ی تحریم‌های اقتصادی، خصوصاً سال‌هایی است که تحریم‌ها شدت بیشتری داشته‌اند.

بر اساس یک اندازه‌گیری به‌عمل‌آمده از شدت تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، از سال ۲۰۰۶ میلادی (۱۳۸۵)، این تحریم‌ها وارد مرحله‌ی شدید شده‌اند. همین مطالعه نشان می‌دهد که اوج شدت تحریم‌ها مربوط به سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲) است.^۱

برآورد ارائه‌شده در قسمت چهارم از فصل پنجم در مورد میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در مطالعات ایرانی طی سال‌های ۹۱-۱۳۴۲ نشان می‌دهد که در چهار سال آخر این دوره (سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱) اقتصاد غیررسمی در ایران در بالاترین و بی‌سابقه‌ترین سطح قرار داشته به‌طوری که با وجود میانگین ۱۵,۲ درصدی اندازه‌ی نسبی این پدیده برای کل دوره‌ی مورد بررسی، این شاخص در سال‌های مذکور، به‌ترتیب، برابر با ۲۴,۸، ۲۴,۸، ۲۷,۶ و ۲۷,۳ درصد بوده است. تنها مطالعه‌ای که سال ۱۳۹۲ را نیز پوشش می‌دهد^۲، بر حفظ روند صعودی شاخص مذکور در این سال دلالت دارد.

مشاهده‌ی دیگر، اظهارات مسئولان ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مورد برآوردهای ستاد مذکور از میزان قاچاق کالا طی این سال‌هاست. از جمله، سخنگوی ستاد مذکور، با اشاره به روند روبه‌رشد قاچاق کالا در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برآورد ۶ میلیارد دلاری ارزش قاچاق کالا در سال ۱۳۸۴ و افزایش آن به ۱۹,۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۱ و ۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ را ذکر می‌کند. وی، همچنین، مدعی می‌شود که ارزش کالای قاچاق در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، به‌ترتیب، به ۱۹,۸ و ۱۵,۵ میلیارد دلار کاهش یافته است^۳. قابل‌توجه است که افزایش حجم قاچاق ادعا شده، هم‌زمان با تشدید

^۱ برای جزئیات بیشتر، نگاه کنید به: مهدی فدائی و مرتضی درخشان (۱۳۹۴). همان.

^۲ خسرو پیرایی و حسینعلی رجایی (۱۳۹۴). همان.

^۳ خبرگزاری مهر (۱۳۹۵). مصاحبه با قاسم خورشیدی، سخنگوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز. هجدهم تیرماه.

تحریم‌های اقتصادی اتفاق افتاده و کاهش آن در دوره‌ای رخ داده که تشدید تحریم‌ها متوقف و گشایش‌هایی در این حوزه به‌وقوع پیوسته است.^۱ البته مسئولان گمرک جمهوری اسلامی ایران، ارقام ارائه‌شده توسط ستاد مذکور را دارای بیش‌برآوردی ناشی از چگونگی تعریف قاچاق می‌دانند.^۲

تنها مطالعه‌ی منتشرشده در خارج از کشور پیرامون اثر تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی در ایران^۳، نیز به‌عنوان شاهدی دیگر، با ارائه‌ی آمار و ارقامی در مورد کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، ایجاد نظام چندنرخ‌ی ارز و افزایش شکاف نرخ ارز و کاهش سهم درآمدهای نفتی در بودجه‌ی ایران پس از تشدید تحریم‌های اقتصادی، مدعی شده است که این تغییرات بایستی به افزایش اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران منجر شده باشد.

گرچه این شواهد، از نظر اعتبار و دقت، نمی‌توانند جایگزین مطالعه یا مطالعات علمی شوند، اما در نبود چنین آثار علمی، می‌توانند به‌عنوان شواهد قابل اعتنا برای ارزیابی چگونگی اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد غیررسمی در ایران مورد استفاده قرار گیرند و این ایده‌ی اولیه را تقویت نمایند که تحریم‌های اقتصادی، به‌ویژه شدت‌یافتن آنها، منجر به گسترش اقتصاد غیررسمی در ایران شده است.

^۱ برآورد این تحقیق از روند اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در سال‌های ۹۳ و ۹۴، که البته حوزه‌ای وسیع‌تر از قاچاق را در برمی‌گیرد، چنین روند نزولی‌ای را نشان نمی‌دهد، گرچه از شدت رشد آن کاسته می‌شود. برای اطلاع بیشتر، رجوع کنید به فصل پنجم این گزارش.

^۲ خبرگزاری فارس (۱۳۹۵). مصاحبه با محمود بهشتیان، مشاور رئیس گمرک. نوزدهم تیرماه.

^۳ Mohammad Reza Farzanegan (۲۰۱۳). Op.cit.

فصل هفتم: اثر گسترش اقتصاد غیررسمی بر محیط کسب و کار

۱. مقدمه

در فصل چهارم تحقیق، جایی که بررسی آثار اقتصاد غیررسمی در دستور کار قرار داشت، به پاسخ‌گویی به این سؤال از مجموعه‌ی پرسش‌های اصلی پژوهش پرداختیم که: "گسترش اقتصاد غیررسمی چه آثاری بر اقتصاد کشور و به ویژه بر محیط کسب و کار دارد؟". اما، در آن فصل، پاسخ‌گویی به بخشی از این پرسش انجام نشد، آنجا که آثار گسترش این پدیده بر محیط کسب و کار، مورد سؤال قرار گرفته است.

این زاویه‌ای نو در نگاه به اقتصاد غیررسمی است. به‌طور معمول، و خصوصاً در چند دهه‌ی اخیر، پس از توسعه‌ی ادبیات نهادگرایی، وضعیت و تغییرات محیط کسب و کار به‌عنوان یکی از عوامل عمده‌ی مؤثر بر اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در هر کشوری مورد بررسی قرار می‌گیرد. هزینه‌های بالای آغاز و انجام کار در اقتصاد رسمی، انگیزه‌ی مؤثری برای فعالان اقتصادی است تا فعالیت در حیطه‌ی غیررسمی اقتصاد را برگزینند. در فصل سوم این تحقیق، نیز، اینکه چگونه چارچوب نهادی بر اندازه‌ی این هزینه‌ها و از آنجا بر اقتصاد غیررسمی اثر می‌گذارند مورد بحث قرار گرفت و جایگاه این عامل در مبانی نظری و الگوهای تجربی در مطالعات ایرانی پیرامون این پدیده، نشان داده شد. اما، اثر گسترش اقتصاد غیررسمی بر محیط کسب و

کار، که نشان‌دهنده‌ی ادعای نوعی رابطه‌ی دو سویه بین وضعیت دو متغیر اقتصاد غیررسمی و محیط کسب و کار است، در ادبیات موضوع مورد توجه نبوده است.

در این فصل، پس از بررسی جنبه‌های نظری اثرگذاری اقتصاد غیررسمی بر محیط کسب و کار، با استفاده از داده‌های موجود از چگونگی درک فعالان اقتصادی کشور از نحوه اثرگذاری عرضه‌ی کالای خارجی قاچاق در بازارهای داخلی بر محیط کسب و کارشان، به بررسی تجربی ایده‌های نظری مطروحه می‌پردازیم.

۲. اقتصاد غیررسمی و محیط کسب و کار

نظریه‌ی محیط کسب و کار، دستاورد تلاش‌های نظری و تجربی است که با پیشگامی هرماندو دسوتو از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد و تاکنون ادامه یافته است.^۱ دسوتو، بالابودن سهم اقتصاد غیررسمی در اقتصادهای در حال توسعه را به پرهزینه‌بودن فعالیت‌های رسمی اقتصادی مرتبط می‌داند و این هزینه‌های بالا را، نیز، نتیجه‌ی محیط ناکارآمد مقرراتی و نهادی در این کشورها، اعلام می‌کند. در این چارچوب، اصلاحات نهادی که، از جمله، به کاهش بار مالیاتی، تقلیل موانع تعرفه‌ای، کاهش زمان و هزینه‌ی شروع کسب و کار و ثبت و نقل و انتقال اموال شود، انگیزه‌ی حضور در فعالیت‌های رسمی اقتصادی را افزایش داده و مانع گسترش اقتصاد غیررسمی می‌شود.^۲

^۱ برای آشنایی بیشتر با آراء دسوتو، نگاه کنید به:

- هرماندو دسوتو (۱۳۸۴). چرا اقتصاد غیررسمی اهمیت دارد؟. ترجمه‌ی جعفر خیرخواهان. فصلنامه‌ی تأمین اجتماعی، سال هفتم، شماره‌ی ۲۰.
 - هرماندو دسوتو (۱۳۸۵). راز سرمایه؛ چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟. ترجمه‌ی فریدون تفضلی. نشر نی.
 - هرماندو دسوتو (۱۳۹۰). راه دیگر. ترجمه‌ی جعفر خیرخواهان. نشر نی.
- ^۲ برای آشنایی با جزئیات بیشتر از اثر محیط کسب و کار بر اقتصاد غیررسمی، همچنین نگاه کنید به:
- علی نصیری اقدم، مهدی نوری و محمدمهدی کاکاوندی (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی؛ مقایسه‌ی اثر نرخ‌های مالیات و تعرفه با اثر متغیرهای نهادی. پژوهشنامه‌ی مالیات، شماره‌ی ۱۴ (مسلسل ۶۲).

اما افزایش اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی چه آثاری بر محیط کسب و کار دارد؟ در نخستین فصل این تحقیق، دو ایده‌ی مشخص در مورد اثر گسترش اقتصاد غیررسمی بر محیط کسب و کار را مطرح نمودیم: اول اینکه، افزایش اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی، نااطمینانی‌ها در باره‌ی بازدهی فعالیت‌های اقتصادی رسمی را بالا می‌برد. به‌ویژه، هرچه فعالیت‌های غیررسمی، سازمان‌یافته‌تر باشد محیط کسب و کار رسمی را پرمخاطره‌تر و در شرایط رقابت نابرابری قرار می‌دهد.

ویژگی پنهانی‌بودن فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، سنجش محیط رقابتی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر تعیین راهبرد سرمایه‌گذاری، را برای کارآفرینان در فعالیت‌های رسمی اقتصادی دشوار می‌کند، نااطمینانی‌ها را افزایش می‌دهد، مخاطرات سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد و از این طریق، بازدهی مورد انتظار را کاهش می‌دهد.

این ویژگی، آن‌گاه که با گستردگی و سازمان‌یافتگی فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در یک کشور ترکیب می‌شود، این سازوکار اثرگذاری را تشدید می‌کند. برخورداری از رانت‌های سیاسی و اطلاعاتی برای مشارکت‌کنندگان این قبیل فعالیت‌ها در چنین شرایطی، فعالان رقیب در اقتصاد رسمی را در موقعیتی کاملاً ضعیف‌شده قرار می‌دهد و بر مخاطرات سرمایه‌گذاری بیش از پیش می‌افزاید و اندازه‌ی بازدهی موردانتظار را با کاهش بیشتری همراه می‌سازد.

مطالعات تجربی در مورد اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در جهان، آن‌گونه که در فصل پنجم ارائه شد، نشان داد که میانگین اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در کشورهای درحال توسعه در قیاس با سایر کشورها در بالاترین سطح است. البته، همانجا نشان داده شد که اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در آن مطالعات و طی دوره‌ی مورد بررسی آنها، در چنین سطحی نبوده، اما برآوردهای مطالعات ایرانی در سال‌های پس از آن و پیش‌بینی این تحقیق در مورد روند آن در سال‌های انتهایی دهه‌ی ۱۳۹۰ حاکی از گسترش اقتصاد

- فتح‌الله تار و سعید غلامی باغی (۱۳۸۷). اصلاح شاخص فضای کسب و کار، عاملی مؤثر بر کاهش اقتصاد پنهان و گسترش بخش غیررسمی. مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۸.

غیررسمی در ایران به سطح مذکور برای کشورهای در حال توسعه است. چنین گستردگی‌ای، احتمال سازمان‌دهی شده بودن این فعالیت‌ها و پی‌آمدهای آن برای محیط کسب و کار فعالیت‌های رسمی را نیز تقویت می‌کند.

اما، ایده‌ی دومی که در فصل نخست تحقیق در این زمینه مطرح گردید، به اثر گسترش قاچاق بر محیط کسب و کار، مربوط می‌شد؛ اینکه با گسترش قاچاق، سیاست‌های حمایتی برای رشد تولید و صادرات به طور جدی آسیب می‌بیند و از این طریق، چشم‌انداز رشد سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی رسمی تیره و تاریک می‌شود. به بیان متداول‌تر، گسترش قاچاق موجب می‌شود مزیت‌های ناشی از حمایت دولت از بین برود و ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و فرصت‌های شغلی داخلی به نفع سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت شغلی برای خارجی‌ان به هدر رود.

نظریه‌پردازی در دفاع از مداخله‌ی دولت‌ها در اقتصاد از طریق طراحی و اعمال سیاست‌های حمایتی و به‌منظور فراهم‌ساختن محیط مناسب برای ایجاد و توسعه‌ی بخش‌های مولد اقتصادی و نیز گسترش ظرفیت‌های صادراتی و مزیت‌های رقابتی، سابقه‌ای دیرینه در اندیشه‌ی اقتصادی دارد. چنانچه بخواهیم بحث در این مورد را به دوره‌ی شکل‌گیری دانش نوین اقتصاد، یعنی پس از انتشار کتاب ثروت ملل آدام اسمیت محدود کنیم، می‌توان گفت تقابل دو دیدگاه اقتصاد آزاد و حمایت از صنایع نوپا، به آراء فردریک لیست، اقتصاددان آلمانی، در نقد نگرش اقتصاد آزاد و دفاع از ضرورت حمایت از این‌گونه صنایع در نیمه‌ی نخست قرن نوزدهم باز می‌گردد.

لیست، معتقد بود برداشتن موانع تجاری، تا زمانی که طرفین مبادله در شرایط برابری از نظر قدرت تولید و صنعتی شدن قرار ندارند، آن‌گونه که آدام اسمیت و طرفداران نگرش اقتصاد آزاد مدعی بودند، منافع طرفین مبادله را تضمین نمی‌کند بلکه تنها به سود کشوری است که در موقعیت برتر قرار دارد (انگلستان در آن دوران).

امروزه، شکل نوین این تقابل رویکردها را می‌توان در آراء طرفداران دو رویکرد "اقتصاد آزاد" و "سیاست‌های راهبردی (استراتژیک) تجاری" تعقیب نمود. نخستین تلاش علمی برای ارائه‌ی رویکرد اخیر (سیاست‌های استراتژیک تجاری) به مقاله‌ی جیمز براندر و باربارا اسپنسر در سال ۱۹۸۱ بازمی‌گردد. آنها و نیز دیگران از جمله کروگمن، این نظریه را در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با ارائه مقالات دیگری بسط دادند.^۱

سیاست استراتژیک تجاری، با نقد نظریه‌ی رقابت آزاد به‌خاطر نادیده‌گرفتن وجود رقابت ناقص در بازارهای جهانی و اثرات ناشی از صرفه‌های مقیاس، مداخله‌ی تجاری و حمایت‌گرایی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را توجیه می‌کند. بر مبنای نظریه‌ی مذکور، یک کشور می‌تواند مزیت نسبی را در حوزه‌هایی که برای رشد آتی اقتصادی‌اش ضروری است، خلق نماید. این مزیت نسبی می‌تواند از طریق حمایت تجاری موقت، یارانه صادرات، اعطای معافیت‌ها یا تخفیف‌های مالیاتی و طرح‌های همکاری مشترک دولت و صنعت، ایجاد شود.^۲

در نظریه سیاست استراتژیک تجاری، حمایت دولتی به صورت گزینشی، موقت و نزولی خواهد بود لذا گام اول، شناسایی و انتخاب صنایع برگزیده است. صنعت گزینش‌شده، با دریافت حمایت لازم در کوتاه‌مدت به چنان قدرت رقابتی دست پیدا می‌کند که می‌تواند بازار دیگر رقبا را از آن خود سازد و از طریق فروش گسترده‌تر به میانگین قیمت تمام‌شده‌ی کمتر و توان رقابت بیشتر دست پیدا کند و در بلندمدت بخش بزرگی از بازار آن محصول را از آن خود سازد. با این وصف رابطه‌ی بسیار نزدیکی میان سیاست‌های استراتژیک

^۱ برای آشنایی با جزئیات بیشتر، نگاه کنید به:

- مهین‌دخت کاظمی و سیدجواد پورمقیم (۱۳۸۶). تخمین توابع واکنش صادرات برای فولاد خام بر اساس مدل سیاست استراتژیک تجاری. مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، شماره‌ی ۷۸.
- اکبر کمیجانی و سیدحسین میرجلیلی (۱۳۸۰). سازوکار سیاست استراتژیک تجاری برای توسعه‌ی صادرات صنعتی ایران. پژوهشنامه‌ی بازرگانی. شماره‌ی ۲۰.

^۲ به نقل، و با اصلاحاتی، از: مجله‌ی بررسی‌های بازرگانی (۱۳۷۷). سیاست استراتژیک تجاری چیست و چه مزایایی دارد؟.

شماره‌ی ۱۳۸. صص. ۲۹ و ۳۰.

تجاری و سیاست‌های توسعه‌ی صنعتی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که سیاست‌های توسعه‌ی صنعت در زیربخش‌های گوناگون تحت تأثیر سیاست استراتژیک تجاری شکل می‌گیرد.^۱

این نظریه، با نقدها و مشکلاتی در اجرا مواجه است. ناسازگاری با موج جهانی‌شدن، مشکلات مربوط به دسترسی به اطلاعات لازم و تصمیم‌گیری برای انتخاب صنایع مورد حمایت، احتمال اتخاذ راهبردهای مشابه از سوی رقبا و دشواری ایجاد ظرفیت‌های لازم برای تولید با مقیاس‌های بالا در کشورهای در حال توسعه، اهم آنهاست که متقابلاً با پاسخ‌هایی از سوی طرفداران آن همراه است.^۲ با این همه، نظریه‌ی سیاست استراتژیک تجاری، روزآمدترین مبنای برای توجیه مداخله‌ی دولت در حمایت از کسب و کارها در برابر رقبای قدرتمند خارجی تلقی می‌شود.

قاجاق، به‌وضوح، سیاست‌های تجاری را در عمل، مختل می‌کند و از این طریق صاحبان کسب و کار داخلی از حمایت‌های دولت از آنان در برابر رقبای خارجی بی‌نصیب می‌مانند. تا جایی‌که، کارآفرینان در پیش‌بینی بازدهی موردانتظار خود، این‌گونه حمایت‌ها را به حساب آورده باشند، که معمولاً این‌چنین است، گسترش قاجاق، موجب می‌شود بازدهی واقعی کمتر از بازدهی موردانتظار باشد. تداوم چنین وضعیتی، لطمه شدیدی به فضای سرمایه‌گذاری خصوصی در کشور وارد می‌کند.

^۱ همان.

^۲ برای جزئیات بیشتر، نگاه کنید به:

- بررسی‌های بازرگانی (۱۳۷۷). همان.
- اکبر کمیجانی و سیدحسین میرجلیلی (۱۳۸۰). همان.
- سیدحسین میرجلیلی (۱۳۸۶). سیاست راهبردی (استراتژیک) تجاری و خلق مزیت در کشورهای در حال توسعه. بررسی‌های بازرگانی، شماره‌ی ۲۲.

۳. اثر گسترش اقتصاد غیررسمی بر محیط کسب و کار در ایران

مباحث نظری مطرح شده در قسمت قبلی این انتظار را تقویت می کند که گسترش اقتصاد غیررسمی در ایران بایستی به بدتر شدن محیط کسب و کار برای فعالان اقتصادی منجر شده باشد. با توجه به نبود مطالعات تجربی در این زمینه، تنها شاهی که می توان بر مبنای آن، ارزیابی اولیه ای از این انتظار مبتنی بر نظریه داشت، داده های منتشره از نتایج گزارش های فصلی پایش محیط کسب و کار ایران است که از تابستان سال ۱۳۸۹، به طور مستمر توسط مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و با همکاری تشکلهای اقتصادی سراسر کشور تهیه و منتشر می شود.^۱

گزارش های فصلی پایش محیط کسب و کار ایران، ارزیابی تشکلهای اقتصادی ایران از ۲۳ مؤلفه ملی محیط کسب و کار در ایران را با ابزار پرسش نامه و بر اساس "ادراک سنجی" استخراج و ارائه می کند. مؤلفه های محیط کسبوکار، عواملی هستند که به طور مشترک بر اداره و عملکرد همه ی بنگاه ها در جامعه ی مورد مطالعه اثر می گذارند، اما تقریباً خارج از کنترل مدیران بنگاه ها هستند.^۲

مؤلفه های محیط کسب و کار در این پایش ها، طی زمستان ۱۳۸۸ تا بهار ۱۳۸۹ به روش دلفی با مشارکت ۸۰ تشکل اقتصادی سراسری، شامل اتاق های بازرگانی، صنایع و معادن، انجمنهای مدیران صنایع، شوراهای اصناف، خانه های صنعت و معدن و کانون های عالی کارفرمایی به دست آمده است. مؤلفه های محیط کسب و کار در این گزارش ها به اقتضا و متناسب با شرایط اقتصاد ایران شناسایی و تعریف شده اند و با شاخص های مشهور بین المللی نظیر شاخص انجام کسب و کار بانک جهانی یا گزارش جهانی رقابت پذیری تفاوت دارند.^۳

^۱ ماده ی چهارم قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب سال ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی، اتاق های بازرگانی، تعاون و اصناف را مسئول تعریف، محاسبه و اعلام فصلی شاخص های محیط کسب و کار نموده اما تاکنون گزارشی از سوی اتاق های مذکور منتشر نشده است.

^۲ به نقل، و با اصلاحاتی، از: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵). پایش محیط کسب و کار ایران در زمستان ۱۳۹۴ (ارزیابی ۱۳۳ تشکل اقتصادی سراسر کشور از مؤلفه های ملی محیط کسب و کار در ایران). شماره ی مسلسل: ۱۴۹۱۹. معاونت پژوهش های اقتصادی. دفتر مطالعات اقتصادی. تیرماه. ص. ۲.

^۳ همان.

از شروع انجام پایش‌ها تا پاییز ۹۴، مؤلفه‌های محیط کسب و کار مذکور شامل ۲۱ مؤلفه، به شرح زیر،

بوده‌اند:

- مشکل دریافت تسهیلات از بانک‌ها
- ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید و نرخ بالای تأمین سرمایه از بازار غیررسمی
- بی‌تعهدی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی به پرداخت به‌موقع بدهی خود به پیمانکاران
- وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی
- نرخ بالای بیمه‌ی اجباری نیروی انسانی
- برگشت چک‌های مشتریان و همکاران
- ضعف دادسراها در رسیدگی مؤثر به شکایت‌ها و اجبار طرف‌های قرارداد به انجام تعهدات
- عرضه‌ی کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی
- بی‌ثباتی قوانین و مقررات مربوط به تولید و سرمایه‌گذاری
- محدودیت قانون کار در تعدیل و جابجایی نیروی کار
- اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان
- تولید کالای غیراستاندارد تقلبی و عرضه‌ی نسبتاً بدون محدودیت آن به بازار
- قیمت‌گذاری غیرمنطقی محصولات تولیدی توسط دولت و نهادهای حکومتی
- زیادبودن تعطیلات رسمی
- تعرفه‌ی پایین کالای وارداتی و رقابت غیرمنصفانه‌ی محصولات رقیب خارجی در بازار
- بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه
- موانع تعرفه‌ای صادرات محصولات و واردات مواد اولیه
- تمایل مردم به خرید کالای خارجی و تقاضای کم برای محصولات ایرانی مشابه
- ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل

- ضعف نظام توزیع و مشکلات رساندن محصول به دست مصرف کننده

- ضعف زیرساخت‌های تأمین برق

از پاییز سال ۱۳۹۴، دو مؤلفه‌ی "فقدان دسترسی به فناوری مورد نیاز" و "کمبود نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده" نیز به فهرست مذکور افزوده شده و بدین ترتیب تعداد مؤلفه‌ها به ۲۳ مورد افزایش یافت^۱.

جدول شماره‌ی ۱-۷، داده‌ها، و نمودار شماره‌ی ۱-۷، روند میانگین وزنی ارزیابی تشکلهای اقتصادی ایران را از ۲۱ مؤلفه‌ی مذکور در فصول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ را نشان می‌دهد. اختصاص نمره ۱۰ به هر مؤلفه به منزله‌ی بدترین ارزیابی از وضعیت آن مؤلفه در محیط کسب و کار و نمره ۱، به این معناست که آن مؤلفه در دوره‌ی مورد بررسی، بر عملکرد یا اداره‌ی بنگاه‌های تحت پوشش تشکلهای ارزیابی کننده، تأثیر نداشته است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میانگین وزنی ارزیابی تشکلهای از مؤلفه‌های ۲۱ گانه‌ی مذکور از ۵,۹۸ در بهار ۱۳۹۰ شروع شده و پس از نوساناتی به ۶، که ارزیابی‌ای بسیار نزدیک به شروع دوره، خاتمه یافته است. میانگین حسابی ارزیابی مذکور در این دوره معادل ۵,۹۵، حداقل نمره‌ی ارزیابی معادل ۵,۷۵ و حداکثر آن، ۶,۱۴ بوده است. بدین ترتیب، دامنه‌ی تغییرات ارزیابی تشکلهای از شاخص کلی، معادل ۰,۳۹ است. این ارقام نشان می‌دهد درک تشکلهای مربوط به فعالان اقتصادی ایران از محیط کسب و کار ایران طی این دوره، تغییرات قابل ملاحظه‌ای نداشته و در مجموع محیط مذکور "نسبتاً نامناسب" ارزیابی شده و بهبود قابل توجهی نداشته است.

اما، از بین مولفه‌های مذکور، آن که می‌تواند در این فصل از پژوهش، به عنوان شاهدی تجربی از چگونگی اثرگذاری اقتصاد غیررسمی بر محیط کسب و کار، مورد استفاده قرار گیرد، درک تشکلهای کسب و کار ایران از مؤلفه‌ی "عرضه‌ی کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی" است. روند ارزیابی فعالان اقتصادی ایران از

^۱ همان. صص. ۶ و ۱۰.

اثرگذاری این مؤلفه بر فضای کسب و کارشان، چگونه بوده و چه تغییراتی را داشته است؟ این ارزیابی‌ها چه تناسبی با برآوردهای موجود از روند تحولات اقتصاد غیررسمی در ایران دارد؟ در ادامه، کوشش می‌کنیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم.

جدول شماره‌ی ۲-۷، ارزیابی تشکلهای اقتصادی کشور از مؤلفه‌ی عرضه‌کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی از بهار ۱۳۹۰ تا زمستان ۱۳۹۴ را ارائه می‌دهد. در این جدول، همچنین، رتبه‌ی این مؤلفه در هر فصل و در قیاس با سایر مؤلفه‌ها، گزارش شده است. در مورد رتبه، اعداد کوچک‌تر به معنای آن است که فعالان اقتصادی، اهمیت آن مؤلفه را در اختلال در محیط کسب و کار در آن فصل بالاتر ارزیابی کرده‌اند. نمودارهای شماره‌ی ۲-۷ و ۳-۷ نیز، روند این دو شاخص را به تصویر کشیده است.

همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۲-۷ ملاحظه می‌شود، امتیاز مربوط به درک تشکلهای اقتصادی از وضعیت این مؤلفه از ۵,۶ (از ۱۰) در بهار ۱۳۹۰ آغاز و با نوساناتی به رقم حداقلی ۵,۱۹ در بهار ۹۲ و ۵,۲ در تابستان ۹۳ کاهش یافته اما سپس با روند تقریباً مداوم صعودی به بالاترین سطح (بدترین وضعیت) خود در دوره‌ی مورد بررسی یعنی ۶,۱۲ در زمستان ۱۳۹۴ رسیده است (نمودار شماره ۲-۷ را ملاحظه نمایید). میانگین این شاخص در فصول مذکور ۵,۶ و دامنه‌ی تغییرات آن ۰,۹۳ بوده که در قیاس با دامنه‌ی تغییرات شاخص کل عدد بزرگ‌تری را نشان می‌دهد.

رتبه‌ی این مؤلفه نیز از رتبه‌ی شانزدهم در بهار ۱۳۹۰ و با نوساناتی عمدتاً نزولی، به‌ویژه در سه فصل پایانی دوره‌ی مورد بررسی به پایین‌ترین سطح (بدترین رتبه) در زمستان ۱۳۹۴ یعنی رتبه‌ی هشتم رسیده است (جدول شماره‌ی ۲-۷ و نمودار شماره‌ی ۳-۷ را ملاحظه نمایید). میانگین حسابی رتبه‌های کسب‌شده معادل ۱۴,۵ و بهترین رتبه‌ی کسب‌شده، هجدهم (از ۲۱ مؤلفه) و مربوط به تابستان ۱۳۹۰ بوده و این شاخص دامنه‌ی تغییراتی معادل ۱۰ داشته است که نشان‌گر پراکندگی شدید درک بنگاه‌های اقتصادی کشور از نقش نسبی این مؤلفه در محیط کسب و کار در فصول مختلف سال‌های مورد بررسی است.

از جدول و نمودارهای مذکور، می‌توان به چند یافته‌ی مهم رسید:

- نخست آن که، از نظر فعالان اقتصادی ایران، وضعیت مؤلفه‌ی مذکور در محیط کسب و کار ایران، همانند شاخص کلی ارزیابی، در طول دوره‌ی مورد بررسی نسبتاً نامناسب بوده با این تفاوت که وضعیت این مؤلفه در انتهای دوره تا حدودی بدتر شده است.
 - دوم آن که، اهمیت نسبی این مؤلفه، به عنوان یک مانع در محیط کسب و کار، که در فصول ابتدایی سال‌های مذکور نسبتاً کم بوده در انتهای دوره به طور قابل توجهی افزایش یافته است.
 - سوم آن که، چنین روندی گرچه با برآوردهای این تحقیق از تغییرات اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران در سنوات مذکور سازگاری دارد اما با گزارش‌های ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز از تغییرات میزان قاچاق کالا، به شرحی که در فصل قبل گزارش شد، ناسازگار است. یعنی درک تشکلهای اقتصادی ایران از وضعیت این مؤلفه، به ویژه در سه فصل انتهایی سال ۹۴، با ادعاهای مربوط به کاهش قابل ملاحظه‌ی حجم قاچاق کالا، انطباق ندارد.
- گزارش‌های پایش فصلی محیط کسب و کار ایران، علاوه بر داده‌های مذکور در مورد مؤلفه‌ی عرضه کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی از منظر کلیه‌ی تشکلهای اقتصادی، ارزیابی مربوط به مؤلفه‌ی مذکور را به تفکیک تشکلهای بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت و معدن، خدمات) نیز در دسترس قرار می‌دهد. به این ترتیب، می‌توان ارزیابی جداگانه‌ای از درک فعالان بخش‌های مختلف اقتصادی از وضعیت این مؤلفه در محیط کسب و کار داشت.
- جدول شماره‌ی ۷-۴، داده‌های مربوط به این بخش از گزارش پایش را ارائه می‌کند. همان‌طور که در جدول مذکور و نمودار شماره‌ی ۷-۴ ملاحظه می‌شود، امتیاز این مؤلفه از نظر بنگاه‌های اقتصادی فعال در بخش کشاورزی از ۵,۳۵ در فصل بهار سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۳ روندی نزولی داشته و در زمستان این سال به حداقل مقدار خود (۳,۸۸) می‌رسد اما در سال ۱۳۹۴، این روند تغییر جهت داده و در نهایت به ۵,۴۳ در زمستان سال ۱۳۹۴ رسیده است. میانگین امتیاز کسب‌شده در این بخش معادل با ۴,۸ و در بهار سال

۱۳۹۱ میزان حداکثری خود که برابر با ۶,۰۴ بوده را تجربه کرده است. دامنه‌ی تغییرات این شاخص، قابل توجه و معادل ۲,۱۶ است.

جدول مذکور، همچنین، وضعیت رتبه‌ی این مؤلفه را از نظر بنگاه‌های اقتصادی بخش کشاورزی در فصول مختلف سال‌های ۹۳ و ۹۴ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که رتبه‌ی این مؤلفه بین ۱۶ و ۱۹ در نوسان بوده و میانگینی معادل ۱۸ داشته است.

مجموعه‌ای این اطلاعات نشان می‌دهد که گرچه وضعیت امتیاز این مؤلفه از نظر فعالان اقتصادی بخش کشاورزی پس از بهبود اولیه در انتهای دوره‌ی مورد بررسی به وضعیت اولیه بازگشت نموده است اما، اطلاعات مربوط به رتبه‌بندی این مؤلفه نشان می‌دهد، فعالان این بخش در طول سال‌های ۹۳ و ۹۴، عرضه‌ی کالای خارجی قاچاق را مانعی جدی در قیاس با سایر مؤلفه‌های مؤثر بر محیط کسب و کارشان تلقی نکرده‌اند. چنین درکی با حساسیتی که امروزه در برخی از سطوح سیاست‌گذاری و رسانه‌ای مطرح می‌شود، سازگاری ندارد.

در همان جدول، در ستون بعدی، درک فعالان بخش صنعت و معدن از این مؤلفه، به‌عنوان مانعی در کسب و کار طی دوره‌ی مورد بررسی اندازه‌گیری شده است. نمودار شماره‌ی ۷-۵ نیز روند آن را به تصویر کشیده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، از نظر تشکل‌های اقتصادی بخش صنعت و معدن، از اوج ۶,۰۸ در بهار سال ۹۰ روند خود را آغاز نموده و پس از بهبود نسبی و رسیدن به حداقل ۴,۷۷ در زمستان ۹۲، مجدداً روندی صعودی به‌خود گرفته و به نزدیک به ۶ در تابستان ۹۴ افزایش پیدا کرده است. این شاخص در دو فصل انتهایی سال ۹۴ بهبود خود را آغاز نموده است. میانگین این شاخص ۵,۵ و دامنه‌ی تغییرات آن ۱,۳ است که نشان‌گر وضعیت نسبتاً نامناسب و نوسان نسبتاً زیاد آن است. روند این شاخص نه با برآوردهای این تحقیق در مورد روند صعودی اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی و نه با ادعاهای مربوط به افت جدی در قاچاق کالا سازگاری نشان نمی‌دهد

رتبه‌بندی این مؤلفه در فصول مختلف سال‌های ۹۳ و ۹۴ توسط فعالان بخش صنعت و معدن، به‌صورتی که در جدول مذکور گزارش شده، روند افزایشی اهمیت این مؤلفه در بین موانع کسب و کار در بخش صنعت و بهبود نسبی وضعیت آن در دو فصل انتهایی دوره‌ی فوق است. در این هشت فصل اخیر، رتبه‌ی این مؤلفه بین نهم و هجدهم در نوسان بوده و با میانگین ۱۴,۲۵ و دامنه‌ی تغییرات ۹، وضعیت پرنوسانی را در جایگاه آن در بین مؤلفه‌های مؤثر بر بخش صنعت و معدن نشان می‌دهد.

ستون‌های انتهایی جدول شماره‌ی ۷-۳، نظرات فعالان بخش خدمات را در مورد مؤلفه‌ی عرضه‌ی کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی منعکس می‌کند. همان‌طور که در آنجا و نیز نمودار شماره‌ی ۷-۶ ملاحظه می‌شود این شاخص با روندی نسبتاً صعودی، از امتیاز ۵,۳۹ در بهار سال ۱۳۹۰ (ابتدای دوره) به امتیاز ۶,۵۳ در زمستان سال ۱۳۹۴ (فصل انتهایی دوره) افزایش یافته است. میانگین این شاخص در دوره‌ی مورد بررسی معادل ۵,۸، حداقل آن معادل با ۵,۲۱ و حداکثر آن برابر با ۶,۵۳ بوده است. بدین‌ترتیب، دامنه‌ی تغییراتی معادل ۱,۳۲ واحد داشته است. اینها نشان‌دهنده‌ی وضعیت نسبتاً نامناسب و با جهت‌گیری به‌سمت بدترشدن و نوسانات نسبتاً بالاست. چنین روندی با برآوردهای این تحقیق از جهت صعودی حرکت اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران سازگار است اما با ادعاهای مربوط به افت حجم قاچاق کالا انطباق ندارد.

وضعیت رتبه‌بندی این مؤلفه در قیاس با سایر مولفه‌های ۲۱ گانه نیز نشان می‌دهد که فعالان بخش خدمات برای عرضه‌ی کالای قاچاق وارداتی در بازار داخلی، به‌عنوان یک مانع کسب و کار، اهمیت زیادی قائلند، به‌طوری‌که روند رتبه‌ی آن در فصول هشت‌گانه‌ی دو سال آخر دوره‌ی مورد بررسی کاهنده بوده و میانگینی معادل ۱۰,۶ داشته و بین حداقل ۶ و حداکثر ۱۴ با دامنه‌ی تغییرات ۸ در نوسان بوده است.

نمودار شماره‌ی ۷-۷ روند ارزیابی فعالان بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، و خدمات را از مؤلفه‌ی مذکور با یکدیگر مقایسه می‌کند. همان‌طور که این نمودار و نیز داده‌های مندرج در جدول شماره‌ی ۷-۳ نشان می‌دهد:

- نگرانی‌های فعالان بخش خدمات در مورد نامناسب بودن وضعیت این مؤلفه در قیاس با فعالان بخش‌های صنعت و معدن و نیز کشاورزی، جدی‌تر است. هم مقایسه‌ی عرض از مبدأ منحنی‌های مربوط به بخش‌های مختلف اقتصادی و هم بررسی تطبیقی میانگین امتیاز و رتبه نشان می‌دهد که به‌ترتیب، بخش‌های خدمات، صنعت و معدن و در آخر، کشاورزی، از وضعیت این مؤلفه و جایگاه آن در بین مؤلفه‌های دیگر محیط کسب و کار نارضایتی بیشتری دارند.
- این می‌تواند ناشی از اهمیت بیشتر اثرات مربوط به ایجاد نااطمینانی در فضای کسب و کار (ایده‌ی اول مطروحه در بحث نظری) در مقایسه با کاهش منافع ناشی از حمایت دولت، برای کسب و کارها در بخش‌های سه‌گانه‌ی اقتصادی (ایده‌ی دوم مطرح شده در بحث مذکور)، باشد.

ضمیمہ فصل ہفت

جدول ۷-۱: میانگین وزنی ارزیابی تشکلهای اقتصادی از امتیاز ۲۱

مؤلفه‌ی محیط کسب و کار در ایران طی دوره ۹۴-۱۳۹۰

سال - فصل	امتیاز*	سال - فصل	امتیاز
۱۳۹۰-۱	۵,۹۸	۱۳۹۳-۱	۵,۹۷
۱۳۹۰-۲	۶,۰۵	۱۳۹۳-۲	۵,۷۶
۱۳۹۰-۳	۶,۱۴	۱۳۹۳-۳	۵,۸۱
۱۳۹۰-۴	۵,۹۶	۱۳۹۳-۴	۶,۰۱
۱۳۹۱-۱	۶,۱۱	۱۳۹۴-۱	۵,۸۷
۱۳۹۱-۲	۶,۱۴	۱۳۹۴-۲	۵,۸۱
۱۳۹۱-۳	۶	۱۳۹۴-۳	۶,۰۴
۱۳۹۱-۴	۵,۹۳	۱۳۹۴-۴	۶
۱۳۹۲-۱	۵,۸۲	میانگین	۵,۹۵
۱۳۹۲-۲	۶,۰۴	حداقل	۵,۷۵
۱۳۹۲-۳	۵,۸۹	حدکثر	۶,۱۴
۱۳۹۲-۴	۵,۷۵	دامنه‌ی تغییرات	۰,۳۹

× از ۱ تا ۱۰، امتیاز بالاتر نشان‌دهنده‌ی وضعیت نامناسب‌تر است

مأخذ: استخراج و محاسبه شده از اطلاعات مندرج در: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴). گزارش‌های فصلی پایش محیط کسب و کار در ایران. معاونت پژوهش‌های اقتصادی. دفتر مطالعات اقتصادی.

جدول ۷-۲: ارزیابی تشکلهای اقتصادی از امتیاز و رتبه‌ی مؤلفه‌ی عرضه‌ی
کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی طی دوره ۹۴-۱۳۹۰

سال - فصل	امتیاز [*]	رتبه ^{**}	سال - فصل	امتیاز	رتبه
۱۳۹۰-۱	۵,۶	۱۶	۱۳۹۳-۱	۵,۴۱	۱۵
۱۳۹۰-۲	۵,۴۵	۱۸	۱۳۹۳-۲	۵,۲	۱۶
۱۳۹۰-۳	۵,۹۵	۱۶	۱۳۹۳-۳	۵,۵۵	۱۵
۱۳۹۰-۴	۵,۶۸	۱۴	۱۳۹۳-۴	۵,۹۳	۱۲
۱۳۹۱-۱	۵,۷۹	۱۵	۱۳۹۴-۱	۵,۶۵	۱۵
۱۳۹۱-۲	۵,۴۸	۱۷	۱۳۹۴-۲	۵,۷۳	۱۲
۱۳۹۱-۳	۵,۲۴	۱۶	۱۳۹۴-۳	۵,۹۴	۱۰
۱۳۹۱-۴	۵,۴۶	۱۵	۱۳۹۴-۴	۶,۱۲	۸
۱۳۹۲-۱	۵,۱۹	۱۶	میانگین	۵,۵۸	۱۴,۵
۱۳۹۲-۲	۵,۳۹	۱۷	حداقل	۵,۱۹	۸
۱۳۹۲-۳	۵,۵۳	۱۳	حدکثر	۶,۱۲	۱۸
۱۳۹۲-۴	۵,۳۹	۱۴	دامنه‌ی تغییرات	۰,۹۳	۱۰

× از ۱ تا ۱۰، امتیاز بالاتر نشان‌دهنده‌ی وضعیت نامناسب‌تر است

×× عدد بزرگ‌تر نشان‌دهنده‌ی وضعیت نامناسب‌تر است

مأخذ: استخراج و محاسبه شده از اطلاعات مندرج در: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴). گزارش‌های فصلی پایش محیط کسب و کار در ایران. معاونت پژوهش‌های اقتصادی. دفتر مطالعات اقتصادی.

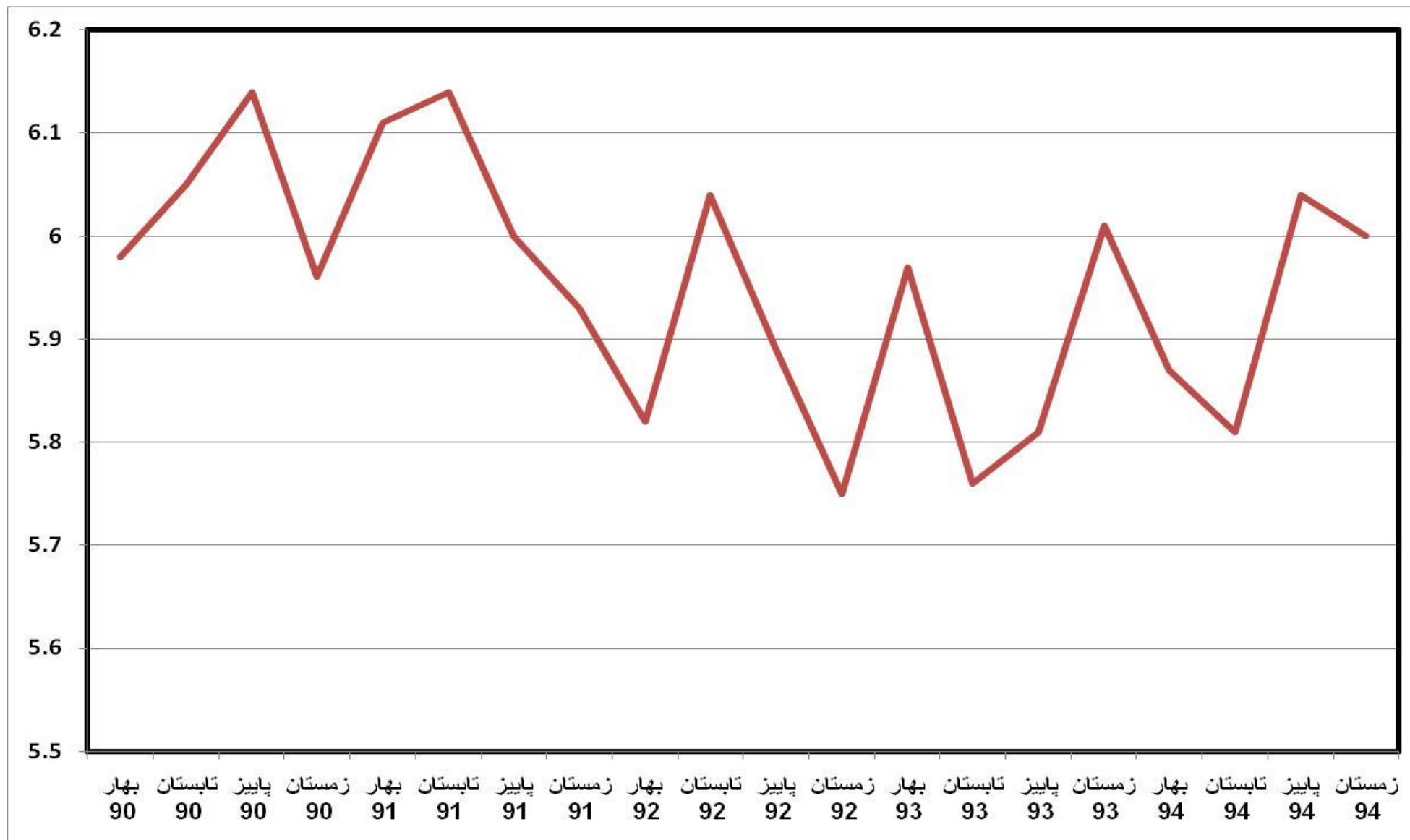
جدول ۳-۷: ارزیابی تشکلهای اقتصادی از امتیاز و رتبه‌ی مؤلفه‌ی عرضه‌ی
کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی، به تفکیک بخش‌های اقتصادی طی دوره ۹۴-۱۳۹۰

بخش خدمات		بخش صنعت و معدن		بخش کشاورزی		سال - فصل
رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	
	۵,۳۹		۶,۰۸		۵,۳۵	۱۳۹۰-۱
	۵,۳۷		۵,۸۵		۴,۷۵	۱۳۹۰-۲
	۶,۳۸		۵,۷۸		۵,۸۵	۱۳۹۰-۳
	۵,۷۴		۵,۷۹		۵,۰۵	۱۳۹۰-۴
	۵,۶۵		۵,۹۷		۶,۰۴	۱۳۹۱-۱
	۵,۸۹		۵,۰۵		۴,۴۹	۱۳۹۱-۲
	۵,۶۶		۴,۹۶		۴,۸۸	۱۳۹۱-۳
	۵,۸۵		۵,۱۸		۴,۲۳	۱۳۹۱-۴
	۵,۲۱		۵,۳۹		۴,۴۶	۱۳۹۲-۱
	۵,۳۸		۵,۳۶		۵,۵۲	۱۳۹۲-۲
	۵,۷۹		۵,۴۹		۴,۲۶	۱۳۹۲-۳
	۵,۹۹		۴,۷۷		۳,۹۷	۱۳۹۲-۴
۱۴	۵,۷۱	۱۸	۵,۲۳	۱۹	۴,۳	۱۳۹۳-۱
۱۴	۵,۴۲	۱۸	۴,۹۳	۱۶	۴,۸	۱۳۹۳-۲
۱۳	۵,۶۴	۱۵	۵,۷۷	۱۹	۴,۳۷	۱۳۹۳-۳
۶	۶,۵	۱۶	۵,۵۸	۱۹	۳,۸۸	۱۳۹۳-۴
۱۲	۵,۷۵	۱۴	۵,۸	۱۸	۴,۶۲	۱۳۹۴-۱
۹	۵,۸۵	۹	۵,۹۶	۱۸	۴,۴۷	۱۳۹۴-۲
۱۰	۶,۲۶	۱۱	۵,۶۷	۱۸	۵,۰۲	۱۳۹۴-۳
۷	۶,۵۳	۱۳	۵,۵۹	۱۷	۵,۴۳	۱۳۹۴-۴
۱۰,۶۳	۸۵.	۱۴,۲۵	۵,۵	۱۸	۸۴.	میانگین
۶	۵,۲۱	۹	۴,۷۷	۱۶	۳,۸۸	حداقل
۱۴	۶,۵۳	۱۸	۶,۰۸	۱۹	۶,۰۴	حدکثر
۸	۱,۳۲	۹	۱,۳۱	۳	۲,۱۶	دامنه‌ی تغییرات

مأخذ: استخراج و محاسبه شده از اطلاعات مندرج در: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴). گزارش‌های فصلی پایش محیط کسب و کار در ایران. معاونت پژوهش‌های اقتصادی. دفتر مطالعات اقتصادی.

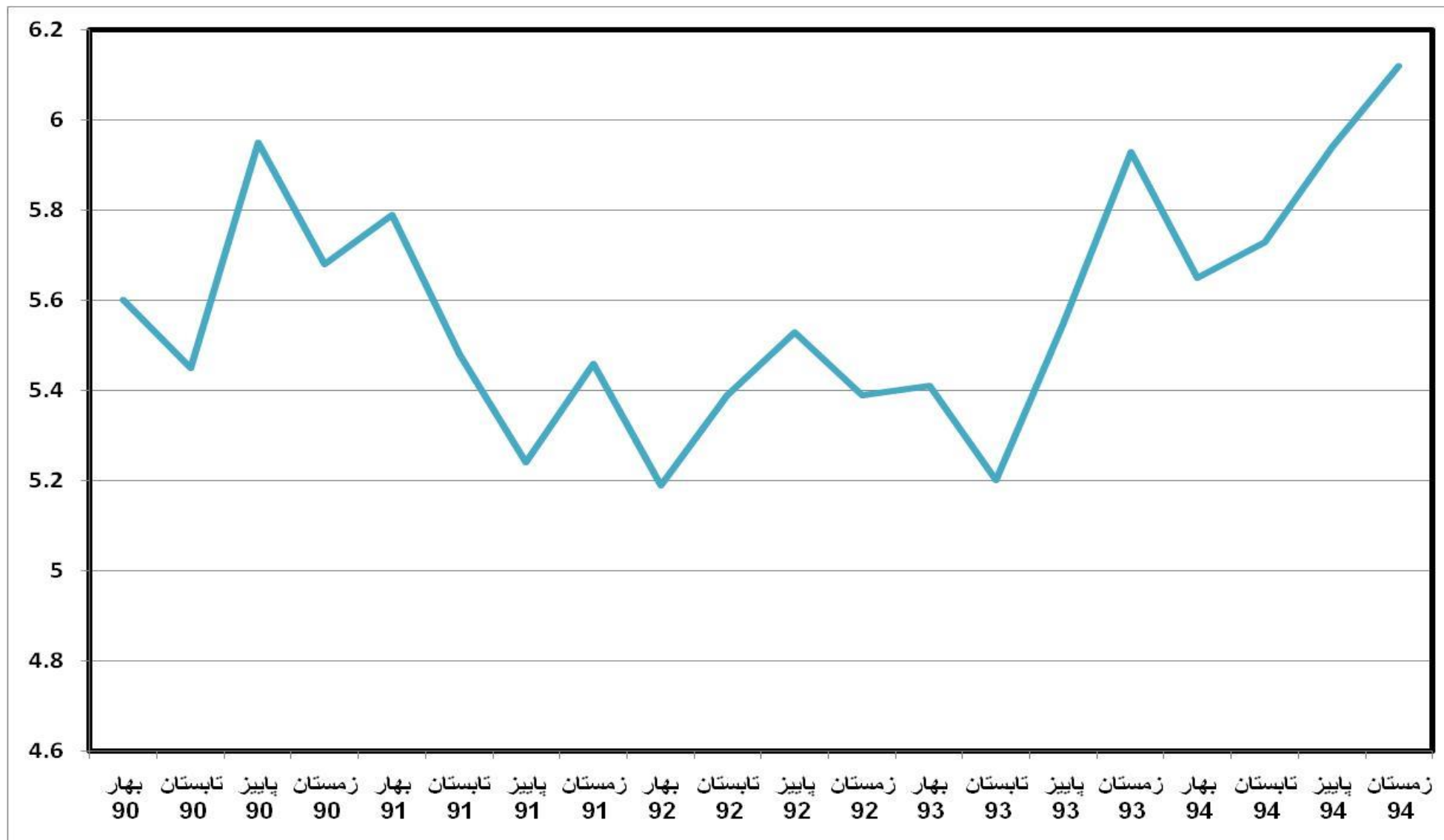
نمودار ۷-۱: میانگین وزنی ارزیابی تشکلهای اقتصادی از امتیاز ۲۱ مؤلفه محیط کسب و کار در ایران طی دوره ۹۴-۱۳۹۰

امتیاز از ۱ تا ۱۰

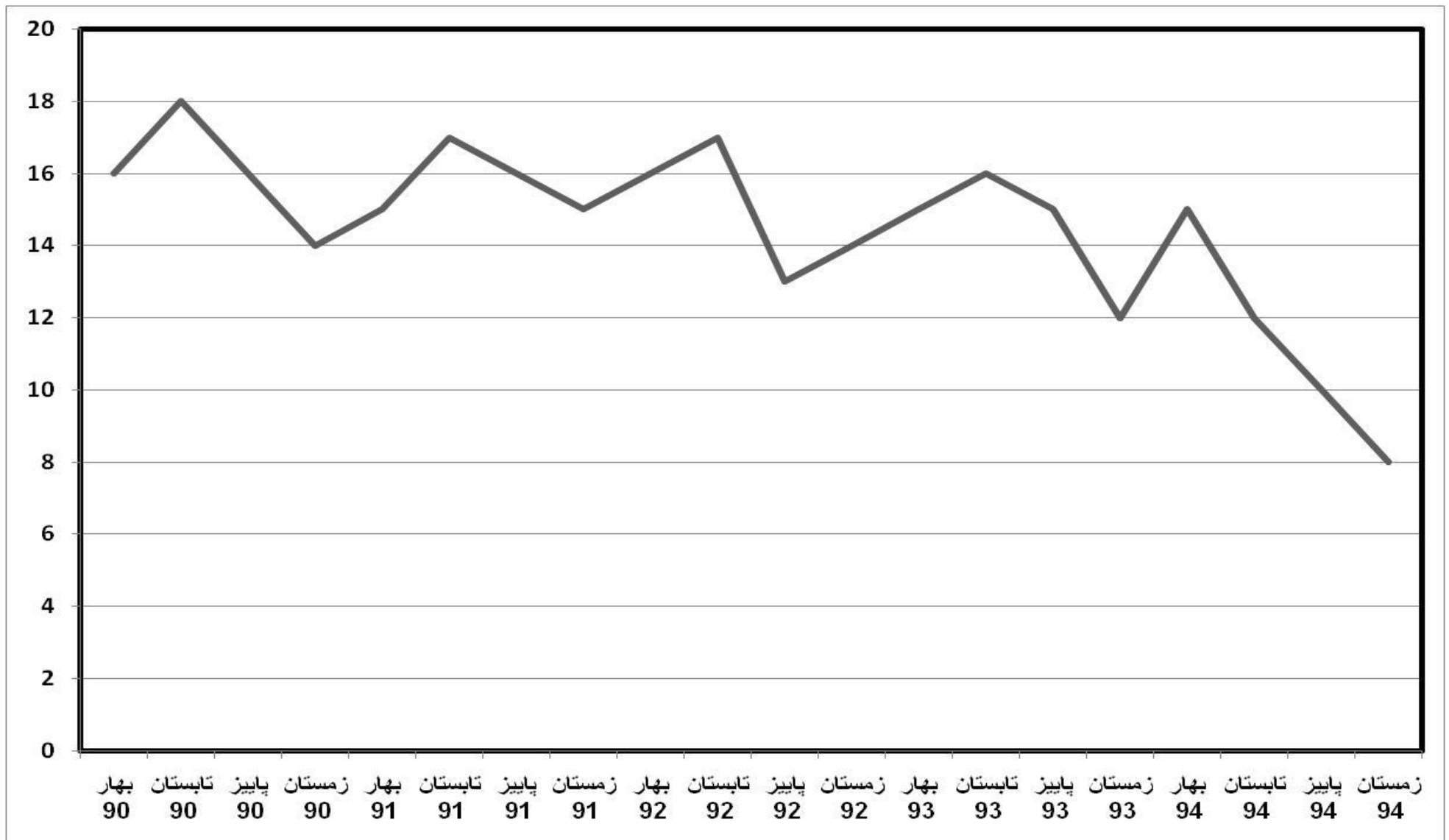


نمودار ۷-۲: ارزیابی تشکلهای اقتصادی از امتیاز مؤلفه‌ی عرضه‌ی کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی طی دوره ۹۴-۱۳۹۰

امتیاز از ۱ تا ۱۰

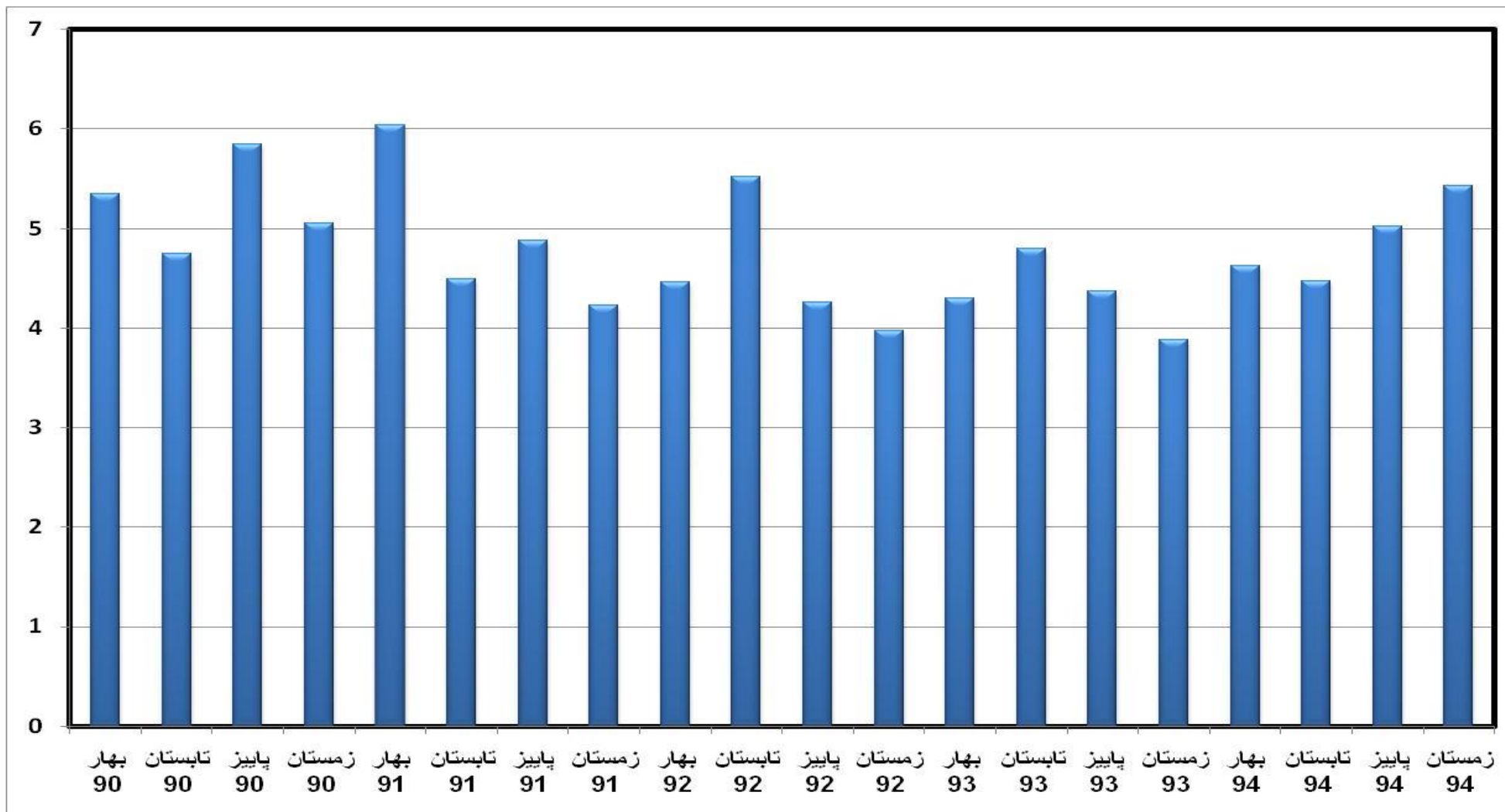


نمودار ۳-۷: ارزیابی تشکلهای اقتصادی از رتبهی مؤلفهی عرضه ی کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی طی دوره ۹۴-۱۳۹۰



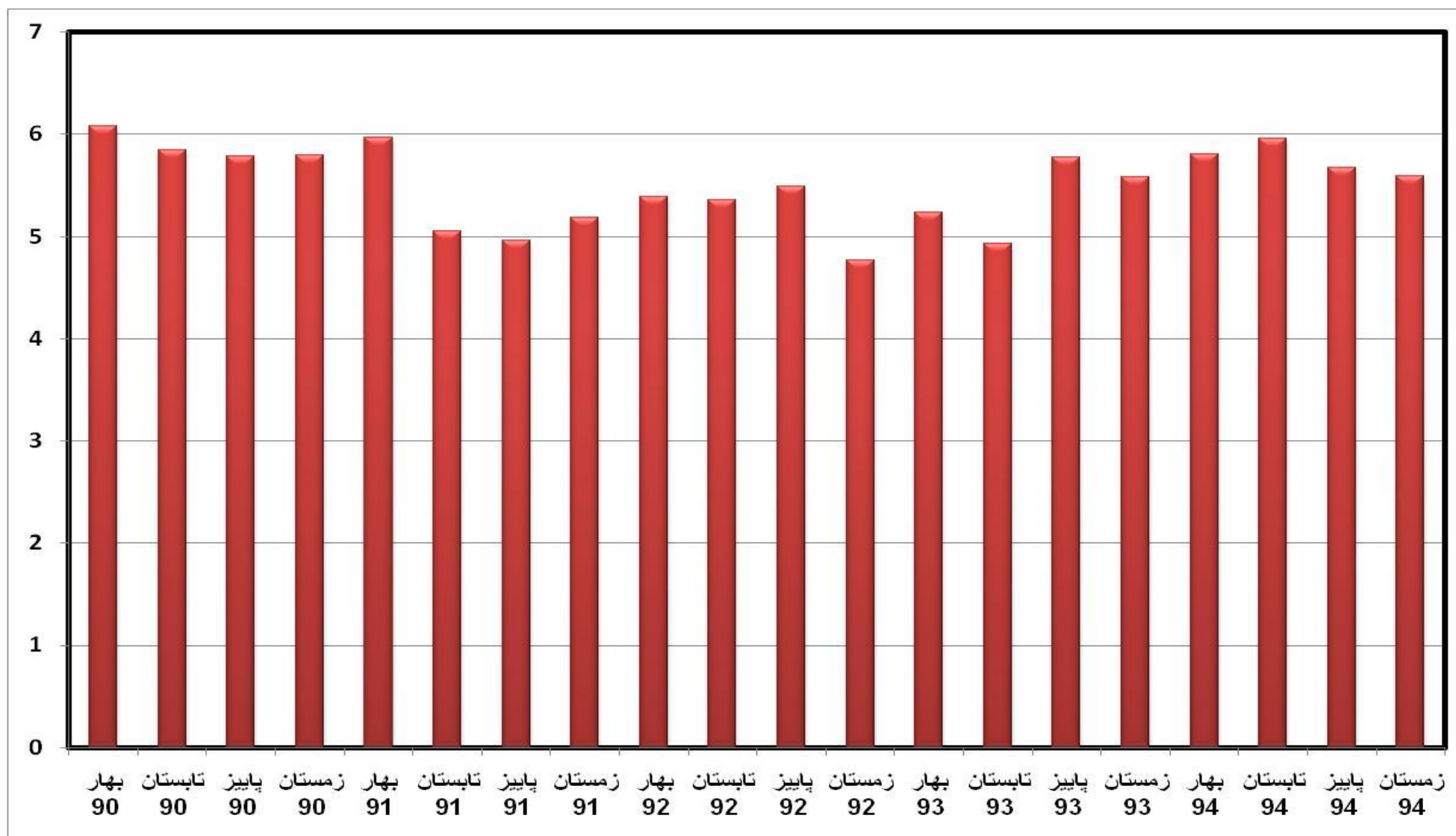
نمودار ۴-۷: ارزیابی تشکلهای اقتصادی بخش کشاورزی از امتیاز مؤلفه‌ی عرضه‌ی کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی طی دوره ۹۴-۱۳۹۰

امتیاز از ۱ تا ۱۰



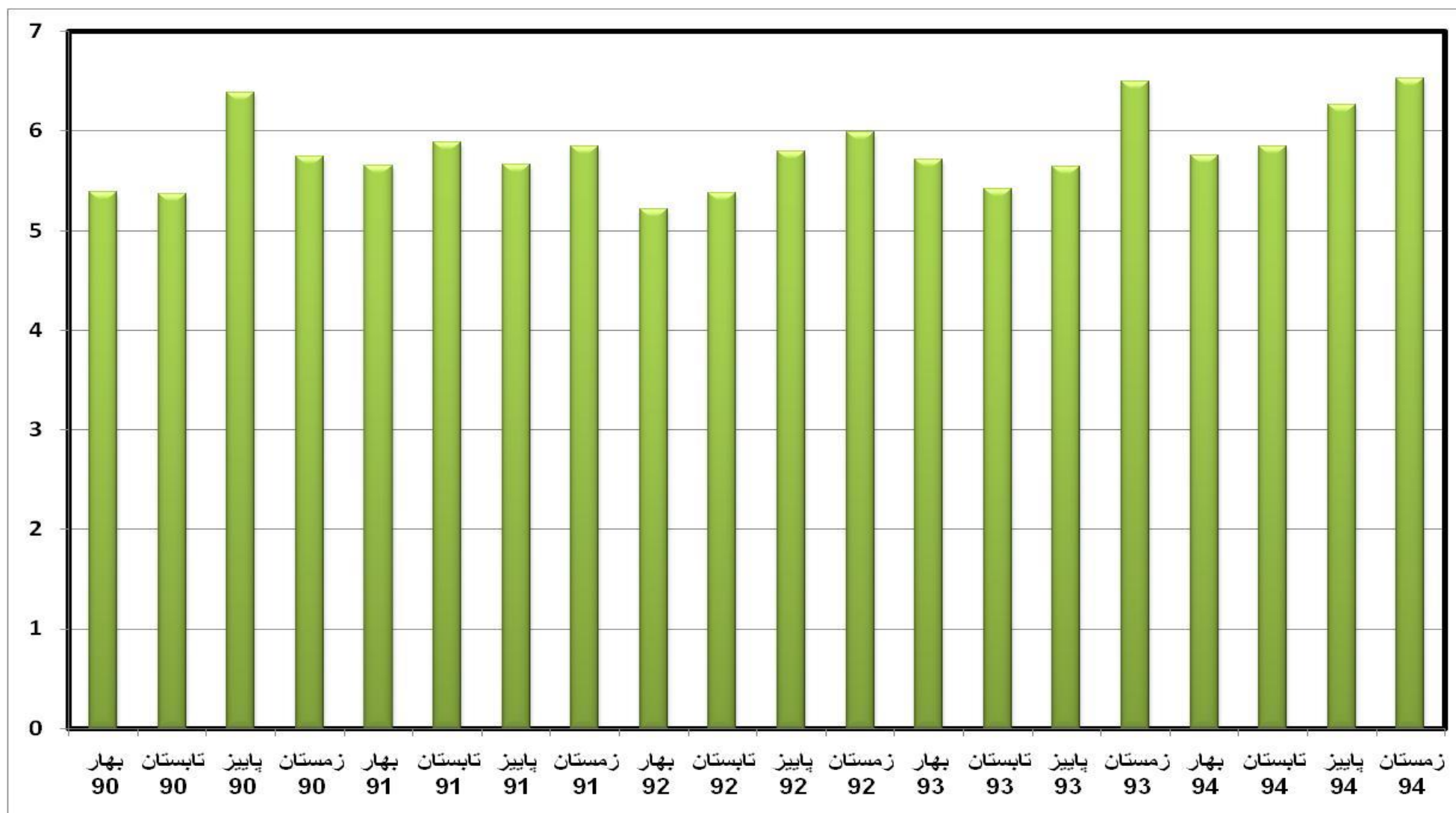
نمودار ۵-۷: ارزیابی تشکلهای اقتصادی بخش صنعت و معدن از امتیاز مؤلفه‌ی عرضه‌ی کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی طی دوره ۹۴-۱۳۹۰

امتیاز از ۱ تا ۱۰



نمودار ۶-۷: ارزیابی تشکلهای اقتصادی بخش خدمات از امتیاز مؤلفه‌ی عرضه‌ی کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی طی دوره ۹۴-۱۳۹۰

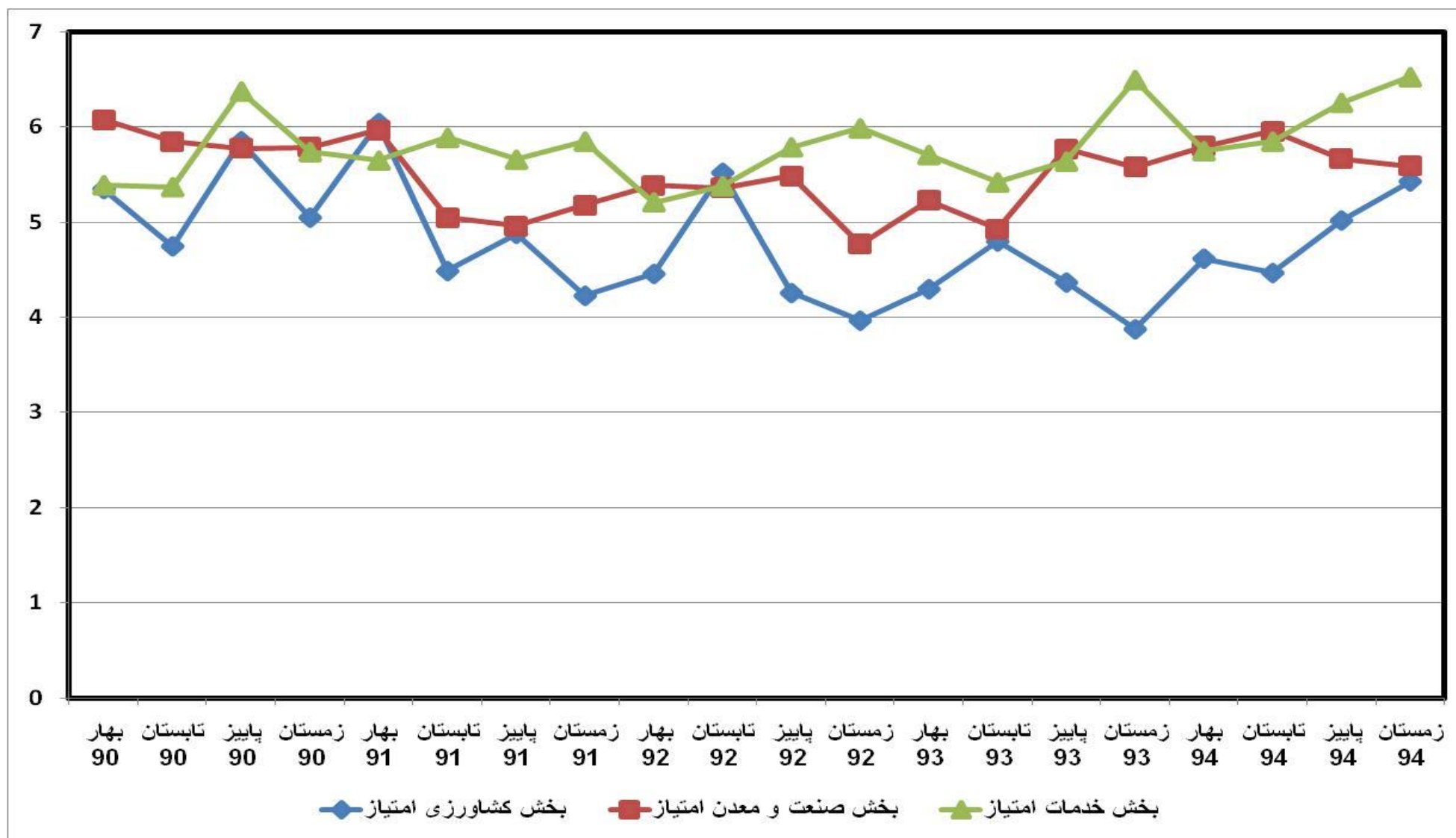
امتیاز از ۱ تا ۱۰



نمودار ۷-۷: مقایسه‌ی ارزیابی تشکلهای اقتصادی بخش‌های مختلف اقتصادی از امتیاز مؤلفه‌ی عرضه‌ی کالای خارجی قاچاق در بازار داخلی طی دوره

۱۳۹۰ - ۹۴

امتیاز از ۱ تا ۱۰



فصل هشتم: چگونگی مواجهه با اقتصاد غیررسمی؛ توصیه‌های

سیاستی و مسیرهای آتی پژوهش

۱. مقدمه

تخمین‌ها از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران نشان‌دهنده‌ی روند صعودی و گسترش این پدیده در اقتصاد ایران است. در قسمت چهارم از فصل پنجم این تحقیق، نتایج شش مطالعه‌ی ایرانی، از این نقطه‌نظر، با یکدیگر مقایسه و ملاحظه شد که همگی بر افزایشی بودن حجم نسبی اقتصاد غیررسمی، به‌ویژه در بخش عمده‌ای از سال‌های دو دهه‌ی اخیر گواهی می‌دادند. سری زمانی محاسباتی این تحقیق از اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در دوره ۹۱-۱۳۴۲ بر مبنای میانگین برآوردهای مطالعات مذکور نیز مؤید این یافته بود. همچنین، در همان قسمت، برآورد و پیش‌بینی اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی در ایران طی سال‌های ۹۹-۱۳۹۲ با روش روندیابی سری زمانی مذکور بر مبنای رشد این شاخص در یک دهه‌ی آخر، تداوم جهت صعودی حرکت این پدیده و افزایش به سطوحی بی‌سابقه و هشداردهنده‌ی بالاتر از ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی رسمی، را به نمایش گذاشت.

از طرف دیگر، بررسی آثار گسترش اقتصاد غیررسمی در فصل چهارم تحقیق، نشان‌گر پی‌آمدهای عمدتاً مخرب این پدیده بر شئون مختلف حیات اجتماعی، گذار کشور به سمت توسعه‌یافتگی و به‌طور خاص، بر اقتصاد، بود. علاوه‌براین، یافته‌های فصل گذشته (هفتم) تحقیق نشان داد که گسترش اقتصاد غیررسمی، محیط کسب و کار را برای کارآفرینان و فعالان اقتصاد رسمی نامساعدتر می‌کند. در آنجا، هم به‌لحاظ نظری بحث شد که با افزایش اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی، سیاست‌های تجاری دولت برای حمایت از تولید داخلی مختل می‌شود، نااطمینانی‌ها برای فعالیت‌های اقتصادی رسمی بالاتر می‌رود و هزینه‌ی حضور و فعالیت در این بخش افزایش می‌یابد؛ هم با استناد به نتایج پایش محیط کسب و کار در ایران توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شواهدی تجربی از درک تشکلهای اقتصادی ایران در مورد اثر نامناسب عرضه‌ی کالای وارداتی قاچاق در بازار داخلی بر محیط کسب و کار آنان ارائه شد.

ترکیب این یافته‌ها، به معنای در حال گسترش بودن چالشی عمده برای جامعه و به‌ویژه فعالان اقتصادی است. برای مواجهه با این پدیده‌ی مخرب، چه باید کرد؟ به‌عبارت دیگر، در پاسخ به این پرسش اصلی تحقیق که "با توجه به آثار آن، آیا دولت و نیز فعالان اقتصادی باید به گسترش آن کمک کنند یا سعی در کاهش حجم آن داشته باشند؟ چگونه؟"، بر مبنای یافته‌های فصول گذشته می‌توانیم در پاسخ به بخش اول سؤال، بر لزوم مقابله‌ی قاطعانه‌ی دولت و فعالان اقتصادی با گسترش اقتصاد غیررسمی تأکید نماییم.

اما، در این فصل، به پاسخ به بخش دوم سؤال که چگونگی این مواجهه را مورد پرسش قرار می‌دهد، می‌پردازیم. برای استخراج توصیه‌های سیاستی، همانند غالب فصول این تحقیق، ارائه‌ی یافته‌های بررسی تطبیقی سیاست‌های پیشنهادی مطالعات انجام‌شده در مورد اقتصاد غیررسمی در ایران، محور اصلی کار خواهد بود.

همچنین، با توجه به اینکه، یکی از خروجی‌های اصلی اجرای روش فراتحلیل، استخراج مسیرهای آتی پژوهش است، قسمت انتهایی این فصل به ارائه‌ی نتایج اجرای این روش و نیز بررسی تطبیقی مسیرهای پیشنهادی مطالعات ایرانی برای پژوهش‌های آتی در این حوزه اختصاص دارد. بدین ترتیب، به واپسین پرسش

اصلی این تحقیق یعنی اینکه "اصلی ترین محورهای پژوهشی که در مطالعات انجام شده نادیده گرفته شده کدامند؟"، پاسخ خواهیم داد.

۲. توصیه های سیاستی برای مواجهه با اقتصاد غیررسمی

در این قسمت، نخست، به بررسی تطبیقی توصیه ها سیاستی پیشنهادشده در مطالعات ایرانی صورت گرفته پیرامون اقتصاد غیررسمی در ایران می پردازیم. سپس، کوشش می کنیم این تجویزهای پیشنهادی برای کاهش اندازه ی اقتصاد غیررسمی را با استفاده از چارچوب نظری مطرح شده در فصل سوم تحقیق، طبقه بندی نموده و جمع بندی مشخصی از آنها ارائه کنیم.

۲-۱. بررسی تطبیقی توصیه های سیاستی مطالعات انجام شده

جدول شماره ی ۸-۱ سیاست ها و راه کارهای پیشنهادی در مطالعات ایرانی بررسی شده در این پژوهش برای مقابله با گسترش اقتصاد غیررسمی در ایران را ارائه و با یکدیگر مقایسه می کند. همان طور که ملاحظه می شود، از مجموع ۵۹ مقاله ی علمی و گزارش پژوهشی منتشرشده طی سال های ۹۵-۱۳۸۰ در ایران در باره ی ابعاد مختلف اقتصاد غیررسمی یا اجزاء آن در کشور، ۴۶ مطالعه، پیشنهاداتی را برای مواجهه با این پدیده ارائه نموده اند.

بررسی و مقایسه ی فهرست بلند تجویزهای پیشنهادی در این پژوهش های علمی برای کنترل و کاهش اندازه ی اقتصاد غیررسمی در ایران، نشان می دهد:

- در پاره ای از موارد، محققان به مواردی به عنوان سیاست های پیشنهادی اشاره نموده اند که کاملاً کلی و صرفاً تأکید بر ضرورت مقابله با روند مخرب گسترش این پدیده است؛ مانند: مبارزه ی جدی با قاچاق کالا، تجدیدنظر در سیاست های مبارزه با قاچاق کالا، تشدید مبارزه با قاچاق مواد مخدر؛ یا تنها به یک جهت گیری سیاستی بدون مشخص نمودن مصادیق آن اکتفا شده است؛ مانند: انجام اصلاحات ساختاری، کاهش مشکلات ساختاری، ایجاد نهادهای خوب، اولویت دادن به ارتقای

کارآمدی دولت، مبارزه با رانت‌جویی، بهبود نظام مالیاتی کشور، تعدیل سیاست‌های مالیاتی. چنین توصیه‌هایی از آن جهت که رویکرد و موضع محقق نسبت به گسترش اقتصاد غیررسمی یا چگونگی مقابله با آن را مشخص می‌سازد مفید است اما از آن جلوتر نمی‌رود و راهنمایی عملی مشخصی برای تحقق این رویکرد در قالب سیاست‌های معین، ارائه نمی‌کند.

- با مقایسه‌ی مفاد این جدول و آنچه که در جدول "بررسی تطبیقی مبانی نظری و الگوهای مطالعات عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و گسترش اقتصاد غیررسمی" در فصل سوم این گزارش ارائه شد، ملاحظه می‌شود، غالب سیاست‌های پیشنهادی، در چارچوب موضوع تحقیق و متناسب با مبانی نظری و یا الگوی تجربی ارائه شده در آن است. هرچه تحقیق از ارائه‌ی مبانی نظری کلی فراتر رفته و به الگوی تجربی مشخص رسیده، و به‌ویژه در مواردی که موضوع و یا روش پژوهش به عوامل مؤثر پرداخته، توانسته به سیاست‌های مشخص‌تر با مصادیق معین‌تری برسد.

- مطالعاتی که در مبانی نظری و یا الگوی تجربی، از تحلیل و متغیرهای سطح کلان سود برده‌اند، در تجویزهای پیشنهادی به‌سمت توصیه‌ی سیاست‌های رفته‌اند که در چارچوب سیاست‌های اقتصاد کلان (مالی، پولی، تجاری و ارزی) قابل طبقه‌بندی است؛ نظیر: مهار تورم، کاهش بار مالیاتی یا جلوگیری از جهش آن، کاهش بیکاری، کاهش یا بهینه‌سازی نرخ‌های تعرفه وارداتی.

- به‌همین ترتیب، پژوهش‌هایی که در مبانی نظری و یا الگوهای تجربی‌شان از تحلیل و متغیرهای سطح توسعه استفاده کرده‌اند، به‌هنگام ارائه‌ی سیاست‌های پیشنهادی نیز عمدتاً به سراغ اصلاحات ساختاری و نهادی رفته‌اند؛ از قبیل: بهبود فضای کسب و کار، شفاف‌سازی و کاهش شدت قوانین و مقررات، کاهش اندازه‌ی دولت، توانمندسازی دولت یا ارتقاء کارایی آن، کاهش محدودیت‌های تجاری و یا آزادسازی تجاری. البته توصیه‌های سیاستی کلان، نظیر کاهش بار مالیاتی یا کاهش نرخ تعرفه‌ها، که در بند قبلی به آنها اشاره شد، را نیز می‌توان شاخص‌هایی برای همین دسته از اصلاحات تفسیر نمود.

- خلاهای مربوط به نبود مبانی نظری مشخص، تمرکز زیاد مطالعات بر اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی و گرایش بیشتر به سمت روش‌های اندازه‌گیری غیرمستقیم و با استفاده از متغیرهای دارای اطلاعات دردسترس، و در نتیجه تمایل کمتر به مطالعات مبتنی بر مشاهدات میدانی و روش‌های اندازه‌گیری مستقیم، علل اصلی محدودماندن سیاست‌های پیشنهادی در چارچوب بیان رویکردهای کلی و تمرکز بر عناوین عمومی سیاست‌های کلان و سیاست‌های اصلاحات نهادی، در غالب مطالعات، است.

۲-۲. طبقه‌بندی و جمع‌بندی توصیه‌های سیاستی

در فصل دوم از گزارش این تحقیق، با استفاده از رویکرد نهادگرایی نوین، چارچوب نظری معینی برای ریشه‌یابی گسترش اقتصاد غیررسمی ارائه شد. در آنجا، ابتدا بر مبنای طبقه‌بندی ویلیامسون، پژوهش‌های اقتصاد نهادگرایی را به چهار سطح متمایز و درعین حال مرتبط با هم تفکیک گردید:

- سطح اول: بدنه‌ی اجتماعی (نهادهای غیررسمی، آداب و رسوم، سنت‌ها، هنجارها و دین)؛
- سطح دوم: فضای نهادی (قواعد رسمی بازی شامل عوامل تأثیرگذار بر مالکیت در سطوح مختلف حاکمیت)؛ اقتصاد حقوق مالکیت

- سطح سوم: حکمرانی (انجام بازی شامل اجرای قراردادها)؛ اقتصاد هزینه مبادله

- سطح چهارم: تخصیص منابع و اشتغال (شامل قیمت‌ها و مقادیر: تنظیم انگیزه‌ها)

سپس، نظر داگلاس نورث در مورد علت روی‌آوری به اقتصاد غیررسمی در کشورهای جهان سوم مطرح و با طبقه‌بندی مذکور انطباق داده شد. در دیدگاه نورث، "اندازه‌های بزرگ اقتصاد غیررسمی جزئی از مسئله‌ی توسعه‌نیافتگی است. ناتوانی در شکل‌دهی به ساختارهای کارآمد رسمی نهادی و اجرا، ثمره‌اش در هزینه‌های بالای معاملاتی ظاهر می‌شود و روی‌آوردن به ساختارهای غیررسمی"^۱.

^۱ فصل سوم، قسمت دوم.

در ادامه، مطالعات مربوط به بررسی عوامل مؤثر بر اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران از نظر عوامل شناسایی شده و انطباق آن با دسته‌بندی مذکور، بررسی و ملاحظه گردید، "در میان عوامل ذکر شده، غلبه با آنهایی است که در سطوح دوم و سوم تحلیلی جای می‌گیرند، یعنی آنچه که ناشی از حضور دولت در صحنه‌ی اقتصاد و چگونگی ایفای نقش آن در عرصه‌ی تدوین قوانین و مقررات و چگونگی اجرا و تضمین اجرای آن است. گرچه برخی از این عوامل به کمیت این مداخله می‌پردازند (حجم دولت / مصارف دولتی، تعدد قوانین و مقررات و تعدد ارگان‌های دخالت‌کننده در اقتصاد) اما عمده‌ی آنها تحت‌تأثیر کیفیت این حضور و مداخله است."^۱

علاوه بر این ملاحظه شد که "باوجود تأکید زیاد نظریه‌ی نهادگرایی بر اهمیت هزینه‌ی مبادله و نقش تعیین‌کننده‌ی آن در انتخاب حیطه‌ی غیررسمی برای فعالیت اقتصادی توسط افراد و بنگاه‌ها، تنها یک مطالعه به‌طور مستقیم به این عامل اشاره دارد، اما باید اذعان داشت که تعداد زیادی از عوامل به سطح سوم تحلیل (حکمرانی) باز می‌گردد که تحت عنوان کلی اقتصاد هزینه‌ی معاملاتی طبقه‌بندی می‌شود. به عبارت دیگر، عوامل متعددی به‌طور غیرمستقیم نشان‌گر وضعیت این متغیر مهم اقتصادی هستند"^۲. همچنین، توجه اندک مطالعات به عواملی که در سطح اول طبقه‌بندی ویلیامسون (نهادهای غیررسمی، آداب و رسوم، سنت‌ها، هنجارها و دین) می‌گنجند، از دیگر یافته‌های آن بررسی بود.^۳

مقایسه‌ی توصیه‌های سیاستی مندرج در جدول شماره‌ی ۸-۱ و چارچوب نظری فوق، نشان می‌دهد که یافته‌های فوق در خصوص طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر اقتصاد غیررسمی در ایران بر مبنای مطالعات تجربی انجام‌شده، ثمراتش را در تجویزهای سیاستی این مطالعات نیز نشان داده، به‌طوری‌که بخش عمده‌ای از آنها در صدد ایجاد تغییراتی در سطوح دوم (فضای نهادی) و سوم (حکمرانی) از طبقه‌بندی ویلیامسون هستند.

^۱ فصل سوم، قسمت سوم.

^۲ همان.

^۳ همان.

بر چنین مبنایی و با توجه به یافته‌های بررسی تطبیقی از توصیه‌های سیاستی مطالعات ایرانی و نیز یافته‌های منتج از ادبیات نظری و تجربی موضوع، جمع‌بندی این پژوهش از تجویزهای سیاستی مناسب برای مهار گسترش اقتصاد غیررسمی در ایران را می‌توان اینگونه ارائه نمود:

- دستیابی به چشم‌انداز مشترک اجتماعی در مورد آثار منفی اقتصاد غیررسمی، جایگاه و نقش دولت، بازار و بخش خصوصی در اقتصاد و ضرورت مواجهه با اقتصاد غیررسمی

- بازسازی دولت؛ با تأکید بر:

- ارتقاء توانمندی‌های دولت در اعمال حاکمیت (به‌ویژه توانمندی‌های نظارت و اجرا)

- برقراری توازن بین نقش‌های تصدی‌گرایانه از یک سو و اقتضائات توسعه و توانمندی‌های دولت از سوی دیگر

- توانمندسازی بخش خصوصی و تشکلهای مرتبط با آن

- رفع موانع و گسترش ظرفیت‌های رشد تولید رسمی از طریق بهبود فضای کسب و کار حمایت از رسمی‌سازی فعالیت‌های قانونی غیررسمی

- افزایش هزینه‌ی حضور در فعالیت‌های غیررسمی از طریق ارتقاء ظرفیت‌های نظارتی دولت و پایبندی دولت به حاکمیت قانون

- شفاف‌سازی اطلاعات مرتبط با حضور و یا حمایت دولت و شبه‌دولت در و از فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی

- گسترش رقابت و مواجهه با انحصارات

- مهار تورم با تعهد دولت به انضباط مالی و اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب

- نوین‌سازی ساختار مالیاتی و گمرکی با شفاف‌سازی، عادلانه‌نمودن، کاهش نرخ‌ها، افزایش پایه‌ها و جلوگیری از گریز.

- طراحی سیاست‌های مناسب راهبردی تجاری با هدف ارتقاء ظرفیت‌های کارآفرینی تولیدی

صادرات‌گرا در بخش خصوصی

پیش از به پایان بردن این قسمت، تأکید بر دو نکته حائز اهمیت است: نخست آنکه، مخاطب این تجویزها ترکیبی از دولت، تشکلهای و انجمن‌های صنفی و تخصصی و جامعه است. به‌ویژه، تشکلهای و انجمن‌های صنفی و تخصصی بایستی از ایفای نقش صرف "مطالبه‌گری" و "صدای اعضاء" خارج شده و به‌سمت تعامل فعال برای شکل‌دهی الگوهای مشارکتی برای شناسایی مشکلات و راه‌حل‌ها و نیز اجرای آنها حرکت نمایند.

دوم آنکه، از آنجا که روش غالب بر این پژوهش، فراتحلیل و مبتنی بر مطالعات گذشته است، به‌طور طبیعی، کاستی‌های توصیه‌های سیاستی آن مطالعات (کلی‌بودن، تأکید بر رویکردها و جهت‌گیری‌ها و کم‌توجهی به سطوح اول و سوم از طبقه‌بندی پژوهش‌نهادگرایی نوین) به جمع‌بندی فوق نیز تسری یافته است. طی نمودن مسیرهای پیشنهادی برای پژوهش‌های آتی، به‌شرحی که در قسمت بعدی خواهد آمد، می‌تواند به رفع این کاستی‌ها کمک کند.

۳. مسیرهای آتی پژوهش

برای ارائه‌ی پیشنهاد در مورد مسیرهای آتی پژوهش، متناسب با ماهیت این پژوهش، از دو روش استفاده می‌کنیم. ابتدا، پژوهش‌های پیشنهادی مطالعات ایرانی در مورد اقتصاد غیررسمی، فهرست و مقایسه می‌گردد، سپس، به‌عنوان یکی از خروجی‌های اصلی اجرای روش فراتحلیل، مسیرهای آتی پژوهش بر مبنای یافته‌های اجرای این روش، ارائه می‌شود.

۳-۱. بررسی تطبیقی مسیرهای پیشنهادی پژوهش در مطالعات انجام‌شده

جدول شماره‌ی ۸-۲، پژوهش‌های پیشنهادشده در مطالعات ایرانی بررسی‌شده در این مطالعه پیرامون اقتصاد غیررسمی در ایران را، به‌تفکیک هر مطالعه، ارائه و مقایسه کرده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، از

مجموع ۵۹ مقاله‌ی علمی و گزارش پژوهشی در باره‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، تنها ۵ مطالعه، پیشنهادهایی را برای پژوهش‌های آتی در این زمینه مطرح نموده‌اند. همان‌طور که در جدول مذکور مشاهده می‌شود:

- پژوهش‌های پیشنهادی در یکی از مطالعات، متناسب با بخش دیگری از موضوع تحقیق، در باره‌ی فساد اقتصادی است که از حیطه‌ی این بررسی خارج است.
- از ۷ پژوهش پیشنهادی در ۴ مطالعه‌ی باقی‌مانده، بیشترین فراوانی (۵ مورد) به پیشنهادهایی مربوط می‌شود که اصلاح و تکمیل اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی در ایران یا اجزاء آن را هدف قرار داده‌اند. در هر حال، اهمیت تولید اطلاعات صحیح‌تر از ابعاد مختلف این پدیده برای سیاست‌گذاری بهتر اقتصادی و نیز تصمیمات سرمایه‌گذاری توسط فعالان اقتصادی، غیرقابل چشم‌پوشی است.
- دو پژوهش پیشنهادی دیگر ("انجام مطالعات تکمیلی در مورد اثر اقتصاد سایه‌ای بر رشد اقتصادی با استفاده از روش‌ها و متغیرهای مختلف" و "ارزیابی اقتصادی گرفتن مالیات از بخش غیررسمی")، به‌نوعی به گسترش استفاده از اطلاعات تولیدشده در باره‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران یا اجزاء آن بازمی‌گردد. واقعیت آن است که این‌گونه پژوهش‌ها در کشورمان متناسب با پژوهش‌های با موضوع اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی، رشد نکرده‌اند. در حالی که پیشرفت‌ها در حوزه‌ی اندازه‌گیری این پدیده هنگامی سودمند خواهد بود که بتواند با این گروه از پژوهش‌ها تکمیل شود.

۲-۳. مسیرهای آتی پژوهش بر مبنای یافته‌های اجرای روش فراتحلیل

اگر نگوییم اصلی‌ترین، قطعاً می‌توان گفت یکی از خروجی‌های اصلی اجرای روش فراتحلیل، دستیابی به مسیرهای آتی پژوهش، مبتنی بر یافته‌های اجرای این روش در شناسایی نقاط قوت و ضعف مطالعات پیشین است. در این پژوهش نیز که روش اصلی آن، فراتحلیل بود بخشی از یافته‌های اصلی هر فصل، به‌استثناء دو

فصل نخست که به کلیات و ارائه‌ی تعاریف و مفاهیم می‌پردازد، شناسایی این نقاط قوت و ضعف بود. به‌ویژه، در فصول سوم تا پنجم، چنین کارکردی به‌صورت بارزتری مشاهده می‌شود.

لذا، علاوه بر آنچه که تعداد اندکی از مطالعات قبلی، به‌عنوان پژوهش‌های پیشنهادی مطرح نموده‌اند و در بخش قبلی مرور شد، و هم‌راستا با آن، می‌توان با اتکاء به یافته‌های مذکور، چارچوب کلی‌تری را به‌عنوان مسیرهای آتی پژوهش یا اولویت‌های راهبردی پژوهش در این حوزه، به‌شرح زیر، ارائه نمود:

- **پژوهش‌هایی با چارچوب مفهومی مشخص‌تر:** بخش عمده‌ای از ادبیات موجود در مورد اقتصاد

غیررسمی چه در ایران و چه در جهان، نوعاً در اثر محدودیت‌های ناشی از روش اندازه‌گیری، از تعیین دقیق حیطه‌ی مفهومی آنچه که بررسی کرده‌اند سر باز زده‌اند. به‌این ترتیب به اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل پدیده‌ای پرداخته‌اند که حدود و ثغور تعریف آن مشخص نیست. همان‌طور که در فصول سوم تا پنجم ملاحظه نمودید، این نقطه‌ی ضعف موجب شده تا ناسازگاری زیادی بین یافته‌های این پژوهش‌ها مشاهده شود و اساساً مقایسه‌ی نتایج این مطالعات با یکدیگر دشوار شود. پژوهش‌های آتی، هنگامی مثمر‌تر خواهند بود که در ابتدا مشخص نمایند که به بررسی چه حیطه یا حیطه‌هایی از تعریف گسترده‌ی اقتصاد غیررسمی می‌پردازند.

- **پژوهش‌هایی با چارچوب نظری معین‌تر:** غالب ادبیات اقتصاد غیررسمی در ایران و جهان، از

ضعف جدی از نظر اتکاء به چارچوب نظری معین رنج می‌برد. کشف اندازه‌ی این پدیده‌ی پنهان، تلاش برای ابداع و به‌کارگیری روش‌های تخمین آن را در اولویت قرار داده و لزوم توجه و مقیدبودن به چارچوب نظری مشخص را به محقق برده است. بدون چنین توجهی و لحاظ‌نمودن محدودیت‌های آن، دستاوردهای آسیب‌شناسی و سیاستی این مطالعات دارای نقائص عمده و جدی است. همان‌طور که در فصل سوم این پژوهش تصریح شد، به‌نظر می‌رسد نظریه‌ی نهادگرایی نوین می‌تواند نقطه‌ی اتکاء مهمی برای پژوهش‌های آتی در این زمینه باشد.

- پژوهش‌هایی در سطوح و روش‌های مغفول‌مانده: مطالعات انجام‌شده در باره‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران، عمدتاً بر دو سطح تحلیلی دوم (فضای نهادی) و چهارم (حکمرانی) از سطوح چهارگانه‌ی تحلیل نهادی تمرکز داشته‌اند. برای تکمیل نگرش‌ها و یافته‌ها در این حوزه، لازم است پژوهش‌هایی در سطوح اول (بدنه‌ی اجتماعی) و چهارم (تخصیص منابع و اشتغال) انجام شود.
- پژوهش‌هایی برای گسترش کیفیت اطلاعات: تاکنون اندازه‌گیری و تحلیل اقتصاد غیررسمی در ایران، عمدتاً با روش‌های غیرمستقیم و کلان صورت گرفته است. نیاز اصلی دسترسی به اطلاعات دقیق‌تر و با روش‌های مستقیم و متکی به مشاهدات میدانی است. بدون چنین اطلاعاتی، نمی‌توان از تجویزهای سیاستی کلی، به‌سوی پیشنهادات مشخص با مصادیق معین رفت. انجام پژوهش‌های لازم برای تدوین چارچوب طرح‌های آماری لازم برای اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی در بخش خانوار و بخش غیررسمی، انجام مطالعات لازم برای ارائه روش‌هایی جهت برآوردهای دقیق‌تر از اندازه‌ی بخش‌های نامنظم و غیرقانونی و درج آن در حساب‌های ملی و انجام پژوهش‌های سطح خرد و میدانی در مورد اجزاء بخش غیررسمی، نیازهای اصلی پژوهشی در این حوزه است.
- پژوهش‌هایی برای گسترش کاربرد اطلاعات: تولید سری‌های زمانی از اندازه‌ی نسبی اقتصاد غیررسمی و اجزاء آن در ایران، مادامی‌که این داده‌ها برای تکمیل مطالعات تجربی دیگر به‌کار نرود، حاصلی جز آگاهی‌بخشی و هشداردهی نخواهد داشت. باید به‌سمت پژوهش‌هایی رفت که از این اطلاعات برای تکمیل شناخت از روند تغییرات متغیرهای اصلی اقتصادی و اصلاح سیاست‌ها سود برد. از این سری‌های زمانی، می‌توان در بررسی تجربی نظریه‌های متعارف در مورد رشد، مصرف، سرمایه‌گذاری، تقاضای پول و ... استفاده کرد و به شناخت بهتری از این متغیرهای کلیدی و عوامل مؤثر بر شکل‌دهی به روند آن و نیز سیاست‌های مشخصی برای کنترل و جهت‌دهی آنها، دست یافت.

- پژوهش‌هایی برای تعریف نقش‌های مشخص‌تر برای تشکلهای مدنی: مطالعات موجود، در سیاست‌های پیشنهادی، تنها دولت را مخاطب خود می‌بیند و هیچ نقشی برای اجزاء مهم دیگر جامعه قائل نیست. این در حالی است که ادبیات نوین در باره‌ی تغییر اجتماعی، هیچ تحول اساسی را بدون مشارکت جامعه و تشکلهای مدنی، پایدار نمی‌داند. انجام پژوهش‌هایی که بتواند پروژه‌های مشترک همکاری بین تشکلهای مدنی و دولت برای شناسایی مسائل و راه‌حل‌ها و اجرای راه‌حل‌ها، در این حوزه، تعریف نماید، یک ضرورت اساسی است. خوشبختانه تجربیات بین‌المللی موجود از تعریف و اجرای چنین پروژه‌هایی در بهبود محیط کسب و کار و نوین‌سازی گمرک، بهبود نظام تأمین اجتماعی و ...، راه‌گشای تعریف و اجرای چنین پژوهش‌هایی خواهد بود.

ضمیمه فصل هشت

جدول ۸-۱: توصیه‌های سیاستی مطالعات ایرانی برای مواجهه با اقتصاد غیررسمی در ایران

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
مقالات علمی			
۱	محمود جمعه‌پور (۱۳۸۰)	مشاغل غیررسمی به عنوان یک مسئله‌ی شهری و ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن (بررسی موردی در پل سیدخندان)	- برنامه‌ریزی استفاده از قابلیت‌های بخش غیررسمی - هدایت و کنترل بخش غیررسمی
۲	علی عرب‌مازار یزدی (۱۳۸۰)	اقتصادسیاه در ایران اندازه، علل و آثار آن در سه دهه‌ی اخیر	- مهار تورم - اجتناب از تغییرات فزاینده‌ی ناگهانی در بارمالیاتی - اولویت‌دادن به ارتقای کارآمدی دولت - در نظر گرفتن آثار سیاست‌های انبساطی بر رشد اقتصاد سیاه
۳	حسین صادقی و علیرضا شکیبایی (۱۳۸۰)	فرار مالیاتی و اندازه‌ی اقتصاد زیرزمینی ایران با روش منطق فازی	
۴	علی‌اصغر اسفندیاری و آرش جمال‌منش (۱۳۸۱)	اقتصاد زیرزمینی و تأثیر آن بر اقتصاد ملی	- بهبود نظام مالیاتی کشور - حذف تبعیض بین بخش خصوصی و دولتی - افزایش کارآمدی دولت از طریق ارتقای توانمندی آن - وجود مقررات نظارتی و کیفری کافی - مهار تورم - نظارت مستمر بر انتقالات بانکی - مبارزه جدی با قاچاق کالا - تشدید مبارزه با قاچاق مواد مخدر
۵	علیرضا شکیبایی و حسین صادقی (۱۳۸۲)	مدل‌سازی اقتصاد زیرزمینی با روش فازی	
۶	یدالله کریمی‌پور و حمیدرضا محمدی (۱۳۸۳)	سد نفوذ قاچاق کالا: از واقعیت تا رؤیا (پژوهش میدانی در محدوده‌ی استان هرمزگان)	- ورود برنامه‌ریزی‌شده به اقتصاد جهانی - انجام اصلاحات ساختاری

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
			- پیوستن به سازمان تجارت جهانی - آزادسازی تجاری - اعطای نقش برتر به بخش داخلی و خارجی
۷	غلامرضا حیدری و میرعبدالله حسینی (۱۳۸۵)	برآورد واردات غیررسمی چای به ایران	- تعدیل سطح تعرفه گمرکی چای - رفع موانع غیرتعرفه‌ای چای - شفاف‌شدن میزان حمایت‌های تجاری - از بین بردن رانت - ایجاد انگیزه در صنایع داخلی برای رقابت - تعدیل نرخ سود بازرگانی - توجه به کیفیت چای - توجه به محدودیت‌های موجود در توسعه کشت چای - تعیین نرخ تعرفه بهینه
۸	جمشید پژویان و مجید مداح (۱۳۸۵)	بررسی اقتصادی قاچاق در ایران	- تجدید نظر در سیاست‌های مبارزه با قاچاق کالا
۹	محمد رضا سیدنورانی و فاطمه عزیزخانی (۱۳۸۵)	بررسی تأثیر متقابل اقتصاد زیرزمینی و مالیات بر ارزش افزوده	- اجرای VAT - تعیین آستانه بهینه، نرخ مالیاتی، بار مالیاتی در قانون مالیات - ارزش افزوده و شفاف‌بودن این قانون برای عامه‌ی مردم - تشویق انگیزه‌ی تمکین مالیاتی در این قانون - پیش‌بینی راه‌کارهای مقابله‌ی با فساد اداری - ایجاد بانک اطلاعاتی مناسب برای جلوگیری از فرار مؤدیان - اطلاع‌رسانی به موقع به مؤدیان - شفاف‌بودن و پاسخ‌گوبودن عملکرد سازمان امور مالیاتی
۱۰	محسن رنایی و ساغر باباحیدری (۱۳۸۵)	اشتغال غیررسمی در ایران: مروری بر مطالعات	- به رسمیت‌شناختن بخش غیررسمی - ارتقاء واحدهای بخش غیررسمی با مقررات‌زدایی و اجرای سیاست‌های تدریجی و شفاف

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
			- کاهش مشکلات ساختاری
۱۱	علی‌اصغر اسفندیاری و فاطمه مهربانی (۱۳۸۵)	بررسی اقتصاد زیرزمینی از دو روش شکاف درآمد - هزینه‌ی خانوار و نسبت نقد	- نظام‌مندکردن آمار و اطلاعات - بهبود نظام مالیاتی - کنترل وضعیت اشتغال - کنترل توزیع و نوع یارانه - کنترل ارزی - کنترل تقاضا برای پول نقد و چک‌های بی‌نام - کاهش دخالت دولت در اقتصاد - عادلانه کردن توزیع درآمد - کاهش کاغذبازی و ساختار اداری ناکارآمد - مبارزه با قاچاق کالا - اعمال سیاست‌های مناسب در جهت کاهش فقر
۱۲	علیرضا شکیبایی و علی رئیس‌پور (۱۳۸۶)	بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران: رویکرد DYMIMIC	- کاهش بیکاری - کاهش نقش دولت در بازار - تعدیل سیاست‌های مالیاتی - کنترل بر فعالیت‌های کوچک کارگاهی و خویش‌فرمایی - ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها - عدم توزیع سرمایه‌های ریز به صورت وام - بهبود سیستم انتظامی به‌ویژه در مورد جرایم اقتصادی - اصلاح برخی از قوانین و مقررات - حضور سیستم انتظامی کارآمد
۱۳	محمدطاهر احمدی شادمهری (۱۳۸۶)	بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیررسمی	- کاهش مازاد عرضه‌ی نیروی کار از طریق قانون‌مندکردن

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
			- سازمان‌دهی دولت با سیاست‌گذاری‌ها و رعایت استانداردها و تأمین اجتماعی
۱۴	علی عرب مازار یزدی و لیلا خودکاری (۱۳۸۶)	برآورد حجم پول‌های کشف در ایران	- محدود کردن فعالیت‌های غیرقانونی - فراهم کردن فضای مناسب جهت افزایش حضور فعالان اقتصادی در فعالیت‌های قانونی - نظارت مؤثر بر جریان پولی کشور
۱۵	حمید ابریشمی، محسن مهرآرا و نازلی هیبتی (۱۳۸۶)	بررسی واکنش متقارن اقتصاد زیرزمینی به تغییرات مالیات	- تمرکز کردن برگسترش پایه‌های مالیاتی - منطقی کردن بار مالیاتی - اجرای صحیح طرح مالیات بر ارزش افزوده (VAT)
۱۶	الیاس ناداران و حسن صدیقی (۱۳۸۷)	بررسی اثر مالیات‌ها و اجزای آن بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران	- کاهش بیکاری - کاهش بروکراسی - کاهش پیچیدگی قوانین و مقررات
۱۷	مجید مداح (۱۳۸۷)	علل و پی‌آمدهای اقتصادی قاچاق کالا در ایران و راه‌های رویارویی با آن	- اعمال سیاست‌های ترکیبی اقتصادی و غیراقتصادی - تجدیدنظر در سیاست‌های اقتصادی از طریق منطقی‌نمودن نرخ تعرفه و کاهش هزینه‌ی واردات رسمی - افزایش انگیزه‌ی اشتغال در بخش رسمی - سیاست‌های توزیعی مناسب دولت و توانمندسازی افراد - کنترل حجم قاچاق
۱۸	صمد عزیزنژاد و سعید توتونچی ملکی (۱۳۸۷)	پول‌شویی و آثار آن بر اقتصاد ملی	
۱۹	حسین راغفر (۱۳۸۷)	اقتصاد سیاسی فساد	- ایجاد نهادهای خوب - پرورش و به‌کارگیری مدیران خلاق - ایجاد نهادهای جمع‌آوری مالیات
۲۰	محمد رضا فرهادی‌پور (۱۳۸۷)	رویکردهای مختلف اقتصاددانان به مسئله‌ی فساد	- کوچک‌سازی دولت

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
			- خصوصی سازی
۲۱	حمید بهره‌مند بگ نظر (۱۳۸۷)	نقش جریان آزاد اطلاعات در پیشگیری اجتماعی از فساد	- ضمانت اجرای کیفری - اقدامات پیشگیرانه‌ی غیر کیفری - پیشگیری‌های اجتماعی - پیشگیری‌های وضعی - اثبات اراده‌ی دستگاه قضا - کاهش شکاف بی‌اعتمادی میان دولت و مردم - همکاری گسترده‌ی جامعه مدنی
۲۲	فتح‌الله تار و سعید غلامی باغی (۱۳۸۷)	اصلاح شاخص فضای کسب و کار، عاملی موثر بر کاهش اقتصاد پنهان و گسترش بخش رسمی	- انجام اصلاحات در فضای کسب و کار - اصلاحات اساسی در برنامه‌های میان مدت اقتصاد کلان - کاهش ریسک فعالیت در فضای رسمی - افزایش اشتغال رسمی - گسترش چتر حمایتی - ایجاد مطلوبیت در بخش رسمی - اتخاذ سیاست‌های مرتبط با اصلاح سه شاخص پرداخت مالیات، اشتغال و سیاست خارجی - مصمم بودن دولت به ساده سازی قوانین
۲۳	مهری رحیمی فر و بابک دائی (۱۳۸۷)	تحلیلی پیرامون جایگاه بازار غیررسمی سرمایه و پول در ایران	- همکاری دستگاه‌ها و عزم ملی
۲۴	علیرضا وطن پور (۱۳۸۷)	قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور	- اراده و تلاش مشترک همه اجزا و ارکان نظام - حمایت مؤثر از تولید داخلی و حمایت از واردات قانونی - افزایش ظرفیت های تولیدی با اجرای برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
			- کاهش قیمت‌ها از طریق پایین‌آوردن هزینه‌ی نهایی تولید و جانشین کردن محصولات داخلی به جای واردات - نظارت بر مناطق آزاد تجاری و بازارچه‌های مرزی - طراحی نظام کنترل گردش پول و کالا - اعمال تدابیر ضد دامپینگ و مبارزه با پولشویی - گسترش همکاری با کشورهای اسلامی و هم‌جوار - افزایش سرمایه‌گذاری در مناطق مستعد - اصلاح نظام مالیاتی، کاهش موانع تعرفه‌ای، حذف انحصارات - تشدید مجازات‌های بازدارنده و افزایش ریسک قاچاق - کوشش در تحقق استراتژی‌های توسعه‌ی صنعتی و هماهنگ کردن همه‌ی سیاست‌ها با توجه به الزامات سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور - پیاده‌سازی استراتژی جایگزینی واردات - تولید کالای مورد نیاز غیررقابتی خارجی در داخل - تامین سلامت اقتصادی با توجه به اصل مزیت نسبی - کاهش قاچاق از طریق تبدیل بعضی از کالای ممنوع و مشروط از طریق تعرفه‌ی متعادل - استفاده از تجربیات موفق سایر کشورها و تلاش برای الحاق به سازمان تجارت جهانی
۲۵	مجید صامتی، مرتضی سامتی و علی دلایی میلان (۱۳۸۸)	برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران به روش MIMIC	- کاهش بیکاری - مهار تورم - اجتناب از جهش بار مالیاتی - گسترش و نهادینه‌سازی فرهنگ مالیاتی - کاهش حجم مقررات در ثبت بنگاه‌ها

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
			- تزریق نکردن درآمدهای نفتی دولت در هزینه های جاری
۲۶	حسین صادقی، عباس عساری و وحید شفاقی شهری (۱۳۸۸)	اندازه‌گیری فساد مالی در ایران با استفاده از منطق فازی	
۲۷	مصطفی سلیمی‌فر و محمد کیوان‌فر (۱۳۸۹)	اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم	- استفاده از یک سیستم مالیاتی کارآمد - توجه به متغیرهای کلان اقتصادی - مبارزه با رانت‌جویی - عدم فعالیت دولت در امور اقتصادی
۲۸	حسین مهرابی بشرآبادی، سمیه کوچک‌زاده و حمید تابلی (۱۳۸۹)	آیا اقتصاد سایه‌ای رشد اقتصادی را تهدید می‌کند؟	- کاهش بار مالیاتی - کاهش شدت قوانین و مقررات - کاهش نرخ بیکاری - افزایش آگاهی‌های سیاست‌گذاران، مجریان و عموم مردم
۲۹	محمد اخباری، مهدیه اخباری و رضا آقابابایی (۱۳۸۹)	کاربرد رویکرد منطق فازی در مدل‌سازی تجارت غیرقانونی (قاچاق) در ایران	
۳۰	میثم موسایی و مریم احمدزاده (۱۳۸۹)	بررسی رابطه‌ی بین آموزش اجتماعی و ارتکاب به قاچاق کالا (استان هرمزگان)	- ایجاد یک بستر مبارزه با رانت خواری
۳۱	علی محمد احمدی و رضا وفایی یگانه (۱۳۸۹)	پیشنهاد شاخص بومی اندازه‌گیری فساد در ایران با استفاده از روش دلفی	
۳۲	ملیحه خواجوی، ابراهیم رضایی و حسن خداویسی (۱۳۸۹)	برآورد پول‌های کثیف و بررسی پیامدهای آن در اقتصاد ایران: رهیافت آزمون کرانه‌ها	- مسدود کردن کانال‌های منجر به گسترش اقتصاد زیرزمینی به‌ویژه در بخش پولی و بانکی - گسترش شفافیت در بخش پولی و بانکی
۳۳	سمانه طالعی اردکانی، رسول بخشی دستجردی و آزاده سعادت‌خواه (۱۳۹۰)	مدل‌یابی اقتصاد زیرزمینی ایران با استفاده از منطق فازی	- شناخت علل و ماهیت فعالیت‌های پنهان - منظورکردن اقتصاد زیرزمینی در حساب‌های ملی - تخمین اقتصاد زیر زمینی - توجه بیشتر به بار مالیاتی

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
			- تعیین نرخ بهینه‌ی مالیات
۳۴	محمد اخباری و مهدیه اخباری (۱۳۹۰)	کاربرد رویکرد منطق فازی در مدل‌سازی اقتصاد غیررسمی در ایران	
۳۵	محسن رنانی، شیرین اربابیان و محمد میرزایی (۱۳۹۰)	شناخت ساختار اشتغال زنان در بخش غیررسمی کشور	- سیاست‌گذاری اشتغال با توجه به بخش غیررسمی - حمایت از شاغلان زن در بخش غیررسمی و سوق دادن به بخش رسمی - اهمیت تحصیلات در جذب نیروی کار در بخش رسمی - کاهش موانع اشتغال رسمی زنان
۳۶	صادق بختیاری و خجسته خوب‌خواهی (۱۳۹۰)	اشتغال در بازار کار غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن در ایران (۱۳۵۱ - ۱۳۸۵)	- توجه به بخش غیررسمی و شناسایی موانع و دشواری‌ها - افزایش تدریجی و محتاطانه‌ی مالیات - کنترل تورم - مبارزه با بیکاری و تعقیب سیاست اشتغال - حمایت از مؤسسات مالی خرد با هدف تأمین مالی برای بخش غیررسمی - ایجاد نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای حمایت از حقوق گارگران بخش غیررسمی
۳۷	مجید مداح و فروغ‌السادات نوع ایران (۱۳۹۱)	تخمین ارزش اقتصاد غیررسمی در ایران بر مبنای متغیرهای زیستمحیطی، رهیافت فیلترکالمن	- تدوین، اجرا و نظارت بر اجرای قوانین و مقررات حفظ منابع طبیعی - فراهم کردن شرایط مناسب اقتصادی جهت کارو فعالیت رسمی - تدوین مقررات مبارزه با فعالیت‌های غیررسمی - استفاده از ابزارهای سیاستی مالیات و یارانه برای کاهش فعالیت در بخش غیررسمی - تقویت انگیزه فعالیت در بخش اقتصادی در بخش رسمی

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
			-قاعده‌مند کردن فعالیت‌های غیررسمی
۳۸	زهره نصراللهی و سمانه طالعی اردکانی (۱۳۹۱)	تخمین اقتصاد سایه‌ای و بررسی اثرات آن روی آلودگی هوا؛ مطالعه‌ی موردی: اقتصاد ایران	-وضع مالیات بر انتشار آلودگی
۳۹	زهره نصراللهی، محمدرضا فرزندگان و سمانه طالعی اردکانی (۱۳۹۱)	بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران (مقایسه‌ی نرم‌افزارهای مدل‌سازی آموس گرافیک و لیزرل)	
۴۰	مهنوش عبدالله میلانی و نرگس اکبرپور روشن (۱۳۹۱)	فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی در ایران	
۴۱	محسن رناتی، محمد میرزایی و شیرین اربابیان (۱۳۹۱)	بخش غیررسمی و ظرفیت‌های مالیاتی از دست رفته (مطالعه‌ی موردی: استان کهگیلویه و بویر احمد)	-گسترش سرمایه‌گذاری و بهبود فناوری در فعالیت‌های کشاورزی -بالا بردن ظرفیت مالیاتی بخش کشاورزی
۴۲	هانیه علیزاده و فرهاد غفاری (۱۳۹۲)	برآورد اندازه‌ی اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی عوامل مؤثر بر آن	-بهبود نظام مالیاتی، نرخ‌های عادلانه مالیاتی، نظارت بر اجرای درست مالیات‌ستانی -کاهش ذهنیت منفی افراد به پرداخت مالیات با استقرار چارچوب شایسته نظارتی و نظام تشویق و تنبیه -جلب اعتماد مردم از طریق افزایش کیفیت خدمات عمومی -افزایش رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بلندمدت
۴۳	وحید تقی‌نژاد عمران و معصومه نیک‌پور (۱۳۹۲)	اقتصاد زیرزمینی و علت‌های آن: مطالعه‌ی موردی ایران	-بهبود نظام مالیاتی و نرخ‌های عادلانه‌ی مالیاتی -اجرای درست مالیات‌ستانی -ایجاد فرهنگ مالیات و جلب اعتماد مردم -کاهش تورم با اتخاذ سیاست پولی مناسب -تقویت سمت عرضه از طریق افزایش بازدهی تولید -اجرای سیاست‌های توزیعی و فقرزدایی -افزایش انگیزه‌ی فعالیت‌های اقتصادی مولد -کاهش حجم دولت و کاهش تصدی‌گری

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
			- شایسته‌سالاری و نظارت دقیق دولت بر اجرای درست قوانین - کاهش بروکراسی ناکارآمد
۴۴	محمدحسن فطرس و علی دلانی میلان (۱۳۹۲)	عوامل مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در ایران ۱۳۹۱-۱۳۴۲	- کاهش بیکاری - جذب سرمایه‌گذاری خارجی - گسترش فرصت‌های کاری در مناطق مرزی با استفاده از ظرفیت مناطق آزاد تجاری و اقتصادی - کاهش محدودیت‌های تجاری - مهار تورم - سیاست پولی مناسب و انضباط مالی دولت - اجتناب از جهش در بار مالیاتی - شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و کاهش فرار مالیاتی - اجرای نظام مالیات بر ارزش افزوده - گسترش و نهادینه سازی فرهنگ مالیاتی - کاهش حجم مقررات برای ثبت بنگاه‌ها - تزیق نکردن درآمدهای نفتی برای هزینه‌ی جاری دولت
۴۵	منصور زراءنژاد، صلاح ابراهیمی، پویان کیانی (۱۳۹۲)	برآورد حجم قاچاق کالا در ایران به روش MIMIC	
۴۶	علی‌اصغر اسفندیاری، مهدی پدram و صادق مجدم (۱۳۹۲)	اقتصاد غیررسمی، خانه‌داری زنان و عوامل موثر بر آن (مطالعه‌ی موردی زنان متأهل شهر اهواز)	- لحاظ کردن کار خانه‌داری زنان به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی و اجتماعی - بوجودآمدن نظام تامین اجتماعی زنان خانه‌دار
۴۷	علیرضا شکیبایی و قاسم شادمانی (۱۳۹۳)	برآورد اقتصاد سایه‌ای ایران (۱۳۸۶-۱۳۴۹) با استفاده از مدل سازی فازی چندمرحله‌ای	- رفع معضل بیکاری - ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
			- تقویت سیستم نظارتی بر روی اتحادیه ها و صنوف توسط دولت - تقویت سیستم اطلاعاتی در مورد افراد فعال در این شغل‌ها - ترمیم و بهبود فضای کسب و کار و امنیت اقتصادی - بهبود سیستم مالیاتی - اصلاح نظام تعرفه توسط دولت - رفع تبعیض در تشخیص مالیات - تقویت سیستم اطلاعات و خدمات مالیاتی کشور - تامین نیروی انسانی متعهد و متخصص - بهبود سیستم انتظامی به‌ویژه در مورد جرایم اقتصادی از طریق کنترل بیشتر و اصلاح قوانین
۴۸	ابراهیم رضائی و ملیحه خواجوی (۱۳۹۳)	بررسی رابطه‌ی غیرخطی بین اقتصاد پنهان و سطح بار مالیاتی در ایران: کاربردی از مدل‌های مارکف سوئیچینگ و رویکرد شبیه‌سازی	
۴۹	اسمعیل ابونوری و عبدالحامد نیک‌پور (۱۳۹۳)	اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران	- اجرای تدریجی سیاست افزایش بار مالیاتی
۵۰	خسرو پیرایی و حسینعلی رجایی (۱۳۹۴)	اندازه‌گیری اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی علل و آثار آن	- کاهش تورم - عدم افزایش ناگهانی بار مالیاتی - کاهش محدودیت‌های قانونی - کاهش محدودیت‌های تجاری - کاهش قوانین و مقررات برای ورود به فضای کسب و کار در اقتصاد رسمی - کمک به ایجاد اشتغال در بخش رسمی

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
۵۱	احمد اسدزاده و زهرا جلیلی (۱۳۹۴)	اقتصاد سایه و نابرابری درآمدی در ایران	- در نظر گرفتن راهبردهای رشد با توزیع درآمدی - برقراری سیستم مالیات قوی برای جلوگیری از فرار مالیاتی - دخالت بهینه دولت در برنامه‌های اجتماعی و آموزشی و بهداشتی
۵۲	مسعود خداپناه (۱۳۹۴)	برآورد شاخص فساد اقتصادی در ایران به روش فازی و بررسی رابطه‌ی آن با اقتصاد زیرزمینی با استفاده از آزمون علیت هیشائو	- اولویت‌دادن به سطح کارآمدی دولت - تغییر در میزان محدودیت‌های قانونی - آزادسازی تجاری - کاهش محدودیت‌های قانونی و تجاری با فراهم کردن زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی
۵۳	سید مرتضی افقه و سید امین منصوری (۱۳۹۴)	بررسی ارتباط و تأثیر جرائم اخلاقی و اقتصادی بر حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران با روش MIMIC	- افزایش امنیت در جامعه - کاهش فساد اداری و بی‌سوادی - کاهش جرایم اخلاقی از طریق کاهش طلاق و افزایش سطح دانش - کاهش حجم دولت
۵۴	رضا امیدپور، جمشید پژویان، تیمور محمدی و عباس معمارنژاد (۱۳۹۴)	برآورد حجم اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی: تحلیل تجربی در ایران	- کنترل تورم - اجرای انضباط مالی بیشتر - اجتناب از افزایش بار مالیاتی - شفاف‌سازی و کاهش شدت قوانین و مقررات - بهبود فضای کسب و کار - افزایش درآمدهای مالیاتی پایدار - کاهش کسری بودجه
۵۵	محمد ویسیان، میرنجف موسوی، طاها ربانی و واحد احمدتوزه (۱۳۹۴)	تحلیلی بر وضعیت شاغلان بخش اقتصاد غیررسمی (مطالعه‌ی موردی: شهر قروه)	- آموزش در مراکز فنی و حرفه‌ای - ایجاد صنایع کوچک تبدیلی در مناطق روستایی - سرمایه‌گذاری دولت در بخش زیربنایی

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	توصیه‌های سیاستی پیشنهادی
			- توجه به سرمایه گذاری در نیروی انسانی توسط دولت - اولویت دادن به استخدام نیروهای بومی - جذب سرمایه‌های سرگردان در جهت ایجاد مشاغل کاربر - اعطای وام کم بهره به خانواده‌های کم درآمد
۵۶	محمود کاظمیان و حمیده جوادی نسب (۱۳۹۵)	ارزش گذاری اقتضایی و ارزیابی تأثیر سیاست‌های گسترش بیمه‌های اجتماعی درمان بر تمایل به پرداخت خانوارهای کم درآمد در بخش غیررسمی اشتغال	- گسترش نظام اداری بیمه های اجتماعی برای بخش غیررسمی
گزارش‌های پژوهشی			
۱	محسن رنانی، ساغر باباحیدری، سعید نایب و مریم مه‌آبادی (۱۳۸۰)	ساختار اشتغال در بخش غیررسمی و نقش آن در جذب نیروی انسانی متخصص	- اصلاح نظام اماری کشور در جهت پوشش بخش غیررسمی - حمایت دولت از بخش غیررسمی در سیاست گذاری‌ها به خصوص سیاست مالی - اطلاع در سیستم مالیاتی و قانون کار و تامین اجتماعی به نفع بخش غیررسمی - کاهش قوانین بروکراتیک حاکم بر سیستم بانکی کشور و تعیین نرخ بهره متعادل - تدوین قواعد منطبق با واقعیت‌های اقتصادی - اتخاذ سیاست‌ها تسهیل کننده‌ی ورود به بخش رسمی - ارتقاء بخش غیررسمی از طریق سیاست‌های تشویقی جهت جذب دانش‌آموختگان عالی
۲	فریده باقری، علی عرب‌مازار یزدی و علی‌اصغر بانوئی (۱۳۸۱)	روش اندازه‌گیری بخش غیررسمی در ایران	
۳	علیرضا شکیبایی (۱۳۸۲)	برآورد اقتصاد زیرزمینی و تحلیل علل شکل‌گیری آن در ایران با استفاده از الگوی منطق فازی	

جدول ۸-۲: مسیرهای آتی پژوهش در باره‌ی اقتصاد غیررسمی در ایران در مطالعات ایرانی

ردیف	پدیدآورنده(گان) و سال انتشار	عنوان	پژوهش‌های آتی پیشنهادی
مقالات علمی			
۱	علیرضا شکیبایی و حسین صادقی (۱۳۸۲)	مدل‌سازی اقتصاد زیرزمینی با روش فازی	—اندازه‌گیری اقتصاد غیررسمی با استفاده از مجموعه‌ی جامع‌تری از متغیرهای علی و توابع عضویت
۲	حسین مهرابی بشرآبادی، سمیه کوچک‌زاده و حمید تابلی (۱۳۸۹)	آیا اقتصاد سایه‌ای رشد اقتصادی را تهدید می‌کند؟	—انجام مطالعات تکمیلی در مورد اثر اقتصاد سایه‌ای بر رشد اقتصادی با استفاده از روش‌ها و متغیرهای مختلف
۳	علی محمد احمدی و رضا وفایی یگانه (۱۳۸۹)	پیشنهاد شاخص بومی اندازه‌گیری فساد در ایران با استفاده از روش دلفی	—سنجش فساد اقتصادی —بومی‌سازی شاخص فساد اقتصادی
۴	مهنوش عبدالله میلانی و نرگس اکبرپور روشن (۱۳۹۱)	فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی در ایران	—ارزیابی اقتصادی گرفتن مالیات از بخش غیررسمی —تخمین فرار مالیاتی
گزارش‌های پژوهشی			
۱	فریده باقری، علی عرب‌مازار یزدی و علی‌اصغر بانوئی (۱۳۸۱)	روش اندازه‌گیری بخش غیررسمی در ایران	—اعمال تغییرات لازم در طرح‌های موجود آمارگیری به‌منظور دستیابی به اطلاعات اولیه‌ی ضروری از عملکرد بخش غیررسمی در ایران، در کوتاه‌مدت —حمایت از پژوهش‌های اندازه‌گیری غیرمستقیم فعالیت‌های بخش غیررسمی در ایران به‌منظور دسترسی به اطلاعات اولیه‌ی لازم و اعمال کنترل متقابل یافته‌های طرح‌های اصلاح‌شده و این پژوهش‌ها، در کوتاه‌مدت —اجرای طرح مستقل آمارگیری فعالیت‌های بخش غیررسمی، در میان‌مدت

فهرست مآخذ^۱

الف. فارسی

آذربایجانی، کریم، طیبی، سیدکمیل و صفا درگیری، حلیمه (۱۳۹۴). اثر تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده و اتحادیه‌ی اروپا بر تجارت دوجانبه‌ی ایران و شرکای عمده‌ی تجاری آن: کاربرد مدل جاذبه. فصلنامه‌ی تحقیقات اقتصادی، دوره‌ی ۵۰، شماره‌ی ۳.

آذری، مصطفی (۱۳۸۸). بررسی تأثیر تحریم بر قاچاق. قسمت اول. دوماهنامه‌ی اقتصاد پنهان. شماره‌ی ۶ و ۷.

آذری، مصطفی (۱۳۸۸). بررسی تأثیر تحریم بر قاچاق. قسمت دوم. دوماهنامه‌ی اقتصاد پنهان. شماره‌ی ۸.

آماده، حمید، خادم‌علیزاده، امیر و بقالیان، محبوبه (۱۳۹۳). تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر سطح اشتغال در ایران. راهبرد اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۱.

ابونوری، اسمعیل و نیک پور، عبدالحامد (۱۳۹۳). اثر شاخص‌های بار مالیاتی بر حجم اقتصاد پنهان در ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی سال ۵، شماره‌ی ۱۷.

اخباری، محمد و اخباری، مهدیه (۱۳۹۰). کاربرد رویکرد منطق فازی در مدل‌سازی اقتصاد غیررسمی در ایران. فصلنامه‌ی روند اقتصادی. سال نوزدهم، شماره‌ی ۵۹.

اخباری، محمد، اخباری، مهدیه و آقابابایی، رضا (۱۳۸۹). کاربرد رویکرد منطق فازی در مدل‌سازی تجارت غیرقانونی (قاچاق) در ایران. فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری. دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۴.

اسفندیاری، علی‌اصغر و جمال‌منش، آرش (۱۳۸۱). اقتصاد زیرزمینی و تأثیر آن بر اقتصاد ملی. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۶.

^۱ این فهرست فقط شامل منابعی است که در متن گزارش به آنها ارجاع داده شده است. فهرست مطالعات ایرانی انجام‌شده در باره اقتصاد رسمی که در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته‌اند در جدول ضمیمه فصل اول آمده است که در مواردی با این فهرست هم‌پوشانی دارد.

- اسفندیاری، علی اصغر و مهربانی، فاطمه (۱۳۸۵). بررسی اقتصاد زیرزمینی از دو روش شکاف درآمد - هزینه‌ی خانوار و نسبت نقد. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۲۳.
- ایزائلو، بلال و حبیبی، مجتبی (۱۳۹۰). کاربرد فراتحلیل در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری: مروری بر مزایا، تنگناها و روش‌شناسی. تحقیقات علوم رفتاری، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۱، صص. ۷۰-۸۲.
- پژویان، جمشید و مداح، مجید (۱۳۸۵). بررسی اقتصادی قاچاق در ایران. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، شماره‌ی ۲۰.
- پیرایی، خسرو و رجایی، حسینعلی (۱۳۹۴). اندازه‌گیری اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی علل و آثار آن. فصلنامه‌ی سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۳، شماره‌ی ۹.
- تاری، فتح‌الله و غلامی باغی، سعید (۱۳۸۷). اصلاح شاخص فضای کسب و کار، عاملی موثر بر کاهش اقتصاد پنهان و گسترش بخش رسمی. مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره‌ی ۵۸.
- تقی‌نژادعمران، وحید و نیک‌پور، معصومه (۱۳۹۲). اقتصاد زیرزمینی و علت‌های آن: مطالعه‌ی موردی ایران. مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال ۲، شماره‌ی ۸.
- توماس، جی. جی. و دیگران (۱۳۷۶). اقتصاد غیر رسمی. ترجمه و تلخیص: منوچهر نوربخش و کامران سپهری. تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۵). مصاحبه با محمود بهشتیان، مشاور رئیس گمرک. نوزدهم تیرماه.
- خلعت‌بری، فیروزه (۱۳۶۹). اقتصاد زیرزمینی. مجله رونق. سال اول. شماره‌ی ۱. صص. ۵-۱۱.
- خواجوی، ملیحه، رضایی، ابراهیم و خداویسی، حسن (۱۳۸۹). برآورد پول‌های کثیف و بررسی پیامدهای آن در اقتصاد ایران: رهیافت آزمون کرانه‌ها. فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۴.
- دسوتو، هرماندو (۱۳۸۴). چرا اقتصاد غیررسمی اهمیت دارد؟. ترجمه‌ی جعفر خیرخواهان. فصلنامه‌ی تأمین اجتماعی، سال هفتم، شماره‌ی ۲۰.
- دسوتو، هرماندو (۱۳۸۵). راز سرمایه؛ چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟. ترجمه‌ی فریدون تفضلی. نشر نی.

دسوتو، هرئاندو (۱۳۹۰). راه دیگر. ترجمه‌ی جعفر خیرخواهان. نشر نی.

رنانی، محسن و باباحیدری، ساغر (۱۳۸۵). اشتغال غیررسمی در ایران: مروری بر مطالعات. فصلنامه‌ی اقتصاد و جامعه. شماره‌ی ۹.

رنانی، محسن، باباحیدری، ساغر، نایب، سعید و مه‌آبادی، مریم (۱۳۸۰). ساختار اشتغال در بخش غیررسمی و نقش آن در جذب نیروی انسانی متخصص. مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

زاهدی، شمس‌السادات و محمدی، ابوالفضل (۱۳۸۴). فراتحلیل راهی به سوی شناسایی ارزشیابی ترکیب و تلخیص پژوهش‌های گذشته. فصلنامه‌ی مطالعات مدیریت، شماره‌ی ۴۷، صص. ۵۱-۷۹.

زراءنژاد، منصور، ابراهیمی، صلاح و کیانی، پویان (۱۳۹۲). برآورد حجم قاچاق کالا در ایران به روش MIMIC. سیاست‌گذاری اقتصادی، سال ۵، شماره‌ی ۹.

سلیمی‌فر، مصطفی و کیوان‌فر، محمد (۱۳۸۹). اقتصاد غیررسمی در ایران و اثر تورم. مجله‌ی دانش و توسعه. سال ۱۷، شماره‌ی ۳۳.

شکیبایی، علیرضا و رئیس‌پور، علی (۱۳۸۶). بررسی روند تحولات اقتصاد سایه‌ای در ایران: رویکرد DYMIMIC. فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره‌ی ۳.

شکیبایی، علیرضا و شادمانی، قاسم (۱۳۹۳). برآورد اقتصاد سایه‌ای ایران (۱۳۸۶-۱۳۴۹) با استفاده از مدل‌سازی فازی چندمرحله‌ای. فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه‌ی پایدار)، سال ۱۴، شماره‌ی ۱.

شکیبایی، علیرضا و صادقی، حسین (۱۳۸۲). مدل‌سازی اقتصاد زیرزمینی با روش فازی. مجله‌ی تحقیقات اقتصادی. شماره ۶۲.

صالحی اصفهانی، هادی (۱۳۹۲). نسبت تحریم‌ها و اقتصاد غیررسمی؛ آیا تحریم، اقتصاد زیرزمینی را بزرگ می‌کند؟. هفته‌نامه‌ی تجارت فردا، شماره‌ی ۷۱.

صامتی، مجید، صامتی، مرتضی و دلایی میلان، علی (۱۳۸۸). برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران به روش MIMIC. مجله‌ی مطالعات اقتصاد بین‌الملل، سال بیستم، شماره‌ی ۳۵.

ضیائی بیگدلی، محمدتقی، غلامی، الهام و طهماسبی بلداجی، فرهاد (۱۳۹۲). بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت ایران: کاربردی از مدل جاذبه. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۴۸.

طالعی اردکانی، سمانه، بخشی دستجردی، رسول و سعادت‌خواه، آزاده (۱۳۹۰). مدل‌یابی اقتصاد زیرزمینی ایران با استفاده از منطق فازی. فصلنامه‌ی تحقیقات اقتصادی راه اندیشه.

طغیانی، مهدی و درخشان، مرتضی (۱۳۹۳). تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راه‌کارهای مقابله با آن. فصلنامه‌ی راهبرد. سال ۲۳، شماره‌ی ۷۳

عبدالله میلانی، مهنوش و اکبرپور روشن، نرگس (۱۳۹۱). فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیررسمی در ایران. پژوهشنامه‌ی مالیات، شماره‌ی ۱۳.

عرب‌مازار یزدی، علی (۱۳۸۶). اقتصاد سیاه در ایران. مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی. چاپ دوم. عرب‌مازار یزدی، علی و خودکاری، لیلا (۱۳۸۶). برآورد حجم پول‌های کثیف در ایران. فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی اقتصادی، سال هفتم، شماره‌ی چهارم.

عزتی، مرتضی و سلمانی، یونس (۱۳۹۳). بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش خارجی اقتصاد. فصلنامه‌ی آفاق امنیت، سال هفتم، شماره‌ی ۲۵.

عزیزنژاد، صمد و سیدنورانی، سیدمحمد رضا (۱۳۸۸). بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی. مجلس و پژوهش. سال ۱۶، شماره‌ی ۶۱.

فدائی، مهدی و درخشان، مرتضی (۱۳۹۴). تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران. پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی. سال ۵، شماره‌ی ۱۸.

فطرس، محمدحسن و دلایی میلان، علی (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر اقتصاد زیرزمینی در ایران ۱۳۴۲-۱۳۹۱. فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۴.

قاسمی، عبدالرسول (۱۳۹۳). مدیریت اقتصادی کشور در شرایط تحریم (چالش‌ها و راهبردها). اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.

کازرونی، علیرضا، قربانی، عادل و ثقفی کلوانق، رضا (۱۳۹۴). بررسی کارایی تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه و چندجانبه بر تجارت خارجی محصولات غیرنفتی در ایران. فصلنامه‌ی نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال دوم، شماره‌ی ۱، صص. ۸۴-۸۵.

کاظمی، مهین‌دخت و پورمقیم، سیدجواد (۱۳۸۶). تخمین توابع واکنش صادرات برای فولاد خام بر اساس مدل سیاست استراتژیک تجاری. مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، شماره‌ی ۷۸.

کميجانی، اکبر و میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۰). سازوکار سیاست استراتژیک تجاری برای توسعه‌ی صادرات صنعتی ایران. پژوهشنامه‌ی بازرگانی. شماره‌ی ۲۰.

مجله‌ی بررسی‌های بازرگانی (۱۳۷۷). سیاست استراتژیک تجاری چیست و چه مزایایی دارد؟. شماره‌ی ۱۳۸. صص. ۲۹ و ۳۰.

مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۹). گزارش ویژه: بررسی تأثیر تحریم اقتصادی بر قاچاق کالا و ارز. منتشر شده در: ماهنامه‌ی کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی مجمع تشخیص مصلحت نظام با عنوان: مبارزه با قاچاق کالا و ارز، میراث فرهنگی، انسان و سلاح.

مداح، مجید (۱۳۸۷). علل و پی‌آمدهای اقتصادی قاچاق کالا در ایران و راه‌های رویارویی با آن. مجله‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌ی ۲۵۳-۲۵۴.

مرزبان، حسین و استاذزاد، علی حسین (۱۳۹۴). تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تولید و رفاه اجتماعی ایران: رهیافتی از الگوی رشد تعمیم‌یافته‌ی تصادفی. فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال بیستم، شماره‌ی ۶۳.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴). گزارش‌های فصلی پایش محیط کسب و کار در ایران. معاونت پژوهش‌های اقتصادی. دفتر مطالعات اقتصادی.

مسعودنیا، حسین، ابراهیمی، علی و مرادی، اسدالله (۱۳۹۳). تحریم اقتصادی؛ فرصت‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در تأمین منافع ملی. راهبرد اقتصادی. سال ۳، شماره‌ی ۱۱.

مهرابی بشرآبادی، حسین، کوچک‌زاده، سمیه و تابلی، حمید (۱۳۸۹). آیا اقتصاد سایه‌ای رشد اقتصادی را تهدید می‌کند؟ فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۵، شماره‌ی ۴۵.

موسوی شفائی، مسعود و نقدی، فرزانه (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی بین‌المللی ایران در دوران پساتحریم. فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال هفتم، شماره‌ی چهارم، ص. ۲۳.

میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۶). سیاست راهبردی (استراتژیک) تجاری و خلق مزیت در کشورهای درحال توسعه. بررسی‌های بازرگانی، شماره‌ی ۲۲.

نصراللهی، زهرا و طالعی اردکانی، سمانه (۱۳۹۱). تخمین اقتصاد سایه‌ای و بررسی اثرات آن روی آلودگی هوا؛ مطالعه‌ی موردی: اقتصاد ایران. فصلنامه‌ی پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه‌ی پایدار)، سال ۱۲، شماره‌ی ۴.

نصیری اقدم، علی، نوری، مهدی و کاکاوندی، محمدمهدی (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر اندازه‌ی اقتصاد غیررسمی؛ مقایسه‌ی اثر نرخ‌های مالیات و تعرفه با اثر متغیرهای نهادی. پژوهشنامه‌ی مالیات، شماره‌ی ۱۴ (مسلسل ۶۲).

نعمت‌اللهی، سمیه و گرشاسبی، علیرضا (۱۳۹۳). بررسی تغییرات تنوع‌پذیری صادرات غیرنفتی در شرایط تحریم‌های بین‌المللی با تأکید بر دوره‌ی زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۳. فصلنامه‌ی پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۴.

نهادوندیان، محمد، لطفی، محمد و رهبر، فرهاد (۱۳۹۰). جابه‌جایی شرکای تجاری به‌عنوان ابزاری برای کاهش پیامدهای منفی تحریم‌های اقتصادی. پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴.

نورث، داگلاس (۱۳۷۷). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی. ترجمه‌ی: محمدرضا معینی. سازمان برنامه و بودجه. مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.

نورث، داگلاس، والیس، جان و وینگاست، باری (۱۳۸۵). چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری. ترجمه‌ی جعفر خیرخواهان. فصلنامه‌ی اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه، سال اول، شماره‌ی سوم.

وطن‌پور، علیرضا (۱۳۸۷). قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور. بررسی‌های بازرگانی، شماره‌ی ۲۸.

یاوری، کاظم (۱۳۷۹). تئوری و تخمین قاچاق و گران‌نمایی واردات با استفاده از اختلافات آماری، مورد ایران (۷۶-۱۳۵۶). مجموعه مقالات سومین همایش ملی بررسی پدیده‌ی قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری آن، آذر ۱۳۷۸.

دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد.

Farzanegan, Mohammad Reza (۲۰۱۳). Effects of International Financial and Energy Sanctions on Iran's Informal Economy. SAIS Review of International Affairs, Vol. ۳۳, No. ۱, pp. ۱۳-۳۶.

Petrescu, Ioana M. (۲۰۱۱). Black Markets and Economic Sanctions. Working Paper. University of Maryland.

Schneider, Friedrich (۲۰۰۴). The Size of the Shadow Economies of ۱۴۵ Countries all over the World: First Results over the Period ۱۹۹۹ to ۲۰۰۳. IZA: Discussion Paper Series. No. ۱۴۳۱.

Schneider, Friedrich (۲۰۰۷). Shadow Economies and Corruption All Over the World: New Estimates for ۱۴۵ Countries. Economics: E-Journal. ۲۰۰۷-۹

Schneider, Friedrich, Buehn, Andreas and Montenegro, Claudio E. (۲۰۱۰). 'New Estimates for the Shadow Economies all over the World'. International Economic Journal, ۲۴: ۴, ۴۴۳ — ۴۶۱.

Schneider, Friedrich and Enste, Dominik (۲۰۰۰): Shadow economies: Size, causes, and consequences, The Journal of Economic Literature, ۳۸/۱, pp. ۷۷-۱۱۴.

Taghavi, M, Shayegani, B., Gaffari, F., Monsef, A. and NiakanLahiji, Ali (۲۰۱۲). Does Gravity Model Work for the Selection Trade Partners Among SCO Members? (The Case Study of Iran). Journal of American Science, ۸(۱۰), ۷۴۷-۷۵۳.

Williamson, Oliver (۱۹۹۸). Transaction Cost Economics: How It Works, Where It Is Headed; De Economist ۱۴۶, No.۱.